



www.tabarestan.info

پندت رستم

تاریخ، سرزمین، فرهنگ
اشکان فروتن

ناظر طرح: دکتر غلامرضا منتظری

بِنَامِ خَدَا

تَبرَسْتَان

www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

شهرنامه‌های استان گلستان / ۴

بندر ترکمن

تاریخ، سرزمین، فرهنگ

تألیف:

اشکان فروتن

با همکاری:

شهناز بیگی بروجنی

نشر رسانش - ۱۳۹۰

سرشناسه : فروتن، اشکان، ۱۳۴۶ - .
 عنوان و نام پدیدآور : بندر ترکمن؛ تاریخ، سرزمین، فرهنگ / تألیف اشکان فروتن، با همکاری شهناز بیگی
 بروجنی؛ به سفارش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان.
 مشخصات نشر : تهران؛ رسانش، ۱۳۹۰ .
 مشخصات ظاهری : ۴۰۰ ص.؛ مصور، جدول، نمودار.
 فروست : شهرنامه‌های استان گلستان؛ [ج.].
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۱-۴۳-۲؛ ۹۷۸-۵-۳۹-۵۰۱۱-۶۰۰-۵ .
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب‌نامه.
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : شهرها و شهرستان‌ها -- ایران -- گلستان
 موضوع : بندر ترکمن
 شناسه افزوده : بیگی بروجنی، شهناز، ۱۳۵۰ - .
 شناسه افزوده : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان
 شناسه افزوده : شهرنامه‌های استان گلستان؛ [ج.].
 رده‌بندی گنگره : ۱۳۹۰ ج. ۴ ف ۴۵ ف ۹ افق ۱۴۷ HT
 رده‌بندی دیوبیسی : ۲۰۷/۷۶۰۹۵۵۲۱۴۲
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۲۴۵۲۹۲۹



تهران: بهار شمالی، شکیبا، شیرازی، پلاک ۷، واحد ۲.
 تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۹۱۲ ۹۱۳۱ تلفکس: ۷۷۵۳۰ ۵۳۶ rasanesh.pub@gmail.com

بندر ترکمن (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)

اشکان فروتن

با همکاری: شهناز بیگی بروجنی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد

ناشر: رسانش

لیتوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش و سرمایه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان تألیف
 و انتشار یافته است.

قیمت ۹۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش گفتار
۱۷	محتوای هر کتاب
۲۹	سپاسگزاری
۳۵	بخش اول: تاریخ
۴۹	فصل اول: وجه تسمیه
۵۸	فصل دوم: بندر ترکمن در روزگار باستان
۶۳	فصل سوم: بندر ترکمن در دوران اسلامی
۶۳	فصل چهارم: آثار باستانی و تاریخی
۱۳۱	بخش دوم: سرزمین
۱۴۶	فصل اول: جغرافیای طبیعی
۱۷۸	فصل دوم: جغرافیای انسانی
۱۹۰	فصل سوم: جغرافیای اقتصادی
۲۰۰	فصل چهارم: جغرافیای سیاسی
۲۸۱	فصل پنجم: دانشنامه آبادی‌ها
۲۹۰	بخش سوم: فرهنگ
۳۱۷	فصل اول: فرهنگ عمومی
۳۴۳	فصل دوم: فرهنگ و آموزش
۳۸۹	فصل سوم: مشاهیر فرهنگ و هنر
	سرچشمه‌ها
	نمايه‌ها

سازمان دهی طرح دانشنامه شهرستان های استان گلستان (شهرنامه های علمی، فرهنگی هنری)

مدیریت عالی: هسته پژوهشی «مرکز مطالعات تاریخ ایران زمین» (ممتد)
 مجری طرح: اشکان فروتن

قائم مقام طرح: شهناز بیگی بروجنی
 مدیران گروه های تخصصی: دکتر زکریا رستگار - فربیان احمدی - دکتر
 ارمیا نخعی - دکتر محمود فرزانه

مشاوران عالی: حجت الاسلام محمدعلی اسکندری - دکتر حبیب الله
 عظیمی - دکتر جمشید صداقت کیش

مدیر روابط عمومی و رسانه: خدیجه جلالی عزیزیان
 دبیرخانه عالی مدیریت اجرایی و نظارت: قدرت دائمی - مرتضی
 مارزلو

ناظر عالی: دکتر غلامرضا منتظری
 گروه ناظران: صفرعلی اخلی (معاون مالی اداری)؛ ابوالحسن امامی
 (معاون هنری)؛ حسین ثبوتی (معاون فرهنگی و مطبوعاتی)؛ حسین
 قلندری؛ ابوالفضل نجفزاده

مدیر اجرایی طرح: محسن علی نژاد قمی
 امور گرافیک: علیرضا علی نژاد
 مشاور امور گرافیکی: مریم شعبان
 گروه نمایه سازی (اعلام): نیلوفر بهنام، نازنین بهنام، سکینه درزی تبار
 شفیعی، شهرام قلی پور گودرزی

شهرنامه‌نویسی

تاریخ‌های محلی یا شهرنامه‌ها، حافظه تاریخی شهرها محسوب می‌گردد. آگاهی‌های موجود در شهرنامه‌ها، اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی هستند.

به همین جهت، در مقایسه با تاریخ‌های عمومی، به طور عمدۀ حاوی اطلاعات دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

به همین جهت است که می‌توان خیمه تاریخ عمومی یک کشور را بر فراز تاریخ‌های عمومی آن برافراشت. به عبارت دیگر، تاریخ عمومی یک کشور در حکم جدول متقاطعی است که خانه‌های آن را شهرنامه‌ها می‌سازند.

شهرنامه‌ها، امتیازات ویژه‌ای دارند، چرا که حاوی جزئیات بوده و پر از مواد کمیاب و نادرنده و مملو از اطلاعات ذی‌قیمتی درباره سلسله‌های محلی و زندگی‌نامه‌های بزرگان و احوال اجتماعی هستند.

در یک نگاه، تاریخ نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان جغرافیایی (شهر، ایالت، ناحیه) می‌پردازد. دکتر یعقوب آژند (ی. میاندوآبی) در این باره می‌گوید:

تبرستان

www.tabarestan.info

«از نحله‌های دیگر تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ‌نگاری محلی بود که به خصوص در پیش از دوره صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار شد.

این نوع تاریخ‌نگاری، از حس شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان آنها بوده است.

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ایالات مختلف از جای حکومت مرکزی نیز، به خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشته است.

در تاریخ‌نگاری محلی ایران هم نوعی تداوم نهفته بوده و ذیل نویسی از ویژگیهای آن بر شمرده می‌شده است.

نویسنده‌گان در ادوار مختلف، سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند.

از آن جا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بوده، از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گرافه از برای بزرگنمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست.

تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبی درباره کیفیت و چگونگی به وجود آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، بناها و عمارت‌ها و مزارات و خصوصیات جغرافیایی و حتی اقتصادی و اجتماعی دارد.

در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.^۱

بدون شک، وجه اصلی و مشخصه شهرنامه‌ها، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع هستند. تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ ملی، انتساباً به مانند امر جزئی، معنا، مفهوم و موقیت خود را از امر کلی می‌گیرد. شهرنامه‌ها یا تاریخ‌های محلی عموماً منفردند و به طور خاص به یک محل یا یک خاندان محلی می‌پردازند؛ مانند:

۱. تاریخ نیشابور، نوشته حاکم نیشابوری
۲. تاریخ بیهق، نوشته ابوالحسن بیهقی ابن فندق
۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نوشته معین الدین اسفزاری
۴. فضائل بلخ، نوشته صفی الدین ابوبکر عبدالله
۵. بدیع الزمان فی وقایع کرمان، افضل کرمانی
۶. تاریخ یزد جعفری، نوشته جعفر بن محمد جعفری
۷. آثار العجم، نوشته فرصت الدوله شیرازی
۸. فارس نامه ناصری، میرزا حسن فساوی
۹. تاریخ کرمان، نوشته احمدعلی خان وزیری
۱۰. نصف جهان فی تاریخ اصفهان، نوشته محمد مهدی بن محمد رضا

۱. تاریخ نگاری در ایران، ۲۸۳.

۱۱. مرآة القasan، نوشته عبدالرحيم کاشانی

۱۲. تاريخ قم، نوشته صاحب بن عباد

۱۳. تاريخ طبرستان، نوشته ابن اسفندیار

۱۴. تذکره شوشتريه، نوشته باقر حسيني شوشتري

۱۵. تاريخ گيلان، نوشته عبدالفتاح مؤمني

شهرنامه‌ها، معمولاً به تاريخ و جغرافيا محلی، انتساب، علم حدیث،
مزارات و امور وقفی، دیوانی و ایل‌شناسی نیز می‌پردازد.

برخی معتقدند که یکی از راههای مهم بیان توانایی‌ها و زادگاهی‌های
گروهی، پرداختن به شهرنامه نویسی و تاريخ نگاری محلی می‌باشد، که
همیشه و در همه ادوار تاريخی مورد نظر مورخان بوده است.

همه مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، ارتباط قوی و
مستحکمی را که میان انسان و زادگاهش موجود می‌باشد، درک کرده و
در صدد بیان آن به شیوه‌های گوناگون می‌باشند.

عموماً شهرنامه یا تاريخ محلی را فردی می‌نگارد که در آن محل متولد
شده یا در آن جا زندگی کرده باشد. اولین عامل اصلی تمایل به تاريخ
محلی نویسی، وطن دوستی و احساسات ناسیونالیستی است.

ذکر فضیلت شهر یا منطقه در تاريخهای محلی، به دلیل شناساندن
موقعیت منطقه‌ای، سیاسی، فرهنگی و تاريخی آمده و در عمل نمادی از
احساس نیاز به ارزشمندی زاد و بوم و بزرگداشت آن شهر از سوی
نویسنده بوده است.

توجه به ریشه تاريخی شهرها، از دیگر شاخصهای تاريخ نگاری
محلی است. در این خصوص، نوعی تمایل به سمت ایران باستان و یافتن

هویت تاریخی برای منطقه مورد بررسی در نوشهای این کتاب‌ها دیده شده و در اصل نشان دهنده تلاش نویسنده‌گان برای نشان دادن قدامت تاریخی بنای شهرها است.

علاوه بر این، داستان‌های بسیاری از شاهان اسطوره‌ای ایران، نظریه «کیانیان» و «پیشدادیان» در تاریخ‌های محلی دیده می‌شود، که معمولاً ریشه در خدای نامه‌ها و شاهنامه‌ها داشته‌اند.^{۱۰}

این تلاش‌ها بیشتر در قالب هویت بومی جای گرفته است، تا هویت ملی؛ زیرا اولاً مورخ تاریخ محلی فقط در صدد است منطقه خود را بشناساند، ثانیاً تاریخ باستانی منطقه را با دوره اسلامی پیوند زده است. شهرنامه‌ها، توجه ویژه‌ای به زندگی و اجتماع همه طبقات اجتماعی به خصوص طبقات و گروههای پایین جامعه و مردم عادی دارند، کاری که از گونه‌های دیگر تاریخ نگاری کمتر برمی‌آید.

عده‌ای نیز بر این باورند که تاریخ‌های محلی، واکنشی علیه تمرکز گرایی سلسله‌های بزرگ بوده است و انگیزه اصلی مورخانی که به تاریخ‌های محلی می‌پرداختند، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمین‌شان، شایسته ضبط در تاریخ است.

تاریخ‌های محلی، بیش از تاریخ‌های عمومی به بررسی شخصیت‌ها و تشکیلات اداری و اجتماعی می‌پردازد. تقریباً همه تواریخ محلی با توصیف جغرافیای منطقه و تأثیر آن بر تاریخ منطقه ادامه می‌یابد. در بیشتر این آثار، به رویدادهای مهمی که به بنیان شهر یا شهرهای منطقه انجامیده، پرداخته شده است.

مورخان محلی به سبب آشنایی با سنت محلی، با کسانی که درباره آنان می‌نویستند، احساس نزدیکی دارند و نگرش آنان به واقعیات اجتماعی با رویکرد طبقه حاکم تفاوت دارد.

تاریخ‌های محلی، در حیطه مطالعات میان رشته‌ای قرار داشته و از یافته‌های جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، زمین‌شناسی، جغرافیا، ادبیات، آمار، تراجم و مانند آن بهره می‌گیرند.

مهم‌ترین منابع شهرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی شهرها، در مرحله نخست مردم هستند و در مرحله بعد، محیط فیزیکی و ساختار طبیعی و مصنوعی ساخت انسان و در مرحله آخر مؤسسات و نهادهای انسانی که در یک شهر رشد می‌کنند.

شهرنامه‌های استان گلستان

۱. در دهه هفتاد، اشتیاق ایجاد نگارش شهرنامه‌ها در قالب نهادها یا سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی، به شکل مراکز استان‌شناسی تحقق یافت و «مرکز کرمان‌شناسی»، به عنوان پیشگام و مؤسس این ابتکار، زمام کار را به دست گرفت و دهها کتاب «شهرنامه» درباره شهرهای استان کرمان به زیور طبع آراسته گشت.

نیک اندیشانی چون دکتر محمدعلی گلاب زاده و تیم کارشناس و مبتکر او، قفسه‌های کتابخانه‌ها را از کتاب‌های ارزشمند شهرنامه‌های کرمان، سیرجان، ماهان، چترود، شهر بابک، کهتوج، جیرفت، زرنده، کوهبنان، قلعه گنج، راور و مانند آن انباشتند و حافظه تاریخی و جغرافیایی ایران‌شناسی را به داده‌های شگرف خویش آراستند.

دیگر استان‌ها نیز بیکار ننشستند و «خراسان‌شناسی»، «یزد‌شناسی»، «اصفهان‌شناسی» و «فارس‌شناسی» نیز به راه افتاد و علی‌رغم کاستی‌ها و تنگ نظری‌ها، بر حجم و محتوای تاریخ‌های محلی ایران افزودند.

۲. طرح شهرنامه‌های استان گلستان از سوی نگارنده در آذر ماه ۱۳۸۷ به شورای فرهنگ عمومی استان گلستان ارائه گردید و منجر به عقد قرارداد در تاریخ ۱۳ اردیبهشت هیاه ۱۳۸۸^۱ اینکار فرمای طرح گردید.

پیگیری‌های مجданه دکتر غلامرضا منتظری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان در تصویب این طرح الگوی ملی بسیار مؤثر بود.

۳. هنگامی که انجام طرح پژوهش و نگارش کتابخانه‌ای - میدانی «شهرنامه‌های استان گلستان» را بر عهده گرفتم، می‌دانستم که «انتخاب» شده‌ام تا با خلق چند اثر کوچک و کم حجم، از «آفرینش» این استان سرسبز و رویابی و مردم مهریان و سختکوش و تاریخ سازش تشکر کنم و بخش اندکی از آن چه را که می‌توان داشته‌ها و شایستگی‌های مردم این سامان دانست، به رشته تحریر درآورم.

۴. تحقیق درباره استان گلستان، کار آسانی است. مانند همه کارهایی که یک واحد جغرافیایی بزرگ را شامل می‌گردد، با موانع و مشکلات بسیار اندک و محدودی رویرو شدم، که در کوتاه‌ترین زمان ممکن رفع می‌شد و به یاری تلاش و تجربه، راه خویش را به سوی موفقیت هدفمند و زمان بندی شده و نظام مند و اصولی به پیش می‌بردم.

۵. بنای من در این پژوهش، بر چند قاعده استوار می‌باشد:
۵-۱ انتشار حداکثری داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز: آمار و اطلاعات

منتشره توسط دستگاه‌های دولتی، به صورت مکتوب یا رسانه‌ای (ایнтерنیت)، توهمند سازی را بسیار نموده و اهتمام بر اصل اطلاع‌رسانی عمومی به شیوه «معقول» و «مناسب» در سر لوحه تحقیقات ما قرار داشته است.

محرم ندانستن مردم عزیز و قدرشناس، به بیاناتی واهی برگرفته از اذهان مسموم و رشد نیافته و تخیل ^{با فواید تأثیر متفاوت آگاهی} مردم از وضعیت موجود، حتی یک لحظه هم به مخیله پژوهشگران طرح، خطور نکرده است.

۲-۵ نگاه شهرستانی: این کتابچه‌ها، بر اساس نگاه شهرستانی تنظیم شده است، نه مبنا قرار دادن مرکز هر شهرستان.

در برخی از شهرستان‌ها، مرکز شهرستان از سابقه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی خاصی برخوردار نیستند و نبرداختن به شایستگی‌های توابع آن شهرستان، ظلم به تاریخ و فرهنگ آن منطقه محسوب می‌گردد.

تقسیم متن و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بوده که محور نوشتار بر هویت «شهرستانی» باشد، یعنی اگر گفته می‌شود شهرستان ۷۰۰۰ ساله فلان، هیچ گاه منظور من قدمت ۷۰۰۰ ساله مرکز آن شهرستان نیست.

۳-۵ زاویه دید عام: مخاطب این آثار «عموم» مردم هستند، با پرهیز از «ساده نویسی». مستند و واقعی بودن نوشته، یکی از بدیهی‌ترین اصول رعایت شده در این پژوهش است.

سعی و اهتمام من بر این بوده که به تبلیغ و ترویج افسانه‌ها و «خرافات» نپردازیم، در عین حال که به ارزش‌های «حسنه» سنتی مردم نیز احترام بگذاریم.

۴-۵ اجتناب از تلخ نویسی: هدف غایی این پژوهش، تدوین

شناخت نامه شهرستان‌های استان گلستان است و نه «مصیبت‌نامه» یا «رنج‌نامه» نویسی.

روستاهای «محروم» اند و شهرها «توسعه نیافته». بسیاری از مردم، از فقر و بیکاری و بیماری و اعتیاد و تبعیض رنج می‌برند. دردهایی که روزی

با پشتکار همین مردم «درمان» خواهد شد.
گلستان

این طرح، هرگز به سمت «عیب‌یابی» وضعیت موجود، ارائه راه حل و درمان نواقص و بیان نیازهای هر بخش از جامعه، قدم برنداشته است. این کتاب‌ها، شناخت نامه یا به عبارت دقیق‌تر شناسنامه فرهنگی هر شهرستان است، که به مردم ایران و جهان معرفی می‌گردد.

در هیچ موردی، نه راه «غلو» را پیموده‌ایم و نه به بیراهه «تملق» افتاده‌ایم. به مدح و ثنای هیچ مدیری اهتمام نداشته‌ایم و کوچه دلدادگی ما به مردم «گل»‌اندیش استان «گلستان»، از ثبت قله‌های بلند و سترگ داشته‌ها و شایستگی‌های آنان است و بس.

۵-۵ اجمال نویسی: زبان نگارش «پژوهشی» و «بدون تکلف» است،

بر مبنای «اجمال و «جامع» نویسی.

در این ۱۸ جلد، بر بخشی از تاریخ و فرهنگ این استان، که «تاریک» و

در «غبار» مانده است، نور افکنده شده است. و صد البته، خانه چراغانی شده، تنها به مدد فکر و همت فرزندانش هویت و معنا یافته است.

۶. وجود منابع مکتوب قابل قبول، آمارها و اطلاعات دقیق و

دسته‌بندی شده، استناد تاریخی مستقн در کتابخانه‌های مهم کشور و نویسنده‌گان و مؤلفان و اشخاص مطلع و اهل قلمی کارآزموده و دلسوز،

مهم‌ترین امتیاز این استان، برای پژوهش‌های علمی و آکادمیک محسوب می‌گردد.

۷. حاصل ۸۳۹ شبانه روز پژوهش (۴۷٪ کتابخانه‌ای، ۲۲٪ اینترنتی، ۳۱٪ میدانی)، فراروی دیدگان شمامست. این کتاب‌ها، سرآغاز پژوهش‌های عمیق و درخور شایستگی‌های استان گلستان، در فرداها و پس‌فرداهاست.

شنبه، ۲۷ تیر ماه ۱۳۹۰
اصفهان. اشکان فروتن

محتوای هر کتاب

بخش اول: تاریخ

این بخش از ۴ فصل تشکیل می‌شود:

فصل اول: وجه تسمیه

۱. ریشه‌شناسی را در زبان فرانسوی اتیمولوژی (Etymologie) می‌گویند. «اتیمولوژی» واژه‌ای است یونانی، که از راه زبان «لاتینی» به زبان «فرانسوی» راه یافته است. در یونان باستان «اتیمولوژی» به معنی شناخت اتیمون (Etymon) و «اتیمون» به معنی حقیقی واژه بوده است. ریشه‌شناسی علمی است که به کمک آن فرهنگ تاریخی نوشته می‌شود. فرهنگ تاریخی، فرهنگی است که در آن تاریخ یک واژه، هم از نظر «لفظ» و هم از نظر «معنی» ثبت می‌گردد.

به عبارت دیگر اتیمولوژی، تاریخ یک واژه است از قدیم‌ترین زمان کاربرد آن تازمان نوشتن تاریخ آن واژه. نخستین بار علم اتیمولوژی جدید را سر ویلیام جونز، قاضی انگلیسی، در سال ۱۷۸۶ م. در «انجمن آسیابی کلکته» بنانهاد.^۱

این علم در زبان‌های مختلف به شکل «فقه‌اللغة»، «علم اشتقاء» و «ریشه‌شناسی»، «وجه تسمیه» یا «فرهنگ نام واژه» اطلاق شده و به

۱. ریشه‌شناسی (اتیمولوژی)، ۱.

جنبه‌های مختلف یک کلمه جغرافیایی از دیدگاه لغوی، ادبی، تاریخی و جغرافیایی می‌پردازد.

۲. بنای این پژوهش، بررسی دیدگاه‌های مهم عامیانه و علمی (آکادمیک) درباره وجه تسمیه نام شهرستان می‌باشد و درباره دیگر نام واژه‌های جغرافیایی (شهر، بخش، دهستان، روستا، اثر تاریخی) در حد معقول و مناسب، در بخش جغرافیا به آن اشاره می‌شود.

فصل دوم: روزگار باستان

۱. تاریخ هر شهرستان، بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مسئله، زمانی ارزش واقعی خود را نشان می‌دهد که پایه و بنیان هویت باستانی هر منطقه، بر محور آثار باستانی پیش از تاریخ تا پایان دوره ساسانی و استناد و مدارک موثق و مستند تاریخی قرار گرفته است و از بازگویی ادعاهای بسیاری و اساس و غیر علمی – تا حد امکان – خودداری شده است.

۲. استقرار دومین حکومت باستانی ایران، یعنی امپراتوری اشکانی (پارتی) در استان گلستان، از امتیازات و ویژگی‌های منحصر به فرد این منطقه محسوب می‌گردد، به گونه‌ای که حداقل می‌توان اعماک دو شهر باستانی اشکانی یعنی دومین پایتخت اشکانیان در شهر «دارا» (قره تپه شیخ کلاله) و «سیرینکس» (دشت قلعه مینودشت) در آن قرار دارد، که موجب افتخار ایرانیان و گلستانی‌ها گردیده است.

فصل سوم: دوران اسلامی

۱. روزگار یا دوره اسلامی، که ۱۴ قرن به درازا می‌انجامد، تاریخ هر شهرستان را از صدر اسلام تا پایان دوره پهلوی به خود اختصاص می‌دهد.

۲. مدارک و منابع مکتوب و غیر مکتوب تاریخی، درباره تاریخ دوره

اسلامی همه شهرستان‌ها یکسان نیست، به گونه‌ای که درباره شهرستان‌های «گرگان» و «گنبد کاووس» با انبوه استناد (حداقل ۱۰۰۰۰۰ سند و منبع) روبرو هستیم، اما در مورد شهرستان‌هایی چون «مراوه»، «گالیکش» و حتی «علی‌آباد‌کتول» با فقر سند مواجه می‌شویم و تعداد کل استناد ما درباره این مناطق به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسد.

۳. بیشتر استناد مکتوب تاریخی موجود به دوره هخامنشیان صفویه تا پهلوی اول تعلق دارد و مجموعه استناد «مخابرات استرآباد» از ارزش و جایگاه خاصی در تاریخ مناطق مرکزی استان برخوردار می‌باشد.

۴. استان گلستان در دوران اسلامی با پدیده ظهور و سقوط سلسله‌های محلی مهمی چون «علویان طبرستان»، «زیدیه»، «آل زیار» و سلسله گلستانی «قاجار» روبرو گردیده و از تاخت و تاز «مغول» و «تیموریان» نیز بی نصیب نمانده است.

۵. با آن که بخش «صفویه» و «قاجاریه» در بیشتر شهرستان‌ها پرنگتر می‌باشد، اما بررسی جای نام‌ها و یافتن مکان تقریبی شهرهای اسلامی مهمی چون «جرجان»، «جهنمه»، «شهرنو»، «استرآباد»، «بکرآباد»، «روغد»، «تمیشه»، «آبسکون» و «کبودجامه»، از مباحث کلیدی این مجموعه محسوب می‌گردد.

۶. ذکر استناد تاریخی دوره گسترش چالش میان «ترکمن‌ها» و «غیر ترکمن‌ها» در دوره پرآشوب «قاجار» است، که می‌بایست با نگاه «تاریخی» مورد توجه واقع شود. پنهان کردن و حذف رویدادهای تاریخی، کمکی به فهم ناشناخته‌های تاریخی نمی‌کند. ذکر تاریخ، نباید فدای مصالح «قومی» و «سیاسی» و گرایش‌های «ایدنولوژیک» گردد.

اگر در یک مقطع خاصی از تاریخ، شهرها و روستاهای ۶ استان فعلی ایران، عرصه تاخت و تاز و قتل و غارت و تجاوز راهزنان ترکمن بوده

است، باعث تعمیم خصلت‌های فردی و اجتماعی مردم یا عشایر آن زمان، به مردم فهیم شهرستان‌های ترکمن نشین کنونی نیست. من معتقدم حذف این بخش مهم تاریخ استان‌گلستان، موجب نقصان پازل تاریخ و تمدن نوین ایران زمین خواهد شد.

۷. به دلیل تأکید و ابرام کارفرمای طرح، ۹۸٪ این اسناد تاریخی (با وجود حروفچینی، دسته بندی، مستندسازی و تحلیل داده‌های تاریخی با مسائل ژنوپلیتیکی، جامعه شناختی و اقتصادی) که بالغ بر ۱۰۸۴ صفحه می‌گردید، از متن تمام شهرنامه‌ها حذف گردید.

فصل چهارم: آثار باستانی و تاریخی

۱. بناهای تاریخی هر شهرستان، به تفکیک نوع اثر (تپه‌ها و محوطه‌ها، قلعه‌ها، بناهای آرامگاهی، بناهای عام المتنفعه، گورستان‌ها، خانه‌ها و عمارت‌ها، مساجد و آتشکده‌ها) و بر اساس ترتیب الفبایی ذکر می‌شود.

۲. بخش بزرگی از این گنجینه اطلاعات تاریخی را «پرونده ثبتی آثار تاریخی» موجود در سازمان میراث فرهنگی ایران به خود اختصاص می‌دهد.

۳. کم لطفی مدیر و معاونان نمایندگی این سازمان در استان گلستان، باعث شد که حتی یک برگ پرونده یا پلان و عکس در اختیار ما قرار نگیرد.

داده‌های اطلاعاتی درباره بناهای آرامگاهی استان «یکسان» نیست، به گونه‌ای که گاه درباره یک امامزاده در شهرستان «گالیکش» تنها یک سطر مطلب وجود دارد، اما درباره زیارتگاهی در «گرگان» بیش از ۶۰۰ صفحه و مدرک به چشم می‌خورد.

۴. اهتمام بر این بوده، که هیچ بنای تاریخی شناخته شده‌ای از قلم نیفتند، هرچند می‌توان ادعا کرد اگر اطلاعات مکتوب و موجود بیش از

۶۰۰ اثر شناسایی و ثبت نشده دیگر در اختیار ما قرار می‌گرفت، بر غنا و جامعیت این بخش افزوده می‌شد.

۵. اداره کل راه و ترابری استان گلستان، بر من منت نهاد و به دلیل محروم‌انه بودن اطلاعات مربوط به «پل تاریخی غزنوی»، از ارائه حتی یک سطر اطلاعات درباره آن خودداری نمود.

فصل ویژه: از دید سیاحان و جهانگردان

۱. حضور سیاحان و جهانگردان ایرانی و خارجی در برخی از شهرستان‌ها، مانند گنبدکاووس و بندرگز، آن قدر اهمیت داشت که گاه فصل مستقلی را از آن خود می‌ساخت.

۲. سفرنامه‌ها، سیاحت‌نامه‌ها و گزارش‌های روزانه سفر، همواره به منابعی بی‌بدیل و دست اول، خاصه در دوران صفویه تا قاجاریه، تبدیل شده و به فهم مستندگونه اوضاع تاریخی، فرهنگی، جامعه‌شناسی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه کمک می‌کند؛ بی‌آن که از مقاصد و اهداف خیر و شر نویسنده‌گان آنان غافل گردیم.

بخش دوم: سرزمین

جغرافیای هر شهرستان، در پنج فصل ارائه می‌شود:

فصل اول: جغرافیای طبیعی

۱. اطلاعات مربوط به وضع طبیعی هر شهرستان، شامل محدوده جغرافیایی، طول و عرض، مساحت، ژئومورفولوژی، ناهمواریها و ارتفاعات (به ترتیب الفبایی)، منابع آب سطحی، مانند رودخانه و تالاب، منابع آب زیرزمینی (قنات، چشمه، چاه عمیق و نیمه عمیق)، سدها، زمین‌شناسی، خاک‌شناسی، آفات طبیعی، اکوتوریسم (گردشگری طبیعی)، پوشش گیاهی و جانوری در این مبحث ارائه می‌شود.

۲. منابع اصلی در ذکر رودها و کوهها، عبارتند از:

۱-۲ فرهنگ جغرافیایی رودها و کوههای ایران (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح)

۲-۲ کوهنامه و رودنامه ایران (سازمان گیتاشناسی)

۳-۲ اطلس‌های جغرافیایی طبیعی؛ بریتانیکا؛ انکارتا؛ گوگل ارت؛ نقشه توپوگرافی ایران

۴-۲ سفرنامه‌ها، خاطرات و گزارش‌های یومیه، کتب مرجع و دایرةالمعارف؛ اینترنت

۳. داده‌های اطلاعاتی آب و هوا (دما، رطوبت نسبی، بادها، بارش و مانند آن) بر اساس آمار رسمی و مکتوب سازمان هواشناسی کل کشور ارائه شده است.

۴. به دلیل عدم وجود ایستگاه‌های سینوپتیک در تمام ۱۴ شهرستان استان، آمار نزدیکترین مرکز شهرستان، مأخذ و مرجع شناخته شد.

۵. با آن که جمع کل چاههای عمیق و نیمه عمیق، چشمه‌ها و قنات‌های استان گلستان، هر ساله توسط شرکت آب منطقه‌ای استان گلستان در سالنامه استان منتشر می‌گردد، اما مدیریت این شرکت دولتی اعلام داشت که ما آمار تفکیکی شهرستانی را در اختیار نداریم و احتمالاً بر اساس حوضه‌های رودخانه‌ها یا چیزی شبیه به آن استخراج می‌گردد.

فصل دوم: جغرافیای انسانی

۱. با آن که ارتفاع سیاسی ۳ بخش به شهرستان (گالیکش، گمیشان و مراوه) موجب شد که داده‌های اطلاعاتی جمعیت‌شناسی ۶ شهرستان درهم بربیزد، اما تلاش شد که اطلاعات به روز، دقیق، مستند و مورد نیاز در این فصل، در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

۲. آمار جمعیت شهرستان، شهر، بخش، شهر، روستا و مکان

جغرافیایی و مزارع، بر اساس آمار نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران و سالنامه‌های رسمی سازمان برنامه و بودجه استان گلستان نوشته شده است.

۳. اختلاف آمارها، خاصه در سرجمع شهرستانی و روستاهای ناشی از وجود داده‌های اطلاعاتی متعدد مرکز آمار ایران (پس از آمارگیری آبان ماه ۱۳۸۵) می‌باشد.

۴. تغییرات دموگرافی و شاخص‌های جمعیتی شهرستان‌های نوبنیاد (مانند گمیشان، گالیکش، مراوه) همراه و همسان با شهرستان مأخذ در سال ۱۳۸۵، یعنی بندر ترکمن، مینودشت و کلاله ارائه شده است.

۵. استناد رسمی اداره کل قوانین دولت، مجلس و قوه قضائیه، روزنامه رسمی کشور و مرکز استناد تاریخی کتابخانه ملی و مجلس، مأخذ رسمی تغییرات تقسیمات کشوری بوده است.

۶. بیوگرافی فعالان سیاسی از روابط عمومی مجلس (برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی) و مرکز استناد ملی و مجلس (برای نمایندگان دوره مشروطه تا ۱۳۵۷) و منابع فرهنگنامه‌ای رجال سیاسی معاصر و مذاکرات مجلس شورای ملی و اینترنت اخذ شده است.

فصل سوم: جغرافیای اقتصادی

۱. استان گلستان، به عنوان یک منطقه اقتصادی «کشاورزی محور» محسوب شده و اساس و بنیان توسعه کمی و کیفی نیز بر همین محور استراتژیک بنا نهاده شده است.

۲. صنعت نوپا و نارس گلستان، هنوز آن چنان که باید و شاید، در شهرها و روستاهان نمود عینی نیافته است.

۳. منبع آمار کشاورزی شهرستان‌ها، آمار کشاورزی ۱۳۸۲ مرکز آمار ایران و تطبیق با آمار ۱۳۸۲-۱۳۸۱ وزارت جهاد کشاورزی است.

۵. صنایع دستی شهرستان‌ها، جز مواردی محدود و محدود ناشناخته بوده و از کمک‌های نظارتی و هدفمندی برخوردار نیست. در منابع قوم‌شناسی به تکرار مکرات یافته‌های قبلی درباره پوشش و صنایع ترکمن و مانند آن پرداخته شده، که مستند و موثق نمی‌باشد.

فصل چهارم: جغرافیای سیاسی

۱. اهمیت سیاسی، تغییرات تقسیمات کشوری، فعالان سیاسی یعنی وکلا و دولتمردان شاخص (در حد وزیر، نخست وزیر و مانند آن) و شهدای شاخص (روحانی، دانشجو یا ادیب) در این فصل به اجمال و اختصار و تحلیلی ارائه می‌گردد.

فصل پنجم: دانشنامه آبادی‌ها

۱. به راستی دانشنامه آبادی‌ها، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین بخش این مجموعه پژوهشی بوده است.

۲. تغییر اسامی، الحالات و انتزاعات از این دهستان به آن دهستان، از این بخش به آن بخش، از این شهرستان به آن شهرستان، از این استان به آن استان، ایجاد شهر یا روستا، از میان رفتن یک آبادی بر اثر زلزله یا سیل یا مهاجرت، وجود روستاهایی که ناگهان پدید می‌آیند و نامشان در سرشماری نقوص و مسکن نیامده است، همنام بودن روستاهای چند بخشی بودن برخی از روستاهای تنها بخشی از این مشکلات می‌باشد.

۳. اطلاعات آبادی‌ها در چهار بخش دسته‌بندی شده‌اند:

۱. شهرهای تابعه (تا آخرین تقسیمات در ۳۰ تیر ماه ۱۳۹۰)

۲. روستاهای مسکونی

۳. روستاهای خالی از سکنه

۴. مزارع کشاورزی دارای جمعیت و مکان‌های جغرافیایی

۴. اطلاعات هر روستا (روستاشناسی)، که برای نخستین بار در تاریخ

ایران، به این شیوه ارائه می‌گردد، این مطالب را دربرگرفته است:

۱. موقعیت سیاسی (دهستان، شهرستان)

۲. موقعیت جغرافیایی (وضعیت طبیعی، طول و عرض

جغرافیایی، ارتفاع نسبی، رودخانه، کوه، تپه، فاصله با مرکز شهرستان)، با
بهره‌گیری از فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور و گوگل ارت

۳. وجه تسمیه .

۴. تغییرات سیاسی روستا و چند بخشی بودن شهرستان

۵. نام روستا در اسناد و مدارک تاریخی

۶. جمعیت روستا

۱ مدارک تاریخی (سفرنامه، کتابچه نفوس و مانند آن)

۲ سرشماری‌های غیر رسمی (گزارش‌های تاریخی، شهریور

۱۳۲۹ و مانند آن)

۳ سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵)

۷. گویش و مذهب

۸. بافت اجتماعی و حتی ایلات و طوایف

۹. آثار باستانی و تاریخی

۱۰. مشاهیر و نامآوران

بخش سوم: فرهنگ

محتوای تحلیلی آن در ۴ یا ۵ فصل ارائه می‌شود:

فصل اول: فرهنگ عمومی

۱. اوضاع فرهنگ عمومی هر شهرستان، ار نظر ساختار و شاکله فرهنگی، اجزای فرهنگ و مردم‌شناسی (نظریه بافت قومیتی، زبان و گویش، مذهب و مسلک)، اماکن فرهنگی، نخبگان علمی، حافظان قرآن، تأسیسات تربیت بدنی، قهرمانان و پیشکسوتان ورزشی و بازی‌های محلی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌گیرد.

۲. آمار تفکیکی ادیان در شهرستان‌های استان گلستان، برای نخستین بار انتشار می‌یابد و توسط مرکز آمار ایران استخراج شده است.

فصل دوم: فرهنگ و آموزش

نرخ باسوسادی، وضعیت آموزش عمومی (آموزش و پرورش) و آموزش عالی (دانشگاه و حوزه‌های علمیه)، استادان دانشگاه و مفاخر حوزوی و وضعیت موجود توانمندی‌های انسانی و لجستیکی و نرم‌افزاری این بخش، با آمار دقیق و موثق ارائه شده است.

فصل سوم: مشاهیر فرهنگ و هنر

۱. نامداران عرصه فرهنگ و هنر هر شهرستان (جز استادان دانشگاه و حوزه علمیه، که در بخش آموزش معرفی شده‌اند)، به تفکیک رشته غالب فعالیت فرهنگی، معرفی می‌گردند.

۲. شرط بومی بودن، اساس این بیوگرافی نویسی می‌باشد. فقط به زندگی نامه (بیوگرافی) کسانی پرداخته می‌شود، که در استان گلستان به دنیا آمده باشند. فرهیختگان و فرزانگانی که در استان‌ها یا کشورهای دیگر به دنیا آمده و سال‌ها ساکن این استان بوده و هستند، در ردیف مشاهیر استان گلستان محسوب نمی‌گردند. اصل و اساس انتخاب مشاهیر، «مکان تولد» بوده است، نه «زمیستگاه» و مکان تحصیل و زندگی.

۳. ادب، نویسنده‌گان، شاعران، مؤلفان و پژوهشگران معاصر، باید حداقل یک اثر منتشره (کتاب) داشته باشند و آثار منتشره در مطبوعات و بولتن‌ها و پایان نامه‌ها و سایت‌های خبری، ملاک گزینش نبوده است.

۴. سایت مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، یکی از منابع مهم اطلاعاتی در این زمینه بوده است. اهل قلم و ادبای قبیل از دوران پهلوی، از این قاعده مستثنی بوده‌اند.

۵. اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان، به دلیل محرمانه دانستن اطلاعات فردی معلمان مؤلف، از دادن هر گونه اطلاعات درباره این عزیزان (حتی تاریخ و محل تولد) و یا شماره تماس، خودداری نمود. اطلاعات بیوگرافی این بزرگواران از طریق اینترنت و پژوهش میدانی و اسنادی انجام گردید.

مسئولیت از قلم افتادن نام برخی از فرهنگیان اهل قلم برعهده مجری یا کارفرما نمی‌باشد. اسناد مکاتبات و پیگیری‌های حضوری و اعلام عدم همکاری به مقامات عالیه استان گلستان و وزارت آموزش و پرورش موجود است.

پیوست‌ها

۱. سرچشممه‌ها

۱. منابع و مأخذ شهرنامه‌ها، به صورت مشترک و یکسان، در پایان همه کتاب‌ها آمده است.
۲. سرچشممه‌ها، شامل منابعی است که حتماً در یک یا چند شهرنامه، به آن ارجاع شده باشد.

۳. به دلیل وجود منابع مشترک در اغلب شهرنامه‌ها (مانند منابع اختصاصی تاریخ و جغرافیای استان، فرهنگ نامه‌ها و مانند آن)، استخراج منابع به صورت تفکیکی، نه امکان پذیر بود و نه منطقی.

۴. منابع مقاله‌ای و انگلیسی، عموماً در پانویس معرفی شده‌اند.
۵. در نگارش سرچشممه‌ها، از روش مرجع‌نویسی آکادمیک ۲۰۱۱م. (موردن قبول کتابخانه‌های کنگره ایالات متحده امریکا و ملی لندن و یونسکو) استفاده شده است، که به این ترتیب می‌باشد:

نام خانوادگی / کاما / نام پدید آورنده یا پدید آورندهگان / سال انتشار کتاب در پرانتز / نقطه / نام کتاب با فرمت مشکی و پرهیز از روش قدیمی خط کشیدن زیر نام کتاب / کاما / نام مترجم یا مصحح / نقطه / محل نشر یعنی نام شهر و در صورت معلوم نبودن: بی جا / دو نقطه / نام ناشر بدون پیشوند کلمه انتشارت، جز در موارد بسیار الزامی / کاما / نوبت چاپ، نوشتن چاپ اول بیهوده است و غیر آکادمیک / کاما / جلد یا مجلد مورد مراجعه / نقطه.

۲. نمایه

نکته‌های خاص

۱. مبنای تاریخ گذاری در این طرح، هجری خورشیدی است و با استفاده از منابع مستند گاهشماری، تاریخ‌های میلادی و قمری، تا حد امکان، به تاریخ شمسی (خورشیدی) تبدیل شده‌اند.
۲. در مواردی که امکان معادل‌یابی وجود نداشت، از حروف مخففه «م.» برای تاریخ‌های میلادی و «ق.» برای تاریخ‌های هجری قمری (تازی) استفاده شده است.
۳. بهره‌گیری از تصاویر و اسناد و عکس و نقشه، بر مبنای «نیاز»، «استناد تصویر» و «کیفیت مطلوب» بوده است. استفاده از تصویر یا نقشه با کیفیت پایین، تنها بر اساس ضرورت و اجبار بوده است.

سپاسگزاری

الف. تهران

۱. کتابخانه‌ها

- ۱-۱ ملی ایران: دکتر حبیب‌الله عظیمی (معاون سازمان)؛ افسانه ایران پناه، منصوره السادات میرپویان؛ بابایی؛ فرنقی
- ۱-۲ تخصصی وزارت امور خارجه: ژاله محمدی
- ۱-۳ ملی ملک: بخش نسخ خطی و میکروفیلم
- ۱-۴ مجلس: کتابخانه شماره ۲؛ مرکز اسناد: میکروفیلم و نسخ خطی، به ویژه محمدحسن خلیلی
- ۱-۵ آستان قدس رضوی: دایره مخطوطات؛ تالار محققان
- ۱-۶ مرکزی دانشگاه شهید دکتر بهشتی
- ۱-۷ مرکزی دانشگاه تهران: تالار ایران‌شناسی؛ نسخه‌های چاپ سنگی و خطی
- ۱-۸ استاد مجتبی مینوی
- ۱-۹ مرکز آمار (درگاه ملی) ایران
۲. مراکز پژوهشی و تحقیقاتی
- ۲-۱ گنجینه اسناد ملی ایران
- ۲-۲ فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- ۲-۳ سازمان لغت نامه دهخدا، وابسته به دانشگاه تهران، به ویژه میرهاشم محدث

- ۴-۲ مرکز اطلاع رسانی مرکز آمار ایران
- ۵-۲ معاونت پژوهشی وزارت جهاد کشاورزی
- ۶-۲ سازمان نقشه برداری کشور
- ۷-۲ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- ۸-۲ انجمن ارامنه اصفهان
- ۹-۲ انجمن زرتشیان تهران و انتشارات فروهرستان
- ۱۰-۲ معاونت پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی ایران
- ۱۱-۲ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۱۲-۲ مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، به ویژه
مهندس جعفری، کارکنان بخش‌های پژوهش، نقشه‌کشی و روابط عمومی
ب. استان گلستان
۱. مراکز دانشگاهی و پژوهشی
- ۱-۱ دانشگاه جامع گلستان: معاونت پژوهشی؛ مدیر دفتر ریاست
- ۱-۲ دانشگاه علوم پزشکی گلستان: مدیر روابط عمومی؛ معاونت
پژوهشی؛ انتشارات
- ۲-۱ دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی: مسئول دفتر معاونت
پژوهشی
۲. سازمان‌ها، ادارات، نهادهای دولتی
- ۱-۲ استانداری گلستان: مهندس جواد قناعت (استاندار)، مهندس
علی‌اکبر سوخته‌سرایی (معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی)، مهندس
رضا غلامی (معاون برنامه‌ریزی)، علی‌اصغر جباری (مشاور و مدیر کل
حوزه استاندار)
- ۲-۲ خانه بهداشت گلستان: مهندس کبیر

۳-۲ معاونت برنامه ریزی (برنامه و بودجه سابق): کارکنان اداره کل

آمار و اطلاعات

۴-۲ مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان های گنبد کاووس

(محمد رضا داورزنی)؛ بندر ترکمن (ابوالفضل حسینی)؛ بندرگز

(محمد علی رسولی)؛ کلاله (علی رضا راغبی)

۵-۲ سازمان تربیت بدنی گلستان: دفتر مدیر کل

۶-۲ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان: مرتضی مازلو؛

قدرت دائمی

۳. محققان، مدرسان و پژوهشگران

۱-۳ فرهاد قاضی، نویسنده و ترکمن شناس

۲-۳ نسرین محمد طاهری، مدرس دانشگاه

۳-۳ موسی جرجانی، محقق و نویسنده

۴-۳ دکتر افشین قلیچی، استاد مبرز دانشگاه

۵-۳ صفورا قرنجیک، محقق و نویسنده

۶-۳ حمیده عاده، مدرس دانشگاه

۷-۳ یاسر کریمی مقدم، مساعدت، همکاری و هماهنگی بی دریغ و

مؤثر با معاونت طرح و گروه پژوهش میدانی

۸-۳ احمد رضایی، مساعدت، همکاری و هماهنگی بی دریغ و مؤثر

با معاونت طرح و گروه پژوهش میدانی

پ. استان های دیگر

۱. مرکز کرمان شناسی: دکتر گلابزاده

۲. مرکز اصفهان شناسی: مدیریت و کتابخانه

۳. مرکز خراسان شناسی: دکتر یاحقی

۴. استانداری استان مازندران

۵. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خراسان شمالی: دکتر علی اکبر وحدتی، معاونت پژوهشی
۶. اداره کل راه و ترابری استان سمنان: مدیرکل؛ روابط عمومی؛ فنی و خط و ابنيه
۷. کتابخانه کلیسای وانگ اصفهان، به ویژه محقق و مترجم متون ارمنی، سونا زرگریان
- ت. خارج از کشور
۱. کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی
- ۱-۱ ملی پاریس: نسخه‌های چاپی و خطی فارسی
- ۱-۲ ملی لندن: نسخ خطی فارسی
- ۱-۳ مرکز تحقیقات ایران و پاکستان: مدیریت؛ دفتر فصل‌نامه دانش؛ نسخ خطی
- ۱-۴ وزارت میراث جمهوری ترکمنستان
۲. محققان
- ۱-۱ دکتر عارف نوشاهی، جمهوری اسلامی پاکستان
- ۱-۲ پروفسور ویلیام. کوب، استاد دانشگاه یوتا، ایالات متحده امریکا
- ۲-۱ پروفسور جفری. دی. لرنر، استاد دانشگاه وینستون، ایالات متحده امریکا
- ۲-۲ دکتر عبدالصافی رحمان اف، استاد دانشگاه ازبکستان
- ۲-۳ دکتر مایکل رالی، استاد دانشگاه ویک فورست، ایالات متحده امریکا
- ۲-۴ دکتر ابوالفيض امان اوغلو گوليف، استاد دانشگاه باکو
- ۲-۵ دکتر ایلنور تاش، استاد دانشگاه هیتیت، ترکیه

بخش اول: تاریخ

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل اول

وجه تسمیه

تبرستان
www.tabarestan.info

سیر تطور نام

شهرستان ترکمن یا بندر ترکمن، در طول تاریخ فقط دو نام داشته است:

۱. بندر شاه: از ۳ آبان ۱۳۰۷ تا ۲ شهریور ماه ۱۳۵۸
۲. بندر ترکمن یا ترکمن: از ۲ شهریور ماه ۱۳۵۸ تا امروز.

وجه تسمیه ترکمن

تغییر نام بندر شاه به بندر ترکمن، در پی پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم اجرای «شاهزادایی» از جاینامه‌های کشور بوده است. این شهرستان در تاریخ ۲ شهریور ماه ۱۳۵۸، طی تصویب نامه شماره ۵۵۲۷۴ دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، به شهرستان ترکمن تغییر نام یافت.^۱ نام ترکمن، برگرفته از وجود قوم و ایل ترکمن در منطقه بوده و خود مردم این شهرستان، در انتخاب آن نقشی نداشته‌اند.

ترکمن (Torkman)، قومی ترک زبان که عمدتاً در آسیای میانه هستند. این قوم بازمانده ترکمانان غُز / آغُز هستند. ترکمانان غز در قرون

۱. ربيع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، ۲۵۱

اولیه اسلامی در شبہ جزیره منقشlag / منقشlag، در ساحل شرقی دریای خزر و نواحی اطراف آن استقرار یافته بودند.

قوم ترکمن از اختلاط قبایل گوناگون ترکمن غُز در منقشlag و اوستیبورت (فلاتی در مشرق منقشlag) و رشته کوه‌های بَلخان و خوارزم و بعضی قبایل بیگانه، در قرن هشتم و نهم به وجود آمد.

اکثر مردم ترکمنستان، اهالی دشت ترکمن (ترکمن صحرا) در شمال استان گلستان، جماعتی از ساکنان شمال استان خراسان و ساکنان بخشی از شمال افغانستان ترکمن‌اند.

گروه‌های بزرگی از ترکمن‌ها در جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان و گروه‌هایی از آنان در آستانه اخان (هشتاراخان / حاجی طرخان) و استاورپول روسیه سکونت دارند. در استان تسن‌هان چین نیز ده‌ها هزار ترکمن زندگی می‌کنند.^۱

به جز ترکمن‌های آسیای میانه، بسیاری از ترک زبانان عراق، سوریه، اردن، لبنان و ترکیه ترکمان نامیده می‌شوند.^۲

میان آنان و قوم ترکمن آسیای میانه پیوند مستقیمی از نوع پیوند قبایل ترکمن ایران و افغانستان و ترکمنستان و ازبکستان وجود ندارد. اینان اعقاب آن دسته از ترکمانان غُز یا سلاجقه‌اند که در قرن پنجم و ششم، پس از مهاجرت به خاورمیانه، تدریجاً هویت قومی خود را از دست دادند.

به جز دشت ترکمن و شمال خراسان، در مناطق گوناگون ایران نیز

۱. بی‌بی رابعه لاگاشووا، ترکمن‌های ایران، ۱۸؛ شیرین آکینر، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ۴۸۷ سرزمین و مردم افغانستان، ۶۶؛ ترکمن‌های جهان، ۲۴؛ نزدانامه افغان، ۱۵۵-۱۵۶.

۲. سفرنامه سیف الدوله، ۱۸۵؛ سیسیل جان ادموندز، کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ۳۰۰-۳۰۴؛ وصفی ذکریا، عشائر الشام، ۶۷۷-۶۷۸/۲

صدها هزار تن از بازماندگان ترکمن‌های آقاجری / آغاجری و افشار و ایوانی و بایندر و بیات و بیگدلی و پُرناک / پورناک و خلچ سکونت دارند که نام قدیمی و شباهت‌های ظاهری با اجداد خود را از دست داده‌اند. از آن نامگذاری قدیمی بعضی از نشانه‌های جغرافیایی باقی مانده که یادگار ترکمن‌های ساکن لارستان در قرن هشتم است.^۱

قلمر و ترکمن‌هایی که در آسیای میانه زندگی می‌کنند، به طور تقریبی، از شمال به دریاچه آرال و فلات اوست یورت، از جنوب به رودخانه گرگان و کوه‌های شمال خراسان و مرزهای شمالی افغانستان، از مشرق به آمودریا و از غرب به دریایی مازندران متنه می‌شود.

بر خلاف تصور رایج که قدیمی‌ترین کاربرد شناخته شده واژه ترکمن را به ابوعبدالله مقدسی بیارجمندی^۲ و تقریباً به میانه دوم قرن چهارم هجری قمری نسبت می‌دهد، معروفی بلخی، شاعر فارسی زبان نیمه نخست سده چهارم و مدام امیر عبدالمولک بن نوح سامانی، در یکی از اشعارش تعبیر «نمد پاره‌ای ترکمانی سیاه» را آورده است.^۳

ریشه واژه ترکمن نامعلوم است. کاشغری به ترکیب ترک + من اشاره کرده است.^۴

زین العابدین شیروانی به نقل از جامع التواریخ رسیدی در زمینه وجه تسمیه ترکمن چنین می‌نویسد:

«ترکمن (ترکمان)؛ گویند اصل ایشان ترک نیست، اما به جماعت ترک پیوسته‌اند و ترک مانند شده‌اند. در کتاب جامع التواریخ مسطور است که

۱. سفرنامه ابن بطوطه، ۹۸۵/۱، فارسنامه ناصری، ۱۵۱۷/۲.

۲. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ۲۷۴-۲۷۵.

۳. اشعار پراکنده قدیمترین شعرای فارسی زبان، ۱۳۵/۲.

۴. کتاب دیوان لغات الترک، ۲۹۴/۱.

لغظ ترکمان در قدیم نبوده و هر قبیله از قبایل ترک را لقبی معین بوده. در وقتی که اقوام اوغوزخان از ولایات خود به مأوراء النهر ایران آمدند و توالد و تناسل ایشان در بلاد مذکوره واقع شد و به سبب اقتضاء آب و هوا، شکل ایشان مانند تاجیک گشت و چون تاجیک مطلق نبودند لهذا ایشان را ترکمان نام کردند به معنی ترک مانند و اکنون تمامی قبایل ترکمان ترک زیانند و داخل ترکان ایشان، طایفه بسیار و جماعتی شمارند.^۱

ابوریحان بیرونی واژه ترکمن را به اعتبار حبّه اجتماعی آن برای ترکانی به کار می‌برد که مسلمان شده بودند.^۲

معانی برتری دهنده و تزایدی بعضی کلمات ترکی، که مرکب از جزء مان و صورت‌های دیگر آن است (مانند: دیزمان: به معنای خیلی بزرگ، بزرگی؛ تومن: به معنای ده هزار)، این تلقی را به وجود آورده که واژه ترکمن با مضمونی که نشانه عظمت است، پیش از قرن چهارم و پنجم متداول بوده است.^۳

هرچند فقدان این اصطلاح در نخستین مکتوبات ترکی، مانند سنگ نوشته‌های اورخون و نیز منابع قدیمی سده‌های نخستین اسلامی، در صحت این فرض تردید به وجود می‌آورد.

۱. بستان السیاحه، ۲۱۸.

۲. الجماهر فی الجواهر، ۳۳۳.

۳. ابراهیم قفس اوغلو، «نام ترکمن: مفهوم و اهمیت آن»، ترجمه بی بی مریم شرعی، فصلنامه «پایراق»، سال ۲، شماره ۴-۷ (پاییز ۱۳۷۸)، ص ۹-۱۵، شماره ۱، ص ۹-۱۰.

فصل دوم بندر ترکمن در روزگار باستان

تبرستان

www.tabarestan.info

شهرستان ۷۰۰۰ ساله

از دیدگاه باستان شناختی، مهم‌ترین تپه باستانی استان گلستان در شهرستان ترکمن قرار دارد.

اهمیت فوق العاده شاه تپه شهرستان ترکمن به حدی است که در ادبیات باستان‌شناسی جایگاه «ویژه» و «شاخص» یافته و در ردیف تپه‌های «تپه سیلک»، «تپه گیان»، «تل باکون»، «تپه چشمه علی»، «تپه مارلیک»، «تپه جعفرآباد»، «تپه یحیی» و «تپه چغامیش» نام برده می‌شود. این تپه، حتی از دیگر تپه‌های باستانی استان، نظیر «تورنگ تپه»، «آق تپه»، «یاریم تپه»، «قره تپه شیخ» مهم‌تر می‌باشد.

لویی واندنبرگ در این باره می‌گوید:

«در سال ۱۹۳۳م. یک هیئت باستان‌شناسی، که با سرپرستی تی. جی. آرن (T.J.Arne) اداره می‌شد، برای دین این ناحیه به ایران آمد و سرزمین واقع میان شهر گرگان و روودخانه قره سو را مورد مطالعه خود قرار داد و در نقشه‌ای که از این سرزمین تهیه کرد، وجود بیش از ۳۰۰ تپه تاریخی را خاطر نشان نمود.

یکی از این تپه‌ها، شاه تپه بزرگ نام دارد و در فاصله ۱۳ کیلومتر در شمال غرب استرآباد واقع است.

این تپه مورد بررسی دقیق قرار گرفت: تپه به طور متوسط ۷/۵ متر ارتفاع داشت. کاوش در آن به طریق گمانه زنی انجام گرفت و ۸ گودال در آن حفر شد، که عرض و طول هر کدام ۱۰ متر بود و تحت شماره‌های A تا H نامگذاری شد.

تمام این گمانه‌ها به خاک بکر رسید و در آن ۳ دوره بزرگ تشخیص داده شد: طبقه اول که بالاتر از همه قرار داشت، شامل اشیاء دوران اسلامی بود. طبقه دوم و سوم، متعلق به دوران پیش از تاریخ بود و اشیاء پیش از تاریخی بیشتر در قبرها پیدا شد.

این قبرها غالباً در زیر خانه‌ها بود، ولی در خود خانه‌ها چیزی به دست نیامد. قسمت مهم اشیاء پیدا شده را ظروف سفالین تشکیل می‌داد. در طبقه دوم قشرهای متمایزی وجود داشت:

در قشر شماره IIAi کاسه‌های آبخوری نوک دار و کوزه‌های شکم دار به دست آمد.

در قشر IIB ماست خوری و آبخوری استوانه‌ای شکل و آبخوری‌های گود و کاسه‌های نوک دار، فراوان بود. این ظروف، شباهت زیاد به ظرف‌های طبقه سوم «تپه حصار» داشت و جنس آن از سفال خاکستری رنگ و یا سنگ مرمر بود.

در این ناحیه سفال‌های نقش دار نیز وجود داشت، معمولاً نقش این سفال‌ها قهوه‌ای پر رنگ یا سیاه روی زمینه قرمز و به شکل نقوش هندسی بود، و روی تمام ظرف را می‌پوشانید. چنین به نظر می‌رسد که بیشتر موضوع نقوش این ظروف شکل عمودی داشته.^۱

دیگر تپه‌ها و محوطه‌های پیش از تاریخ این شهرستان، که به هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد تعلق دارد، عبارتند از:

۱. یاخسین تپه: وفور سفالینه قرمز منقوش نوع چشم‌علی، که غالباً به تمامی با خمیره قرمز و نقوش هندسی زیگزاگی و باندهای پهن، عمدتاً ترین تریث رایج آنهاست.
۲. خرگوش تپه: سفالینه‌های نوع چشم‌علی، که تزئینات منقوش آن عمدتاً باندهای پهن و ساده‌ای است که به قسمت‌های خارجی بدن و شکم ظروف بزرگ به صورت عمودی و افقی، خطوط مواج محصور در میانه باندهای موازی ترسیم شده است.
۳. قره تپه: بقایای استخوان انسانی (جمجمه و دنده) و نیز سفالینه‌های قرمز ساده در فرم کاسه‌های کوچک و قرمز منقوش نوع «چشم‌علی» مربوط به ظروف بزرگ دهانه گشاد، که به وسیله باندهای پهن و باریک موازی در جهت عمودی یا افقی ظروف با رنگ سیاه بر بدن خارجی و بیرون و داخل لبه ترسیم شده‌اند، در این تپه دیده می‌شود.
۴. قومولجه تپه: سفالینه‌ها منقوش و نقوش آنها عمدتاً در جهت عمودی ظروف و شامل باندهای پهن سیاه رنگی هستند که بر روی لعاب گلی غلیظ ظروف ترسیم شده‌اند.

عصر مفرغ در شاه تپه

فرهنگ‌های دوران مفرغ ایران، از نظر تاریخی به طور نسبی اوایل هزاره سوم و اواسط هزاره دوم قبل از میلاد، یعنی حدود ۱۵۰۰ سال را دربرمی‌گیرد.

محوطه‌های باستانی حفاری شده شاخص عصر مفرغ در شمال شرق کشور، عبارتند از:

۱. تپه حصار (لایه‌های III و IIA) (Dyson, 1989; Schmidt, 1937)
۲. شاه تپه (لایه‌های III و II) (Arne, 1945)

۳. تورنگ تپه (Deshayes, 1976)

۴. یاریم تپه (Stronach, 1972)

شروع استفاده از سفال‌های خاکستری ظریف در مناطق شمال شرق ایران، یکی از شاخص‌های اصلی فرهنگ‌های عصر مفرغ قدیم و میانی است که در روندی تکاملی ظهر کرده است؛ به طوری که بعد از پیدایش اولیه، فرم و شکل ظروف سفالی خاکستری پیچیده شد و به همان نسبت هم شیوه‌های تزیین (DAGDAR، نقش کنده و افزوده) در یک روند رو به رشد پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر گشت.^۱

تپه باستانی شاه تپه در روستای اسلام تپه واقع شده و به هر ۳ دوره فرهنگی پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تعلق دارد. «آرنه» قدمت آن را ۳۵۰۰ قبل از میلاد، یعنی ۵۵۰ سال پیش ذکر کرده است.

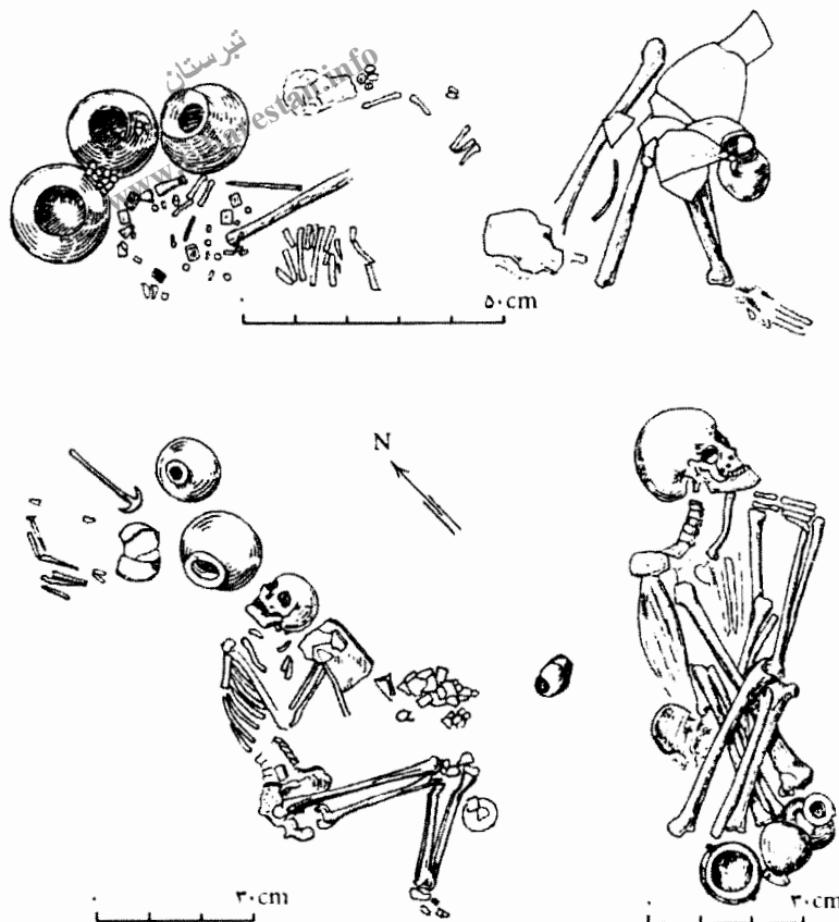
سفال‌های مشابه نوع چشم‌میانی و آثاری از دوره‌های برنز، آهن و اسلامی در آن کشف شده؛ که ابزار سنگی، استخوانی، فلزی، سفالی، سکه و مهره‌های مکشوفه، اهمیت خاص این اثر تاریخی را دوچندان کرده است.

عصر آهن و هزاره اول

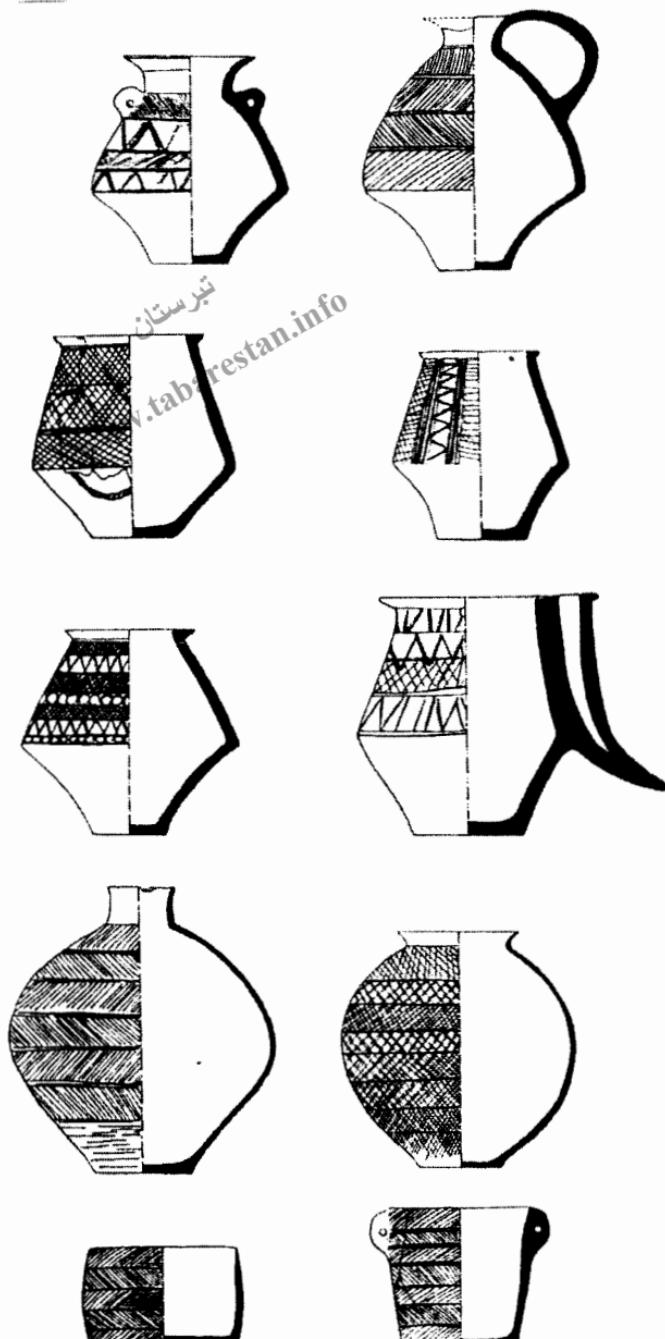
یافته‌های فرهنگی متعلق به عصر آهن و هزاره نخست پیش از میلاد، در دو تپه خرگوش تپه (سفالینه‌های خاکستری روشن، که برخی از آنها دارای ترئین نقوش کنده به صورت خطوط موازی افقی بوده و معمولاً به ظروف متوسط تعلق دارند) و شاه تپه به چشم می‌خورد.

دوره تاریخی

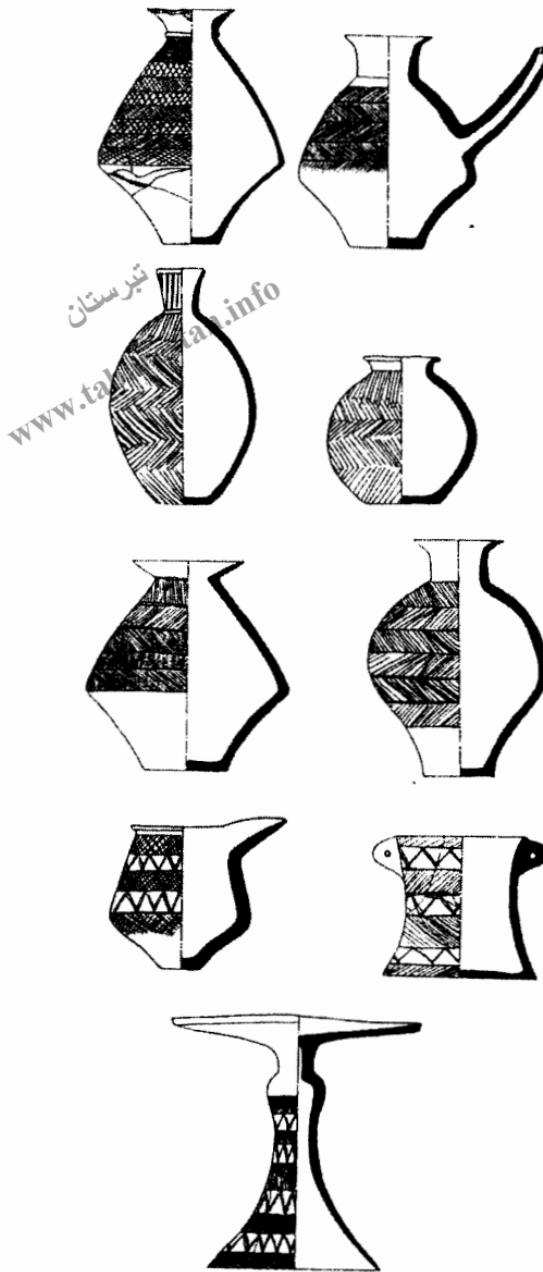
شهرستان ترکمن، در دوره تاریخی، به اوج شکوفایی تمدنی خویش در کرانه شرقی دریای خزر دست یافت، به گونه‌ای که در یافته‌های باستان‌شناسی تپه‌ها و محوطه‌های آن نیز به وضوح مشهود می‌باشد:



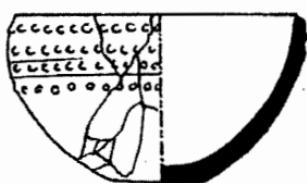
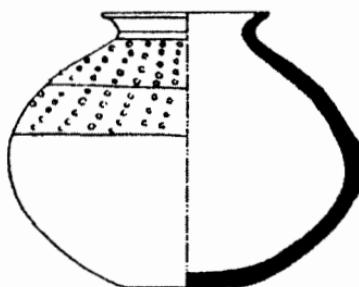
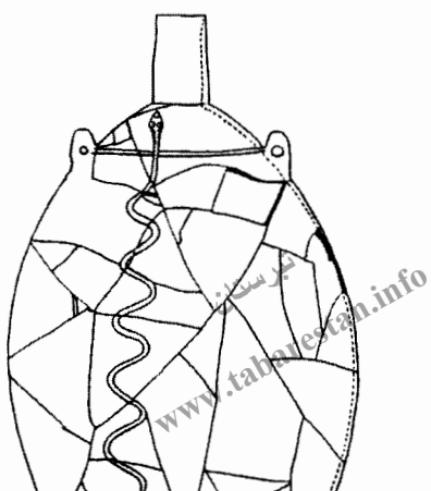
نمونه‌ای از قبور عصر مفرغ، شاه تپه (هزاره سوم ق.م)



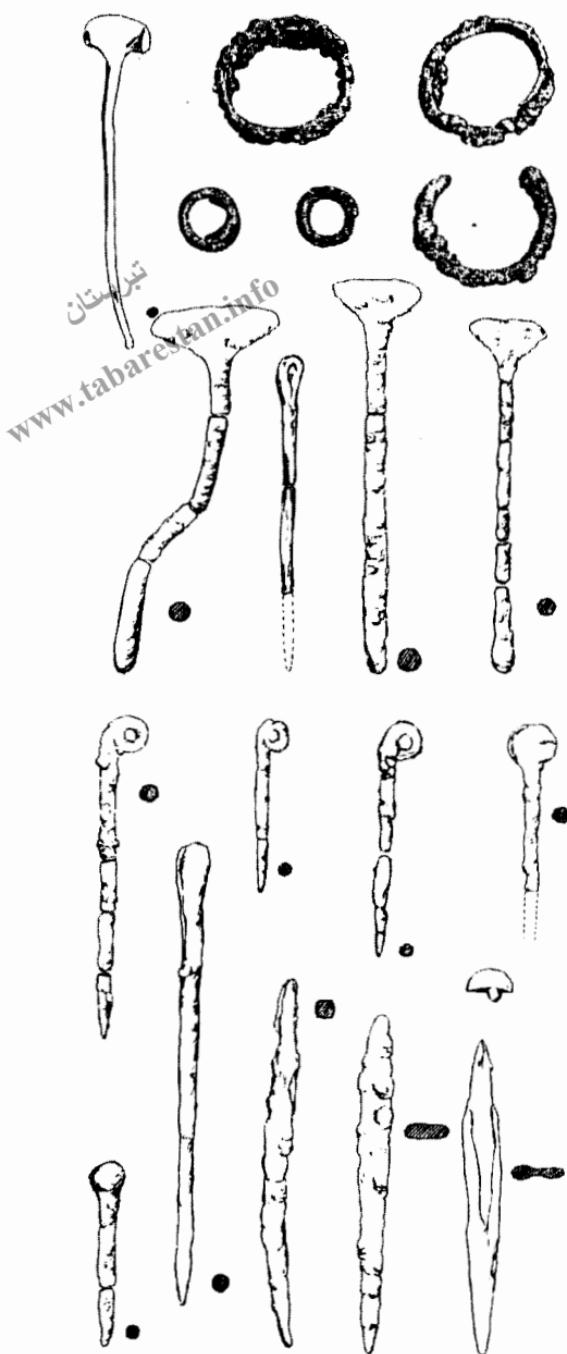
ظروف سفالی خاکستری براق با نقوش داغدار، شاه تپه
عصر مفرغ میانی و جدید



ظروف سفالی خاکستری براق با نقش داغدار، شاه تپه
عصر مفرغ میانی و جدید



شیوه‌های رایج تزیین سفال در عصر مفرغ، شاه تپه



اشیاء مفرغی (آلیاز مس و قلع) شاه تپه

۱. یاخسین تپه: سفال خاکستری تیره
۲. تپه آل هاشم: سفالینه‌های خاکستری، که در فرم‌های ظروف
ظریف و نسبتاً ظریف و ظرف‌های پایه دار شبیه به غازان می‌باشند.
۳. شاه تپه
۴. شاه تپه کوچک: سفالینه قرمز و خاکستری بالعب گلی قرمز ساده
در فرم‌های ظروف بزرگ، سفال‌های آشیخانه‌ای ~~بلاتمپر~~ شن، بقایای
استخوان جانوری و انسانی
۵. قره تپه: سفالینه خاکستری سیاه و شامل سه پایه شبیه غازان و
کاسه‌های ظریف و متوسط که دارای بدنه صیقلی هستند.
۶. قومولجه تپه: سفال خاکستری روشن بسیار ظریف
۷. محوطه پایین کیله: قطعات شکسته و سالم آجرهایی به ابعاد
 $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۰$ سانتی متر، بام پوش‌های استوانه‌ای شکل

دوره اشکانی

شهرستان ترکمن، با آن که بخش ساحلی ساتراپ هیرکانیای هخامنشی و پرثوه اشکانی بود، اما آثار پارتبی کشف شده در آن اندک و منحصر به دو تپه است:

۱. تپه آل هاشم: پیرامون آن یک خندق به عرض ۱۵ متر مشاهده می‌شود که حداقل دو جهت آن را دربرگرفته و آن را به فرم قلاع اشکانی نزدیک نموده است.
۲. شاه تپه کوچک: قطعاتی از آجرهای دوره تاریخی پارتبی و ساسانی

دوره ساسانی

برخی معتقدند که آبسكون همان جزیره آشوراده شهرستان ترکمن می‌باشد، چنان‌که پروفسور ولادیمیر مینورسکی می‌گوید:

«جزیره آبسكون ظاهراً همان گروه جزایر و دماغه‌های کوچک متعدد آشوراده است، که تنگه‌ای آن را از مصب گرگان رود جدا ساخته است.»^۱

دکتر جهانگیر قائم مقامی، بر خلاف وی معتقد است که: «نمودارهایی که از نوسان دریای مازندران در دست است، نشان می‌دهد بالاترین سطح آب در اوایل قرن نوزدهم بوده و از آن پس آب با سرعت زیاد باین رفتہ، تا این که در سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۰۸ به اندکی کمتر از منهای دو رسیده و جزایر آشوراده به شبه جزیره میان کاله پیوسته‌اند.»^۲

اطلاعات ما در خصوص شهر بندری آبسكون اندک است. شهری که «بطلمیوس» آن را سوکانا (Sokanaa Polis) یا سوکاندا نامیده^۳ و در عصر رنسانس اسلامی، بارها و بارها از آن نام برده شده است.

آبسكون از بنادر معروف و مهم به شمار می‌رفت و گاهی دریای خزر به همین نام، یعنی دریای آبسكون خوانده می‌شد. این بندر در دهانه رود گرگان واقع شده و «درن»، «بارتولد»، «لسترنج» و «مستوفی قزوینی» آن را یک جزیره می‌دانند و اضافه می‌کنند که در اثر تغییر موقعی رود «آمو» در جهت دریای خزر، سطح آب دریای خزر بالا آمده و «جزیره آبسكون» را فراگرفت.^۴

۱. ولادیمیر مینورسکی، «آبسكون»، دانشنامه ایران و اسلام، ۱۰/۱.

۲. آبسكون یا جزیره آشوراده، ۱۹.

۳. نام دیگر آن Sinica (Ptolemy, VI.9.) بوده است.

۴. آبیاری در ترکستان، ۳۳؛ نزهت القلوب، ۲۳۹؛ سرزمین‌های خلافت شرقی، ۳۷۹؛ کاسپیا، ۶۷-۹۲۶؛ تعلیقات بر حدودالعالم، ۳۹۶.

در کتاب حدودالعالم، که نخستین کتاب جغرافیایی پس از اسلام بوده و در سال ۳۷۲ق. تأثیف گردیده، آمده است: «آبسکون (آبسکون). شهرکی است بر کران دریا. آبادان و جای بازرگانان همه جهان است، کی به دریای خزران بازرگانی کنند، و از وی کیمخته^۱ پشمن و ماهی گوناگون^۲ خیزد.»^۳

ابو عبدالله احمد مقدسی بیارجمندی، تاریخستان.info تاریخ‌نگار نامدار قرن چهارم هجری، در سال ۷۵۳ق. می‌گوید:

«آبسکون. بندری است که بارویی آجرین دارد، حامعش در بازار و نهر در کنار شهر است. درگاه گرگان و بارانداز آن دشت پهناور است.»^۴

شهاب الدین یاقوت حموی (۵۷۴-۲۶۰عق.)، به اختصار از این شهر یاد می‌کند:

«آبسکون. برخی آن را آبسکون بی مد خوانده‌اند. نام شهرکی است در کرانه دریای طبرستان، که از گرگان [گنبد کاووس کنونی]^۵ روز راه به دور است و دریای آبسکون بدان شناخته می‌شود.»

رضاقلی خان هدایت، روز ۷ اردی بهشت ماه ۱۲۳۰، از این منطقه دیدن کرده و می‌نویسد:

«آبسکون. به کسر با و سکون سین. نام رودی است که از فرسخی استرآباد از جانب خوارزم آمده، به دریای خزر می‌ریزد و محل ریختن آن را آب سکون نیز گویند. و جزیره‌ای است در آن حوالی به این

۱. چرم ساغری (کیمخت) از آبسکون. (تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۲/۲۳۰).

۲. ماهی خشک شده. (مسالک و مالک، ۱۵۴؛ صورۃالارض، ۲/۲۹۸؛ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۲/۲۳۲).

۳. تعليقات بر حدودالعالم من المشرق الى المغرب، ۳۹۵-۳۹۶.

۴. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ۵۲۵.

۵. ترجمه معجم البلدان، ۱/۵۲.

اسم موسوم است. و دریای آبسکون در السنه و افواه شعرا مذکور بود.

و آن را اسکون نیز گفته‌اند و طول جزیره آبسکون را نیز «قح ل» و عرض را «لزل» شمرده‌اند. و در این اوقات که «نواب امیرزاده مهدی قلی میرزا»، حاکم مازندران؛ بر لب دریا آمده، اراده بنایی داشت، مذکور شد که آثار قدیمه ظاهر شده است و معلوم می‌شود که سیاقاً در این محل عمارت عالیه بوده و روی در خرابی نموده، اکنون بنای عمارت عالیه در آن مقام کرده و رو به آبادانی آورده است.

در بعض کتب سالفه نوشته‌اند که: جرجان مغرب گرگان است و قصبه آن آبسکون بوده، اکنون «استرآباد» است، و این نیز مقوی قول این بندۀ درگاه خواهد بود که آثاری که ظاهر شده، آبسکون بوده.^۱

شارل هانری اوگوست شفر اطلاعات تحلیلی خود را در باب این شهر

دو هزار ساله چنین بیان می‌کند:

«آبسکون یا آبسکون به وسیله قباد ساسانی بنیان نهاده شده است و معروف‌ترین بندر در کرانهٔ شرقی دریای خزر بوده است. مقدسی این شهر را دژ مستحکمی معرفی کرده است که بنای‌ایش از آجر بوده‌اند. مسجدی بزرگ داشته است که در میان بازار بنا شده بوده است.

آبسکون بندر تجاری ایالت جرجان بوده و از آن جا به مقصد دریا و

بندرهای آن مثل «دریند» و غیره، سوار کشته می‌شده‌اند.

نجاتی (Nedjati) در شرح تاریخ یمینی آورده است که در روزگار او

آبسکون را آب فراگرفت و ویران کرد.

دورن (Dorn) معتقد است که باید محل بندر آبسکون را در نزدیکی

مصب رود گرگان، در نزدیکی گومش تپه دانسته است.

موراوی یف (Mouravieff) خبر از وجود خرابه‌های بسیار از آن جاتا دریا داده است.^۱

روس‌ها در اواخر سده نهم و اوایل سده دهم میلادی، به این شهر لشکرکشی کرده‌اند.^۲

دکتر غلامحسین مصاحب، دیدگاه دیگری دارد:

«آبسکون. بندرگاه قدیم در گوشه جنوب شرقی دریای خزر، که احتمالاً نزدیک کشتدان رود گرگان و شاید در محل دخواجه نفس واقع بوده است.

به گفته اصطخری، آبسکون بزرگترین بندرگاه‌های دریای خزر بوده و گاهی این دریا را دریای آبسکون می‌خوانده‌اند. در ۲۵۰، ۲۷۰ و نیز در ۲۹۷ق. مورد دستبرد راهزنان روس واقع شد.^۳

آبسکون، جزیره یا بندرگاهی کهن در جنوب شرقی دریای خزر و شمال غربی «استرآباد» در مصب رود «گرگان»، که جغرافی دانان اسلامی طول شرقی آن را ۷۹ و ۴۵ و عرض شمالی آن را ۳۷ و ۱۰ یا ۱۵ تعیین کرده‌اند.^۴

ابوالحسن مسعودی، تاریخنگار نامدار عرب، از این بندر دیده کرده و چنین می‌نگارد:

«من خود سفری که در آبسکون کرده بودم، کشتی تجاری زیادی دیدم که از آبسکون تا بادکوبه آمد و شد می‌کردند.^۵

۱. سفر به خیوه، پاریس، ۱۸۲۳م، ۳۷-۴۲.

۲. سفارت نامه خوارزم، ۱۸۹-۱۹۰.

۳. گرگان نامه، ۴۳.

۴. آشوراده و هرات، ۲۹؛ تقویم البلدان، ۳۶.

۵. مرآة البلدان، ۱/۲۹۴.

برخی آبسکون یا آبسگون را در محل روستای تاریخی و استراتژیک خواجه نفس یا جزایر آشوراده می‌دانند، یا احتمال می‌دهند که با رود «سکاندا» در «هیرکانیا» که «بطلمیوس» از آن یاد کرده، مربوط بوده است. حدس ویلهلم بارتولد که آن را در حدود گمش تپه می‌داند، با توجه به طول و عرض جغرافیایی این دو منطقه، از اعتبار بسیار برخوردار است.

وی می‌گوید:

لنگرگاه آبسکون بندر گرگان بود. احتمالاً در مصب رود گرگان و سر جای آبادی امروزی گمش تپه واقع بوده است.^۱

شمس الدین محمد انصاری دمشقی (درگذشت: ۷۲۷ق. / ۱۳۲۷م.)

در باره آن می‌گوید:

از شهرهای جرجان، یکی استرآباد است... دیگر آبسکون است که لنگرگاهی بر کناره دریای خزر است و آن را قباد ساخته است.^۲

ابوالقاسم بن احمد جیهانی، در حدود سال ۳۶۵ق. می‌نویسد: «جرجان را فرضه‌ای^۳ است بر دریا، که آن را آبسکون خوانند و از آن جا به خزر و باب الابواب گیلان روند. و در آن نواحی هیچ فرضه بزرگتر از آن نیست و آن دیار را بدان باز می‌خوانند.»^۴

برتولد اشپولر، درباره کشتی‌رانی در دریای خزر می‌گوید:

«ابسکون بندر اصلی رفت و آمد، آن هم نه فقط برای گیلان، دیلم، طبرستان و اران با بنادر کوچکش، نزدیک آمل، رشت، باکو وغیره؛ بلکه

۱. جغرافیای تاریخی ایران، ۱۴۳؛ ترکمن‌های ایران، ۶۵

۲. نخبة الدهر في عجائب البر والبحر، ۳۵۱

۳. جای درآمدن به کشتی از لب دریا (تاریخ بیهقی، ۴۶۳)، اسکله (فرهنگ فارسی معین، ۱۷۳۳/۲)

۴. اشکال العالم، ۱۴۸

همچنین برای رفت و آمد خزان، که سرزمین آنها تا مصب ولگا گسترش می‌یافتد، بود.^۱

در سده چهارم هجری، بندری بزرگ و معتبر^۲ بوده، که افزون بر اهمیت بارگانی، یعنی مرکزیت تجارت ابریشم^۳ و پوست و ماهی، خط دفاعی در برابر ترکها هم به شمار می‌رفته^۴ و نیز راه ارتباطی شرق خزر به «باب الابواب»، «گیلان»، «دیلم» و بسیاری از سواحل دریای خزر بوده است. ابن سراپیون اظهار می‌دارد که شهر آبیکون در کنار رود گرگان، در محلی که رود به دریا می‌ریخته، واقع بوده است.^۵

اطلاق «مدینه» یا «شهر» بر آبیکون^۶، نیز مسلم می‌دارد که در آن جا جامعی و منبری بوده است. نیز اصطخری آن را بهترین بندرگاه دانسته است.^۷ و آن چنان اهمیتی داشته است^۸ که «فخر الدوله دیلمی» آن را به اضافه «دهستان» و «گند کاووس» به ولایت امیرتاش، سپهسالار معزول سامانیان داده است.^۹

پس از اسلام این منطقه که درگاه گرگان و راه ارتباطی مهمی به شمار می‌آمده،^{۱۰} ۳ بار، میان سال‌های ۲۶۶ تا ۳۰۱ ق. آماج یورش روس‌ها و پایگاه حملات بعدی آنان به گیل و دیلم گشته است.^{۱۱}

۱. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۲۷۰/۲.

۲. صورة الأرض، ۳۲۵.

۳. سرزمین‌های خلافت شرقی، ۴۰۵.

۴. رابینو، مازندران و استرآباد، ۱۴۳-۱۴۳.

۵. عجایب الاقالیم السبعه الى نهاية العمارة، ۲۲۹؛ مازندران و استرآباد، ۱۴۳.

۶. حدود العالم، ۴۹؛ معجم البلدان، ۹۱، ۵۵/۱.

۷. مسالک و ممالک، ۱۷۳.

۸. جهان گشای جوینی، ۱۱۵/۲؛ تاریخ بناكتی، ۲۴۰.

۹. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ۱۳۴؛ ترجمه تاریخ یمینی، ۷۶.

۱۰. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۴۵۹؛ تاریخ طبرستان، ۴۶۶؛ مروج الذهب و معادن الجوهر، ۲۰/۲.

از قرن هفتم هجری به بعد، اهمیت و آبادی خود را به تدریج از دست داد، چرا که در این زمان به دیهی خرد بر ساحل دریا تبدیل شده است.^۱ ظاهراً نزدیک به همان ایام، پس از یورش مغول و شکستن سد جیحون و تغییر مسیر آن به سوی دریای خزر^۲، اندک اندک آبسکون را آب گرفته است.^۳

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در جستجوی این شهر مهم تاریخی شمال کشور، زحمات بسیاری را تقبل نموده است.^۴ «آبسکون». شهر کوچکی است در کنار دریای طبرستان (بحر خزر). آن قسمت از دریا که مجاور این شهر است، نیز معروف به آبسکون است. مسافت او تا گرگان [گند کاووس کنونی]^۵ ۳ روز راه است...

حمدالله مستوفی، در ذکر بخار، در ضمن احوال بحر خزر گوید:
«در این دریا کمابیش ۲۰۰ جزیره است. مشهورتر از همه آبسکون است، که اکنون در آب است.»

و علت پنهان شدن این جزیره را دریا این دانسته که هنگامی که مغول به جهت جنگ و دشمنی سختی که با خوارزم و خوارزمشاهیان داشتند، راه جیحون را از خوارزم بگردانیدند و به خزر اتصال دادند. و چون این دریا از هیچ سمت به دریاهای دیگر راه ندارد، چون این آب بر او افزود، لابد قدری از خشکی را دریا نمود و آبسکون در آب مدفون است... سلطان محمد خوارزمشاه در این جزیره مدفون است، چنان که همه مورخین گفته‌اند.^۶

۱. جهان نامه، ۳۱.

۲. نزهت القلوب، ۲۳۹؛ بارتولد، گزیده مقالات، ۴؛ عباس اقبال، تاریخ ایران، ۴۲۷.

۳. سرزمین‌های خلافت شرقی، ۴۰۴؛ اردشیر برزگر، تاریخ تبرستان، ۵۴۵؛ دانشنامه ایران و اسلام، ۱۰/۱.

۴. مرآۃالبلدان، ۱۱۱/۱-۱۲.

در باره وجه تسمیه آبسکون، دو دیدگاه وجود دارد:

۱. ساحل آرام: شهر آبسکون در میان ترکمن‌ها به «کرسو» یعنی «آب کر» (آب سکن = آبسکون) شهرت دارد. به دلیل سکون آب در اطراف این بندر و داشتن ساحل آرام، نام آن را آب سکون (=آبسکون) نهادند.
۲. بندر اشکانی: این جاینام پارسی است و مرکب از دو واژه «آب» و «سکون» می‌باشد. سکون، همان اسکون یا اشکون یا اشکان است و در جمع به معنای بندر اشکانی می‌باشد.

شبیه جزیره آشوراده در در حدود ۶۵ کیلومتر طول و ۳/۵ تا ۶/۵ کیلومتر عرض دارد. این منطقه که در گذشته، جزیره به شمار می‌رفت در امتداد شبیه جزیره میان‌کاله بود و به مرور به علت کم شدن آب دریا به یکدیگر پیوند یافتند و کم و بیش نام‌های آبسکون و میانکاله (میان‌قلعه) و آشوراده، متراffد شدند.

این شبیه جزیره که میان دریای خزر و خلیج گرگان واقع شده است، «بر مدار ۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۵۴ درجه و یک دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ قرار دارد». ^۱

میان‌کاله که گاه با دهی نزدیک به شهر (اشرف البلاط) به نام میان‌کاله یا میان‌گاله تشابه یافته، روی هم رفته سرزمینی است با شیب ملایم، و انبوه گیاهان و خارهای رستنی محلی و درختان کوتاه مابنده انار و ازگیل و حشی که بخش‌هایی از آن را پوشانده و منطقه را به صورت نیمه جنگلی درآورده است. در زمستان‌ها آب تا ارتفاع متوسط یک متر درختان را دربر می‌گیرد.

تعیین مکان دقیق شهر بسیار مهم آب‌سکون، با توجه به اختلاف شدید محققان و تاریخنگاران و جغرافیادانان، بسیار دشوار می‌باشد؛ چرا که برخی معتقدند آب‌سکون به زیر آب فرو رفته و جزیره آشوراده، هم اکنون در دریای خزر وجود دارد و تقریباً خالی از سکنه می‌باشد.

فصل سوم

بندر ترکمن در دوران اسلامی

تبرستان

www.tabarestan.info

تپه‌های اسلامی

با آن که شهرستان ترکمن، شهرستانی بسیار کوچک می‌باشد، اما نشانه‌های شاخص استمرار تمدنی در آن، در اغلب تپه‌های آن وجود دارد:

۱. یاخسین تپه: سفال لعابدار تک رنگ فیروزه‌ای و لعب پاشیده بر روی خمیره نخودی
۲. پامق تپه: سفال قرمز ساده و سفال نخودی لعابدار و فیروزه‌ای منقوش به نقش‌های هندسی و اسلیمی
۳. تپه آل هاشم: ظروف دارای دسته‌های افقی و سفالینه‌های لعابدار چند رنگ، پاشیده و یک رنگ
۴. شاه تپه، سفالینه‌های لعابدار
۵. محوطه پایین کیله: قطعات شکسته سفالینه‌های لعابدار و بی‌لعلاب (شبیه به سفال شهر جرجان)

دوره صفویه

فارغ از تپه‌ها و محوطه‌های اسلامی شهرستان و نیز فرضیه «یکی دانستن آبسکون و آشوراده»، شهرستان ترکمن در هزاره اول اسلامی، در

غباری از سکوت گرفتار شده و نامی از آن به میان نمی‌آید، اما هر چه که هست، بخشی از گنبد کاووس (جرجان قدیم) و نیز آبسکون بوده است. یادمان‌های صفوی شهرستان، به قلعه آشوراده در جزیره آشوراده (این جزیره در دوره صفویه و جانشینان آن، شکارگاه شاهان و امیران و بزرگان محلی و کشوری بوده)، امامزاده و گورستان آق امام و پل داش کفری، که در ۱/۵ کیلومتری جنوب روستای قره قاشنه واقع شده و بر روی رودخانه قره سو بسته شده و در عصر صفویه ساخته شده است؛ محدود می‌گردد.

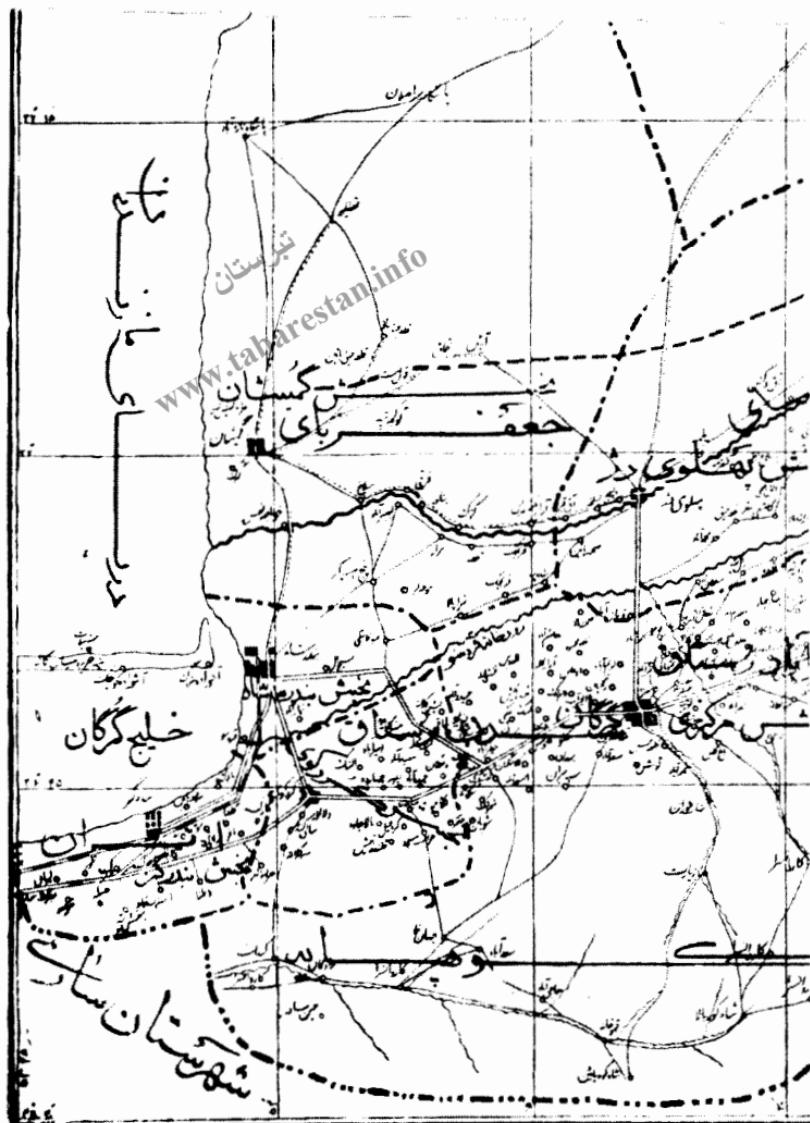
این پل دارای ۲ چشم و طول آن ۲۲ متر و عرض آن ۵ متر و ضخامت دیوارهای طاق ۰/۹ متر است. مصالح آن از آجر و ملات آن ساروج می‌باشد و در سطح فوقانی با استفاده از سنگ‌های رودخانه‌ای آن را مفروش کردند و نیز از جوش‌های آجر برای جرزهای بنا بهره جسته‌اند.

بندر شاه

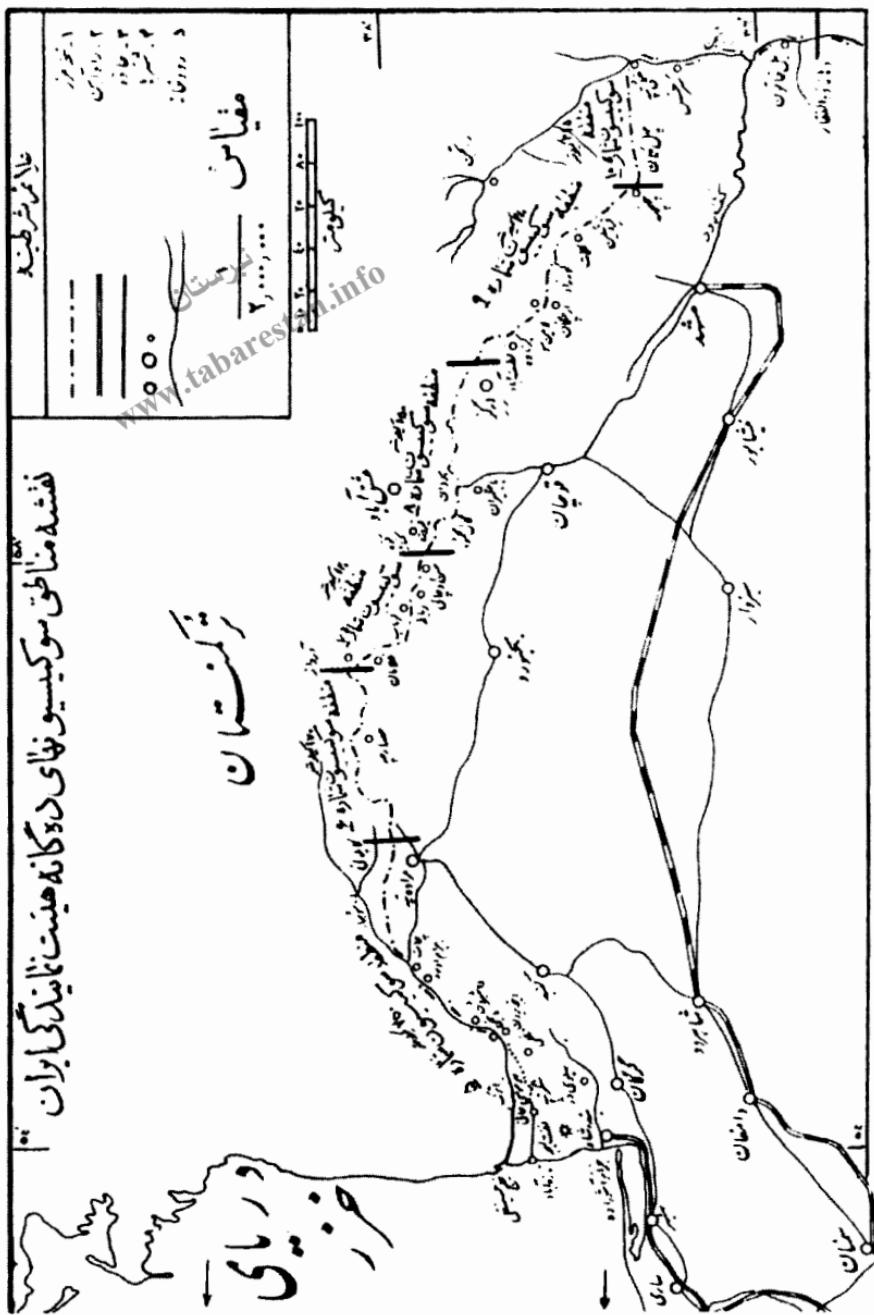
عملیات احداث این شهر بندری در مقابل جزیره آشوراده و محلی که «نیزار» و «باتلاقی» بوده و پیش‌تر قرارگاه نظامیان برای سرکوب شورش‌های بی حد و حصر ترکمن‌ها بود، در تابستان سال ۱۳۰۶، به سبب دara بودن شرایط مناسب، آغاز و در ۳ آبان ماه ۱۳۰۷ به پایان رسیده و بندر شاه نامیده شد و از همان سال، راه آهن سراسری ایران از این نقطه (از ۲۴ مهر ماه ۱۳۰۶) آغاز گردید و آن جا به یکی از بنادر مهم کشور بدل گشت.^۱

اسکان عشایر ترکمن، توسعه شیلات، احداث راه آهن، تأسیس بندر در ۲۲ تیر ماه ۱۳۰۸ و رونق بازرگانی دریایی و ساختن اسکله بارگیری

۱. فرهنگ جغرافیایی ایران، ۵۰/۳



بخش بندر شاه



خط مرزی ایران و سوری در مناطق ترکمان نشین (کشور جمهوری ترکمنستان فعلی) که در شرق دریای خزر از حسینقلی تا حوالی بابا دورمز واقع می شد

(از نوع مستحکم و به طول ۷۳ متر و عرض ۱۳ متر)، پیدایش سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و ایجاد تسهیلات مدنی، در رونق و گسترش و شکوفایی آن نقش بسزایی داشته است.

نخستین شهر مهندسی ساز ایران، در شهریور ماه ۱۳۲۰، توسط ارتش اشغالگر روس تصرف گردیده و محدوده‌ای را در شمال هسته مرکزی شهر، از خیابان اسکله به طف شمال تاریخ‌الی کشتارگاه را که در آن زمان یک فضای خالی از سکنه بود، با سیم خاردار قرق می‌کنند. بندر ترکمن در جنگ جهانی دوم، از نظر حمل مهمات به «اتحاد جماهیر سویاالیستی شوروی»، نقش مهمی ایفا نموده و عامل مؤثری در پیروزی متفقین بوده است.^۱

۱. احمد بریمانی، دریای مازندران، ۵۳.

فصل چهارم

آثار باستانی و تاریخی

تپه‌های تاریخی

آق سین تپه

این تپه باستانی که به شماره ۸۸۷۶ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده، در روستای یاخ سین تپه (آق سین تپه) واقع گردیده و در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۲۰ دقیقه و $\frac{1}{3}$ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و $\frac{55}{60}$ دقیقه و $\frac{2}{3}$ ثانیه عرض شمالی قرار گرفته است.

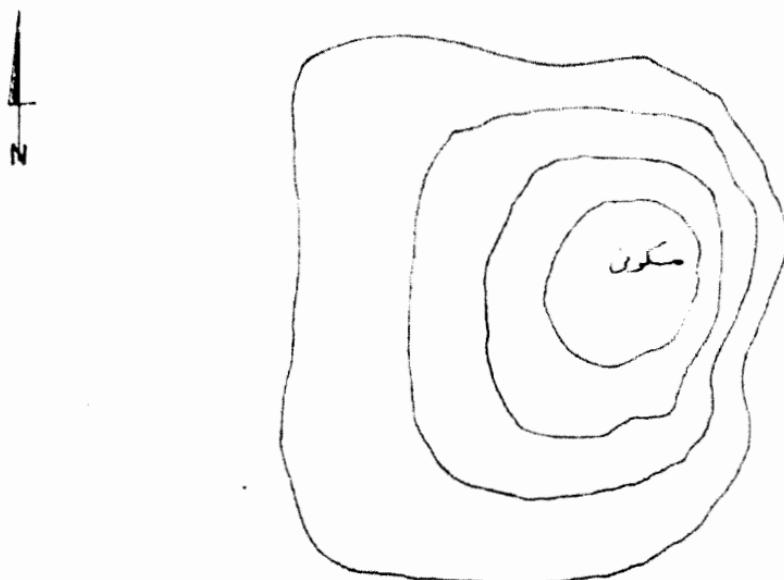
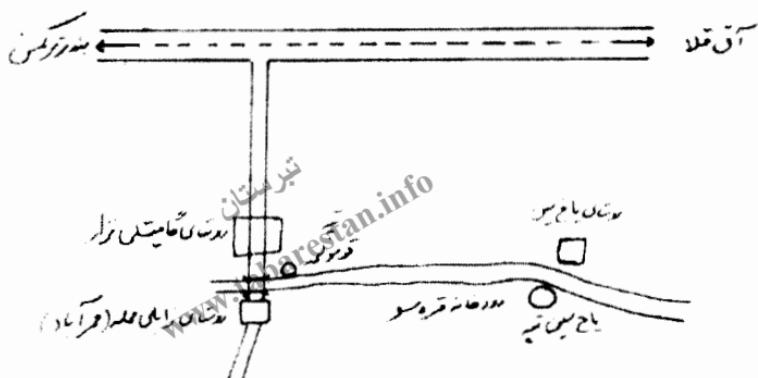
روستای یاخ سین تپه ۳ پاره است، که ۲ پاره جنوبی و میانی آن بر روی تپه‌های باستانی واقع شده‌اند. یاخ سین تپه میانی، گسترده‌ترین مساحت را دارد که به ۶ هکتار می‌رسد.

در شمال این تپه، رودخانه قره سو جریان دارد و بیشترین ارتفاع تپه در زاویه شمال شرقی آن به چشم می‌خورد که به ۴ متر می‌رسد. احداث واحدهای مسکونی و توسعه زمین‌های کشاورزی، باعث تخریب بخش عمده‌ای از این اثر تاریخی شده است.

هر ۳ دوره مهم استقراری را می‌توان در این تپه مشاهده کرد:

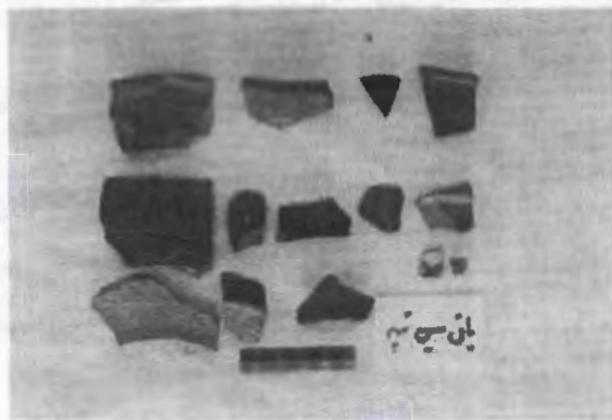
۱. از دوره پیش از تاریخ، سفالینه قرمز منقوش نوع چشم‌علی» به

وفور به دست آمد. این سفالینه‌ها غالباً به تمامی با خمیره قرمز و نقوش هندسی زیگزاگی و باندهای پهن، عمدت‌ترین تزئین رایج آنهاست.



کروکی موقعیت تپه باستانی (یاخ سین تپه)

۲. همچنین سفال خاکستری تیره را می‌توان در فرم‌های ظروف متوسط دید.
۳. سفال لعابدار تک رنگ فیروزه‌ای و لعب پاشیده بر روی خمیره نخودی دوره اسلامی نیز در این تپه مشاهده می‌شود.
- ژان ژاک دمورگان، جهانگرد و باستان شناس فرانسوی، آن را آخسین تپه نامیده و در توصیف آن گفته است خرابه‌هایی استندواقع بر ساحل چپ قراسو در استرآباد.^۱



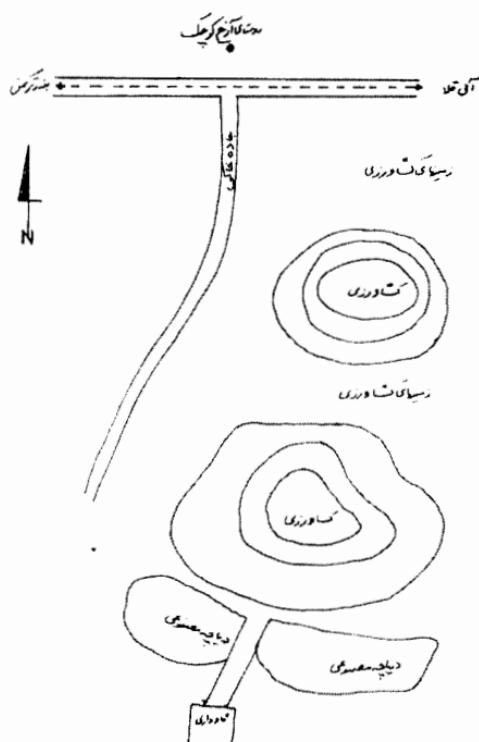
سفال‌های یاخ سین تپه

پامق تپه

این تپه تاریخی دوره اسلامی که به شماره ۸۸۶۶ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده، در ۲ کیلومتری شمال غرب روستای گامیشلی نزار واقع گردیده و از ۲ تپه مجاور هم و در امتداد محور شمال جنوب و با فاصله‌ای اندک تشکیل می‌گردد.

فرم آن بیضی شکل بوده و ابعاد آن ۳۰۰ متر طول، ۱۵۰ متر عرض و ۲ متر ارتفاع می‌باشد. سفال قرمز سلاوه و سفال تختودی لعابدار و فیروزه‌ای منقوش به نقش‌های هندسی و اسلیمی در این تپه به دست آمده است.

www.tabarestaninfo.com



کروکی موقعیت تپه باستانی (پامق تپه)

تپه آل هاشم

این تپه باستانی متعلق به دوره‌های تاریخی و اسلامی، به شماره ۸۸۶۸ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده، در یک کیلومتری غرب روستای آق‌سین تپه و شرق روستای گامیشلی و بر ساحل شمالی شاخه‌ای از رود قره سو قرار گرفته است.

تپه در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۹ دقیقه و ۵۰/۵ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۵ دقیقه و ۳۰/۲ ثانیه عرض شمالی واقع شده و پیرامون آن یک خندق به عرض ۱۵ متر مشاهده می‌شود که حداقل دو جهت آن را دربرگرفته و آن را به فرم قلاع اشکانی نزدیک نموده است. حفاری‌های غیر مجاز و توسعه زمین‌های کشاورزی، آسیب جدی به این اثر تاریخی وارد ساخته است.

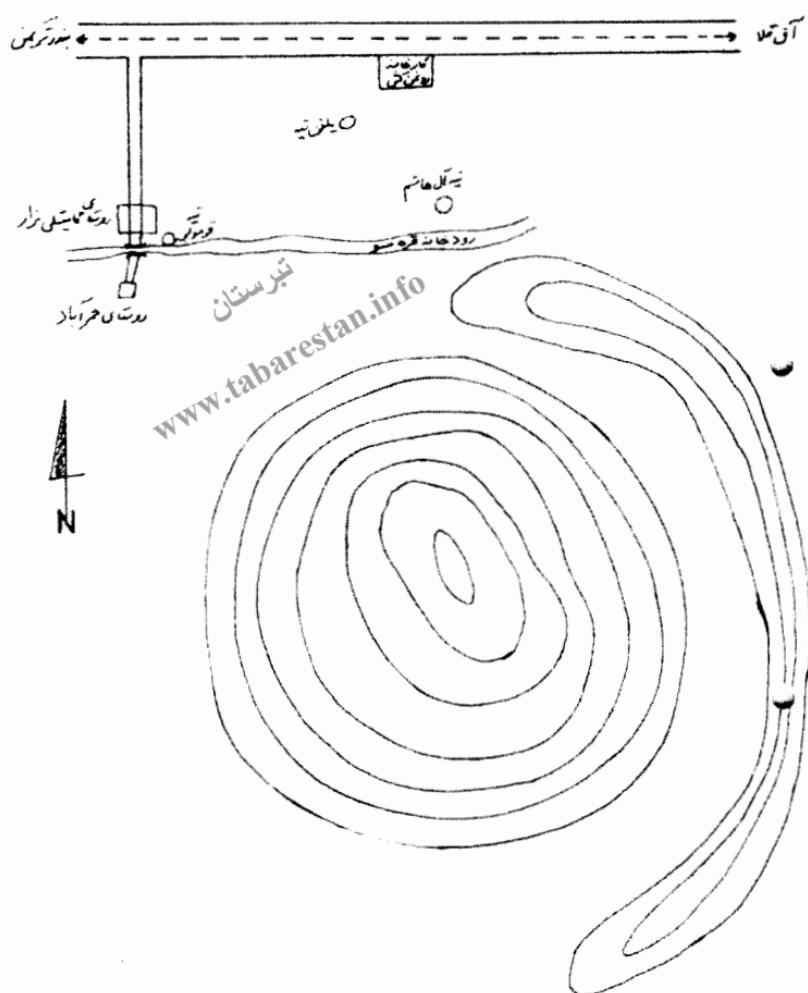
تپه به فرم مدور شکل بوده و ابعاد آن ۱۵۰ متر طول، ۱۵۰ متر عرض و ۱۰ متر ارتفاع می‌باشد.

سفالینه خاکستری، که در فرم‌های ظروف ظریف و نسبتاً ظریف و ظرف‌های پایه دار شبیه به غازان و همچنین ظروف دارای دسته‌های افقی و سفالینه‌های لعابدار چند رنگ، پاشیده و یک رنگ دوره اسلامی بر روی سطح تپه دیده می‌شود.

خرگوش تپه

این تپه باستانی در ۱/۵ کیلومتری جنوب غرب روستای گامیشلی نزار واقع شده و قدمت آن به دوران پیش از تاریخ و هزاره اول قبل از میلاد می‌رسد و به شماره ۸۸۶۷ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده است.

تپه با فرم بیضی شکل بوده و به ابعاد ۱۰۰ متر طول، ۹۰ متر عرض و ۴ متر ارتفاع می‌باشد و در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۷ دقیقه و



کروکی موقعیت تپه باستانی (آل هاشم)

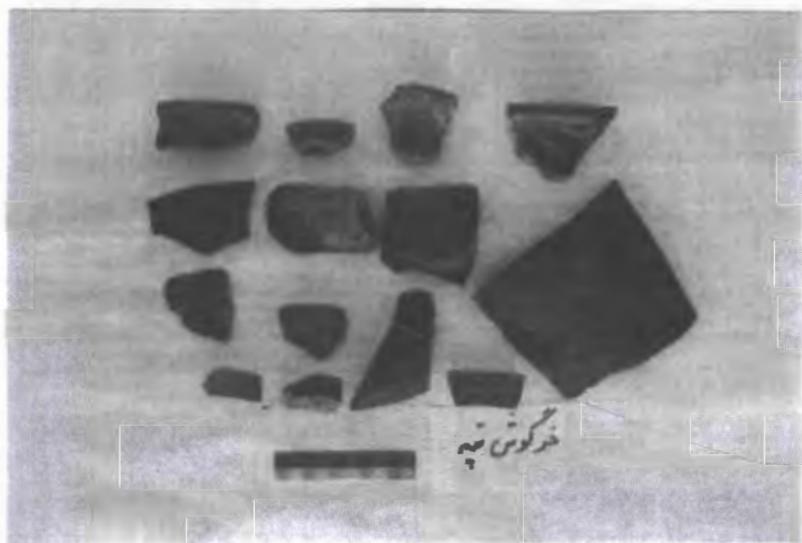


تپه و سفال‌های آل‌هاشم

۱۲/۲ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴۰/۲ ثانیه عرض شمالی قرار گرفته است.

هم اکنون بر روی این تپه کشت دیم صورت می‌پذیرد. سفالینه‌های نوع چشمه علی، که تزئینات منقوش آن عمدتاً باندهای پهن و ساده‌ای است که به قسمت‌های خارجی بدن و شکم ظروف بزرگ به صورت عمودی و افقی، خطوط مواج مخصوصاً در میانه باندهای موازی ترسیم شده و همچنین سفالینه‌های خاکستری روشن، که برخی از آنها دارای تزئین نقوش کنده به صورت خطوط موازی افقی بوده و معمولاً به ظروف متوسط تعلق دارند، در این تپه به دست آمده است.

زان ژاک دمورگان، این اثر تاریخی را چنین وصف کرده است: «خرگوش تپه: خرابه‌هایی واقع بر شمال شرقی استرآباد.»^۱



سقال خرگوش تپه

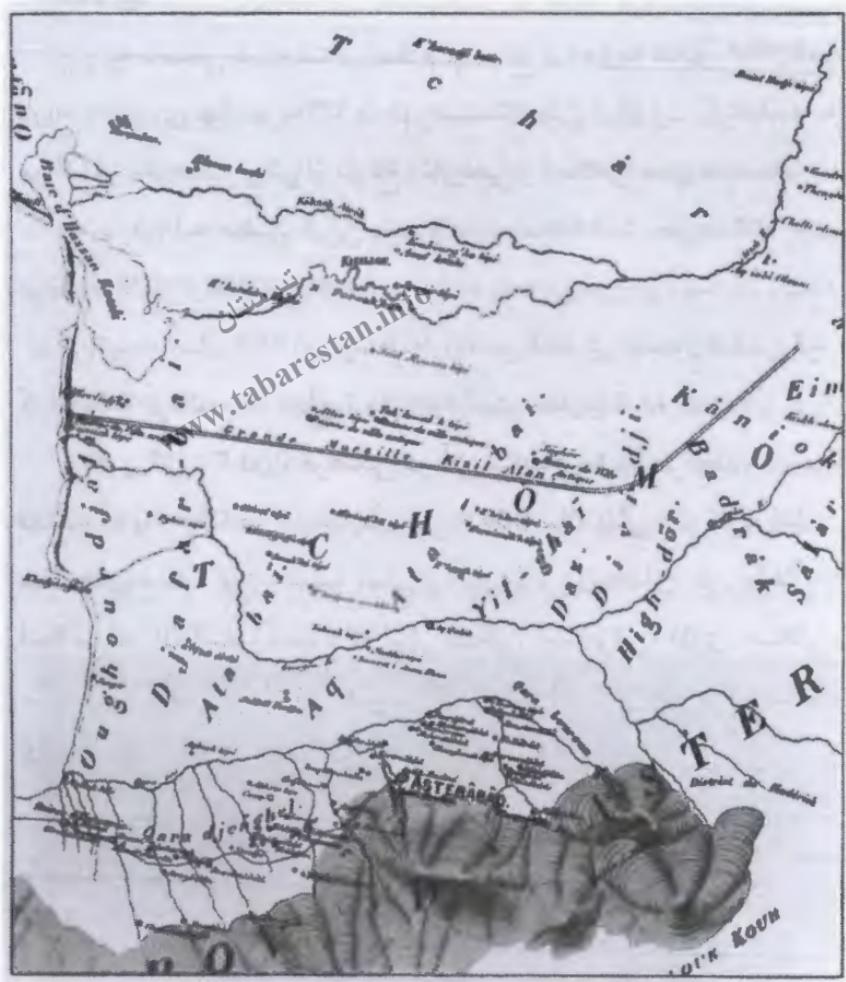
۱. جغرافیای شمال ایران، ۴۳۲.

شاه تپه

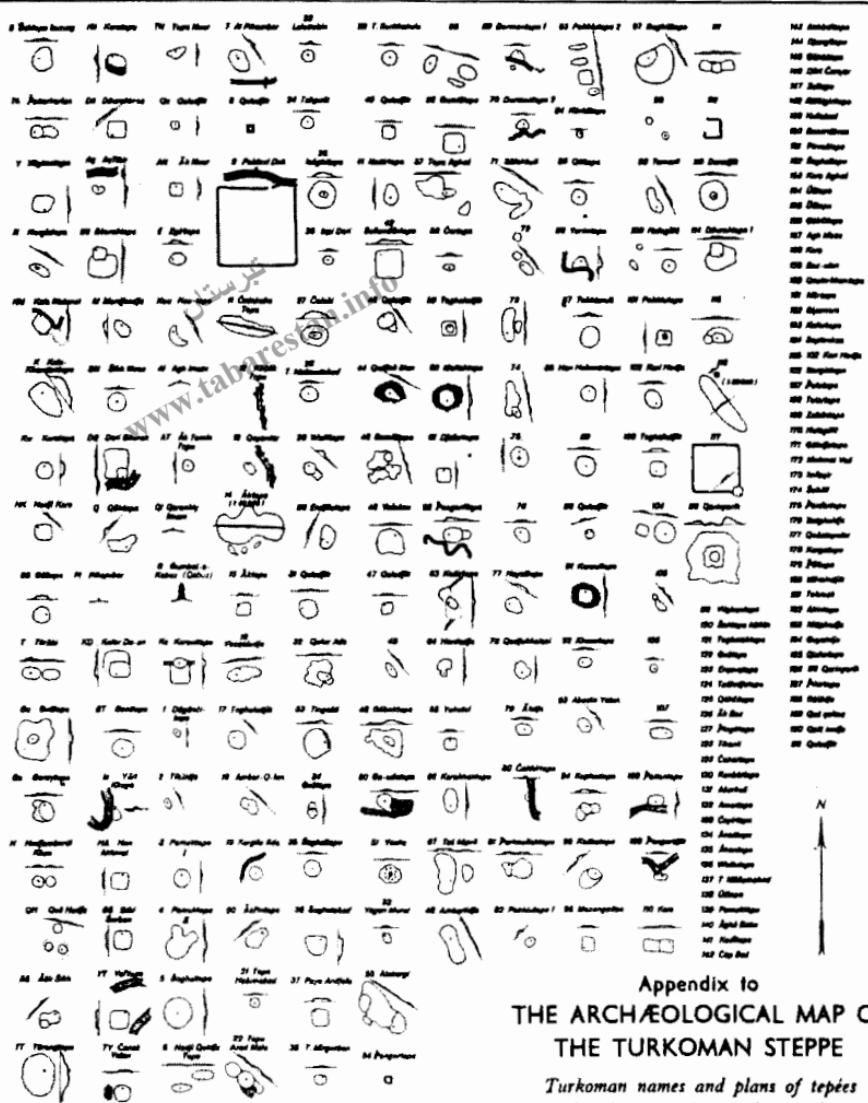
این تپه باستانی در روستای اسلام تپه واقع شده و به شماره ۳۷۶۷ در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده و به هر ۳ دوره فرهنگی پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تعلق دارد. تپه دارای فرم بیضی شکل بوده و به ابعاد ۱۶۵ متر طول، ۱۳۵ متر عرض و ۸ متر ارتفاع می‌باشد.

این تپه در سال ۱۹۳۳م. توسط «آرنه» مورد کاوشن باستان‌شناسی قرار گرفته و ۸ «ترانشه» در سطح تپه تا خاک بکر حفاری شده است. به طور کلی، ۳ دوره فرهنگی در آن شناسایی شد، هر چند، «آرنه» قدمت آن را ۳۵۰۰ قبل از میلاد، یعنی ۵۵۰۰ سال پیش ذکر کرده است. سفال‌های مشابه نوع چشمه علی و آثاری از دوره‌های برنز، آهن و اسلامی در آن کشف شده؛ که ابزار سنگی، استخوانی، فلزی، سفالی، سکه و مهره‌های مکشوفه، اهمیت خاص این اثر تاریخی را دوچندان کرده است.

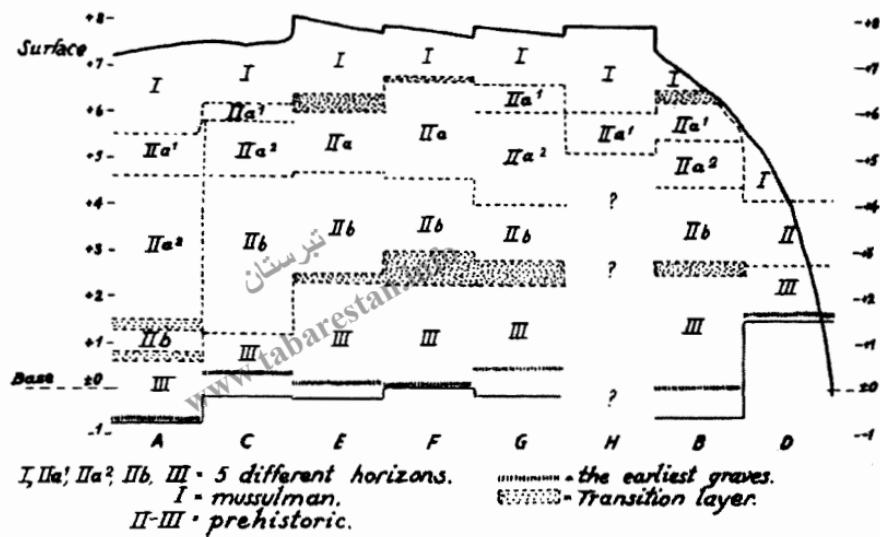
این تپه، یکی از شناخته‌ترین مکان‌های باستانی در ادبیات باستان‌شناسی کشور می‌باشد.



شاه تپه در گلستان



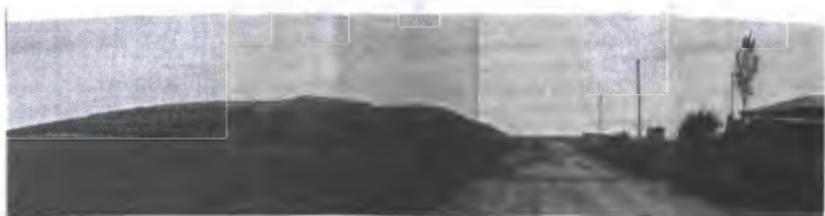
تپه‌های مهم گلستان



گمانه زنی شاه تپه



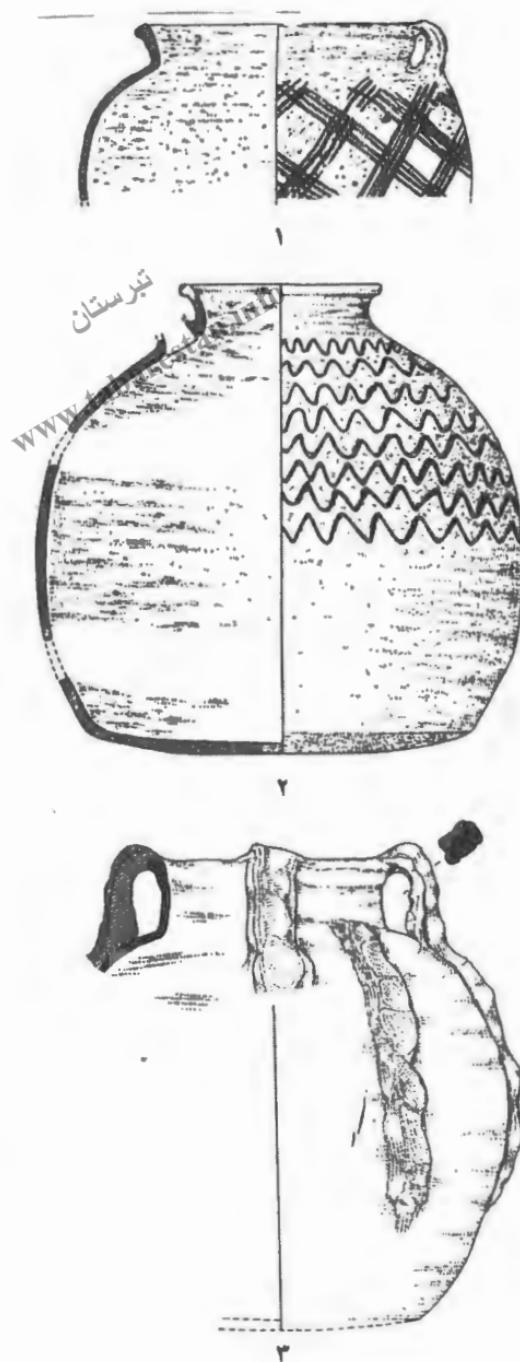
میزان منحنی شاه تپه



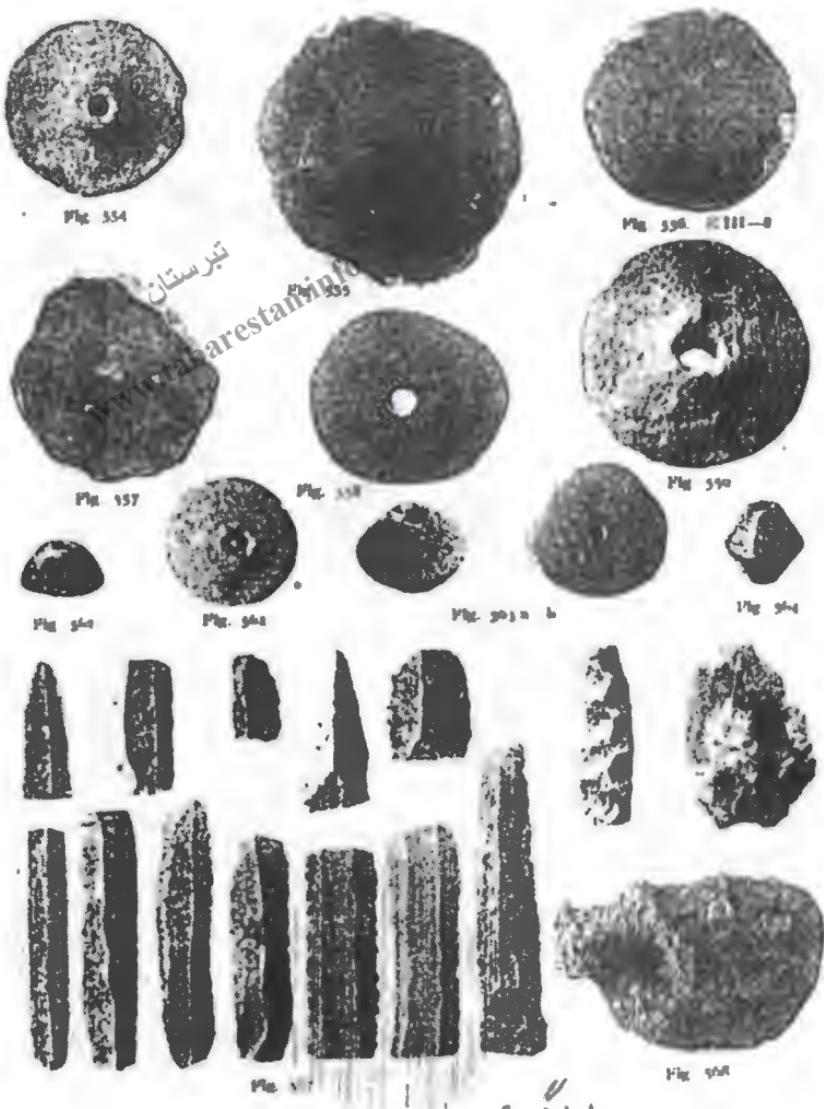
شاه تپه، مهم‌ترین تپه استان گلستان



شاه تپه (نقطه باستان‌شناسی دشت‌گرگان)



سه شیوه تزیین رایج در سفالگری عصر مفرغ ایران:
۱- نقش داغدار؛ ۲- نقش کنده و ۳- نقش افزواده



ابزار سنگی شاه تپه



Fig. 622 a-g

Fig. 623 a-f

ابزار استخوانی



تبرستان

www.tabarestan.info



Fig. 283

تبرستان



Fig. 284



Fig. 285

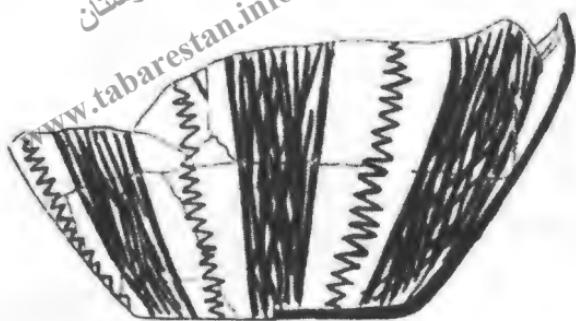


Fig. 286 a



Fig. 286 b

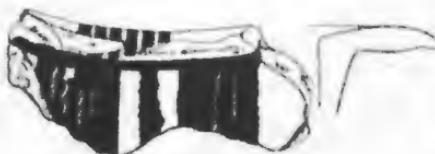
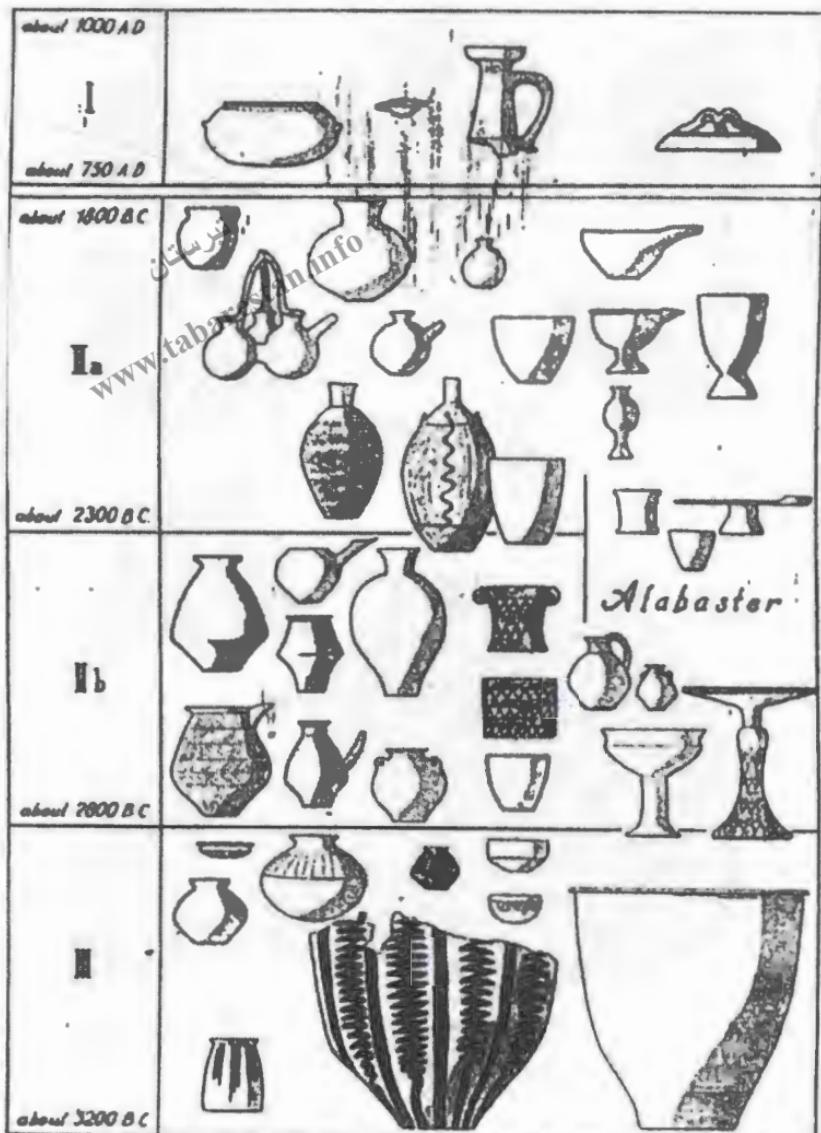


Fig. 287

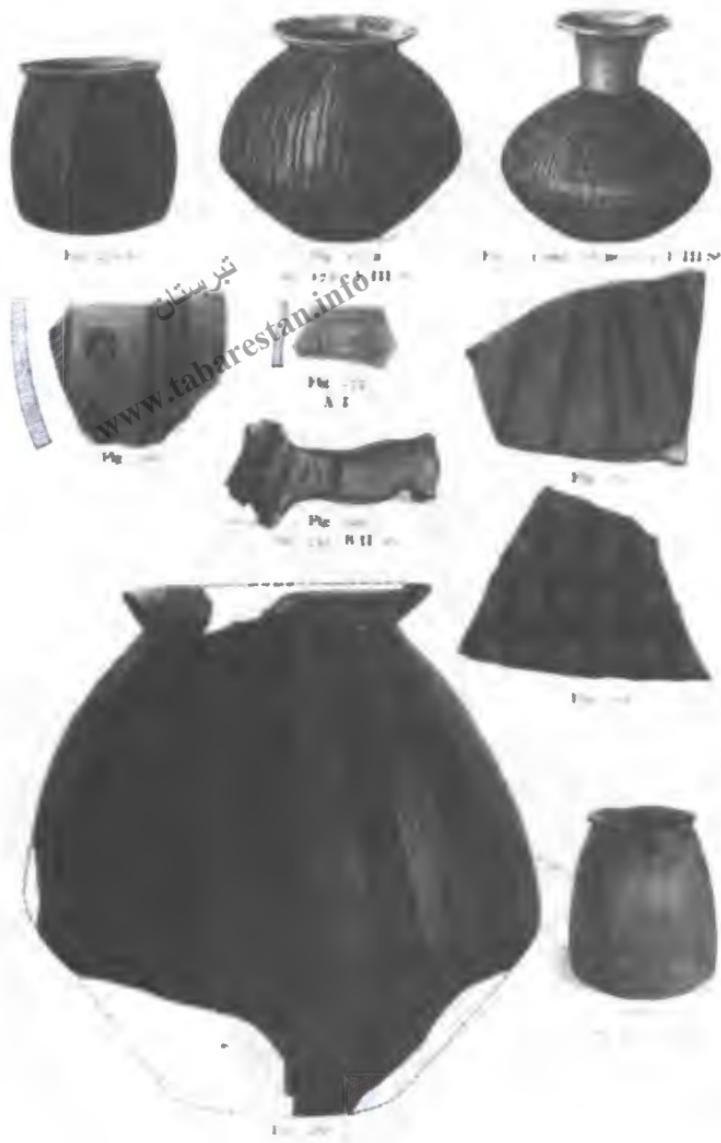


Fig. 288

سفال‌های منقوش شاه تپه



گاهنگاری شاه تپه



سُفَالٌ هَا



اشیاء فلزی

شاه تپه کوچک

این تپه دوره تاریخی، که به شماره ۸۸۷۷ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده، در یک کیلومتری شمال روستای اسلام تپه و در شمال شاه تپه معروف دوره پیش از تاریخ قرار گرفته است.

تپه در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۲۰ دقیقه و ۵۳/۷ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۶ دقیقه و ۵۷/۵ ثانیه عرض شمالی واقع شده است.

جاده آسفالته دسترسی به این روستا، در مسیر شمالی جنوبی خود، تپه را به دو نیم (شرقی و غربی) تقسیم کرده است.

سفالینه قرمز و خاکستری با لعاب گلی قرمز ساده در فرم‌های ظروف بزرگ، سفال‌های آشپزخانه‌ای با تمپر شن، بقایای استخوان جانوری و انسانی و قطعاتی از آجرهای دوره تاریخی پارتی و ساسانی در این اثر تاریخی به دست آمده است.

فرم تپه بیضی شکل بوده و ابعاد آن ۱۳۰ متر طول، ۱۰۰ متر عرض و ۲ متر ارتفاع می‌باشد.

به آن تپه شمالی هم می‌گویند.



شاه تپه کوچک

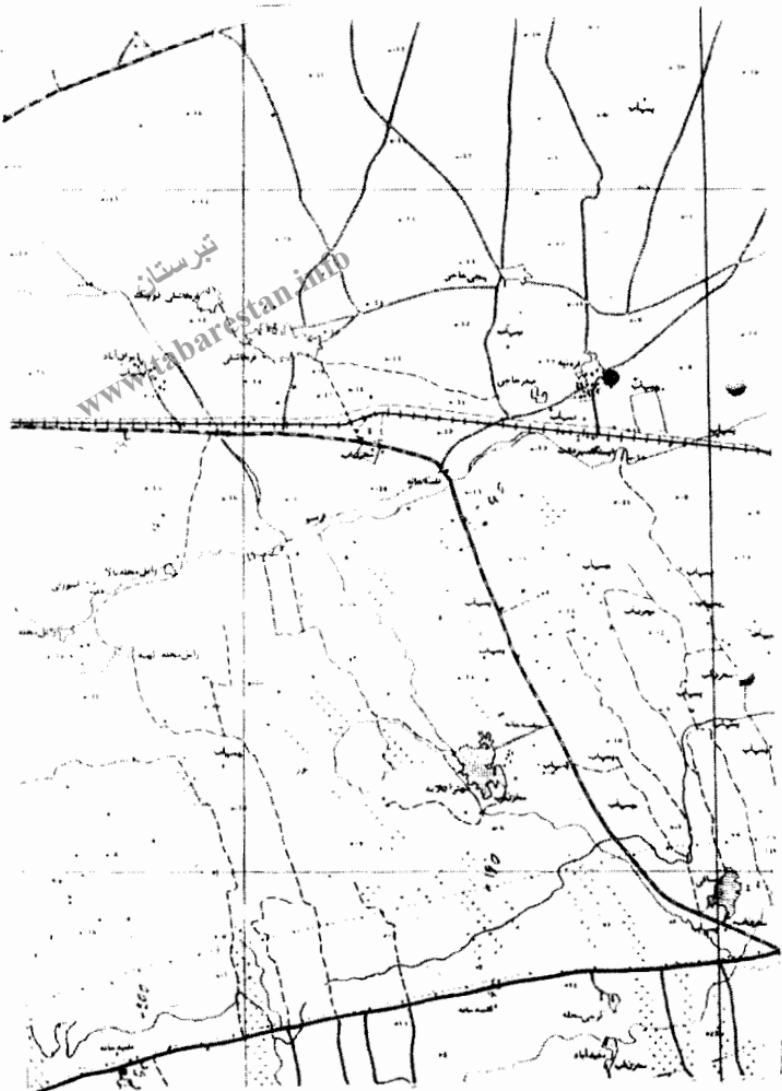
قره تپه

این تپه در شرق روستای قره تپه واقع شده و در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۳ دقیقه و ۲۲ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۴۰ ثانیه عرض شمالی قرار دارد.

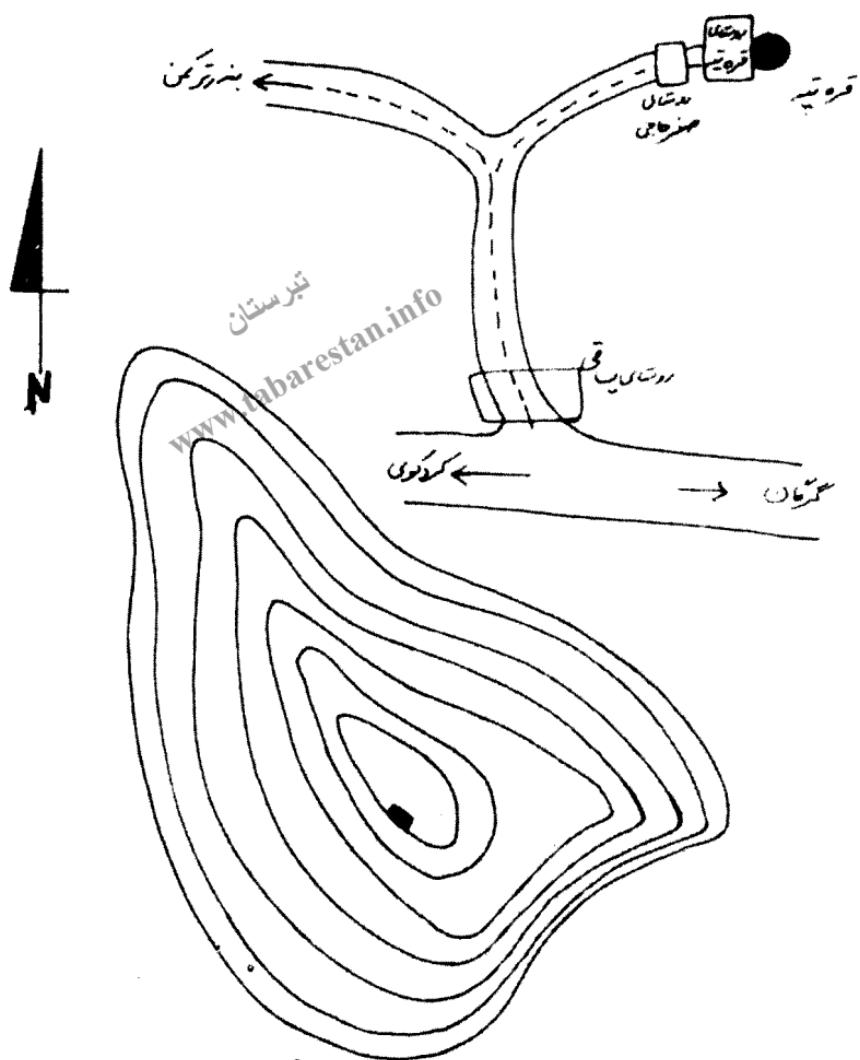
خاکبرداری و نیز کشاورزی و حفر یک حلقه چاه و ایجاد یک استخر آب، موجب تخریب بخش عمدات از این اثر تاریخی شده است. در عین حال، مقطع ایجاد شده باعث گردیده است تالابهای متعدد آن، همچون یک برش به منظور لایه نگاری، معرف تپه و ادوار فرهنگی آن باشد. در این مقطع می‌توان لایه‌های متناوب «خاک» و «خاکستر» و نیز بخش‌هایی از معماری دوره تاریخی را که با «آجر» و «خشت» به وجود آمده‌اند، مشاهده کرد.

بقایای استخوان انسانی (جمجمه و دنده) و نیز سفالینه‌های قرمز ساده در فرم کاسه‌های کوچک و قرمز منقوش نوع «چشم‌علی» مربوط به ظروف بزرگ دهانه گشاد، که به وسیله باندهای پهن و باریک موازی در جهت عمودی یا افقی ظروف با رنگ سیاه بر بدنه خارجی و بیرون و داخل لبه ترسیم شده‌اند و سفالینه خاکستری سیاه و شامل سه پایه شبیه غازان و کاسه‌های ظریف و متوسط که دارای بدنه صیقلی هستند، در این تپه دیده می‌شود.

قدمت تپه به دوران پیش از تاریخ تا تاریخی می‌رسد و به شماره ۹۳۴۳ در تاریخ ۷ مرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده است.



کروکی قره تپه



موقعیت تپه باستانی قره تپه - روستای قره تپه بندر ترکمن



تبرستان
www.tabarestan.info

موقعیت قره تپه در بافت روستایی - نمای غربی



قره تپه - نمای شرقی

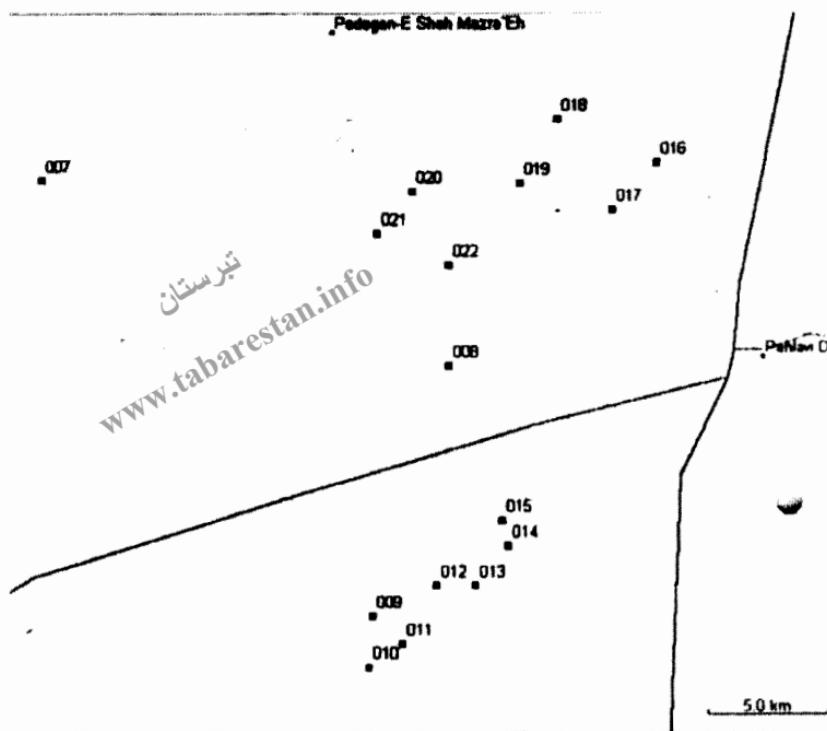
قومولجه تپه

این تپه باستانی در جنوب روستای گامیشلی نزار و ساحل شمالی شعبه‌ای از رود قره سو واقع گردیده و قدمت آن به دوران پیش از تاریخ و دوره تاریخی می‌رسد و به شماره ۸۸۷۸ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

فرم تپه دایره‌ای شکل بوده و ابعاد آن ۸۰ متر طول، ۶۰ متر عرض و ۴ متر ارتفاع می‌باشد.

تپه در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۷ دقیقه و ۱۸/۲ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۴۸/۷ ثانیه عرض شمالی قرار گرفته و بر روی آن سفال‌های شکسته‌ای که با خمیره قرمز تهیه شده و به خوبی پخته گردیده‌اند، بر جای مانده است.

سفالینه‌ها منقوش و نقوش آنها عمدتاً در جهت عمودی ظروف و شامل باندهای پهن سیاه رنگی هستند که بر روی لعب گلی غلیظ ظروف ترسیم شده‌اند. قطعاتی از سفال خاکستری روشن بسیار ظریف دوره تاریخی نیز در این تپه به دست آمده است.



قومولجه تپه واقع در روستای گامیشلی نزار بخش گمیشان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قومو لجه تپه

محوطه پایین کیله

این محوطه باستانی در ۲ کیلومتری جنوب روستای قره قاشلی قرار داشته و در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۵۲ دقیقه و $\frac{۴۳}{۹}$ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و $۱۰\frac{۸}{۶}$ دقیقه و $\frac{۱}{۶}$ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده است.

محوطه در دو طرف ضلع شمالی پل داشت کفری قرار دارد و «کله» یا «کیله» در زبان تبری به معنای «جوی آب، جویبار، نهر آب، نهر» است.^۱ در دو طرف رودخانه قره سو و کنار پل، زمین های کشاورزی وجود دارد، که به آن پایین کیله می گویند.

این مکان باستانی به صورت یک محوطه باز بسیار بزرگ و مسطح است، که در حال حاضر زیر کشت دیم و آبی قرار ارد. در سطح آن، قطعات شکسته و سالم آجرهایی به ابعاد $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۰$ سانتی متر، بام پوش های استوانه ای شکل، قطعات شکسته سفالینه های لعابدار و بسی لعاب (شبیه به سفال شهر جرجان) به چشم می خورد.

محوطه به دوران تاریخی و اسلامی تعلق داشته و به شماره ۱۱۳۰۶ در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.



۱. فرهنگ واژگانه تاریخی ملک غیبیت آذخواهه پایین کیله، روستای قره قاشلی



محوطه پاییه کیله، نمای شمالی، دو طرف رودخانه «قره سو» بعد از پل داش کفری
(محوطه پایین کیله، قرار دارد)



محوطه «پایین کیله»، نمای محوطه «پایین کیله» و پل «داش کفری»



محوطه «پایین کیله»، قطعات شکسته لبه ظروف سفال (دوره تاریخی)



محوطه «پایین کیله»، قطعات شکسته لبه و دسته ظروف سفال (دوره تاریخی)

قلعه‌های تاریخی

قلعه تاریخی آشوراده

این قلعه در شبے جزیره آشوراده قرار داشته و به شماره ۱۱۳۰۸ در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. شبے جزیره آشوراده ۶۵ کیلومتر طول و ۵/۶ کیلومتر عرض دارد. این منطقه که در گذشته جزیره محسوب می‌گردد، در امتداد شبے جزیره میانکاله بود و به مرور زمان و بر اثر کاهش آب دریا، به هم پیوستند و نام‌های «میان کاله» و «آشوراده» نیز متراffد شدند.

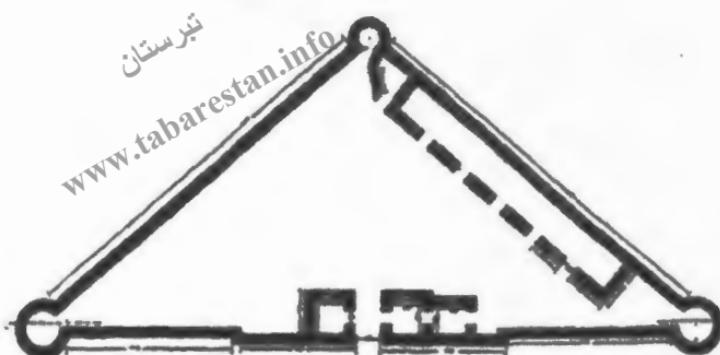
قلعه آشوراده در اوایل دوره قاجاریه ساخته شده است. پلان آن شبیه مثلث متساوی الساقین می‌باشد، که در هر رأس آن یک برج مدور بنا شده و ضلع شرقی آن ۳۴ متر و ضلع جنوبی آن نیز ۳۴ متر است؛ اما ضلع جنوبی که ورودی نیز در آن جا تعییه گردیده، ۵۴ متر می‌باشد که در مجموع ۶۲۴۲۴ متر مربع است که بقایای «آب انبار» در مرکز آن دیده می‌شود.

اضلاع ساخته این قلعه در جهت وزش باد است، که در زمان وقوع توفان و ناملایمات جوی، مقاومت نماید.

آجرهای مربع شکل به کار رفته به ابعاد $21 \times 21 \times 5$ سانتی متر و ملات به کار رفته «ساروج» و «آهک» است که در دوره‌های بعدی لایه‌ای از ملات ماسه و سیمان بر روی آن کشیده شده است.

قلعه در ابتدا کاربری نظامی داشت، اما در دهه پنجاه، مورد استفاده اداره شیلات (به عنوان انبار و منزل مسکونی) قرار گرفت و فاقد تزئینات خاصی است؛ اما در بالای درب ورودی قلعه، بقایای یک قاب تزئینی ساده به چشم می‌خورد.

قلعه توسط روس‌ها بنا شده و هم اکنون در اختیار شیلات استان گلستان می‌باشد. این قلعه، تنها قلعه قاجاریه است که به صورت مثلث ساخته شده و در سال ۱۳۵۰ تغییرات داخلی مختصراً جهت سکونت کارکنان در آن صورت گرفته است.



قلعه آشوراده
تنها قلعه مثلثی شکل ایران



قلعه تاریخی آشوراده، نمای برج غربی قلعه و پوشش گیاهی پیرامون



ورودی قلعه آشوراده

تبرستان
www.tabarestan.info



قلعه تاریخی آشوراده، نمای جنوبی و ورودی قلعه



قلعه تاریخی آشوراده، نمای شمالی ورودی (دید از درون قلعه)

بناهای آرامگاهی

امامزاده آق امام

این بنای تاریخی در ۸/۵ کیلومتری شرق بندر ترکمن، ۱/۵ کیلومتری شرق روستای قره قاشهی ، ۹ کیلومتری شرق دریای خزر و ۲۰ متری ضلع شمالی جاده یساقی به بندر ترکمن واقع گردیده و ریل راه آهن از ۱۵۰ متری ضلع شمالی آن می گذرد.

دارای پلان ۴ گوش و به شکل مستطیل است، این زیارتگاه در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است.

دکتر منوچهر ستوده درباره اش می گوید:

«بقعه‌ای ۴ ضلعی است و مسجدی متصل به آن. ۴ گوشوار در بالای ۴ کنج بناست. با ۴ گوشار ۴ ضلعی را به ۸ ضلعی و سپس تبدیل به دایره کرده و گنبدی نوک تیز بر بالای این دایره زده‌اند... بنای امامزاده بر تپه‌ای باستانی است و آثار سفال فراوان در آن دیده می شود.

در حرم امامزاده، صندوق بزرگی به درازای ۳ متر و پهنای ۲ متر مرقد را پوشانده است. کنده کاری‌های ظریف داشته، که از دو بدنۀ شمالی و جنوبی آن به سرقت رفته است. بر حاشیه شمالی صندوق، آیاتی از قرآن و برکله دیگر آن ناد علیا مظہر العجایب تا آخر حک شده است.^۱

این بنای تاریخی عهد صفویه، به شماره ۱۱۳۰۴ در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده است.



تبرستان
www.tabarestan.info



نمای عمومی امامزاده آق امام و سنگ مزار ایستاده



لاهرزاده آقی‌امام ، فلنج شمالی صندوقی (قرن نایاب کتوبه و گل‌خانی زرآباد ۷ بروز کتاب ، دیارلو ۲۰۰۶ منفذ)



لاهرزاده آقی‌امام ، فلنج شمالی صندوقی وا کتوبه «ناهعلبا» (با علی (ع))



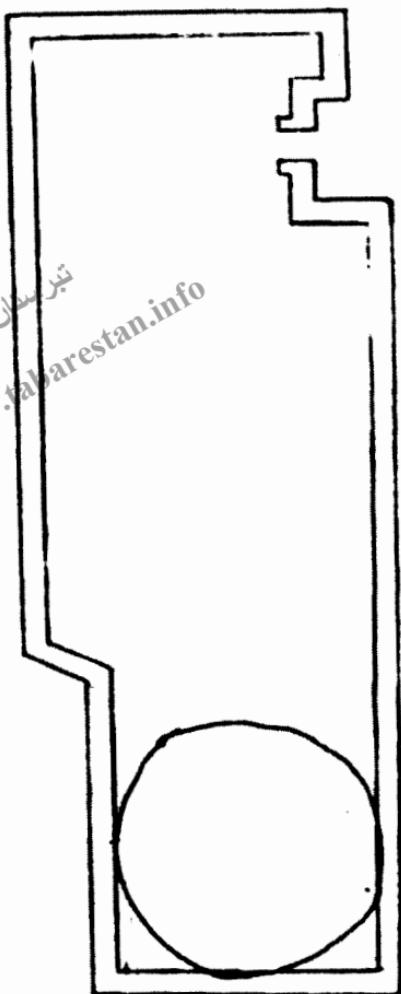
لاهرزاده آقی‌امام ، فلنج شمالی صندوقی وا کتوبه «ناهعلبا» (با علی (ع))



امامزاده آق امام، ضلع جنوبی صندوق (قبابندی منبت‌کاری شده)



امامزاده آق امام، کتیبه ضلع جنوبی صندوق



4

مودودی	پورنی	سولی	لیلی
گردی	پاران	لیلی	لیلی
لیلی	لیلی	لیلی	لیلی
لیلی	لیلی	لیلی	لیلی
لیلی	لیلی	لیلی	لیلی

کروکی پلان آق امام



امامزاده آق امام، ضلع جنوبی صندوق چوبی
(دارای کتیبه، تزئینات منبت‌کاری و قاب‌بندی)



امامزاده آق امام، ضلع جنوبی صندوق
(منبت‌کاری صندوق چوبی)

قدمگاه خواجه بهاءالدین

این قدمگاه در روستای خواجه‌لر واقع شده و در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است.

دکتر منوچهر ستوده درباره این زیارتگاه می‌گوید:

«در دهکده خواجه لر یموت مجعفربای، بنایی است مدور با نوک گندی نوک تیز که ترکمانان آن را قدمگاه خواجه بهاءالدین نقشیند می‌داند و معتقدند که شبی را در اینجا به روز اورده است. اطراف بنا گورستان است.»^۱

گاه به اشتباه آن را خواجه عبادالدین خوانده‌اند.

خواجه بهاء الدین محمد بن محمد بن محمد شاه نقشیند اویسی، در سال ۷۱۷ق. در نزدیکی بخارا در روستای کوشک هندوان^۲ دیده به دنیا گشود. در محضر استادش «محمدبابا سلماسی» به طریقت روی آورد و سلسله صوفیه نقشیند را بنیان گذارد.

سرانجام در سن ۷۴ سالگی دار فانی را وداع گفت و آرامگاه او در «باوه دین» در نزدیکی بخارا قرار دارد. قراقو، قرقیزها و ترکمن‌ها بیش از دیگر مردم آسیای میانه، به این صوفی احترام می‌گذارند.

مریدان او در کشورهای چین، هندوستان، پاکستان، ایران، افغانستان، عراق، سوریه، عربستان سعودی، ازیکستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و سوئد زندگی می‌کنند.

در بین ترکمن‌های ایران، قدمگاه وی را محل زیارت قرار داده‌اند و درباره این بنا دو دیدگاه وجود دارد:

۱. از آستارا تا استارباد، ۴۷۲/۵-۴۷۳.

۲. نام دیگر آن قصر العشاق یا کوشک عارفین است.

۱. عده‌ای بر این باورند که خواجه بهاء الدین در سفر به عربستان، اقامتی کوتاه در روستای خواجه لر داشته است.
۲. آرامگاه وی در بخارا، زیارتگاهی است که هر ترکمن آرزو دارد در طول عمر خویش، حتی یک بار هم که شده، آن را زیارت کند. بعد مسافت این شهرستان تا بخارا، مردم این ناحیه را بر آن داشته است که یادمانی از وی در روستای خواجه لر - که نامش را از خواجه بهاء الدین گرفته است - بپیا دارند.

در حال حاضر، در روزهای جمعه ترکمن‌ها به زیارت این قدمگاه می‌آیند، هرچند مانند دیگر بناهای آرامگاهی شمال کشور، زنان ترکمن به آن اعتقاد داشته و جهت درمان نازایی یا باز شدن بخت دختران، وگاه با پختن غذای محلی «چکدرمه» یا دادن صدقه و نذر بز یا بزغاله، به خواجه بهاء الدین متousel می‌شوند و یا پارچه باریکی را به شاخه درختان حاشیه قدمگاه می‌بندند. تهیه کمان از شاخه‌های نازک و آویختن نخ از درخت به طلب داشتن فرزند پسر است.

در بهمن ماه ۱۳۸۲، این بنای زیارتی، توسط افراد شرور و معلوم الحال، به آتش کشیده شد. آرامگاه شهید دکتر عظیم گل، نماینده فقید شهرستان ترکمن در مجلس شورای اسلامی و دولت محمد بال قزل، شاعر نامور ترکمن، در این مکان قرار دارد.

در اطراف قدمگاه، گورستانی به وسعت تقریبی ۵ هکتار وجود دارد، که محل دفن ترکمن‌های یموت می‌باشد. تپه‌های مرتفع (یوسقا)، که ۳ متر درازا و یک متر ارتفاع دارند، از شاخصه‌های این قبرستان قدیمی است.



بهاءالدین در بخارا

گورستان قدیمی آق امام

این گورستان در ۱/۵ کیلومتری شرق روستای قره قاشلی و ضلع شمالی جاده یساقی به بندر ترکمن واقع شده و در موقعیت ۵۴ درجه و ۱۱ دقیقه و ۱۰/۷ طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴/۰ ثانیه عرض شمالی قرار گرفته است:

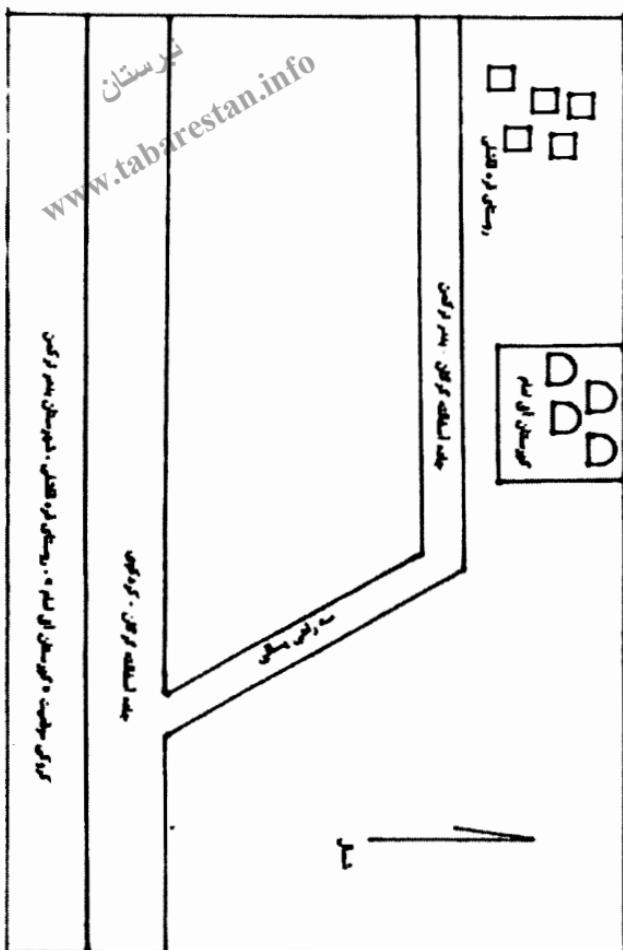
این قبرستان در اطراف امامزاده آق امام قرار دارد.
دکتر منوچهر ستوده به اختصار درباره آن می‌نویسد:
«اطراف بقعه گورستانی قدیمی شیعی است و سنگ‌های قبور سنگ‌لت سیاه رنگ است. نوشته‌های سنگ‌ها نقر بوده و بر اثر ورقه شدن سنگ از میان رفته است.

پشت سنگ‌ها، نقش‌های هندسی فراوان و زیباست. سنگ‌های این گورستان شباهت زیادی به سنگ‌های گورستان «سفید چاه» کنار رودخانه «نکا» دارد، جنس سنگ و نقش‌های هندسی پشت آن همانند است.^۱ سنگ گورها از نوع سنگ مزارهای «افراشته» یا «ایستاده» با ریشه هستند، که دارای کتیبه‌هایی به خط «ثلث»، شعر، نام متوفی، تاریخ درگذشت، صلوات کبیر، آیات قرانی، احادیث و روایات می‌باشد. در برخی از سنگ قبور، گلهای چهارپر و اسلیمی، ستون نما، مقرنس کاری و محراب دیده می‌شود.

عوامل طبیعی (باد، باران، ایجاد خزه)، حفاری‌های غیر مجاز، جا به جایی یا شکستن سنگ‌ها، موجب تخریب شدید این اثر تاریخی شده است.

دکتر اسدالله معطوفی آن را بزرگترین گورستان قدیمی خطه گرگان

تاریخی می‌داند.^۱ حدود ۸۰ سنگ گور در آن دیده می‌شود و قدیمی‌ترین سنگ گورها، متعلق به عصر تیموری و سال ۸۷۷ق. می‌باشد. این گورستان دوره اسلامی، به شماره ۱۱۳۰۷ در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده است.



کروکی موقعیت «گورستان آق امام» روستای قره قاشهی، شهرستان بندر ترکمن

۱. سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد، ۸۷۰.



نمای عمومی امامزاده آق امام و سنگ مزار ایستاده با ریشه
دارای کتیبه و نقوش تزیینی



نمای عمومی گورستان آق امام و دفن اموات در دهه اخیر



امامزاده آق امام، سطحی، قطعات لبه سفال قرمز دوره اسلامی



امامزاده آق امام، سطحی، قطعات لبه و بدن سفال لعابدار اسلامی



گورستان آق امام ، تزئین گل اسلامی روی سنگ فیر



گورستان آق امام ، حد فاصل دو سنگ نشان ، قلوه سنگ فرلو می دادند



گورستان آقی امام ، ماسافانه در انو باد و باران و یوسیدگی نوشه های سنگ فیرها راک
هی سود



گورستان آقی امام ، دارای A ددیف کتبیه و نقوش بزنسنی ، صلواه کبهر و اطلال عاب درباره
موقی



گورستان آق امام، سنگ مزار ایستاده، دارای کتیبه به خلط ثلث و نقوش تزئینی
(نقوش محرابی، گل تسلیمی و ستون نما)



گورستان آق امام، سنگ مزار ایستاده دارای قاب بندی (کتیبه با نقوش تزئین)



گورستان آق امام، سنگ مزار ایستاده با ریشه دارای کتیبه با نام علی و سه ردیف کتیبه درباره متوفی



گورستان آق امام، سنگ مزار ایستاده با ریشه کتیبه‌ای به خط کوفی و تکرار نام (حضرت علی (ع))

بناهای عام المنفعه

پل داش کفری

این پل تاریخی در ۱/۵ کیلومتری جنوب روستای قره قاشهی واقع شده و بر روی رودخانه قره سو بسته شده و از سطح دریای آزاد ۱۳ متر پایین‌تر است. اکنون به خاطر استفاده از آبی رودخانه قره سو در بالادست روی آن دیواره انحرافی زده‌اند.

این بنا در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه و ۱۷ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۲ دقیقه و ۴۲/۲ ثانیه عرض شمالی قرار گرفته است.

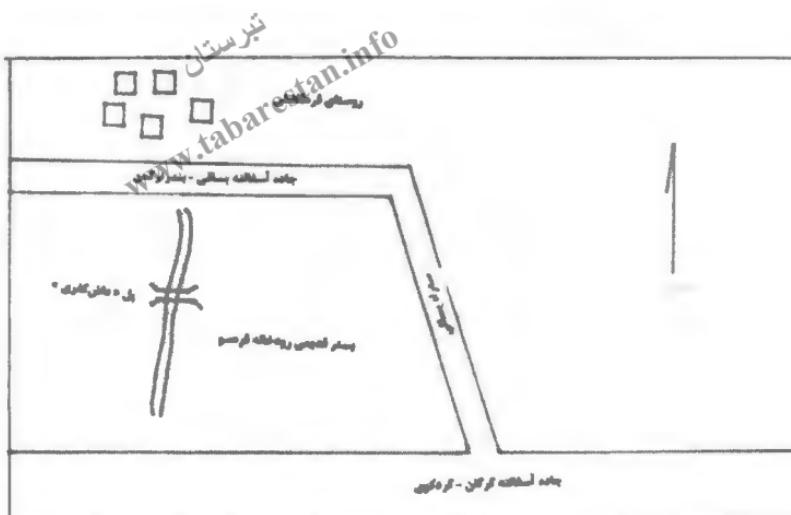
این اثر تاریخی عصر صفویه به شماره ۱۱۳۰۵ در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار تاریخی ایران ثبت شده است.

پل دارای ۲ چشمه و طول آن ۲۲ متر و عرض آن ۵ متر و ضخامت دیوارهای طاق ۰/۹ متر است. مصالح آن از آجر و ملات آن ساروج می‌باشد و در سطح فوچانی با استفاده از سنگ‌های رودخانه‌ای آن را مفروش کردند و نیز از جوش‌های آجر برای جرزهای بنا بهره جسته‌اند.

از ضلع جنوبی حد فاصل ۲ چشمه یک نیمه گنبدی به عنوان موج شکلی یا فشار شکن قرار داشت و در حد فاصل ۲ چشمه یک نیمه گنبدی به عنوان موج شکلی یا فشار شکن قرار داشت و در حد فاصل ۲ چشمه یک کانه پوش قرار دارد. ابعاد آجرها $25 \times 25 \times 5$ سانتی متر است. این پل، تنها پل آجری موجود بر روی رودخانه قره سو است، که بر اثر حفاری غیر مجاز، تغییر مسیر رودخانه و توسعه زمین‌های کشاورزی، باعث تخریب «پی» شده است.



نام پل	پل داش کفری
جایگاه	بندار ترکمن
ساخته شده	پیش از دوران اسلامی
تاریخ	متأخرین
از این پل	برخاسته



کروکی موقعیت «پل داش کفری»، روستای قره قاچلی، شهرستان ترکمن



پل «داش کفری»، نمای ضلع جنوبی پل و استفاده از قلوه سنگ در سطح فوقانی



پل «داش کفری»، چشمه‌های پل دارای طاق شاخ بزی هستند.



پل «داش کفری»، استفاده از مصالح سنگ (رودخانه‌ای) در کانه پوش پل



پل «داش کفری»، نمای سنگ‌های رودخانه‌ای و خزه‌هایی که روی سطوح آن روئیده است.



پل «داش کفری»، نمای طریقه طاق زدن پل



پل «داش کفری»، ضخامت ۹۰ سانتیمتری چشممه‌های پل



پل «داش کفری»، نمای ضلع شمالی



پل «داش کفری»، نمای پل در ضلع غربی - شرقی

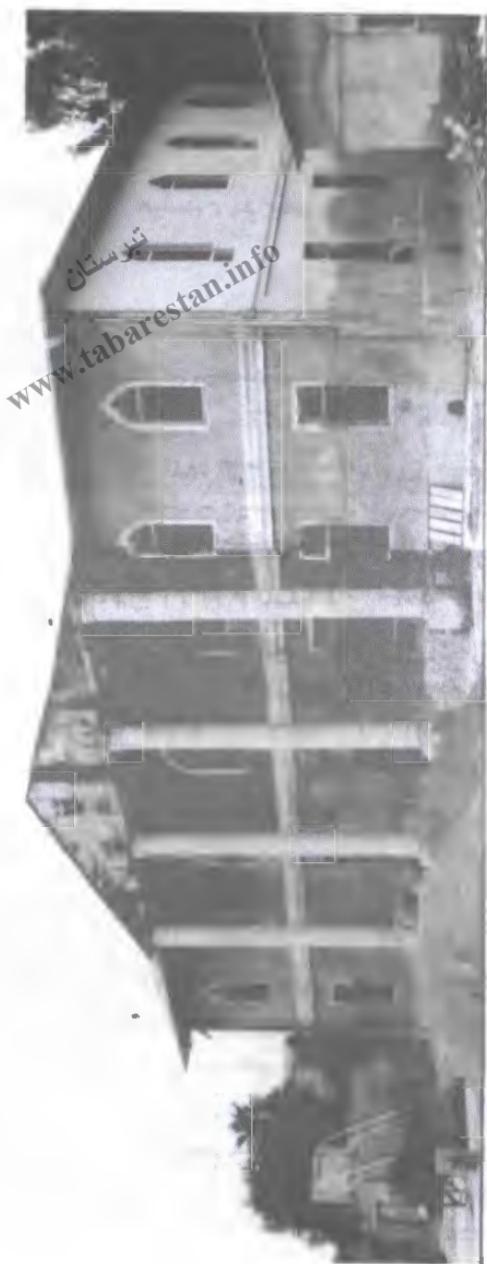
دیبرستان شاهپور

یکی از مدارس نوین و تاریخی استان گلستان، هنرستان شاهپور در شهر بندر ترکمن است، که از روزه مدرسۀ مختوم قلی نامیده می‌شود. نخستین آموزشگاه این شهرستان، به نام دبستان صفوی در سال ۱۳۰۹، در بندر شاه تأسیس گردید.

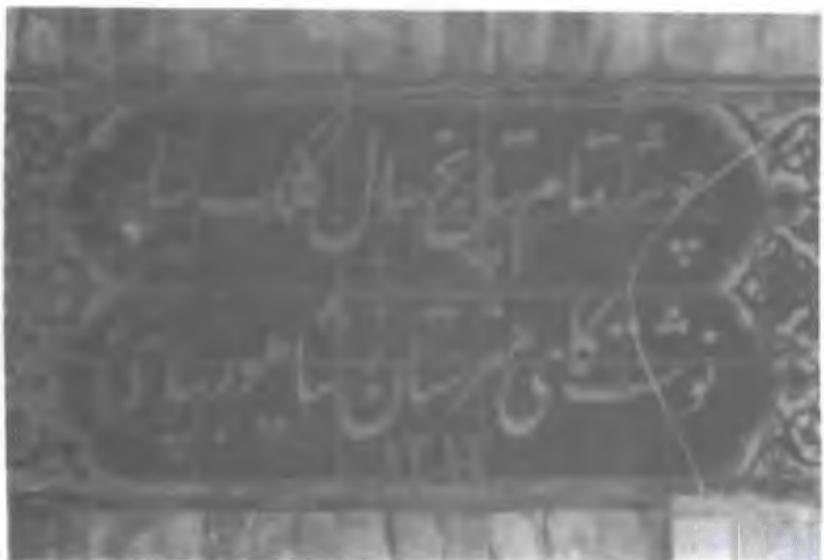
بر سردر ورودی این هنرستان، کاشی کارگی فیروزه‌ای خوش رنگی به همراه خطوط زیبایی در سال ۱۳۱۳ (سال تأسیس) نصب نموده‌اند، که هنوز بقایای آن چشم نوازی خوش را حفظ نموده است.
ساخت این هنرستان در سال ۱۳۱۰ یا ۱۳۱۲ اغاز شده و دانش آموزان شاغل به تحصیل در آن، عصرها در شعبات مختلف راه آهن بندرشاه به کارآموزی و کسب تجربه می‌پرداخته‌اند. برخی سال اتمام عملیات ساختمانی این آموزشگاه را ۱۳۱۴ دانسته‌اند.

در سال ۱۳۱۶، این هنرستان به گرگان انتقال یافته و یک سال بعد، به «دانشسرای مقدماتی» تغییر نام یافت.

پل شاه عباسی نیم مردان، یک اثر ثبت نشده تاریخی شهرستان بندر ترکمن است.



هنرستان شاهپور بندر شاه



هنرستان شاهپور

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش دوم: سرزمین

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل اول

جغرافیای طبیعی

تبرستان

www.tabarestan.info

موقعیت و حدود جغرافیایی

موقعیت سیاسی: شهرستان ترکمن، به مرکزیت شهر بندر ترکمن، در استان نوبنیاد گلستان، در شمال ایران، در نیمکره شمالی کره زمین واقع شده است.

موقعیت جغرافیایی: مختصات جغرافیایی شهرستان‌های بندر ترکمن و گمیشان آن بین 53° درجه و $54^{\circ} 3'$ دقیقه تا $54^{\circ} 6'$ درجه و $24^{\circ} 37'$ دقیقه طول شرقی و $49^{\circ} 1'$ درجه و $20^{\circ} 8'$ دقیقه عرض شمالی می‌باشد.

شهر بندرترکمن در موقعیت جغرافیایی 54° درجه و 4° دقیقه و 6 ثانیه طول شرقی و 36° درجه و 54° دقیقه و 10 ثانیه عرض شمالی قرار گرفته است.

محدوده جغرافیایی: شهرستان ترکمن از شمال به شهرستان گمیشان، از جنوب به شهرستان‌های کردکوی و گرگان، از شرق به شهرستان آق‌قلاب و از غرب به دریای خزر محدود می‌گردد.

مساحت

تعیین مساحت دقیق شهرستان ترکمن، پس از انتزاع بخش گمیشان و

الحق چند روستا از شهرستان گمیشان به شهرستان بندر ترکمن، در حال حاضر، امکان‌پذیر نیست.

در آمارنامه استان گلستان (۱۳۷۸)، مساحت شهرستان ترکمن کنونی ۲۴۵/۷ کیلومترمربع و در کتابچه مساحت دهستان‌ها و بخش‌های وزارت کشور ۶۹۶/۸۷۵ کیلومتر مربع ثبت شده است.

سازمان نقشه برداری کشور، در مقاله ۱۳۸۸ مساحت شهرستان‌های ترکمن و گمیشان را ۱۳۹۴/۳۸۱۲۲۶ کیلومترمربع گزارش کرده است. اداره کل آمار و اطلاعات معاونت برنامه ریزی استان گلستان، مساحت شهرستان‌های ترکمن و گمیشان را ۱۵۷۶/۴۱ کیلومترمربع اعلام نموده است.

به نظر می‌رسد مساحت کنونی شهرستان ترکمن در حدود ۲۸۰ تا ۳۰۰ کیلومتر مربع باشد.

مقام کشوری: تا پاییز ۱۳۸۸، شهرستان ترکمن در بین ۳۷۹ شهرستان ایران، از نظر وسعت، در مقام ۳۷۰ قرار داشته و از شهرستان‌های بسیار کوچک ایران به شمار می‌آید.

مقام استانی: این شهرستان در بین ۱۴ شهرستان استان گلستان، از نظر مساحت، در رتبه سیزدهم قرار دارد و ۱/۴۴٪ وسعت استان را به خود اختصاص داده است.

مقایسه با شهرستان‌ها: این شهرستان، مساحتی تقریباً برابر با شهرستان بندر انزلی دارد و یک دهم شهرستان شهرکرد و یک دوم شهرستان صومعه سرا می‌باشد.

مقایسه با کشورهای کوچک: این شهرستان کوچک و کم وسعت، فقط از ۹ کشور کوچک و مستقل بزرگتر می‌باشد و تقریباً وسعت آن با مالدیو برابر است.

توبوگرافی

شهرستان بندر ترکمن در منطقه‌ای کاملاً هموار و عاری از پستی و بلندی قرار گرفته است؛ با توجه به سطح آب دریای خزر، ارتفاع قسمت‌های وسیعی از این شهرستان پایین‌تر از سطح آب‌های آزاد است، به طوری که مرتفع‌ترین نقطه آن در روستای اسلام تپه به ۵۶ متر می‌رسد.

با توجه به شیب و هموار بودن اراضی ساحلی و کمی عمق دریا سرعت پیش روی و پس روی دریا و جلگه ساحلی بیشتر است. بدین جهت، در سال‌های اخیر به علت نوسان نسبتاً شدید سطح آب دریای خزر، تغییرات مشخصی در وضعیت جزایر و خطوط ساحلی پدید آمده است.

به زیر آب رفتن جزیره آبسکون در دوره‌های تاریخی و اتصال جزایر آشوراده به شبه جزیره میانکاله و چند دهه اخیر، نشانی از تغییرات سریع و متناوب هستند.

منابع سطحی آب

قره سو

رودخانه قره سو (Qarah Su) از رودخانه‌های مستقل زیر حوضه گرگان رود که در شهرستان گمیشان جریان دارد. دو رودخانه امام‌زاده و لاله‌بند در آبادی میر محله واقع در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی شهر گرگان به هم پیوسته و این رودخانه را تشکیل می‌دهند.

آبادی‌های میر محله، تورنگ تپه، نوده حاجی شریف، قلعه جیق،

محمدآلق، دلیجه، شورحیات، قره صحنه علیا، اسلام تپه، گامیشلی، قره‌تپه، صفر حاجی، آنا حاجی، سیجوال، نیازآباد و قره‌سو را مشروب ساخته، در نهایت به خلیج گرگان می‌ریزد.

این رودخانه در مسیر خود، رودخانه‌های کردکوی، قلندرآیش، شصت‌کلا، گرمابدشت، خشکه‌رودبار (خاصه‌رود) و انجیرآب را نیز دریافت می‌کند.

منبع تغذیه رودخانه نزولات جوی و درجهت شرق به غرب جریان دارد. طول رودخانه ۷۳ کیلومتر، شیب متوسط بستر آن ۰/۱٪ و در مناطق بی‌کریناته، سولفاته، کلروره و شور جریان دارد.

گرگان رود

رودخانه گرگان رود (Gorgan Rud) از رودخانه‌های مستقل زیرحوضه گرانرود که در شهرستان بندر ترکمن جریان دارد، از کوههای «نارچی» با ارتفاع ۱۸۷۵ متر و «بیلی‌کوه» با ارتفاع ۱۵۹۸ متر واقع در حدود ۳۷ کیلومتری شمال شرقی شهر کلاله سرچشمه می‌گیرد و آبادی‌های آفچه آغازلی، یل‌چشمه، قایرق داشلی، قره‌یسر، عزیزآباد، یاساقلق، کسر، زابل آباد، بهلکه، عطالر، آق آباد، حاجی‌لر قلعه، داشلی، قراقلی، قورپلجه، بی‌بی شیروان، یولمه سالیان، حبیب ایشان، قانقرمه، کسلخه، و شهرهای سیمین شهر، کلاله، گندکاوونس و آق‌قلارا مشروب ساخته، در نهایت به دریای خزر می‌ریزد.

این رودخانه در مسیر خود رودخانه‌های رودبار محمد، قره‌سو (سیاه‌جوب)، زرین‌گل، قره‌چای (رامیان)، فرنگ، قره‌سو، دوغ، قلی‌تپه، کانال، قرنواه، مارس، کال‌آجی، تیل‌آباد و زاس (زاو) را نیز دریافت

می‌کند. منبع تغذیه رودخانه نزولات جوی و در جهت شرق به غرب جریان دارد.

طول رودخانه ۳۲۵ کیلومتر، شیب بستر کوهستانی آن ۲٪، شیب بستر جلگه‌ای ۱۰٪ و شیب متوسط بستر آن ۰/۸٪ و در مناطق سولفاته بی‌کربناته، بی‌کربناته کلینیک، سولفاته، بی‌کربناته و شور جریان دارد.

مشخصات ایستگاه‌های هیدرومتری رودخانه گرگان و داد

ردیف	نام ایستگاه	ط.ج.	ع.ج.	ارتفاع (به متر)	متوسطدبی سالیانه (میلیون مترمکعب)	نهال آماری
۱	ثمر (گرگان)	۵۵°۲۹'	۳۷°۲۸'	۱۳۲	۱/۷۴	۱۳۴۹-۱۳۷۳
۲	گند	۵۵°۰۸'	۳۷°۱۴'	۳۶	۷/۸۱	۱۳۳۴-۱۳۷۲
۳	قازلی	۵۵°۰۱'	۳۷°۱۴'	۳۰	۱۶/۴۷	۱۳۵۲-۱۳۷۲
۴	سد گرگان	۵۴°۴۴'	۳۷°۱۱'	۱۰	۱۰/۶۸	۱۳۵۷-۱۳۷۲
۵	آق قلا	۵۴°۲۷'	۳۷°۰۱'	-۱۲	۱۴/۵۲	۱۳۲۹-۱۳۷۲
۶	بصیرآباد	۵۴°۱۰'	۳۷°۰۱'	-۲۱	۱۴/۶۷	۱۳۵۳-۱۳۷۲
۷	صوفی‌شیخ	۵۵°۲۲'	۳۷°۲۴'	۴۵	۱/۶۰	۱۳۴۸-۱۳۵۱
۸	حاجی قوشان	۵۵°۲۱'	۳۷°۲۴'	۴۵	۱/۹۷	۱۳۶۲-۱۳۷۲

مشخصات ایستگاه‌های باران‌سنگی و تبخیر سنگی رودخانه گرگان و داد

ردیف	نام ایستگاه	نوع ایستگاه	ط.ج.	ع.ج.	ارتفاع به متر
۱	تمر	تبخیر سنگی	۵۵°۳۰'	۳۷°۲۹'	۱۳۲
۲	پیش‌کمر	باران‌سنگی معمولی	۵۵°۳۵'	۳۷°۳۱'	۲۵۰

منابع آب زیرزمینی

منابع آب زیرزمینی شهرستان ترکمن عبارتند از:

۱. چاه: ۹۱ حلقه چاه (۳۳ حلقه چاه عمیق، ۵۷ چاه نیمه عمیق، ۱ چاه آرتزین)

۲. چشمه: صفر دهن چشمه

۳. قنات: صفر رشتہ قنات

زمین شناسی

تمام جلگه ساحلی دریا و کوهپایه‌های مجاور آن، خاصه شرق و مرکز سواحل دریای خزر مربوط به دوران کواترنری، به صورت مخروط افکنه از آبرفت‌های رودخانه‌ای رسوبات دریای خزر پوشیده شده و خاک‌های نسبتاً حاصلخیزی به وجود آورده‌اند.

در این منطقه، رسوبات نرم و ضخیمی به نام لس بر روی رسوبات و سنگ‌های زیرین قرار گرفته است. قله آتشفسانی دماوند در دوره ترشیاری و کوارترنری فعال بوده و خروج مagmaها تا شعاع چند صد کیلومتری بر روی سگ‌های رسوبی زیرین گسترش یافته است.

رسوبات دوران پالئوزوئیک که بیشتر از نوع آهکی می‌باشد، بیشتر در محدوده جنوبی استان از علی‌آباد تا کردکوی امتداد یافته است. همچنین رسوبات دوران مژوزوئیک که عمدتاً از نوع سازنده‌های آهکی لار، ماسه سنگ و شیل شمشک تشکیل شده‌اند و به صورت نوار پیوسته‌ای از شرق تا غرب گسترش یافته، در محل تلاقی جلگه و کوهپایه‌های شمالی البرز به علت شدت فرسایش و تراکم آبرفت قسمتی از ناهمواری‌های قدیمی به وسیله رسوبات جدیدتر پوشیده شده و تنها در بعضی نقاط به صورت تپه ظاهر شده‌اند.

در قسمت جلگه‌ای در سواحل جنوبی و شرق دریای خزر، تحت تأثیر نسیم دریا و بادهای محلی تپه‌های ماسه‌ای ساحلی تشکیل شده و سدی طبیعی و کم ارتفاع بین دریا و جلگه پدید آورده‌اند.

در حالی که در سواحل شرقی، یعنی از بندر ترکمن تا ارتفاعات غربی خراسان در سطح جلگه، تپه‌های ماسه‌ای سخت و ثابت شده‌ای وجود دارند که در گوشاهی دور (مولوسن) تشکیل شده‌اند.

دکتر آنامراذرثاد، وضعیت زمین‌شناسی ^{بندر ترکمن رانچین} وصف کرده است:

«از نظر زمین‌شناسی همه سطح شهرستان از سازندهای قدیمی «پلیوکواترنر» مانند «آکچاگیل»، «آبشوران»، «باکو»، «خزر قدیمی» و «خزر جدید»، به ضخامت چندین هزار متر که در حفاری‌های عمیق نفتی خشکی و آبی شناسایی شده، تشکیل گردیده است.

واحدهای رسوبی کواترنر در امتداد دره رودها و دشت ساحلی به صورت مجموعه دای مرکب از پادگانهای رودخانه‌ای و دریایی، دلتا، انباشت ماسه‌ای ساحلی لس، رسوبات دریایی، دریاچه‌ای - کولابیو تبخیری - کویری، تحت عنوان سازندهای کواترنری معروفی شده است. این سازندها به دلیل سن کم و شرایط تشکیل محیط، هنوز سست و منفصل بوده و مواد تشکیل دهنده آنها بر حسب رسوبات سیلانی و دریایی، جور شدگی متفاوتی دارند و هنوز در شرایط سیستم فرسایشی حاکم، در حال تشکیل و توسعه می‌باشند. این منطقه بر روی خط زلزله با ریسک کم واقع شده است.^۱

در سال ۱۸۷۵ق. یکی از روستاهای بندر ترکمن، بر اثر رانش زمین، به درون زمین فرو رفت.

۱. نگرشی جغرافیایی به بندر ترکمن، ۱۰-۱۱.

آب و هوا

در شهرستان بندر ترکمن، به علت دوری از اثرات دریای خزر کاهش ارتفاعات البرز شرقی و وسیع بودن جلگه ساحلی، تغییرات محسوسی در آب و هوای معتدل مرطوب خزری (خزری شرقی) پدید می‌آید و شرایط خشکی و گرمای هوا تشدید می‌شود و رفته رفته به نیمه خشک (نیمه بیابانی) تبدیل می‌گردد.

همچنین به دلیل کاهش رطوبت هوا، دامنه گرما افزایش یافته و اختلاف شدید بین دمای شب و روز و دمای سردترین و گرمترین ماه‌های سال به وجود می‌آید. به علت پیشروی توده هوای سرد سیبری، تعداد روزهای یخبندان بیشتر، ولی ریزش برف به ندرت اتفاق می‌افتد.

شهرستان بندر ترکمن حدفاصل بستر رودخانه‌ای قره سو (روستای نیازآباد - قره سو) تا حدودی هم خود شهر بندر ترکمن تحت تأثیر رژیم آب و هوایی خزری قرار دارد و از شهر بندر ترکمن به طرف شمال و شرق حد فاصل روستای صیدآباد - چاپاقلی در شمال، در نوار اقلیمی نیمه بیابانی قرار می‌گیرند.

شهرستان ترکمن به دلیل نزدیکی به ارتفاعات البرز و جنگلهای جهان مورا، نزدیکی به دریا، شرایط اقلیمی خزری بر این نواحی حاکم است.

در مجموع، اقلیم شهرستان، متأثر از اقلیم پیست ساحلی دریای خزر می‌باشد، که دارای زمستانهای سرد و تابستانهای شرجی و بسیار مرطوب است. برودت هوا در زمستان به ندرت از صفر درجه کمتر می‌شود.

بندر ترکمن / ۱۳۹

وضع جوی شهر بندر ترکمن بر حسب ماه در سال ۱۳۸۷

درجهی حرارت (سانتی گراد)						سال
متوسط	حداقل مطلق	حداکثر مطلق	حداکثر مطلق	معدل حداقل	معدل حداکثر	
۱۶/۸	۸/۶	۲۲/۰	۱۲/۱	۲۱/۶		فروردین
۱۹/۸	۱۱/۲	۲۴/۴	۱۵/۶	۲۴/۰		اردیبهشت
۲۲/۵	۱۵/۵	۲۷/۰	۲۰/۱	۲۶/۹		خرداد
۲۶/۴	۲۱/۴	۲۷/۰	۲۲/۹	۲۹/۰		تیر
۲۸/۴	۲۲/۰	۲۴/۸	۲۶/۰	۳۱/۸		مرداد
۲۸/۴	۱۷/۰	۲۶/۲	۲۶/۰	۳۲/۲		شهریور
۲۱/۸	۱۳/۴	۲۹/۰	۱۸/۰	۲۰/۰		مهر
۱۹/۲	۷/۸	۲۲/۰	۱۰/۲	۱۸/۲		آبان
۱۱/۴	۱/۰	۲۰/۰	۷/۰	۱۵/۱		آذر
۷/۲	-۱/۵	۲۱/۴	۴/۰	۱۱/۵		دی
۹/۷	-۷/۲	۲۲/۰	۵/۰	۱۲/۷		بهمن
۱۲/۱	۷/۰	۲۱/۰	۷/۰	۱۶/۹		اسفند

وضع جوی شهر بندر ترکمن بر حسب ماه در سال ۱۳۸۷ (دبالة)

حداکثر سرعت وزش باد (متر بر ثانیه)	ساعت آلتانی (ساعت)	تعداد روزهای بخدمت	تعداد بخدمت	رطوبت نسبی (درصد)		حداکثر بارندگی در یک روز (میلی متر)	بارندگی ماهانه (میلی متر)	سال
				ساعت ۱۲:۰	ساعت ۹:۰۰			
۷	۱۳۲/۷	.	۶۶	۸۲	۲/۶	۷/۷		فروردین
۱۱	۲۱۵/۲	.	۶۰	۷۹	۹/۵	۱۶/۸		اردیبهشت
۱۴	۲۰۲/۸	.	۶۴	۷۸	۱۲/۱	۱۶/۹		خرداد
۱۴	۱۸۷/۸	.	۶۵	۷۶	۵/۷	۸/۴		تیر
۱۵	۲۶/۹	.	۶۶	۷۶	۰/۵	۰/۵		مرداد
۱۳	۲۰۲/۹	.	۶۵	۸۱	۲۲/۶	۳۷/۷		شهریور
۹	۲۰۶/۸	.	۶۸	۸۵	۲۹/۷	۶۹/۷		مهر
۱۳	۱۹۵/۹	.	۶۴	۸۸	۱۰/۰	۲۹/۷		آبان
۲۰	۱۳۲/۷	.	۶۸	۸۷	۱۴/۹	۵۴/۲		آذر
۱۵	۱۴۷/۲	۷	۶۶	۸۷	۷/۵	۱۶/۲		دی
۲۲	۱۲۱/۶	.	۷۸	۹۱	۲۱/۷	۸۶/۶		بهمن
۲۶	۱۶۵/۹	.	۷۰	۸۷	۲/۶	۸/۳		اسفند

درجہ حرارت سالانہ بندر ترکمن (۱۳۸۷)

متوسط	حداقل	حداکثر	ماہ
۱۶/۸	۸/۶	۳۳/۰	فروری دین
۱۹/۸	۱۱/۲	۳۴/۴	اردی بھشت
۲۳/۵	۱۶/۰	۳۰/۴	خرداد
۲۶/۴	۲۱/۴	۳۲/۰	تیر
۲۸/۹	۲۲/۰	۳۴/۸	مرداد
۲۸/۴	۱۹/۰	۳۹/۲	شهریور
۲۱/۸	۱۳/۴	۲۹/۰	مهر
۱۴/۲	۲/۸	۲۴/۰	آبان
۱۱/۴	۱/۰	۲۵/۶	آذر
۷/۲	-۱/۶	۲۱/۴	دی
۹/۷	۰/۲	۲۲/۶	بھمن
۲/۱	۲/۰	۳۱/۶	اسفند

بارندگی ماهانه بندر ترکمن (۱۳۸۷)

ماه	حداکثر	حداقل	جمع
فروردین	۲/۶	۰/۱	۲/۷
اردی بهشت	۹/۵	۰/۲	۱۶/۸
خرداد	۱۲/۱	۰/۲	۱۴/۹
تیر	۵/۷	۰/۱	۸/۴
مرداد	۰/۵	۰/۵	۰/۵
شهریور	۳۳/۶	۴/۱	۳/۷
مهر	۲۴/۷	۰/۱	۶۹/۷
آبان	۱۰/۴	۰/۱	۲۹/۷
آذر	۱۴/۹	۰/۱	۵۲/۲
دی	۷/۵	۰/۶	۱۶/۲
بهمن	۲۱/۷	۰/۱	۸۶/۶
اسفند	۳/۶	۰/۱	۸/۳

بادهای محلی

جريان های مهم بادهای محلی این شهرستان عبارتند از:

۱. سورتیک (Sortik): جريان اين باد از شرق به غرب می باشد، که در زمستان می وزد و نسیم آن سرد می باشد.

ماهیگیران گمیش تپه، اين باد را چرکسن (Charakkasan) یا «نان بر» می نامند، زیرا با وزش اين باد، ماهی ها از ساحل فاصله می گيرند. وزش اين باد برای کشاورزان منطقه نیز منفعت نداشته و باعث خشک شدن محصول می گردد.

۲. قچین (Qechin): جهت آن شمالی جنوبی بوده و در فصل زمستان جريان دارد.

۳. دشتوفه (Deshtove): از سمت دریا می وزد و در تابستان، گرم و در زمستان، سرد می باشد.

۴. خزان یل (Xazanyel): در فصل پاییز و زمستان، از سمت غرب (دریا) می وزد و باران آور است. به آن قره خزان هم می گویند.

۵. آقچیاران قره یل (Aqachiyaran Qarayel): در اوائل بهار از سمت غرب می وزد و باعث شکوفا شدن درختان می گردد.

بادهای شهرستان گرگان
دوره آماری ۱۹۹۲-۱۹۹۷ م.م.

درصد آرام	سمت باد غالب	ماه
۶۰	جنوبی	ژانویه
۵۰	جنوب غربی	فوریه
۵۲	غربی	مارس
۵۰	غربی	آوریل
۴۹	غربی	می
۴۵	غربی	ژوئن
۴۷	غربی	جولای
۵۳	غربی	اگوست
۵۰	جنوبی	سپتامبر
۵۷	جنوبی	اکتبر
۶۲	جنوبی	نوامبر
۵۹	جنوبی	دسامبر
۵۲	غربی	سالانه

خاک شناسی

اراضی شهرستان بسیار کوچک بندر ترکمن، از دو نوع کاملاً متمایز تشکیل شده‌اند:

۱. در سواحل دریای خزر، از جنوب تا شمال، غلبه با خاک‌های باتلاقی شور می‌باشد، که بر اثر عقب نشینی دریا به وجود آمده‌اند.
۲. در حوزه رود «قره سو» خاک‌های قهوه‌ای جنگلی که سابقاً زیر پوششی از جنگل‌های منطقه بوده، وجود دارد و از بهترین خاک‌های زراعی شهرستان محسوب می‌شود. هوموس فراوان و تیرگی رنگ، از خصوصیت این خاک‌ها می‌باشد.

پوشش گیاهی

در این شهرستان، دارای پوشش گیاهی متنوعی نبوده و محدود به نرگس، لاله، زنبق، کنگر وحشی، یونجه صحرایی، چایر، خارشتر، قراق، چمن پیازی، نی بارهنگ، پنیرک، اسفناج وحشی، سنجد تلخ، افاقیا، آکالیپتوس، راش و گل گاو زبان و درختچه‌های گز می‌باشد.

پوشش جانوری

۱. پرنده‌گان:

۱-۱ آبزی و کنار آبزی، شامل: انواع مرغابی‌ها (مرگوس، تنجه، تاجدار، سرحنایی، خوتکا، سرسبز، آنقوت، گیلار، سرسفید، ارهای، سیاه کاکل)؛ انواع غازها؛ قو، پلیکان، کشیم، طاوسک، پلوه، پرستو دریایی، حواصیل، فلامینگو، کوکر شکم سفید، سار، تلیله، کنچه نوک، چنگر، اکرت، باکلان، آبچلیک

۱-۲ شکاری و بلند پرواز: عقاب دریایی، بالابان، باز شکاری، سنقر خاکستری و تالابی، سارکپه، قرقی، شاهین و دلیجه.

۳- گونه‌های نادر: عقاب دریایی پالاس، عقاب دریایی دم سفید،
درنا، جعد برفی، اردک سرسفید و پلیکان پا خاکستری

۲. آبزیان:

۱-۲ انواع ماهیان، مانند ماهیان سفید، کپور، کفال، تلاجی، ۳ خاره، ۹
خاره‌های ماهیان غضروفی و خاویاری

۲-۲ گاو ماهی، سگ ماهی، فک دریایی ^{تبرستان.info} خزر، لاک پشت خزری و لاک
پشت برکه ای

۳. پستانداران وحشی:

گراز، گربه وحشی، روباه ترکمنی، روباه معمولی، شغال، گرگ،
خرگوش، تشهی، خارپشت و خرس

۴. خزندگان:

انواع مار (کورمار، مار آبی، مار آتشی، افعی، لوس مار)، مارمولک و
مانند آن.

فصل دوم

جغرافیای انسانی

تبرستان

www.tabarestan.info

جمعیت شهرستان

شهرستان در سال ۱۳۸۵، ۱۴۲۰۱ خانوار و ۶۷۴۴۴ نفر جمعیت داشته که شامل ۳۳۵۲۷ مرد و ۳۳۹۱۷ زن بوده است. مرکز آمار ایران، جمعیت شهرستان ترکمن را پس از انتزاع شهرستان گمیشان، ۶۳۷۷۱ نفر اعلام کرده و برآورد نموده که در سال ۱۳۸۹ به ۶۶۵۳۱ نفر افزایش یابد. شهر بندر ترکمن، مرکز آن بوده و ۹۷۶۳ خانوار و ۴۵۲۴۹ نفر (۲۲۶۵۵ مرد، ۲۲۵۹۴ زن) جمعیت دارد. بندر ترکمن، به تنها ۹٪/۶۷ کل جمعیت شهرستان را به خود اختصاص داده است؛ یعنی تقریباً دو سوم مردم این شهرستان در مرکز آن اقامت دارند.

تراکم جمعیت

۱. تراکم نسبی: تراکم نسبی جمعیت شهرستان در سال ۱۳۸۵، با توجه به رقم تقریبی ۳۰۰ کیلومتر مربعی آن، ۲۲۴/۸ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد.

۲. تراکم بیولوژیک. برای آگاهی از فشار جمعیت بر روی اراضی زراعی، از تراکم بیولوژیک جمعیت استفاده می‌شود، که از تقسیم جمعیت به مساحت زیر کشت دایر به دست می‌آید.

با توجه به این که وسعت اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی شهرستان‌های ترکمن و گمیشان در سال ۱۳۸۴ حدود ۶۱۵۲۴ هکتار بوده است، بنابر این تراکم بیولوژیک این دو شهرستان ۲/۰۰ نفر در هکتار می‌باشد.

جمعیت شهرستان ترکمن و بخش‌های دهستان‌های تابعه

بخش	دهستان	خانوار	جمعیت	مرد	زن
مرکزی	جعفری‌بای جنوبی	۱۱۹۰	۶۰۵۳	۲۹۸۱	۳۰۷۲
	فراغنی	۹۳۴	۴۶۷۵	۲۲۸۳	۲۳۹۲
	بندرترکمن	۹۷۶۳	۴۵۲۴۹	۲۲۶۵۵	۲۲۵۹۴
	جمع	۱۱۸۸۷	۵۵۹۷۷	۲۷۹۱۹	۲۸۰۵۸
سیچوال	قره سو شرقی	۱۰۱۲	۴۹۸۲	۲۴۳۹	۲۵۴۳
	قره سو غربی	۱۳۰۲	۶۴۸۵	۳۱۶۹	۳۳۱۶
	جمع	۲۲۱۴	۱۱۴۶۷	۵۶۰۸	۵۸۰۹
	شهرستان	۱۴۲۰۱	۶۷۴۴۴	۳۳۵۲۷	۳۳۹۱۷

بعد خانوار

بعد خانوار شهرستان ترکمن ۴/۷۵ نفر است. این رقم در شهر بندر ترکمن ۴/۶۳ نفر می‌باشد. البته بعد خانوار در قومیت‌های ساکن در شهرستان، با یکدیگر تفاوت‌های فاحش دارند.

مقایسه با شهرستان‌ها

در صد جمعیت استان: شهرستان ترکمن با ۶۷۴۴۴ نفر جمعیت، ۱۷٪ جمعیت استان گلستان را به خود اختصاص داده است؛ یعنی از هر ۱۰۰ گلستانی، تقریباً ۴ نفر بندر ترکمنی هستند.

مقام استانی: شهرستان بندر ترکمن، در بین ۱۴ شهرستان استان گلستان، از نظر جمعیت، در رتبه دهم قرار دارد.

مقام کشوری: در بین ۳۷۹ شهرستان ایران، در پاییز ۱۳۸۸، از نظر جمعیت، در مقام ۲۳۸ قرار دارد. شهرستان ترکمن، از شهرستان‌های رامسر، محلات، تفرش، نطنز، ارسنجان، گلوگاه، نایین، جاجرم و خوانسار و آشتیان پر جمعیت‌تر است.

مقایسه با کشورهای کوچک: با آن که بندر ترکمن با جمعیت حدود ۶۸ هزار نفر، در مقایسه با جمعیت شهرهای امروزی جهان، کم جمعیت و کوچک محسوب می‌گردد؛ اما از ۸ کشور کوچک و مستقل جهان (مانند موناکو، سان مارینو و لیختن اشتاین) پر جمعیت‌تر است.

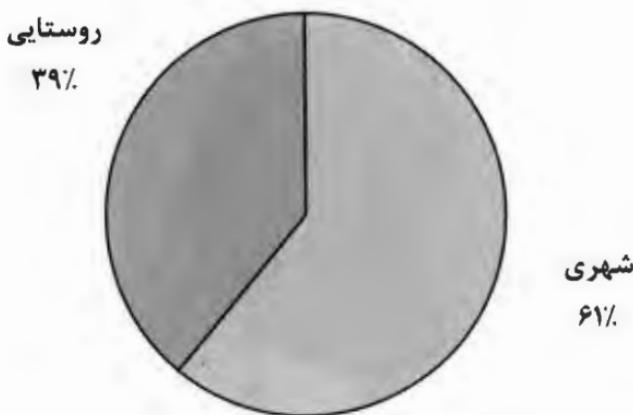
جمعیت و پراکندگی آن

در آبان ماه ۱۳۸۵، جمعیت شهرستان بندر ترکمن ۱۲۳۱۸۱ نفر بوده است که از این تعداد ۶۰/۷۹ درصد در نقاط شهری و ۳۹/۲۱ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیرساکن بوده‌اند.

ب- جمعیت بر حسب جنس به تفکیک وضع سکونت

غیر ساکن	ساکن		جمع	
	نقاط روستایی	نقاط شهری		
	۴۸۳۰۰	۷۴۸۸۱	۱۲۳۱۸۱	مرد و زن
.	۲۳۷۸۷	۳۷۳۸۷	۶۱۱۷۴	مرد
.	۲۴۵۱۳	۳۷۴۹۴	۶۲۰۷	زن

نمودار ۱- توزیع نسبی جمعیت بر حسب وضع سکونت

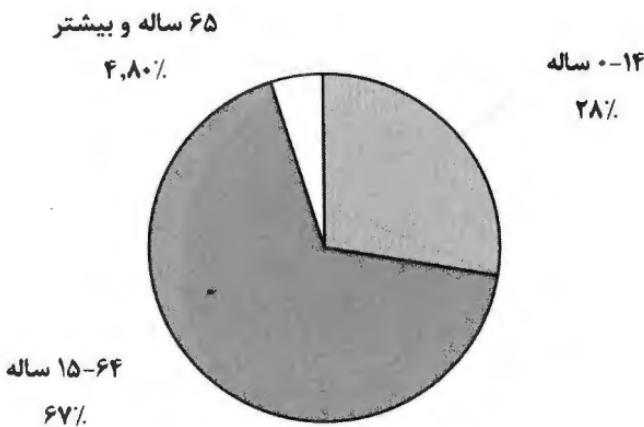


ساخت جنسی و سنی جمعیت

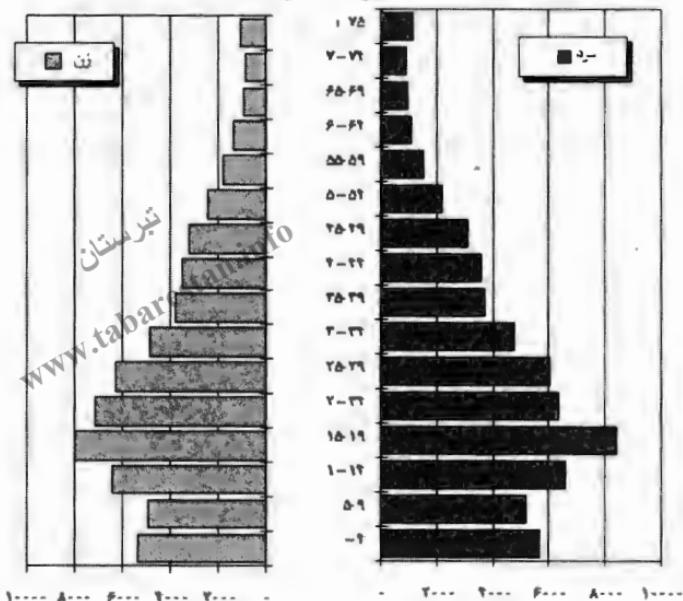
در آبان ماه ۱۳۸۵، از ۱۲۸۷۳۹ نفر جمعیت شهرستان، ۶۱۱۷۴ نفر مرد و ۶۲۰۷ نفر زن بوده‌اند که در نتیجه، نسبت جنسی برابر ۹۹ به ۱۰۰ است. به عبارت دیگر، در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۹۹ نفر مرد وجود داشته است. این نسبت برای اطفال کمتر از یک ساله ۱۰۵ و برای بزرگ‌سالان (۶۵ سال و بیشتر) ۱۰۴ است.^{بندهای نسبت جنسی در نقاط شهری ۱۰۰ و در نقاط روستایی ۹۷ بوده است.}

از جمعیت شهرستان بندر ترکمن ۲۷/۷۸ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ ساله، ۶۷/۴۲ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ ساله و ۴/۸۰ درصد در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار داشته‌اند.

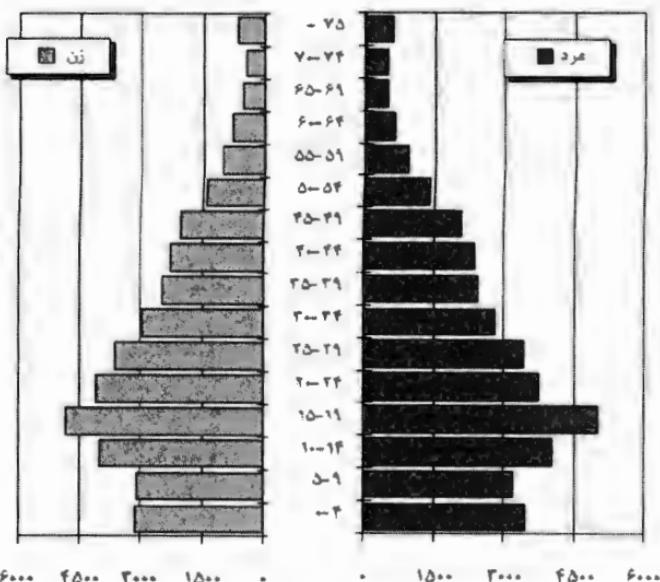
نمودار ۲- توزیع نسبی جمعیت بر حسب گروه‌های عمده سنی



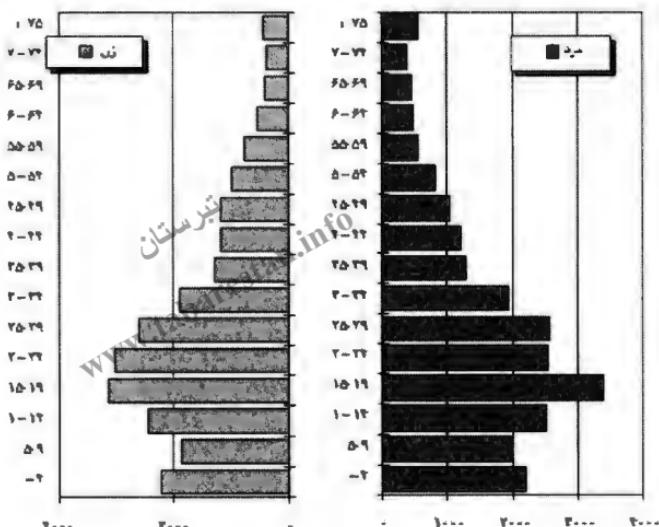
نمودار ۳ - هرم سنی - جنسی جمعیت ۱۳۸۵



نمودار ۴ - هرم سنی - جنسی جمعیت نقاط شهری ۱۳۸۵



نمودار ۵ - هرم سنی - جنسی جمعیت نقاط روستایی ۱۳۸۵



جمعیت بر حسب سن به تفکیک جنس

نسبت جنسی	زن	مرد	مرد و زن		سن
			درصد	تعداد	
۱۳۳۱۸۱	۶۲۰۰۷	۶۱۱۷۴	۱۰۰٪	۱۳۳۱۸۱	جمع
۲۵۱۷	۱۲۲۷	۱۲۹۰	۲٪	۲۵۱۷	کمتر از یک ساله (اطفال)
۱۰۶۳۶	۵۱۸۵	۵۴۵۱	۸,۶۳	۱۰۶۳۶	۱-۵ ساله (نوباهگان)
۱۰۲۷۰	۵۰۳۶	۵۲۲۴	۸,۳۴	۱۰۲۷۰	۶-۱۰ ساله (کودکان)
۱۰۷۹۷	۵۲۴۸	۵۴۴۹	۸,۷۷	۱۰۷۹۷	۱۱-۱۴ ساله (نوجوانان)
۲۹۸۱۸	۱۵۱۱۵	۱۴۷۰۳	۲۴٪	۲۹۸۱۸	۱۵-۲۴ ساله (جوانان)
۵۳۲۲۰	۲۷۱۹۱	۲۶۰۳۹	۴۲٪	۵۳۲۲۰	۲۵-۶۴ ساله (میانسالان)
۵۹۱۳	۲۹۰۵	۳۰۰۸	۴,۸۰	۵۹۱۳	۶۵ ساله و بیشتر (بزرگسالان)

جمعیت بر حسب جنس و نوع خانوار

در آبان ماه ۱۳۸۵، از کل جمعیت شهرستان ۱۲۲۱۷۰ نفر در خانوار معمولی ساکن و ۱۴۸ نفر در خانوار گروهی و ۹۶۳ نفر در خانوار مؤسسه‌ای بوده‌اند.

معمولی غیر ساکن	خانوار ساکن			جمع	جنس
	مؤسسے‌ای	گروهی	معمولی		
۹۶۳	۴۸	۱۲۲۱۷۰	۱۲۳۱۸۱	مرد و زن
۷۲۰	۴۲	۶۰۴۱۲	۶۱۱۷۴	مرد
۲۴۳	۶	۶۱۷۵۸	۶۲۰۰۷	زن

مهاجرت

در آبان ماه ۱۳۸۵، از ۱۲۳۱۸۱ نفر جمعیت ساکن شهرستان ۷۶/۴۳ درصد در شهر یا آبادی محل اقامت خود به دنیا آمده‌اند. این نسبت در نقاط شهری و روستایی به ترتیب ۷۴/۰۴ و ۸۰/۱۳ درصد بوده است.

مقایسه محل تولد افراد با محلی که در آن سرشماری شده‌اند نشان می‌دهد که از جمعیت ساکن شهرستان، ۹/۸۰ درصد از روستا به شهر، ۵/۷۰ درصد از شهر به شهر، ۵/۲۱ درصد از روستا و ۲/۴۱ درصد از شهر به روستا مهاجرت کرده‌اند.

۳- جمعیت ساکن بر حسب جنس و محل تولد

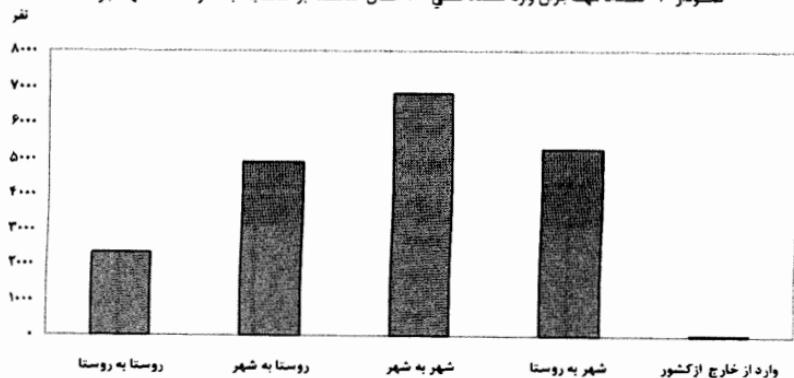
اظهار نشده	ساکن در نقاط شهری						جنس	
	متولد جای دیگر			متولد در شهر محل اقامت	جمع			
	خارج کشور	آبادی	شهر					
۲۵۶	۹۸	۷۸	۷۰۵	۵۵۴۴۱	۷۶۸۸۱	۱۲۳۱۸۱	مردوزن	
۱۲۵	۵۶	۴۸	۲۶۷۶	۲۹۶۲۶	۳۷۲۸۷	۶۱۱۷۴	مرد	
۱۱۹	۴۳	۷۱۸۴	۴۲۲۴	۲۵۸۰۵	۳۷۲۹۴	۶۲۰۰۷	زن	

اظهار نشده	ساکن در نقاط روستایی						جنس	
	متولد جای دیگر			متولد در آبادی محل اقامت	جمع			
	خارج از کشور	آبادی	شهر					
۱۹۶	۲۴	۶۴۱۵	۲۹۶۴	۳۸۷۰۱	۵۸۳۰۰	مردوزن		
۸۸	۱۳	۱۲۶۰	۵۶۲	۲۱۸۶۴	۲۲۷۸۷	مرد		
۱۰۸	۱۱	۵۱۵۵	۲۴۰۲	۱۶۸۳۷	۲۴۵۱۳	زن		

ج- مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب آخرین محل اقامت قبلی به تفکیک جنس، نقاط شهری و روستایی

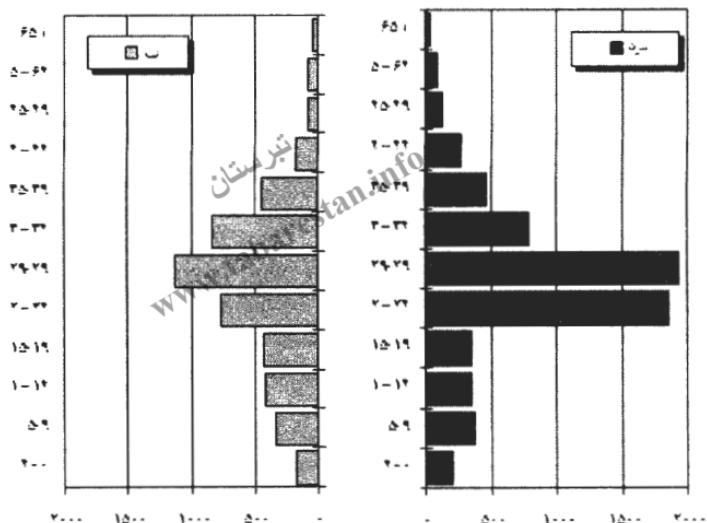
زن	مرد	ساکن در نقاط شهری			جمع			آخرین محل اقامت قبلی
		زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	
۳۱۲۶	۴۶۹۱	۱۶۷۵	۴۹۸۳	۵۶۷۰	۱۱۷۷۳	۸۱۳۷	۱۱۲۸۱	۱۹۳۹۸
۲۵۲۱	۷۱۶	۲۲۱۶	۲۲۹۳	۲۲۲۲	۵ۮ۲۵	۵۱۱۳	۲۰۲۸	۸۹۴۲
۱۰۲۴	۲۹۷	۱۲۲۱	۷۹۲	۴۴۲	۱۱۳۴	۱۸۱۶	۷۷۹	۲۵۵۵
۱۹۹۷	۳۹۹	۱۸۹۵	۲۶۰۱	۱۸۹۱	۴۴۹۱	۴۰۹۷	۲۲۸۹	۹۲۸۷
۵۲۲	۶۲۶	۱۱۹۸	۴۸۰	۷۷۸	۱۶۷۲	۱۴۱۸	۱۹۰۴	۲۸۲۱
۴۱۸	۵۰۷	۱۰۰	۷۵۵	۷۲۳	۱۴۷۸	۱۰۷۳	۱۲۳۰	۲۲۰۲
۷۰۵	۱۱۱	۲۲۴	۱۴۰	۵۵	۱۱۴	۲۲۵	۱۷۴	۵۱۹
۹۱	۰-۹۴	۳۱۲۵	۸۹۲	۲۷۱۲	۴۴-۵	۷۴۲	۵۷۵۸	۷۵۴-
۷۳	۲۹۹۴	۳۰۱۷	۶۴۰	۲۰۰۷	۴۱۹۷	۲۱۲	۶۰-۰	۷۲۱۴
۱۸	۱۰۰	۱۱۸	۵۲	۱۵۶	۲-۸	۷-	۲۰۶	۲۲۶
-	۱۶	۱۶	-	۴۱	۴۱	-	۵۷	۵۷
-	۱۰	۱۰	۴	۲۵	۲۹	۴	۲۵	۲۹
								اطهار نشده

نمودار ۶- تعداد مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب مبدأ و مقصد مهاجرت



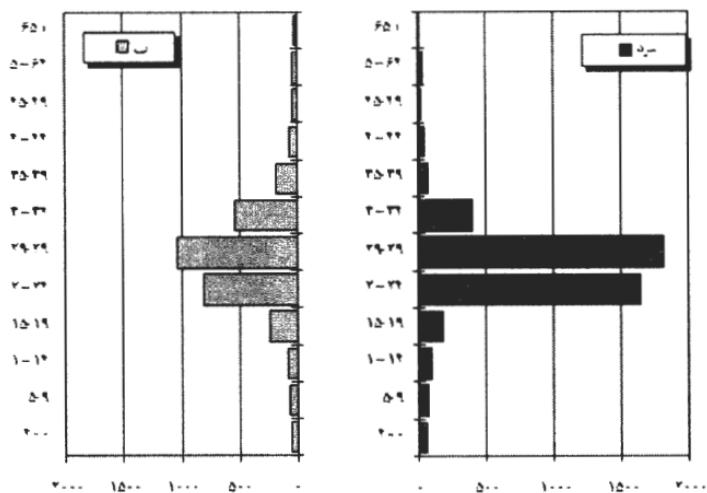
نمودر ۷ - هرم سنی - حنسی مهاجران وارد تude طی ۱۰ سال گذشته به نقاط شهری

۱۳۸۵ ۷۵



نمودر ۸ - هرم سنی - حنسی مهاجران وارد تude طی ۱۰ سال گذشته به نقاط روستایی

۱۳۸۵ ۷۵



ج- مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب مدت اقامت در محل سرشماری به تفکیک نقاط شهری و روستایی

درصد	تعداد	ساکن در نقاط شهری		جمع		مدت اقامت در محل سرشماری
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰,۰۰	۶۶۲۵	۱۰,۰۰	۱۱۷۷۳	۱۰,۰۰	۱۹۳۹۸	جمع
۱۷,۶۴	۱۲۲۹	۱۷,۳۰	۲۰۲۷	۱۷,۳۵	۲۲۶۶	کمتر از یک سال
۱۱,۵۵	۸۸۱	۱۰,۱۸	۱۱۹۸	۱۰,۲۲	۱۲۷۹	۱ سال
۱۷,۰۵	۹۸۰	۱۷,۰۲	۱۹۹۸	۱۷,۰۷	۲۲۹۸	۲ سال
۱۱,۸۳	۹۱۰	۱۷,۰۷	۱۹۲۱	۱۷,۰۲	۲۲۲۱	۳ سال
۹,۹۰	۷۸۵	۱۰,۰۶	۱۰۰۸	۱۰,۰۲	۱۹۵۳	۴ سال
۹,۳۵	۷۱۳	۹,۶۱	۱۱۲۱	۹,۵۱	۱۸۴۴	۵ سال
۸,۰۱	۶۱۱	۹,۱۱	۹۲۳	۹,۹۶	۱۵۴۴	۶ سال
۶,۱۲	۴۷۵	۶,۷۸	۷۹۸	۶,۵۶	۱۲۷۲	۷ سال
۵,۸۹	۴۵۸	۷,۸۸	۹۴۰	۷,۵۵	۱۴۹۵	۸ سال
۵,۶۰	۴۲۷	۵,۰۲	۵۹۱	۵,۲۵	۱۰۱۸	۹ سال
۰,۲۵	۱۹	۰,۱۵	۱۸	۰,۱۹	۳۷	اطهار نشده

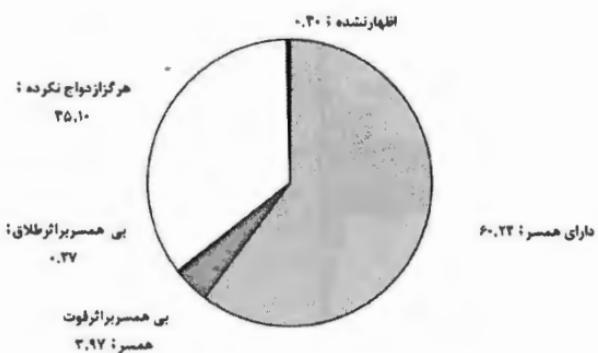
وضع زناشویی

در آبانماه ۱۳۸۵، در بین جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر شهرستان ۶۴/۸۰ درصد از مردان و ۶۳/۵۳ درصد از زنان، «دارای همسر» بوده‌اند. این نسبت‌ها برای نقاط شهری به ترتیب ۶۳/۱۶ و ۶۴/۷۴ درصد و برای نقاط روستایی ۶۵/۸۰ و ۶۲/۸۵ درصد بوده است. نسبت افراد «هرگز ازدواج نکرده» در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در شهرستان، برای مردان ۳۳/۲۰ و برای زنان ۲۸/۲۳ درصد بوده است. این نسبت‌های در نقاط شهری به ترتیب ۳۴/۸۷ و ۲۷/۹۴ درصد و در نقاط روستایی ۳۲/۱۸ و ۲۸/۳۹ درصد بوده است.

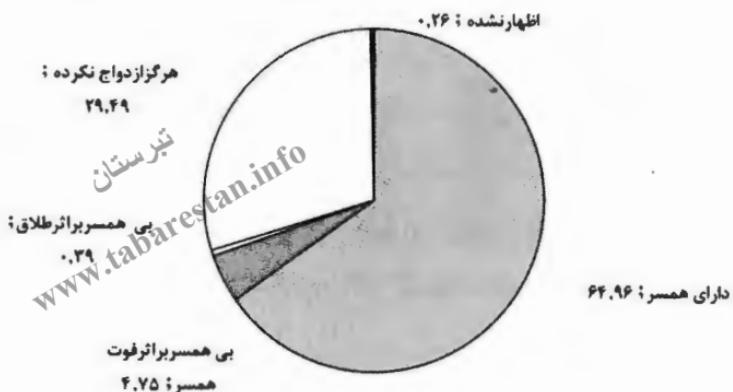
ز- توزیع نسبی جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر بر حسب وضع زناشویی به تفکیک جنس و وضع سکونت

غیر ساکن	ساکن						جمع		جنس
	نقاط روستایی		نقاط شهری				زن	مرد	
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد		
جمع									
.	.	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
.	.	۶۵,۳۹	۶۲,۱۱	۶۷,۷۷	۶۲,۴۰	۶۶,۸۲	۶۲,۲۹		حداقل یک بار ازدواج کرده
.	.	۵۸,۱۱	۵۰,۰۶	۶۰,۳۴	۵۱,۷۴	۵۹,۴۶	۶۱,۰۱		دارای همسر
.	.	۶,۸۱	۱,۷۱	۶,۸۱	۰,۸۶	۶,۸۲	۱,۰۳		بی همسر بر اثر فوت همسر
.	.	۰,۷۸	۰,۱۲	۰,۸۶	۰,۲۸	۰,۸۲	۰,۲۲		بی همسر بر اثر طلاق
.	.	۰,۱۱	۰,۰۴	۰,۲۹	۰,۰۲	۰,۲۲	۰,۰۳		اظهار نشده
.	.	۲۴,۷۴	۲۴,۵۲	۲۲,۰۷	۲۷,۱۸	۲۲,۹۵	۲۷,۳۲		هرگز ازدواج نکرده
.	.	۰,۳۴	۰,۳۲	۰,۱۶	۰,۳۲	۰,۲۳	۰,۳۸		اظهار نشده

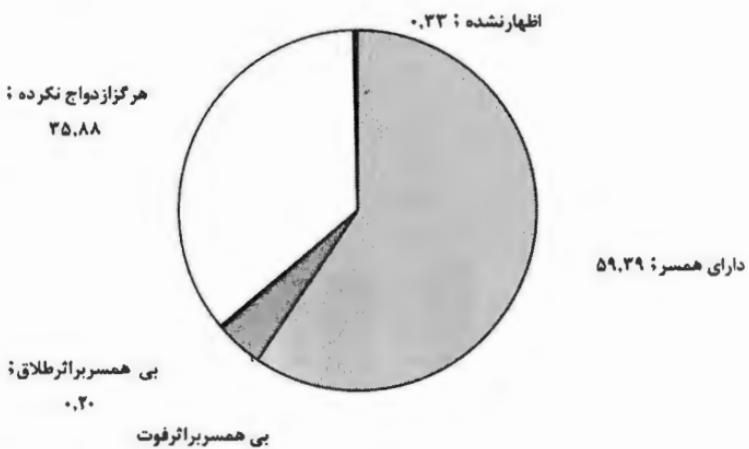
نمودار ۱۷- توزیع نسبی جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر بر حسب وضع زناشویی



نمودار ۱۸ - توزیع نسبی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر بر حسب وضع زناشویی در نقاط شهری



نمودار ۱۹ - توزیع نسبی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر بر حسب وضع زناشویی در نقاط روستایی



باروری

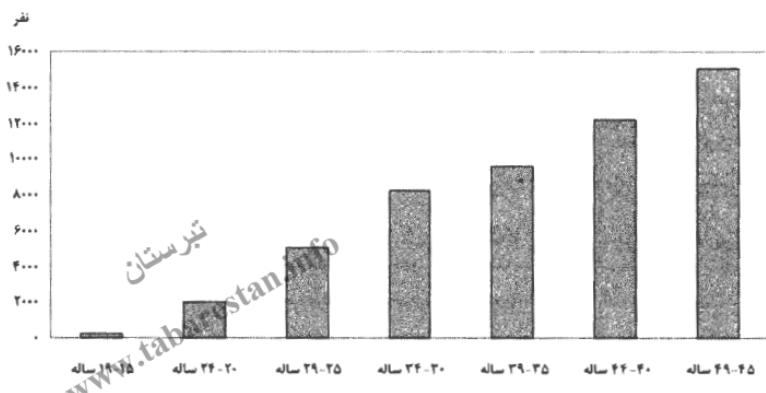
در آبان ماه ۱۳۸۵، میانگین تعداد فرزندان به دنیا آورده در طول زندگی، برای هر یک از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله در کل شهرستان ۱/۵ فرزند و متوسط فرزندان در حال حاضر زنده برای این زنان در کل شهرستان ۰/۹ ۰/۹ فرزند بوده است. این شاخص‌ها در نقاط شهری به ترتیب ۱/۵ و ۰/۹ فرزند و در نقاط روستایی ۱/۵ و ۰/۹ فرزند می‌باشد.

میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده در ۳۶۵ روز گذشته برای هر یک از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله در کل شهرستان ۱/۷ فرزند، در نقاط شهری ۱/۰ و در نقاط روستایی ۱/۰ فرزند بوده است.

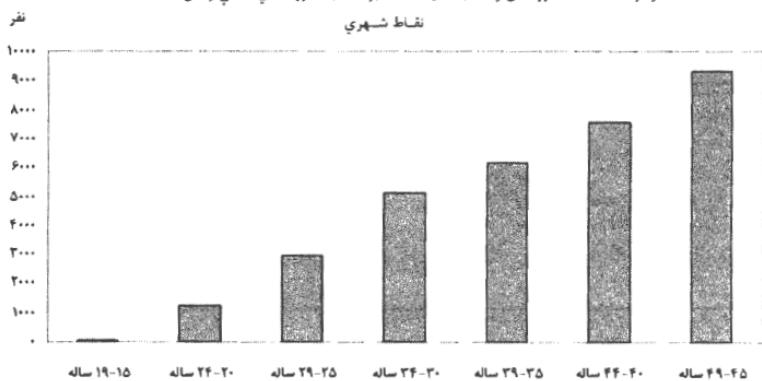
۷- جمعیت زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله بر حسب سن و تعداد فرزندان زنده به دنیا آمدۀ، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده و تعداد فرزندان زنده به دنیا آمدۀ در ۳۶۵ روز گذشته به تفکیک سن مادر و مناطق شهری و روستایی

سن	جمعیت زنان	تعداد کل فرزندان	تعداد فرزندان در ۳۶۵ روز گذشته	تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده	در حال حاضر زنده
۰-۴۹	۲۱۲۵	۵۴۲۱۶	۵۵۷۸۱	۳۶۷۳۵	۲۱۲۵
۵۰	۲۲	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲
۵۱-	۴۹۱	۲۰۰۲	۲۰۰۲	۲۰۰۲	۴۹۱
۵۲-	۷۲۲	۵۴۹	۵۱۸۸	۵۱۸۸	۷۲۲
۵۳-	۵۴۴	۸۴۶۵	۸۶۴۲	۸۶۴۲	۵۴۴
۵۴-	۱۹۷	۹۶۳	۱۰۱۴۲	۱۰۱۴۲	۱۹۷
۵۵-	۸۳	۱۲۱۷۲	۱۲۱۱۵	۱۲۱۱۵	۸۳
۵۶-	۵	۱۵۷	۱۶۴۴۲	۱۶۴۴۲	۵
مناطق شهری					
۰-۴۹	۱۱۳۶	۳۲۶۸۱	۳۲۶۱۴	۳۲۶۱۴	۱۱۳۶
۵۰	۲۵	۷۷	۷۷	۷۷	۲۵
۵۱-	۲۰۵	۱۲۲۵	۱۲۲۵	۱۲۲۵	۲۰۵
۵۲-	۳۵۴	۲۹۶۸	۳۰۸۸	۳۰۸۸	۳۵۴
۵۳-	۲۰۳	۵۱۳	۵۲۶۶	۵۲۶۶	۲۰۳
۵۴-	۹۸	۶۱۶۴	۶۰۵۷	۶۰۵۷	۹۸
۵۵-	۲۱	۷۰۴۲	۷۱۲۶	۷۱۲۶	۲۱
-	-	۹۲۰	۱۰۱۴۲	۱۰۱۴۲	-
مناطق روستایی					
۰-۴۹	۹۹۰	۱۹۹۵۳	۲۱۱۶۱	۱۹۹۵۳	۹۹۰
۵۰	۲۶	۱۵۳	۱۵۳	۱۵۳	۲۶
۵۱-	۱۸۶	۷۷۸	۷۹۸	۷۹۸	۱۸۶
۵۲-	۲۷۹	۲۰۸۲	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۷۹
۵۳-	۲۲۱	۲۱۲۵	۲۲۲۶	۲۲۲۶	۲۲۱
۵۴-	۱۰۰	۷۶۶۶	۷۶۷۷	۷۶۷۷	۱۰۰
۵۵-	۵۲	۴۰۸۸	۴۹۷۹	۴۹۷۹	۵۲
۵۶-	۵	۵۷۵۰	۶۲۵۸	۶۲۵۸	۵

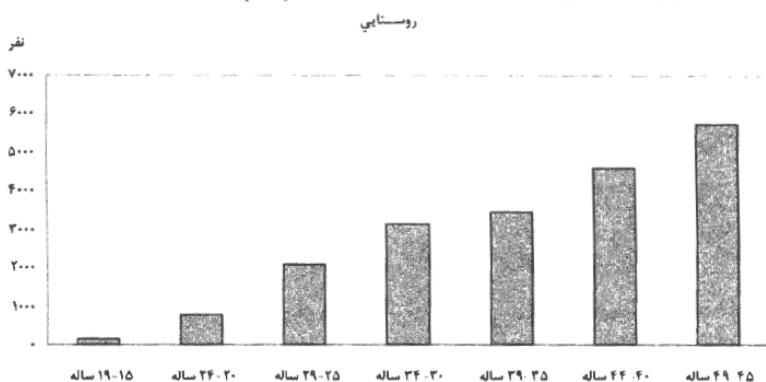
نمودار - ۲۰ - تعداد فرزندان زنده بعده دنیا آمده بر حسب گروههای سنی زنان ۴۹-۱۵ ساله



نمودار - ۲۱ - تعداد فرزندان زنده بعده دنیا آمده بر حسب گروههای سنی زنان ۴۹-۱۵ ساله



نمودار - ۲۲ - تعداد فرزندان زنده بعده دنیا آمده بر حسب گروههای سنی زنان ۴۹-۱۵ ساله نقطه روستایی



نوع خانوار و پراکندگی آن

در آبان ماه ۱۳۸۵، ۲۵۳۳۷ خانوار در شهرستان وجود داشته است که از این تعداد، ۹۹/۷۸ درصد در خانوارهای معمولی، ۰/۱۲ درصد خانوار گروهی و ۰/۳۵ درصد را خانوار مؤسسه‌ای تشکیل می‌داده‌اند. در کل شهرستان، میانگین تعداد افراد در خانوار ۴/۸۶ نفر به دست آمده است. این میانگین برای خانوارهای شهری ۴/۷۵ نفر، برای خانوارهای روستایی ۵/۰۵ نفر بوده است.

ش - خانوار بر حسب نوع و به تفکیک وضع سکونت

غیر ساکن	ساكن		جمع	نوع خانوار
	نقاط روستایی	نقاط شهری		
.	۹۵۶۲	۱۵۷۷۵	۲۵۳۳۷	جمع
.	۹۵۳۳	۱۵۷۴۷	۲۵۲۸۰ معمولی
.	۹	۶	۱۵ گروهی
.	۲۰	۲۲	۴۲ مؤسسه‌ای

سرپرسی و تعداد اعضای خانوار

در آبان ماه ۱۳۸۵، از ۲۵۲۸۰ خانوار معمولی شهرستان ۹۲/۵۹ درصد دارای سرپرسی مرد ۷/۴۱ درصد دارای سرپرسی زن بوده‌اند. همچنین از کل خانوارهای معمولی ۴۷/۳۵ درصد خانوار ۴ نفره و کمتر ۱۹/۹۸ درصد خانوار ۵ نفره و ۳۲/۶۷ درصد خانوار ۶ نفره و بیشتر هستند. این نسبت برای خانوارهای دارای سرپرسی ۴۵/۶۴، ۴۰/۵۸، ۶۸/۷۱، ۳۳/۷۸ درصد و برای خانوارهای دارای سرپرسی زن به ترتیب ۱۲/۴۹ و ۱۸/۷۹ درصد بوده است.

ص- خانوارهای معمولی بر حسب جنس سرپرست و تعداد افراد در خانوار

جنس سرپرست	جمع	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر
مرد وزن	۲۵۲۸۰	۵۸۳	۱۹۷۷	۴۱۰۶	۵۳۷۷
مرد	۲۲۴۰۷	۱۸۸	۱۶۳۴	۲۷۶۷	۵۹۴
زن	۱۸۷۳	۳۵۵	۶۰۹	۲۸۲	۲۸۲

جنس سرپرست	۵ نفر	۶ نفر	۷ نفر	۸ نفر	۹ نفر	۱۰ نفر و بیشتر
مرد وزن	۵۰۵۱	۳۶۸۳	۲۲۰۲	۱۱۹۹	۱۶	۵۵۹
مرد	۴۸۱۷	۳۵۲۸	۲۱۱۶	۱۱۳۴	۵۸۹	۵۴۰
زن	۲۲۴	۱۵۵	۸۶	۶۵	۲۷	۱۹

نوع محل سکونت خانوار

در آبان ماه ۱۳۸۵، در کل شهرستان از ۲۵۲۹۵ خانوار معمولی ساکن و گروهی ۹۹/۹۹ درصد در واحدهای مسکونی معمولی زندگی می‌کرده‌اند. این نسبت در نقاط شهری ۹۹/۹۹ درصد و در نقاط روستایی ۱۰۰/۰۰ درصد بوده است.

خ- خانوارهای معمولی ساکن و گروهی بر حسب نوع محل سکونت و به تفکیک نقاط شهری و روستایی

نوع محل سکونت	جمع	جمع	ساکن در نقاط روستایی	ساکن در نقاط شهری
واحد مسکونی معمولی	۲۵۲۹۵	۱۵۷۵۳	۹۵۷۲	۱۵۷۵۱
چادر	۱	۱	۹۵۴۲	۹۵۴۲
کبر	۰	۰	۰	۰
آلوتک، راغه یا موارد مشابه	۱	۱	۰	۰
سایر	۰	۰	۰	۰

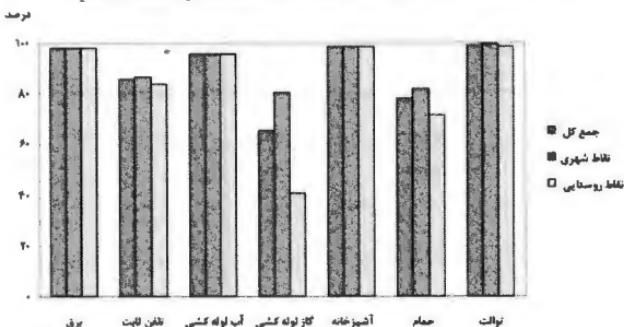
امکانات و تسهیلات مورد استفاده خانوار

در آبانماه ۱۳۸۵، در کل شهرستان از ۲۵۲۹۳ خانوار معمولی ساکن و گروهی که در واحدهای مسکونی معمولی سکونت داشته‌اند، ۹۸/۱۲ درصد از آب درصد از برق، ۸۵/۸۸ درصد از تلفن ثابت و ۹۵/۷۰ درصد از آب لوله کشی و ۶۵/۵۷ درصد از گاز لوله کشی در محل سکونت خود استفاده می‌کرده‌اند. این نسبت‌ها در نقاط شهری به ترتیب ۸۶/۹۷، ۹۸/۰۴، ۹۵/۶۸ و ۹۵/۷۱ درصد و در نقاط روستایی ۸۴/۰۸، ۹۸/۲۶ و ۹۵/۴۸ درصد و در نقاط روند ۴۰/۹۷ و ۴۰/۹۷ درصد بوده است.

ط - برآورد درصد خانوارهای معمولی ساکن و گروهی در واحدهای مسکونی معمولی بر حسب به مردم‌مندی از برخی امکانات و تسهیلات مورد استفاده در محل سکونت خود به تفکیک نقاط شهری و روستایی

امکانات و تسهیلات	کل	ساکن در نقاط روستایی	ساکن در نقاط شهری	ساکن در نقاط شهری
برق	۹۸/۱۲	۹۸/۰۴	۹۸/۰۴	۹۸/۲۶
تلفن ثابت	۸۵/۸۸	۸۵/۹۷	۸۵/۹۷	۸۵/۰۸
آب لوله کشی	۹۵/۷۰	۹۵/۷۱	۹۵/۷۱	۹۵/۶۸
گاز لوله کشی	۶۵/۵۷	۶۵/۴۸	۶۵/۴۸	۶۵/۷۱
آشپزخانه	۹۸/۷۵	۹۸/۷۰	۹۸/۷۰	۹۸/۶۶
حمام	۷۸/۱۹	۷۸/۱۰	۷۸/۱۰	۷۸/۰۰
توالت	۹۹/۱۵	۹۹/۰۹	۹۹/۰۹	۹۸/۰۰

نمودار ۲۴ - برآورد درصد خانوارهای معمولی ساکن و گروهی در واحدهای مسکونی معمولی بر حسب به مردم‌مندی از برخی امکانات و تسهیلات مورد استفاده در محل سکونت خود به تفکیک کل نقاط شهری / نقاط روستایی



نحوه تصرف

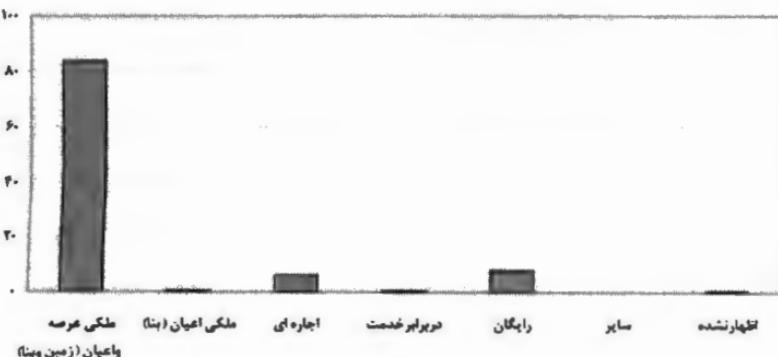
در آبان ماه ۱۳۸۵، از ۲۵۲۹۳ خانوار معمولی ساکن و گروهی شهرستان، ۸۴/۰۰ درصد مالک عرصه و اعیان (زمین و بنا) ۰/۸۲ درصد مالک اعیانی (بنا) محل سکونت خود و ۵/۹۶ درصد اجاره‌نشین بوده‌اند. این نسبت‌ها در نقاط شهری به ترتیب ۰/۳۹ ۸۲/۵۹ و ۸/۳۴ درصد و در نقاط روستایی ۱/۵۲ ۸۶/۳۳ و ۰/۰۴ درصد بوده‌اند.

ظ- توزیع نسبی برآورد خانوارهای معمولی ساکن و گروهی در واحدهای مسکونی معمولی بر حسب نحوه تصرف محل سکونت به تفکیک نقاط شهری و روستایی

نحوه تصرف	جمع	جمع	ساکن در نقاط شهری	ساکن در نقاط روستایی
ملکی عرصه و اصلان (زمین و بنا)	۸۷,۳۷	۱۰۰	۸۷,۰۹	۸۶,۳۳
ملکی اعیان (بنا)	۱,۵۲	۱,۳۹	۰,۷۴	۰,۰۴
اجاره‌ای	۲,۰۴	۰,۷۴	۰,۶۶	۰,۰۰
دو برابر خدمت	۰,۹۷	۰,۷۴	۰,۷۳	۰,۰۰
رایگان	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
سایر	۰,۰۹	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
انهصار شده	۰,۲۲	۰,۰۹	۰,۰۳	۰,۰۰

نمودار ۲۵- توزیع نسبی برآورد خانوارهای معمولی ساکن و گروهی در واحدهای مسکونی معمولی بر حسب نحوه تصرف محل سکونت

درصد



مرکز شهرستان

موقعیت سیاسی: شهر بندر ترکمن، مرکز شهرستان ترکمن، از توابع استان گلستان می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این شهر کرانه‌ای (ساحلی) در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۴ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی از خط استوا واقع شده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۲۸۱ متر است. فاصله هوایی آن تا «تهران» ۲۸۱ کیلومتر می‌باشد.^۱

از لحاظ توپوگرافی، این شهر در یک منطقه جلگه‌ای واقع شده و فاقد ارتفاعات است. آب و هوای آن معتدل و مرطوب می‌باشد.

بندر ترکمن، شهری است نوپا، که شکل‌گیری و تکوین آن بر اساس برنامه ریزی رضاشاه پهلوی بر می‌گردد. این شهر، تقریباً همزمان با شهرهای نوین مینودشت، گنبد کاووس، گمیشان و مراوه تپه ساخته شده است.

دوران رضا شاه، دوران استقرار نهادهای زیربنایی و روینایی تاریخ معاصر ایران است و توسعه استان گلستان - گرچه در قالب بخش شرقی استان دوم آن روزگار بوده است - در این زمان معنا می‌یابد.

در روزنامه اطلاعات مورخ ۳ آبان ماه ۱۳۰۷، آمده است:

«بر حسب تصمیم هیئت دولت، اسم بندر جدید بندر جز، که قریباً شروع به ساختمان آن خواهد شد و از محل فعلی «بندر جز» الی «آشوراده کوچک» امتداد خواهد داشت، بندر شاه تعیین و به عموم وزارت خانه‌ها و ادارات دولتی و سندیکا ابلاغ گردیده است.»

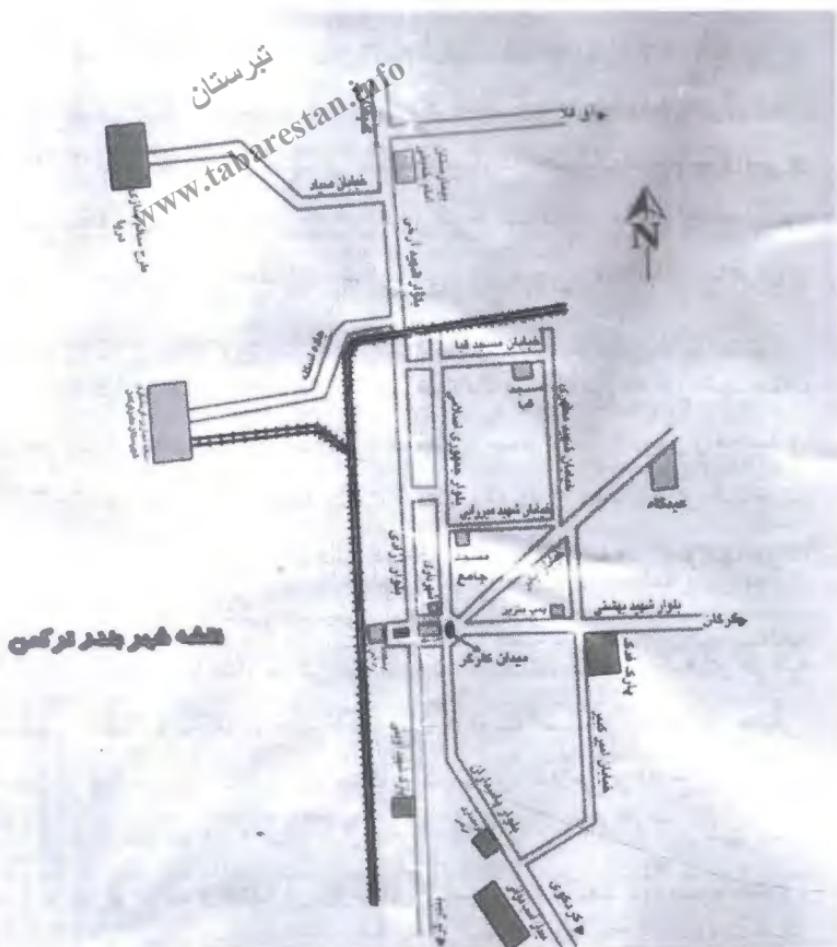
۱. شناسنام جغرافیای طبیعی ایران، ۱۹۶۵.

- نقشه شهر بر اساس اصول شهرسازی طراحی شده و خیابان‌های عرض و موازی عمود بر هم دارد.^۱
- اقوام ساکن در شهر، عبارتند از:
۱. ترکمن‌های جعفریانی (٪.۸۱)، از طوایف قرنجیک، قزل، توماج، کم، کلتھ، ایری، کر، مختوم، پنچ و قانیقمزی و نام‌های خانوادگی نیک مراد، احسان فر، ایزدپناه، یزدانی، رزم آراو ساریخانی^{برستان}
 ۲. فارس‌ها (٪.۹)، که از چند خردۀ فرهنگ مهاجر تشکیل می‌گردند:
۲-۱ سنگسری‌ها (مهدی شهری‌ها)، در خیابان‌های میرزاپی و کاسب، که از نیم قرن پیش به این دیار کوچ نموده‌اند، با نام خانوادگی دیانتی، دوست محمدیان، شکوهی، سمیعی، ملائیان، ناظری و اسکندریان
 - ۲-۲ گیل و دیلم، که برای کار در شیلات و راه آهن به این شهرستان مهاجرت کرده‌اند، با نام خانوادگی الماسی، سحری، گیلانپور و محمدی ۲-۳ خراسانی، در محله پشت استادیوم، که از روستاهای فندخت، استند و بهمن آباد شهرستان قائن در خراسان جنوبی به این سو مهاجرت کرده‌اند، با نام خانوادگی حسینی، قربانی و زمانی
 ۳. ترک‌ها (۵/۷۵)، ساکن در شهرک شیلات، که از ترک‌های قره‌تپه بهشهر هستند و نام‌های خانوادگی آنان عبارت است از: سلیمان خیلی، افغان نژاد، ناصری، کابلی، درستکار، شهبازی، غلامی و قلاح
 ۴. قزاق‌ها، که در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵، به این شهرستان مهاجرت کرده‌اند و ابتدا در روستای «بصیرآباد» و بعد در «قره سو» و سپس در محلات قزاق محله بندر ترکمن (شمالي و جنوبی) ساکن شده‌اند.

۱. جستاری بر جغرافیای شهری بندر ترکمن، ۴۹

۵. سیستانی‌ها (زابلی‌ها)، که در ۲ روستای «زابلی محله» و «ایوان آباد» اقامت دارند.

۶. بلوچ‌ها، که در «آقسین تپه» و «زابلی محله» سکونت داشته و کشاورز یا دامدار می‌باشند.



نقشه شهر بندر ترکمن



عکس ماهواره‌ای



گسترش بندر ترکمن

بندر ترکمن / ۱۷۱

تبرستان
www.tabarestan.info

شهر کنونی بندر ترکمن



تبرستان
www.tabarestan.info



ایستگاه راه آهن بندر ترکمن

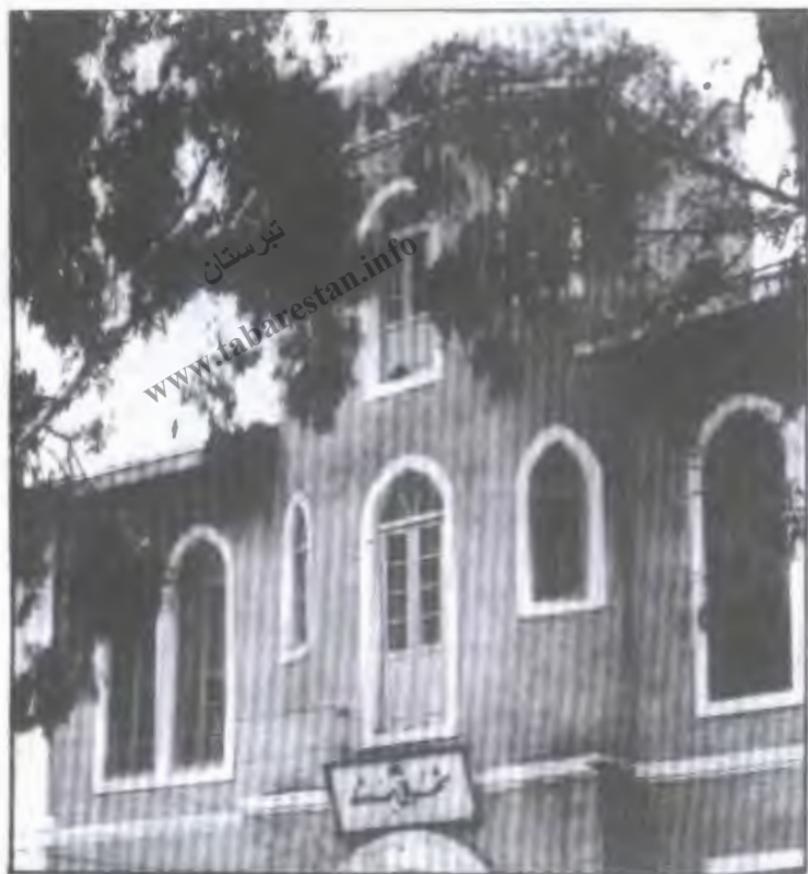
بندر ترکمن / ۱۷۳



اولین قطار سراسری ایران (بندر شاه، تیرماه ۱۳۱۶)



رضا شاه پهلوی، در بازدید از ایستگاه راه آهن بندر شاه



ساختمان شهربانی بندر ترکمن که به سال ۱۳۱۲-۱۳۱۱ خورشیدی بنا گردید.

بندر ترکمن / ۱۷۵

نام برخی از محلات این شهر، عبارتند از: «ترک محله»، «قزاق محله شمالی»، «قزاق محله جنوبی»، «شهرک شیلات»، «محله گمرک»، «شهرک فرهنگیان»، «۸۰ دستگاه» و «کوی فرمانداری».

جمعیت شهر بندر ترکمن:

۱۳۲۹	۱۴۰۰۰ نفر
۱۳۳۵	۸۲۸۴ نفر (۳۰۶ مرد، ۳۹۸۷ زن)
۱۳۴۵	۱۳۰۸۱ نفر (۶۸۱۹ مرد، ۶۲۶۲ زن)
۱۳۵۵	۱۷۳۳۹ نفر (۸۹۵۰ مرد، ۸۳۸۹ زن)
۱۳۶۵	۲۸۳۵۸ نفر (۱۴۶۳۰ مرد، ۱۳۷۲۸ زن)
۱۳۷۰	۳۴۶۳۵ نفر (۱۸۳۳۸ مرد، ۱۶۲۹۷ زن)
۱۳۷۵	۳۸۷۸۲ نفر (۱۹۴۳۷ مرد، ۱۹۳۴۵ زن)
۱۳۸۵	۹۷۶۳ خانوار و ۴۵۲۴۹ نفر (۲۲۶۵۵ مرد، ۲۲۵۹۴ زن)

رشد جمعیت:

۱۳۴۵-۱۳۳۵	% ۴/۶۷
۱۳۵۵-۱۳۴۵	% ۲/۸۶
۱۳۶۵-۱۳۵۵	% ۵/۰۴
۱۳۷۰-۱۳۶۵	% ۴/۰۸
۱۳۷۵-۱۳۷۰	% ۲/۲۹
۱۳۷۵-۱۳۳۵	% ۳/۹۳

فاصله با مراکز شهرستان ها

فاصله تا آق قلا (کیلومتر)

نام شهر یا روستا

۱۲۱

۱. آزاد شهر

۳۹

۲. آق قلا

۲۷

۳. سه راهی بندرگز

- ۱۰۰. خان بیین
- ۱۱۱. پلیس راه رامیان
- ۸۳. علی آباد
- ۱۲. کردکوی
- ۱۷۲. سه راهی کلاله
- ۱۶۶. گالیکش
- ۴۱. گرگان
- ۱۸. گمیش تپه
- ۱۳۹. گنبد کاووس
- ۲۷۷. مراوه
- ۱۵۷. مینودشت

هرم سنی شهر بندر ترکمن (۱۳۸۵)

سن	مرد	جمع	جمع کل
۱۸۲۸	۲۰۳۹	۳۸۶۷	۵۰-۴ ساله
۱۸۷۷	۱۹۳۱	۳۸۰۸	۵۵-۹ ساله
۲۳۸۶	۲۴۲۲	۴۸۱۸	۱۰-۱۴ ساله
۲۸۷۴	۲۹۰۱	۵۸۳۲	۱۵-۱۹ ساله
۲۴۸۱	۲۳۲۷	۴۸۰۸	۲۰-۲۴ ساله
۲۱۴۴	۲۰۴۸	۴۱۸۲	۲۵-۲۹ ساله
۱۸۳۳	۱۶۷۶	۳۵۰۹	۳۰-۳۴ ساله
۱۶۲۹	۱۵۶۰	۳۱۸۹	۳۵-۳۹ ساله
۱۴۹۶	۱۵۸۷	۳۰۸۳	۴۰-۴۴ ساله
۱۲۷۹	۱۳۴۲	۲۶۲۱	۴۵-۴۹ ساله
۸۴۷	۸۶۷	۱۷۱۴	۵۰-۵۴ ساله
۶۱۷	۶۰۱	۱۲۱۸	۵۵-۵۹ ساله
۴۵۶	۴۰۷	۸۶۳	۶۰-۶۴ ساله
۲۸۸	۲۹۴	۵۸۲	۶۵-۶۹ ساله
۲۴۵	۲۶۶	۵۱۱	۷۰-۷۴ ساله
۳۲۴	۳۲۰	۶۴۴	۷۵ ساله و بیشتر
۲۲۵۹۴	۲۲۶۰۰	۴۵۲۴۹	جمع کل

فصل سوم

جغرافیای اقتصادی

تبرستان

www.tabarestan.info

وضع فعالیت

در آبان ماه ۱۳۸۵، جمعیت فعال (افراد شاغل و بیکار) ۳۸/۹۹ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان را تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت برای مردان و زنان به ترتیب ۶۴/۷۹ و ۱۳/۸۷ درصد بوده است. نوع فعالیت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط شهری، ۳۶/۷۵ و در نقاط روستایی ۴۲/۴۷ درصد بوده است.

د- توزیع نسبی جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب وضع فعالیت، به تفکیک جنس و وضع سکونت

وضع فعالیت	جمع											
	ساکن						جمع					
	نقاط روستایی			نقاط شهری			نقاط روستایی			نقاط شهری		
مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمعیت فعال	۱۷,۴۷	۸۰,۵۱	۴۲,۴۲	۱۱,۰۸	۶۲,۳۶	۲۶,۷۵	۱۳,۰۷	۶۹,۷۹	۲۸,۹۹	۱۳,۰۷	۶۹,۷۹	۲۸,۹۹
شاغل	۱۳,۸۸	۵۶,۴۶	۳۵,۷۷	۷,۹۱	۵۰,۰۴	۲۸,۵۴	۹,۹۶	۵۲,۳۲	۲۱,۲۵	۹,۹۶	۵۲,۳۲	۲۱,۲۵
بیکار(جوابی کار)	۳,۹۹	۱۰,۱۵	۶,۷۵	۴,۱۷	۱۲,۲۲	۸,۲۱	۲,۸۰	۱۱,۹۷	۷,۶۴	۲,۸۰	۱۱,۹۷	۷,۶۴
جمعیت غیر فعال	۸۱,۸۹	۳۰,۹۰	۵۶,۹۱	۸۷,۶۶	۳۷,۱۲	۷۲,۰۰	۸۰,۷۲	۲۲,۷۰	۵۰,۳۲	۸۰,۷۲	۲۲,۷۰	۵۰,۳۲
محصل	۱۶,۱۷	۲۰,۷۷	۱۷,۱۶	۲۱,۸۹	۲۲,۴۴	۲۲,۰۰	۱۸,۲۲	۲۲,۱۴	۲۰,۹۱	۱۸,۲۲	۲۲,۱۴	۲۰,۹۱
دارای درآمد بدون کار	۲,۱۳	۴,۱۸	۲,۱۴	۲,۷۹	۴,۹۸	۴,۸۲	۲,۵۰	۵,۸۹	۴,۱۷	۲,۵۰	۵,۸۹	۴,۱۷
خاندار	۶,۰۷	-۰,۷۴	۲۱,۱۱	۵۷,۱۵	-۰,۶۶	۲۸,۹۱	۵۸,۰۸	-۰,۱۹	۲۹,۷۷	۵۸,۰۸	-۰,۱۹	۲۹,۷۷
سایر	۶,۰۳	۶,۰۳	۵,۰۰	۶,۰۶	۶,۶۵	۶,۲۵	۵,۰۸	۶,۳۸	۶,۰۲	۶,۰۸	۶,۳۸	۶,۰۲
اظهار نشده	-۰,۷۴	-۰,۷۹	-۰,۶۲	-۰,۷۸	-۰,۵۲	-۰,۵۵	-۰,۷۶	-۰,۵۱	-۰,۶۴	-۰,۵۱	-۰,۵۵	-۰,۶۴

بخش‌های فعالیت

در آبان ماه ۱۳۸۵، از شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان، ۳۲/۳۱ درصد در بخش کشاورزی، ۳۱/۴۴ درصد در بخش صنعت و ۳۴/۴۹ درصد در بخش خدمات به کار اشتغال داشته‌اند. این نسبت در مناطق شهری به ترتیب ۴۶/۳۲ و ۴۰/۴۸ و ۳۰/۴۸ درصد و در مناطق روستایی به ترتیب ۳۲/۶۱ و ۸۳/۴۶ و ۱۹/۸۳ درصد بوده است.

۳- توزیع نسبی برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به تفکیک تقاضای شهری، روستایی و جنس

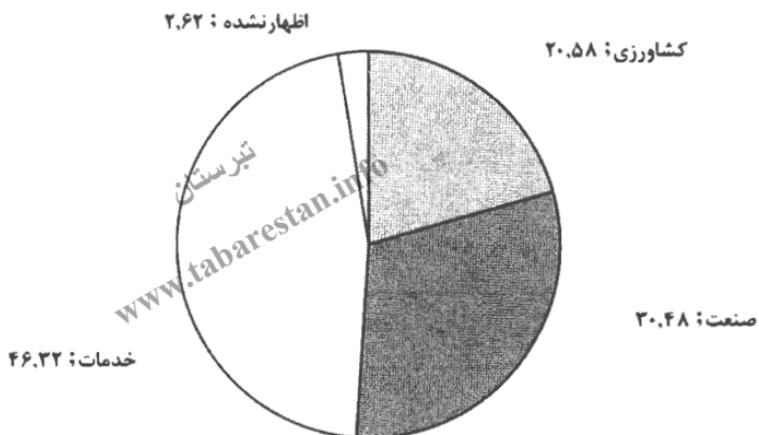
بخش	توضیح											
	ساقن در نقاط روستایی			ساقن در نقاط شهری			کل شهرستان					
	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	
جمعی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
کشاورزی	۴۷,۲۱	۴۶,۴۳	۴۶,۳۴	۲۲,۵۶	۲۰,۵۸	۲۰,۵۸	۳۷,۹۲	۳۷,۹۲	۳۷,۹۲	۳۷,۲۱	۳۷,۲۱	
صنعت	۱۸,۹۷	۲۲,۲۱	۲۲,۲۱	۲۰,۲۷	۲۰,۱۸	۲۰,۱۸	۲۲,۰۶	۲۱,۹۵	۲۱,۹۵	۲۱,۴۴	۲۱,۴۴	
خدمات	۲۳,۱۱	۱۹,۰۲	۲۳,۱۱	۲۰,۲۹	۲۰,۲۹	۲۰,۲۹	۲۰,۰۲	۲۰,۰۲	۲۰,۰۲	۲۰,۰۲	۲۰,۰۲	
فعالیت‌های نامشخص و لظهار نشده	۰,۹۷	۰,۷۹	۰,۷۹	۰,۵۶	۰,۸۷	۰,۸۷	۰,۷۷	۰,۷۷	۰,۷۷	۰,۷۷	۰,۷۷	

نمودار ۱۲- توزیع نسبی برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان بر حسب بخش‌های فعالیت

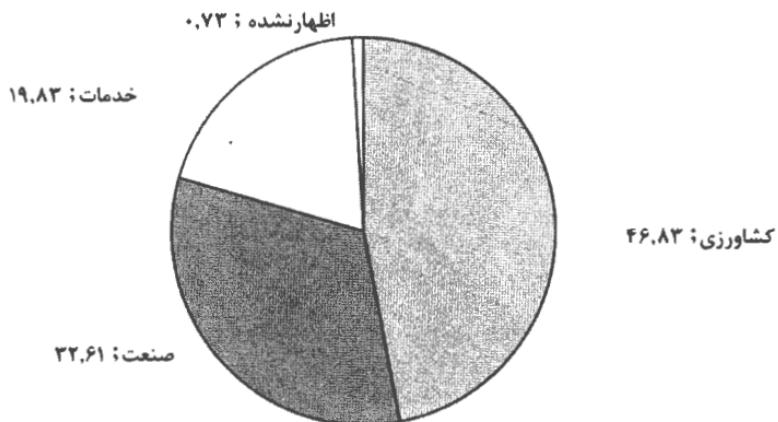
لظهار نشده : ۱,۷۷



توزیع نسبی برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر نقاط شهری بر حسب
بخش‌های فعالیت



توزیع نسبی برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر نقاط روستایی بر
حسب بخش‌های فعالیت



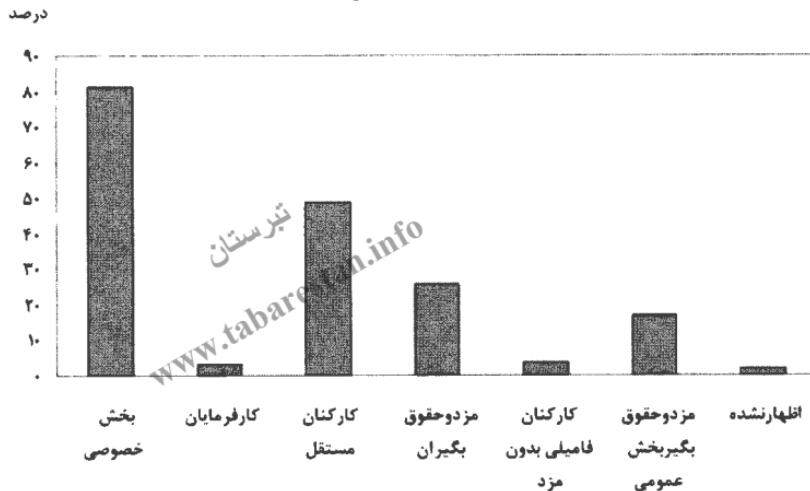
وضع شغلی

در آبان ماه ۱۳۸۵، از جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان، ۸۱/۳۰ درصد در بخش خصوصی، ۱۶/۹۸ درصد در بخش عمومی فعالیت می‌کرده‌اند. این نسبت‌ها برای نقاط شهری به ترتیب ۷۴/۰۲ و ۲۴/۴۴ درصد و برای نقاط روستایی ۹۰/۳۱ و ۷/۷۵ درصد بوده است.

ر- توزیع نسبی برآورد جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بیش نر بر حسب وضع شغلی به تقسیم نقاط شهری و روستایی و جنس

ساکن در نقاط روستایی			ساکن در نقاط شهری			کل شهرستان			وضع شغلی
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
۹۲,۶۲	۸۹,۷۲	۹۰,۳۱	۸۴,۹۰	۷۵,۳۹	۷۴,۰۲	۸۰,۱۵	۸۱,۵۲	۸۱,۳۰	بخش خصوصی
۱,۳۸	۲,۹	۱,۸۵	۶,۰۰	۳,۹	۴,۱۷	۳,۴۶	۳,۱۳	۳,۱۸	کارفرما
۵۷,۹۱	۵۵,۲۴	۵۵,۷۶	۴۷,۵۰	۴۲,۲۶	۴۲,۹۴	۵۳,۲۱	۴۷,۸۰	۴۸,۶۷	کارکن مستقل
۲۸,۵۷	۲۸,۰۸	۲۸,۱۸	۹,۷۲	۲۵,۹۹	۲۳,۸۶	۲۰,۰۹	۲۶,۸۹	۲۵,۲۹	مرد و حقوق‌بگیر
۴,۷۷	۴,۲۳	۴,۴۲	۱,۷۲	۳,۲۵	۳,۰۵	۳,۴۰	۳,۷۱	۳,۶۶	کارکن فاصلی بدون مرد
۷,۸۸	۸,۷۱	۷,۷۵	۳۳,۲۲	۲۲,۱۰	۲۴,۴۴	۱۷,۱۳	۱۶,۹۵	۱۶,۹۸	مرد و حقوق‌بگیر بخش عمومی
۲,۰	۱,۵۵	۱,۹۴	۱,۷۲	۱,۵۱	۱,۵۴	۱,۷۲	۱,۵۳	۱,۷۲	اطهار نشده

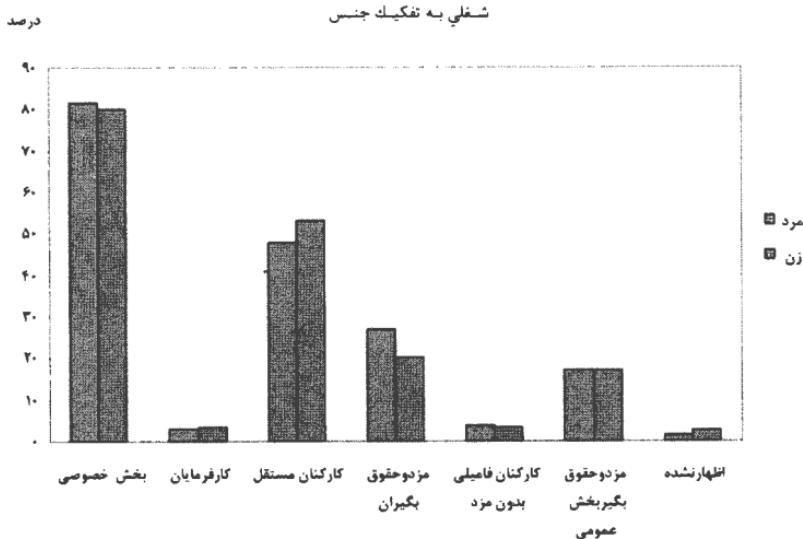
نمودار ۱۵- توزیع نسبی برآورد جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی



نمودار ۱۶- توزیع نسبی برآورد جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع

نمودار ۱۶- توزیع نسبی برآورد جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع

شغلی به تفکیک جنس



کشاورزی

اقتصاد شهرستان بندر ترکمن بر کشاورزی، دامداری و صنایع دستی به ویژه قالی بافی متکی است و به علت کمبود آب در این منطقه، کشاورزی بیشتر به طریقہ دیم صورت می‌گیرد؛ اما در برخی نقاط از چاههای عمیق و آب رودخانه استفاده می‌شود.

شهرستان بندر ترکمن هر چند به لحاظ تاریخی قدامت چندانی ندارد، اما از نظر اقتصادی و ارتباطات، از نواحی مهم محسوب می‌شود.^۱ زراعت و کشاورزی و صیادی هنوز شغل و دغدغه مهم روستاییان شهرستان گمیشان می‌باشد.

۱. حسن زنده دل، استان گلستان، ۳۲.

جدول محصولات زراعی شهرستان بندر ترکمن

در سال زراعی ۱۳۸۳-۸۴

ردیف	نام محصولات	سطح زیر کشت (هکتار)								میزان تولید (تن)	عملکرد در هکتار (کیلوگرم)
		آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم		
۱	گندم	۳۲۲۴	۱۶۲۰۸	۱۹۴۳۲	۹۱۷۶	۲۹۹۲۶	۲۹۱۱۲	۲۸۴۶	۱۸۴۷	۳۹۱۱۲	۲۸۴۶
۲	جو	-	۳۴۲۰۷	۳۴۲۰۷	۳۴۲۰۷	۵۰۸۰۶	۵۰۸۰۶	-	۱۴۸۵	۵۰۸۰۶	۵۰۸۰۶
۳	شلتونک	۷۲۳	-	۷۲۳	۷۲۳	۳۳۹۵	۴۶۹۶	-	-	۳۳۹۵	۴۶۹۶
۴	سویا	۷۸	-	۷۸	۷۸	-	۱۴۸	-	۱۸۹۹	۱۴۸	-
۵	پنبه	۱۲۱	۱۲۱	۲۹۷۲۳	۴۱۸۳	۲۲۲۲	۲۹۱۳	۵۱۳۵	۱۸۳۶	۲۹۱۳	۱۸۳۶
۶	کلزا	۱۵۰	۱۵۰	۲۱۰۹	۲۲۵۹	۳۲۱۴	۳۲۱۴	۲۵۱۴	۲۰۰۰	۳۲۱۴	۲۰۰۰
۷	گوجه فرنگی	۱۹	-	۱۹	۱۹	-	۴۹۰	-	۲۵۷۹۸	۴۹۰	-
۸	نخود فرنگی	۳	-	۳	۳	-	۱۷	-	۵۶۶۷	۱۷	-
۹	باقلاء تازه	۲۰	-	۲۰	۲۰	-	۲۱۴	-	۱۰۷۱۰	۲۱۴	-
۱۰	خریزه	۱۵۲	۱۵۲	۱۷۱	۳۲۳	۲۹۵۰	۱۹۶۲	۴۹۱۲	۱۹۴۰۸	۴۹۱۲	۱۹۴۰۸
۱۱	هندوانه	۱۱۱	-	۱۱۱	۱۱۱	-	۲۳۱۵	-	۲۰۸۵۶	۲۳۱۵	-
۱۲	ذرت علوفه‌ای	۱۵۳	-	۱۵۳	۱۵۳	-	۳۱۸۱	-	۲۰۷۸۸	۳۱۸۱	-
	جمع کل	۵۸۴۴۳	۵۵۶۶۸	۶۱۵۱۱	۲۴۴۰۷	۸۸۸۳۱	۱۱۳۲۳۸	-	-	۱۱۳۲۳۸	۸۸۸۳۱

جدول مخصوصات باغی استان گلستان در سال ۱۳۸۴ - شهرستان بندر ترکمن

عملکرد (کیلوگرم)	میزان تولید (تن)	سطح کشت باغات (با اختساب درختان پراکنده) (هکتار)						نام محصول	
		بارور			غیربارور				
		آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم		
-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳	درختان و درختچه های غیرمشتر
-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳	جمع کل

صنایع و کارخانجات

یکی از معایب بندر ترکمن که از ابتدای احداث با آن روبه رو بوده، عقب نشینی آب دریای خزر است که در نتیجه در هر سال برای «پهلو گرفتن کشتی ها» بر طول اسکله آن افزوده می شود.

بدین سبب، کanalی به طول ۱۷ کیلومتر احداث گردید، ولی با عقب نشینی آب، این بندر قابلیت خود را برای پهلو گرفتن کشتی های بزرگ کشتی های بزرگ بازرگانی را از دست داد.^۱

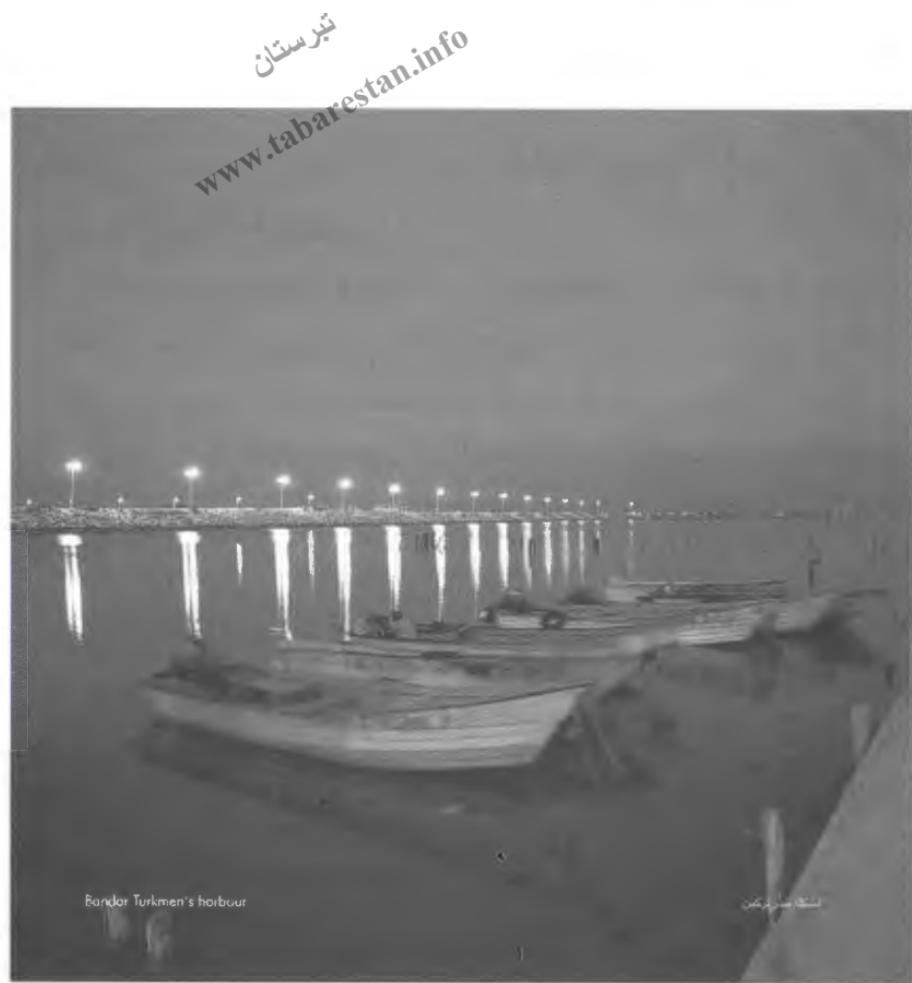
شیلات: در حال حاضر، بندر ترکمن به لحاظ صید ماهی و شیلات حائز اهمیت است و کارخانه کنسرو خاویار نیز در آن جا وجود دارد. صید انواع ماهی از دریای خزر منع درآمد مهمی برای اهالی به شمار می رود.^۲

بندر ترکمن تا دهه ۱۳۴۰، بندر بسیار فعالی بوده است. خرابه های تأسیسات بندری این دوران، هنوز باقی است.

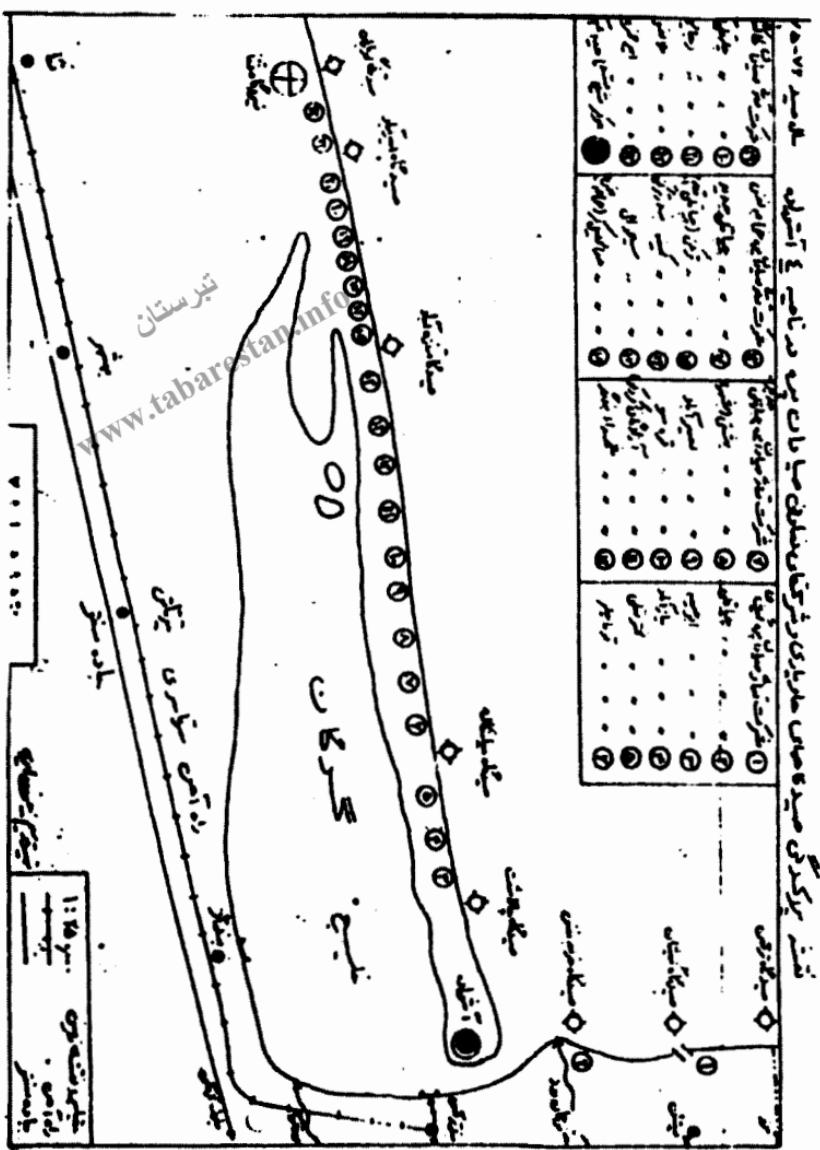
۱. جغرافیای نظامی ایران: گرگان و دریای خزر، ۳۰-۳۱؛ احمد حامی، «راههای ایران»، ایرانشهر، ۱۴۸۴/۲.

۲. جغرافیای کامل ایران، ۱۱۴۷/۲-۱۱۴۹.

آردسازی: نخستین کارخانه به سبک مدرن، در سال ۱۳۲۵، توسط شخصی به نام «محمدی» در این شهرستان تأسیس گردید. دومین کارخانه آردسازی در سال ۱۳۳۲ در شهر بندر ترکمن ساخته شد. دیگر صنایع آردسازی عبارتند از، آرد صداقت، زاودی، آرد قره جه، سهامی خاص آرد بندر ترکمن و غیره.



اسکله بندر ترکمن



نقشه پراکندگی صیدگاه‌های خاویاری و شرکت‌های تعاونی صیادان پره در ناحیه ۴ آشوراده



اسکله بندر ترکمن

پنجه پاک کنی: در سال ۱۳۳۲ کارخانه پنجه پاک کنی (سهامی پنجه) و در سال ۱۳۳۶ کارخانه پنجه پاک کنی شمالی در این شهرستان تأسیس شد. کارخانه تولید روغن نباتی بگانه خزر و کارخانه پنجه (کارخانه جین) نیز در این شهرستان فعال هستند.

این صنایع و کارخانجات تبدیلی و کوچک، که اکثراً زیان ده هستند، نقش چندانی در امر اشتغال زایی جمعیت ^{کل} بیکاران بتومنی و مهاجران غیر بومی شهرستان نداشته و از عدم وجود برگامه ریزی هدفمند اقتصادی در منطقه حکایت دارد.

بهداشت عمومی

سطح کیفی بهداشت عمومی، درمان و پیشگیری از امراض عمومی در دو شهرستان گمیشان و بندر ترکمن، در حد «مطلوب» و «شایسته» نبوده و عموم مردم از کمبود شدید بیمارستان، پزشک و دارو رنج می‌برند. این کمبودها، در روستاهای، به اوج خود می‌رسد.

شهرستان‌های بندر ترکمن و گمیشان، تنها یک بیمارستان ۱۰۳ تختخوابی کوچک و غیر مجهر دارد، یعنی به ازای ۱۱۹۶ نفر، یک تخت بیمارستانی وجود دارد.

۱۳ مرکز بهداشتی درمانی (۶ شهری، ۷ روستایی) در این منطقه فعال می‌باشند. ۳۲ خانه بهداشت نیز روستاییان منطقه را تحت پوشش خود دارد.

در این ۲ شهرستان، ۳۲ پزشک به درمان بیماران اشتغال دارند، که شامل ۲۴ پزشک عمومی، ۶ متخصص و ۲ دندانپزشک می‌باشد؛ یعنی به ازای هر ۳۸۴۹ نفر یک پزشک وجود دارد و جالب‌تر آن که به ازای هر ۶۳۵۱۲ نفر یک دندانپزشک در این شهرستان‌ها به فعالیت مشغولند.

فصل چهارم جغرافیای سیاسی

تبرستان
www.tabarestan.info

اهمیت سیاسی

شهرستان بندر ترکمن، که از امتیازاتی چون نزدیکی به مرکز استان، ساحل دریای خزر، دسترسی به به راه آهن، جاده شوسه و راه دریایی و بافت یکدست قومیتی (ترکمن یموت) و اهمیت استراتژیک نظامی در طول تاریخ بهره‌مند است، از نظر اهمیت و نقش و تأثیرگذاری سیاسی در استان نوبنیاد گلستان، در بین ۱۴ شهرستان، در رتبه هشتم قرار دارد.

شهرستان ۲۳ ساله

۱. ایجاد بخش بندرشاه:

در ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶، بخش ترکمن به نام بخش بندر شاه در شهرستان گرگان از استان دوم (مازندران) تشکیل شد.^۱ بر اساس این قانون، بخش بندرشاه به مرکزیت شهر بندرشاه و مشتمل بر دهستان «جعفریای جنوبی» و بخش گمیشان به مرکزیت شهر گمیشان و مشتمل بر دهستان «جعفریای شمالی» ثبت گردید.

۱. قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران، ۱۳۱۶، ص ۵

۲. ایجاد شهرستان ترکمن:

بر اساس مصوبه شماره ۲۴۶۶ د شورای عالی انقلاب، روز ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۸، بخش ترکمن از شهرستان گرگان متزع گردیده و همراه با بخش‌های رامسر، شادگان، خوانسار، علیآباد و دلیجان، به شهرستان ارتقا یافت:

«شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۴۷۵/۵۲۹۰۹ مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۶ وزارت کشور و به استناد تبصره ۲ ماده ۲ قانون تقسیمات کشوری مصوب آبان ماه ۱۳۱۶ تصویب نمودند:

بخش‌های بندرترکمن (بندر شاه سابق) و بخش گمیشان از شهرستان گرگان متزع و در محدوده آنها یک شهرستان به نام شهرستان ترکمن به مرکزیت بندرترکمن مشتمل بر دو بخش به شرح ذیل تاسیس گردد:

۱. بخش مرکزی به مرکزیت بندرترکمن

۲. بخش گمیشان به مرکزیت گمیش تپه

همچنین جزیره آشوراده از بخش مرکزی شهرستان بهشهر متزع و ضمیمه بخش مرکزی شهرستان ترکمن گردد.^۱

۳. تغییر دهستان‌ها:

در سال ۱۳۶۴، با تصویب هیئت دولت، دهستان جعفریای شمالی و جنوبی، به ۳ دهستان جعفریای جنوبی، شرقی و غربی تبدیل شدند.

۴. انتزاع بخش گمیشان:

در تاریخ ۲ اردی بهشت ماه ۱۳۸۸، بخش گمیشان ارتقاء سیاسی یافته و به شهرستان سیزدهم استان گلستان تبدیل شد:

۱. ربيع بدیعی، جغرافیای منفصل ایران، ۲۵۱/۲

«براساس این مصوبه، هیئت وزیران با پیشنهاد وزارت کشور با ایجاد شهرستان گمیشان در استان گلستان از ترکیب:

۱. بخش مرکزی: به مرکزیت شهر گمیش تپه، مشتمل بر دهستان‌های جعفری‌بای غربی و نفتلیجه
۲. بخش گل دشت

تبرستان

در تابعیت استان گلستان موافقت کرد.

بر اساس این مصوبه:

۱. بخش سیجوال به مرکزیت روستای سیجوال شامل دهستان‌های قره سو شرقی و قره سو غربی

۲: و بخش گلدشت به مرکزیت شهر سیمین شهر شامل دهستان‌های جعفری‌بای شرقی و قزل آلان در تابعیت شهرستان ترکمن ایجاد شد.

بر اساس این مصوبه:

۱. دهستان نفتلیجه به مرکزیت روستای قلعه جیق بزرگ از ترکیب روستاهای، مزارع و مکان‌های آلتین تخماق، پاسگاه سنگرتپه غربی، پاسگاه مرزی مختومقلی، صفا ایشان، قلعه جیق بزرگ، قلعه جیق کوچک، قلمس، کله پست و ناردادی در تابعیت بخش گمیشان شهرستان ترکمن ایجاد می‌شود.

۲. دهستان قزل آلان به مرکزیت روستای آرخ بزرگ از ترکیب روستاهای، مزارع و مکان‌های آرخ بزرگ، توماجلر آلتین، قلعه حاجی گلدي خان، قره جلر، قانجیک خواجه خان، گوگچلی، کریم ایشان و گمیش تپه در تابعیت بخش مرکزی شهرستان ترکمن ایجاد می‌شود.

بر این اساس، دولت با ایجاد:

۱. دهستان قره سو شرقی به مرکزیت روستای قره قاشلی از ترکیب روستاهای، مزارع و مکان‌های سورآباد، آنه حاجی، ایوان آباد، پیخی حاجی، زابلی محله علیا، صفر حاجی، قره تپه و قره قاشلی

۲. دهستان فراغی به مرکزیت روستای خواجه‌ملر از ترکیب روستاهای مزارع و مکان‌های آرخ کوچک، آقسین تپه، اسلام تپه، خواجه‌ملر، خمبرآباد، گامیشلی نزار در تابعیت بخش مرکزی شهرستان ترکمن موافقت کرد.

بر اساس مصوبه هیئت وزیران، روستاهای مزارع و مکان‌های آرخ کوچک، آقسین تپه، اسلام تپه و خواجه‌ملر از دهستان جعفریای شرقی بخش گمیشان شهرستان ترکمن متزع و به دهستان جعفریای جنوبی بخش مرکزی همان شهرستان الحاق شد و روستاهای مزارع و مکان‌های بصیرآباد، پاسگاه مرزی مختوم قلی، پاسگاه سنگرتپه غربی، صفا ایشان، غفار حاجی، کملر و نارdale از دهستان جعفریای غربی بخش گمیشان شهرستان ترکمن متزع و به دهستان جعفریای شرقی همان بخش الحاق می‌شوند.

بر اساس تغییرات در نقشه تقسیمات کشوری، مرکز دهستان جعفریای شرقی تابع بخش گمیشان شهرستان ترکمن از شهر سیمین شهر به روستای بصیرآباد و مرکز دهستان جعفریای جنوبی تابع بخش مرکزی شهرستان ترکمن از روستای سیجوال به روستای پنج پیکر انتقال می‌یابد.»

روز بندر ترکمن

شهرستان ترکمن، دو روز تاریخی دارد:

- ۲۷ بهمن: سالروز ایجاد شهرستان ترکمن (۳۲ سال پیش)، به عنوان روز ملی شهرستان ترکمن
- ۳ آبان: سالروز بنای شهر بندر ترکمن (۸۳ سال پیش)، به عنوان روز ملی مرکز شهرستان ترکمن.

تقسیمات کشوری

شهرستان بندر ترکمن، دارای ۲ بخش، ۱ شهر و ۴ دهستان و ۲۵ روستای دارای سکنه و مکان جغرافیایی است:

۱. بخش مرکزی:

مرکز: بندر ترکمن

شهرهای تابعه: ۱. بندر ترکمن

دهستانهای تابعه: ۱. جعفریان جنوبی ۲. فراغی

آبادی‌های تابعه: ۱۳ روستا

۲. بخش: سیجوال

مرکز: سیجوال

شهرهای تابعه: ندارد.

دهستانهای تابعه: ۱. قره سو شرقی ۲. قره سو غربی

آبادی‌های تابعه: ۱۵ روستا

نمایندگان سیاسی مردم

استان گلستان دارای ۶ حوزه انتخابیه و ۷ نماینده در مجلس شورای اسلامی است:

تعداد نماینده در مجلس نام شهرستان ها

۲ . ۱. آق قلا، گرگان

۱ . ۲. بندرگز، ترکمن، گمیشان، کردکوی

۱ . ۳. آزاد شهر، رامیان

۱ . ۴. علی آباد

۱ . ۵. گبند کاووس

۱ . ۶. مراوه، کلاله، مینودشت، گالیکش

نمایندگان مردم شهرستان بندر ترکمن در مجلس شورای اسلامی، از آغاز تاکنون عبارتند از:

دوره اول: منوچهر متکی (متولد ۲۲ اردی بهشت ۱۳۳۲، بندرگز)

دوره دوم: محمدباقر داودی (متولد ۱۳۲۳، کردکوی)

دوره سوم: موسی فخر روحانی (اعتبار نامه اش به دلیل تقلب و کشمکش در انتخابات در صحن مجلس شورای اسلامی برداشده شد).

میان دوره‌ای سوم: یوسف بستجیده (متولد ۱۳۲۸، گمیش تپه)

دوره چهارم: محمدقاسم کیا (متولد ۱۳۲۹، کردکوی)

دوره پنجم: عباس محمدی (متولد ۱۳۳۲، کفترکار ساری)

دوره ششم: عظیم گل (متولد ۱۳۴۱، بندر ترکمن)

میان دوره‌ای ششم: نازمحمد ولی پور (متولد ۱۳۴۲، گمیش تپه)

دوره هفتم: محمدقلی حاجی ایری (متولد ۱۳۴۰، بندر ترکمن)

دوره هشتم: محمدجواد نظری مهر (متولد نوکنده بندرگز)

رفتار خاص سیاسی مردم این حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، معمولاً بر چند محور استوار است:

۱. عادت حسن چرخش نخبگان، به گونه‌ای هر ۹ نماینده این حوزه انتخابیه غیر تکراری هستند و محال است که نماینده‌ای بتواند ۲ دوره از مردم این ۴ شهرستان رأی اعتماد به دست آورد.

۲. حسن ظن حداکثری مردم به نماینده فعلی خود که در انتخابات دوره بعد شرکت کند، امکان حضور وی در مرحله دوم است و نه بیشتر. بر اساس یک قانون و قاعده نانوشته، نماینده دوره قبل، حتی اگر به عنوان نفر اول به دور دوم راه یابد، سرنوشتی جز قبول شکست نخواهد داشت.

۳. اختلاف فاحش میان گروه‌های سیاسی در زمان انتخابات و عدم

وجود پدیده ائتلاف سیاسی و بی معنا بودن امکان کنار رفتن کاندیداهای رقیب ۷ حتی در میان اقوام و قبایل همسو و هم زبان.

۴. رقابت شدید بین ۳ گروه سیاسی عمدۀ قومیتی این حوزه انتخابیه، شامل ترکمن‌ها، تبری‌ها و سیستانی‌ها. البته تاکنون سهم هر شهرستان در این ۸ دوره ۲ نماینده بوده است.

فعالان سیاسی

آدینه جان ترکمان

فعال سیاسی و نماینده مجلس، آدینه جان (آنجان) محمد ترکمان، در سال ۱۲۶۰ در روستای پنج پیکر (بش یوسقه قدیم) دیده به دنیا گشود.

وی ۳ دوره نماینده مردم دشت گرگان (یموت) در مجلس شورای ملی، در دوره‌های دوم، چهارم و هشتم بوده است. نخستین بار، در ۱۳ بهمن ماه ۱۲۸۸، اعتبار نامه وی در صحن پارلمان به تصویب وکلای واقعی ملت رسید.

سرانجام در سن ۵۳ سالگی، در روز ۱۹ مرداد ماه ۱۳۱۳، دارفانی را وداع گفت.

محمدقلی حاجی ایری

فعال سیاسی و نماینده مجلس، دکتر محمدقلی حاجی ایری، در سال ۱۳۴۰، در شهرستان ترکمن چشم به دنیا گشود.

مدتها به تدریس در آموزش و پرورش پرداخت و پس از اخذ مدرک

دکترای پزشکی از دانشگاه تهران، به فعالیت سیاسی روی آورد و با رأی اعتماد مردم، به عنوان رئیس شورای شهر بندر ترکمن برگزیده شد.

در روز ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۸۳، در مرحله دوم هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت جست و با کسب ۴۰۶۳ رأی از مجموع آراء مأخوذه ۷۹۵۹ رأی (اکثریت مطلق ۹۵٪) به عنوان نماینده مردم ۴ شهرستان بندر ترکمن، گمیشان، بشادرگز و کردکوی به پارلمان راه یافت و به عنوان عضو «کمیسیون بهداشت و درمان» به فعالیت پرداخت.

حسین روزبهی

فعال سیاسی و نماینده مجلس، حسین روزبهی، در سال ۱۳۲۶ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

این دبیر ساختکوش آموزش و پرورش، دارای مدرک کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی و تحصیلات حوزوی تا دوره سطح می‌باشد و در کارنامه اجرایی و علمی ایشان، مدیر کلی سازمان آموزش و پرورش استان مازندران، معاونت بنیاد شهید استان مازندران، مدیر کلی سازمان آموزش و پرورش استان مازندران و معاونت مالی اداری مؤسسه غیرانتفاعی ادب مازندران به چشم می‌خورد.

در مرحله دوم ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، با کسب ۵۱۴۴۷ رأی از کل آراء مأخوذه ۱۲۱۸۲ رأی (اکثریت ۴۲٪) به عنوان نماینده مردم ساری به پارلمان راه یافت و به عضویت کمیسیون آموزش و تحقیقات درآمد.

عظیم گل

فعال سیاسی و نماینده مجلس، دکتر عظیم گل، در سال ۱۳۴۱ در بندر ترکمن، در خانواده‌ای فقیر و تهیدست چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را دبستان «نصری»، دوره راهنمایی را در مدرسه «ناصر خسرو» بندر ترکمن و مقطع متوسطه را در دبیرستان «استرآباد» گرگان گذراند.

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک، به دانشگاه رفایافت و موفق به دریافت مدرک دکترای پزشکی از دانشگاه تهران گردید. در ضمن، وی مدت‌ها به تدریس در آموزش و پرورش پرداخت.

در روز ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۸، موفق به کسب ۴۲۱۹۸ رأی از جمع آراء مأخوذه ۱۱۴۸۳۵ رأی (اکثریت نسبی ۳۶/۷٪) شده و به عنوان نماینده دوره ششم مردم ۴ شهرستان بندر ترکمن، گمیشان، بندرگز و کردکوی به مجلس شورای اسلامی راه یافت.

این نماینده ساده زیست و سختکوش، به عضویت «کمیسیون عمران» درآمد و از وکلای «اصلاح طلب» پارلمان محسوب می‌گردید. سرانجام در روز ۲۷ اردی بهشت ماه ۱۳۸۰، در حادثه سقوط هواپیمای یاک ۴۰ در روستای «خرچنگ» ساری، در سن ۳۹ سالگی به شهادت رسید.

آرامگاه این شهید والامقام، در امامزاده آق امام، واقع شده است.

شهدای شاخص

غلامعلی دریانورد

سردار رشید اسلام، غلامعلی دریانورد، در روز ۲۰ مهر ماه ۱۳۴۰ در شهر بندر ترکمن چشم به جهان گشود.

بندر ترکمن / ۱۹۹

پس از پیروزی انقلاب، به جهاد سازندگی پیوست و با وقوع جنگ تحمیلی، به جبهه رفت و مدتی بعد، به عنوان فرمانده گردان ویژه نبی اکرم و سپس فرمانده گردان امام حسن (ع) لشکر ۲۵ کربلا انتخاب شد. سرانجام در روز ۴ تیر ماه ۱۳۶۳، در سن ۲۳ سالگی، در کردستان به شهادت رسید.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل پنجم

دانشنامه آبادی‌ها

تبرستان

www.tabarestan.info

آرخ کوچک

موقعیت سیاسی: روستای آرخ کوچک (Arkh-e Kuchak) از توابع دهستان فراغی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.

وجه تسمیه: درباره این جایnam، سه دیدگاه وجود دارد:

- اصل کلمه آریق به معنای رود و نهر است، که به آرخ تغییر شکل یافته است. روستا در امتداد گرگان رود وسعت یافته است.
- برخی هم آرخ را به معنی نزار و لاغر دانسته‌اند.
- نام طایفه‌ای از ایل یموت (شاخه جعفریای) می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۵ دقیقه و ۱۰ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه و ۳۷ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۲ متر است. دهکده در ۲۱ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد.^۱

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۲۴۹ خانوار و ۴۳ نفر	۱۳۴۵
۵۲۹ خانوار و ۶۹ نفر (۲۵۹ مرد، ۲۷۰ زن)	۱۳۶۵

۱۳۷۵ ۹۴ خانوار و ۵۳۹ نفر (۲۶۶ مرد، ۲۷۳ زن)
۱۳۸۵ ۱۱۴ خانوار و ۵۷۱ نفر (۲۸۴ مرد، ۲۸۷ زن)
سواð: نرخ باسوادی در آن ۱۸/۷۹٪ می‌باشد، که در مردان ۷۴/۸۷٪ و زنان ۸۸/۷۰٪ است.

آشورآباد

موقعیت سیاسی: روستای آشورآباد (Ashurabad) از توابع شهرستان سیچوال است. قره سو شرقی بخش سیچوال شهرستان ترکمن می‌باشد.
موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای که در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۹ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۲ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۵ متر می‌باشد.
رودخانه قره سو که از کوه «قلعه ماران» و ارتفاعات «النگ» سرچشمه گرفته، از کنار آبادی می‌گذرد و به دریای خزر می‌ریزد. اهالی آن به زبان ترکمنی سخن گفته و پیرو مذهب حنفی می‌باشند.^۱

جمعیت سال ۱۳۸۵ ۷ خانوار و ۲۵ نفر (۱۱ مرد، ۱۴ زن)
سواð: نرخ باسواد در آن ۳۶/۸۶٪ می‌باشد، که در مردان ۱۰۰٪ و زنان ۷۵/۰۰٪ است.

آشوراده

موقعیت سیاسی: جزیره آشوراده (Ashuradeh) از توابع شهرستان جعفری جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.
وجه تسمیه: نام واژه جغرافیایی آشوراده، از دو بخش «آشور» و «آدا»

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱/۲۹

یا «آده» تشکیل شده است. بخش دوم این جاینام، یعنی «آدا» در ترکی و ترکمنی، به معنی «جزیره» می‌باشد.

در باره بخش اول این نام واژه ترکیبی، سه دیدگاه وجود دارد:

۱. آشور به معنای «آن سوی».

۲. «آشور»، نام یکی از تمدن‌های باستانی مشرق زمین

۳. آشور، برگرفته از مذهب «آشوری» یا «آسورس»

۴. «آشور» یا «آشیر»، که در ترکمنی به «جزیره» اطلاق می‌گردد؛ چنان که دکتر منوچهر ستوده می‌گوید:

«آشوراده، که به معنی جزیره آشور است، ۳ جزیره است. یکی بزرگتر، دیگری متوسط و سومی کوچک است. جزیره کوچک‌تر که در سمت شرقی ۲ جزیره دیگر واقع است. در انتهای غربی آن ۱۵ تا ۱۰ کلبه ماهیگیران است. جزیره متوسط غیر مسکون است. در سومی ایستگاه بحری روس‌ها است.^۱ روس‌ها جزیره بزرگتر را اورست (Orest) و دو جزیره دیگر را اژنیس (Eugenis) و اشیک (Ashik) می‌نامند. ترکمن‌ها به این جزیره «مال آشیر» یا «مال آشر» می‌گویند.

۵. نام این جزیره در اسناد تاریخی به شکل «عاشوراده» یا «عشوراده» ثبت شده است. برخی بر این باورند که جزیره از آن «عاشور» نامی بوده است. نام «عاشور» از نام‌های رایج میان ترکمانان است.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جزیره‌ای، که تنها جزیره ایرانی در دریای خزر است، در موقعیت جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵۹ دقیقه و ۱۹ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۲۸ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۲۶ متر می‌باشد. دهکده در ۵ کیلومتری غرب بندر ترکمن قرار دارد.^۲

۱. از آستارا تا استارباد، ۵/۲۱۸.

۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۲۹/۱-۲.

ملگونوف، این جزیره را چنین تعریف کرده است:

«این جزیره در اصل تپه‌ای شنی و پوشیده از ماسه و صدف‌های بادآورده است و تقریباً فاقد هرگونه رستنی است. چند درختی که در این جا در زمین‌های ماسه‌ای کاشته‌اند، رشد ناچیزی دارند، این جزیره و تمام ساختمان آن را در دریا از همه سو می‌توان دید.»^۱

در این جزیره دو - سه چاه آب شیرین و نه چندان گوارا برای رفع تشنگی ساکنان تعییه شده بود، و به نظر می‌رسد که از سواحل نیز با قایق هایی آب حمل کرده و در درون جزیره ذخیره می‌نمودند.

سال	جمعیت
۱۳۳۵	۳۵۶ نفر (۲۱۲ مرد، ۱۴۴ زن)
۱۳۶۵	۲۲۸ خانوار و ۱۱۹۱ نفر (۶۲۷ مرد، ۵۶۴ زن)
۱۳۷۵	۳ خانوار و ۷ نفر (۲ مرد، ۵ زن)
۱۳۸۵	۲ خانوار و ۷ نفر (۷ مرد، ۰ زن)
در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲	بر اثر بالا آمدن آب دریا، اهالی این جزیره که در حدود ۳۰۰ خانوار بودند، ناچار به ترک جزیره شده و در شهر بندر ترکمن استقرار یافته‌ند.

آثار باستانی و تاریخی:

۱. قلعه تاریخی آشوراده: این قلعه دوره قاجاریه در شبه جزیره آشوراده قرار داشته و به شماره ۱۱۳۰۸ در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

۲. پادگان قدیمی روس‌ها.

اعتمادالسلطنه در چهارشنبه سوم شوال ۱۲۹۲ق.، از قلعه پلنگان در میانکاله سخن به میان آورد، که ناصرالدین شاه آن را در سال ۱۲۸۵ق.

۱. کرانه‌های جنوب دریای خزر، ۱۰۶.

برای جلوگیری از تجاوزها و غارتگری‌های ترکمن بنا کرده است:

«به قلعه پلنگان رفتیم، بنای این قلعه ۷ سال پیش به حکم شاه نموده‌اند و ظاهراً دوازده هزار تومن خرج شده. می‌گویند برای ترکمن‌ها ساخته شده که نیایند دزدی و شرارت کنند. امروز شاه در قلعه پیاده شدند. آن جا گردش فرمودند. قلعه ۸ برجه‌ای با آجر کهنه فرح آباد، در عوض گچ و آهک با گل این جا که همه شن انتیت، ساخته شده. گمانم این است که زود خراب شود، نه قلعه جنگی است نه عیشی، بنای بسی معنی و بیخودی است.»^۱

این قلعه احتمالاً در سال ۱۳۰۱ق. تعمیر و احیا شده است.^۲

قلعه دیگری نیز به نام سرتک در شبه جزیره بنا شده است. در این مورد نیز اعتمادالسلطنه آورده است:

«قلعه پلنگان و سرتک در شبه جزیره میانکاله از بناهای ناصرالدین شاه است. در شوال سنه ۱۲۹۲ق. که در رکاب همایون شاهنشاهی مؤلف به سفر مازندران رفته بود، شبه جزیره میانکاله را که محاذی اشرف است به دقت ملاحظه نمود، بلکه مرداب میانه اشرف و میانکاله را که در شمال اشرف و جنوب میانکاله واقع است سیر کرده، آبادی که در میانکاله شده ابتدای آن ۵ سال قبل است. در این مدت که قلعه به حکم همایون بنا شده، یکی در محل موسوم به پلنگان محاذی اشرف است که تمام شده و توب و سرباز و تفنگچی دارد، دیگری قلعه سرتک است که قریب به اتمام است.»^۳

ناصرالدین شاه که در سال ۱۲۹۲ق. به مازندران سفر کرده بود، در

۱. خاطرات اعتمادالسلطنه، ۳۸-۳۹.

۲. المأثرو الأثار، ۸۰.

۳. مرآت البلدان، ۱/۱۲.

حين بازدید از «عظایم آثار» خود از این قلعه نیز دیدار کرده و در سفرنامه خود چنین آورده است:

«جمعه پنجم شوال. صبح زود سوار شدیم برای سرتک، سر قلعه جدید سرتک نمودار شد که امسال حکم به ساختن آن شده و کنار دریای کوچک بنا کرده‌اند، نیم فرسنگ تا انتهای نیم جزیره میانکاله فاصله دارد. ۴ برج قلعه سرتک تمام است، اما دیوار قلعه ناتمام است که باید بسازند، در خوب نقطه‌ای واقع شده است.

رفتم بالای یکی از بروج، چون هواگرم بود و در سایه آن برج استراحت نمودم. استاد علی معمار کاشی آن جا کار می‌کند. الحق بسیار خوب و محکم بنا کرده است». ^۱

در راپورت حاجی محمد میرزا معروف به «مهندس» که به سال ۱۳۰۵ق. نوشته شده، چنین آمده است:

«از قلعه پلنگان تقریباً ۴ ساعت از میانکاله می‌روند، به درخت خرمایی می‌رسند که بریده‌اند، یک ساعت و نیم دیگر هم تا قلعه سرتک باید بروند، به همه جهت ۵ ساعت و نیم از قلعه پلنگان تا قلعه سرتک فاصله است». ^۲

میانکاله علی القاعده سرزمینی میان این دو قلعه (پلنگان و سرتک) است که روس‌ها نام آن را رواج داده‌اند.

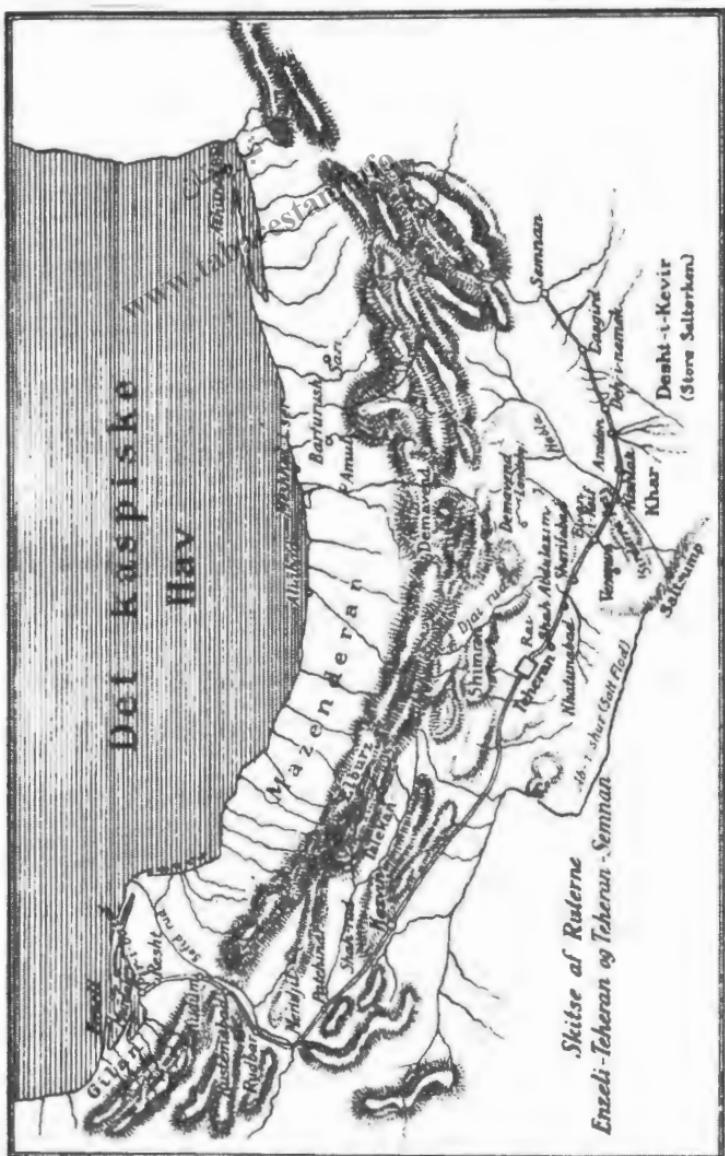
دکتر ستوده در چگونگی «میان قلعه» آورده است:

«قلعه‌ای بوده است که میان پلنگان و قلعه سرتک ساخته بوده‌اند. این نام فعلان نام یکی از پاسگاه‌های مرزی کشور و شعبه شیلات در شبے جزیره میانکاله است.

۱. سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران، ۸۰-۸۱.

۲. گرگان زمین، ۱۲۶.

این محل در ۱۱ کیلومتری غرب آشوراده بزرگ و ۲۲ کیلومتری غرب تازه آباد واقع است.



جزیره آشوراده

بنای اولیه که فعلاً مورد استفاده پاسگاه است، از آثار دوران صفویان است.^۱

در مورد این قلعه صفوی، در سفرنامه ناصرالدین شاه آمده است: «چهارشنبه سوم شوال (سال ۱۲۹۲ق.) سوار شده خیلی رانده، رسیدیم به قلعه میانکاله: توپچی خرقانی با ۲ عراده توپ در جلو دریای کوچک بودند. قلعه میانکاله قلعه خوبی است. عباس قلی خان اشرفی با تفنگچی اشرفی و اهل و عیال در این قلعه هستند. دیوار و برج قلعه از آجر است. ۲ دروازه دارد. رفتیم بالای سر قلعه، نماز کردم. دریای بزرگ از این بالا خانه پیدا بود.»^۲

در فرهنگ جغرافیایی خراسان، به نقل از ناپیر (Napier)، لوات (Lovett)، پتروویچ (Petrusevitch) کوت (Coote) آمده است: «آشوراده، آشور. جزیره‌ای است واقع در دهانه خلیج استرآباد که پایگاه‌های دو هنگ پیاده نظام روسی و اقامتگاه فرمانده اسکادران خزر شرقی و سایر افسران در آن قرار دارد.

سه یا چهار کشتی جنگی کوچک و چند موتور لنچ بخاری برای کنترل ترکمن‌ها در خلیج مستقر شده‌اند و عوارضی را که به قایق‌های آن بسته شده، وصول می‌کنند.

این قایق‌ها به کار داد و ستد بین بندرهای خودشان و بندرهای روسیایی سواحل استرآباد و مازندران و جزیره چلیکان و حمل و نقل مال التجاره، نفت و نمک اشتغال دارند. هر قایق، موظف است که به مأمورین روسی برگ عبور ارائه کند.

این مقررات به شدت رعایت می‌شود و موجب جلوگیری از تهاجم

۱. از آستانرا تا استرآباد، ۵/۷۰۵.

۲. اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران، ۲/۱۸۹.

بی وقفه ترکمن‌ها، که طی زمان‌های طولانی سواحل منطقه را ناامن کرده بوده‌اند، شده و در نتیجه، شرایط مناسبی برای تجارت منطقه فراهم گشته است. ساکنان ابوشون (Abushun)، بعد از ویرانی شهرشان به این منطقه مهاجرت کرده‌اند.

بندرگاهی عالی در جنوب جزیره وجود دارد و کشتی‌هایی که به ۸۱ پا عمق آب نیاز دارند، می‌توانند در طول نیم مایل ساحل آن پهلو بگیرند و دریا هم هیچ وقت آن قدر ناآرام نیست که مانع ارتباط جزیره با ساحل شود.

اسکله‌ای جدید با عرض ۱۶ پا و طول ۳۵۰ پا احداث شده که امکانات پیاده و سوار شدن مسافران و بارگیری و تخلیه کالاها را فراهم می‌سازد.

خانیکف می‌گوید که وسعت آشوراده بزرگ امروز به اندازه نصف وسعت آشوراده ۴۰ سال پیش نیست. تمامی بخش غربی آن شسته شده و از بین رفته در حالی که آشوراده کوچک در طرف شرق در حال گسترش است. وی پیش‌بینی می‌کند که در ۲۰ سال آینده، آشوراده بزرگ دیگر وجود خارجی نخواهد داشت.

ارزش آشوراده برای روسها در این است که به سبب عمق آب که در تمام طول ساحل به ۹ پا می‌رسد، می‌توانند تحت نظارت ایستگاه دریایی، نیروها و مهمات خود را در خلیج استرآباد پیاده کنند.

باریکه‌ای از خشکی که اردوگاه در آن ساخته شده، هم اکنون به جزیره تبدیل گشته و گفته می‌شود که وسعت آن در حال کاهش است. این باریکه، آن قدر کم عرض است که با وزش یک توفان از طرف شمال سرتاسر آن در معرض شست و شو قرار می‌گیرد.

۳ فرونده رزماناو به نام‌های (Seakere، Peshal، Lochman) در

این جا لنگر انداخته‌اند که گفته می‌شود از کار افتاده و قادر به حرکت نیستند.

این پایگاه نظامی، دارای ۴۰ نفر قزاق و حدود ۱۰۰ نفر پیاده و ملوان است. این بندر، بهترین بندر ایران است که کشتی‌های بخاری، عمق مناسب را برای لنگر انداختن در آن می‌یابند.

بار کشتی‌های بخاری در منطقه‌ای واقع در یک مایلی بندر گز تخلیه می‌شود.^۱

پوشچین (Pushchin)، دقیق‌ترین اطلاعات جغرافیایی را درباره‌اش گرد آورده و می‌نویسد:

«خليج استرآباد در گوشه جنوب شرقی درياچه خزر واقع شده است و يكى از مناسب‌ترین لنگرگاههای طبیعی را در آن دریا تشکیل می‌دهد. مرز آن ساحل شرقی دریاست که محل سکونت ایلات یموت ترکمن است.

بخش جنوبی‌اش در مجاورت مناطق فارس‌نشین استرآباد و مازندران واقع شده است و مرز شمالی آن را شبه جزیره باریک پست و ماسه‌ای پوتامکویی یا میانکاله تشکیل می‌دهد.

میانکاله به طول ۳۰ مایل به طرف شرق کشیده شده است و به سه جزیره کوچک که روسها آنها را با Malaya، Srednaya، Bolshaya (به معنی آشور بزرگ، متوسط و کوچک) می‌نامند، ختم می‌شود.

این جزایر توسط تنگه‌های باریکی به عمق ۲ تا ۳ فوت از یکدیگر جدا می‌شوند.

جزیره آشور بزرگ یا آشوراده از کناره‌های ماسه‌ای پوتامکویی به وسیله معبری گودتر و پهن‌تر که عمقی بین ۵ تا ۶ پا دارد، جدا می‌گردد.

۱. فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)، ۲۶

از نقطه نظر ویژگی های محلی جزایر آشور دوره (سیکل) ۱۵ ساله دارد. از سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۷۴ م. تغییراتی کلی در رابطه با تأثیر بادهای شمالی و غربی غالب، که در این ناحیه می‌وزد، به وقوع پیوسته است. در سال ۱۸۵۹ م. فقط دو جزیره آشور بزرگ و آشور کوچک، که توسط تنگه‌ای عریض اما کم عمق با ژرفایی کمتر از ۳ فوت از هم جدا می‌شدند، وجود داشته و در همین حال، تنگه کم عمق مشابهی هم آشور بزرگ را از کناره ماسه‌ای پوتامکویی جدا ساخته است.

امروزه جزیره‌ای جدید (Viz) به نام آشور میانه بین دو جزیره مذکور به وجود آمده است که طول آن در حال حاضر ۲ مایل و عرض آن $\frac{1}{3}$ مایل می‌باشد.

حد شرقی آن از طرف شمال توسط جزیره آشور کوچک که با آن کانالی با جهت شمال شرقی جنوب غربی تشکیل می‌دهد و پهنه‌ای در حدود ۴۷۰ یارد و عمق ۳ فوت دارد، محافظت می‌گردد.

انتهای غربی جزیره آشور بزرگ به طور مداوم در حال از بین رفتن است و در ۱۵ سال گذشته در حدود ۲۱۰ پا (۶۴ متر) از کناره غربی آن شسته شده، در صورتی که در قسمت شرقی جزیره یک ساحل شنی به طول تقریبی نیم مایل تشکیل شده است.

کanal بین این جزیره و کناره ماسه‌ای پوتامکویی، که در حدود ۲ مایل پهنا دارد، در حدود ۲ فوت عمیق‌تر شده است. بنابراین، در حال حاضر عمق آن به ۵ تا ۶ فوت می‌رسد.

در نتیجه، شناورهای ۴ تا ۵ پایی بخصوص در هنگام مذ دریا می‌توانند به آسانی از آن عبور کنند و موجب کاهش عبور و مرور در اطراف جزیره آشور کوچک تا فاصله ۱۵ مایل گردند.

جزایر آشور یا آشیر که از ماسه‌های آبرفتی تشکیل شده‌اند، با این

ماسه‌ها و صدف‌ها پوشیده شده است. دو جزیرهٔ شرقی یعنی آشور کوچک و آشور میانی خیلی پست‌اند، و تقریباً بدون انقطاع از نیزار پوشیده شده‌اند و کاملاً غیرمسکونی هستند و به هنگام وزش بادهای شمالی به زیر آب فرو می‌روند.

جزیرهٔ آشور بزرگ بین ۳ تا ۴ فوت بالاتر از سطح عمومی دریا ارتفاع دارد، به استثنای سمت غرب آن که ارتفاعش در بعضی از جاهای بین ۶ تا ۷ پا است؛ این در حالی است که به هنگام وزش بادهای غربی سطح آب خلیج استرآباد بالا می‌آید و در نتیجه، جزیره به نسبت شدت باد تقریباً به زیر آب فرو می‌رود.

طول تمام جزیره همراه با زبانهٔ شنی در حدود یک مایل و عرض آن در حدود $\frac{1}{3}$ مایل است.

پایگاه دریایی روسها که در گذشته بر روی جزیرهٔ ساری استقرار داشته، در حدود سال ۱۸۲۷ م. به آشوراده انتقال داده شده و تعدادی کشتی جنگی بادبانی و بخاری که از اسکادران باکو اعزام شده‌اند، به طور دائم در اینجا استقرار دارند.

لنگرگاه در سمت جنوب شرقی جزیره و در فاصلهٔ ۴۵۰ یارדי ساحل که عمقی در حدود ۱۷ پا دارد، قرار گرفته است. در این جا کف دریا از گل خاکستری رنگ تشکیل شده است.

یک کلیسا چوبی هم بر روی جزیره احداث شده است و تعدادی خانه، که مسئلان پایگاه در آن سکونت دارند، در آن دیده می‌شود. یک ادارهٔ پست، معازه، باشگاه، کتابخانه و خانه‌های خانواده‌های افسران و خدمتکاران پایگاه هم در اینجا قرار دارد.

به سبب کمبود چوب بیشتر بناهای واقع در جزیره آشوراده از نی و

اندودی از کاهگل ساخته شده است. باغات در کناره غربی جزیره نزدیک کلیسا احداث و تقریباً دورادور همه خانه‌ها درخت کاشته شده است.

بناهای مهم جزیره عبارت است از منزل مسکونی فرمانده و بنای چوبی شرکت ماورای قفقاز.

در بیشتر قسمت‌های جزیره چاههایی حفر شده است که دارای آب شیرین خوبی هستند.

طول جغرافیایی جزیره در محل شاخص آفتاب نزدیک بنای فرماندهی طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۲۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۳۵ ثانیه عرض شمالی است. فاصله آن از باکو ۲۸۰ مایل است.

آب و هوای جزیره آشوراده و خلیج استرآباد به طور خیلی چشمگیری موجب تب می‌شود، اما بیماری در مقایسه با نقاط دیگر سواحل جنوب و غرب خزر و جزیره ساری دارای شدت کمتری است؛ مثلاً در انزلی، جزیره ساری و دهانه کیوری بیماری کشنده تب به شدت شایع است.

ملahanی که در قایق‌های چوبی زندگی می‌کنند، از نظر بهداشتی در شرایط بهتری از جزیره نشینان هستند و کمتر به بیماری تب دچار می‌شوند.

خلیج استرآباد، که به موازات ساحل شرقی بندر ترکمن کشیده شده، طولی در حدود ۴۲ مایل و در پهن‌ترین قسمت یعنی در بخش شرقی، عرض آن به ۸ مایل می‌رسد.

این خلیج بتدریج به طرف غرب باریک‌تر می‌شود و در انتهای کاملاً دارای عرض و عمق کمی است.

کناره‌های شرقی خلیج پست، مردابی و تقریباً همه جا از نیزار پوشیده شده است.

کناره‌های جنوبی هم پست است، اما در بسیاری از جاهای از جنگل آنبوه و درخت پوشیده شده است. این نوع پوشش گیاهی در نزدیکی قره سو کاهش می‌یابد و در بخش شرقی، که به ندرت آثاری از جنگل دیده می‌شود، پایان می‌گیرد و جای آن را پوشش گیاهی بوته‌ای، زمین‌های عاری از هر گونه گیاه، دشت پوشیده از ماسه، که در بعضی از جاهای تبدیل به نیزار شده، می‌گیرد.

شبه جزیره پوتامکویی یا میانکاله تا سال ۱۸۷۳م. خالی از سکنه بوده است. پس از این تاریخ، ساخلوهای ایرانی به منظور دفاع از آبادی‌های ایرانی در مقابل تهاجم ترکمن‌ها در سمت غرب آن ساخته شدند.

در سال ۱۸۷۶م. به همین منظور ۳ برج در منتهی‌الیه زبانه ماسه‌ای آن احداث گردید.

این شبه جزیره کم ارتفاع، ماسه‌ای و باتلاقی است و در بیشتر جاهای تپه‌های ماسه‌ای مرتفع و بوته‌های کوتاه پوشیده شده است. تپه‌های ساحلی هنوز هم در کناره خلیج به فراوانی دیده می‌شوند و نقش مخفی‌گاه را برای استمار قایق‌های ترکمن‌های راههن را هنگام تهدید رو سها از پایگاه استرآباد به عهده دارند.

خلیج استرآباد در بخش شرقی خود، بیشترین عمق را دارد و در مقابل جزایر آشوراده به ۲۵ تا ۳۰ فوت می‌رسد. در ادامه آن به طرف غرب به تدریج از عمق آن کاسته شده، از $\frac{3}{5}$ تا $\frac{4}{5}$ مایلی انتهای آن عمق به کمتر از ۶ فوت کاهش می‌یابد.

کف آن از لجن و در بعضی جاهای مخلوط با ماسه پوشانده شده است.

سواحل عموماً پست و شیب دار و ماسه‌ای و تقریباً در همه جا زیر پوشش تپه‌های ماسه‌ای است.

کناره جنوبی، دارای شیب بیشتری از کناره شمالی است و از سواحل ترکمن تا نصف‌النهار قره‌تپه از مقدار زیادی ماسه و دانه‌های ریز گل تشکیل شده است.

این ماسه‌ها در قسمت میانی خلیج ازین می‌روند در بخش‌های عمیق آن فقط گل دیده می‌شود. کناره جنوبی توسط تعداد فراوانی از رودها و کانال‌ها بریده می‌شود که بستر آنها از گل بسیار چسبنده‌ای پوشیده شده است.

زمین‌های اطراف رودخانه قره‌تپه به طرف غرب، عمدتاً نرم است و تمام آن بخش از خلیج را زیر پوشش دارد. بنابراین، امکان ندارد که بتوان با پای پیاده به کناره‌ها نزدیک شد و در گل و لجن آن گیر نیفتاد.

جزایر خلیج، بهترین مناطق پیاده شدن به خشکی است؛ مخصوصاً آشوراده که در مقابلش یک عمق ۱۲ فوتی دارد و تا ساحل فاصله چندانی ندارد (به اندازه طول یک کابل نقاله) و در مقابل دو جزیره دیگر هم به همین عمق با فاصله طول ۲ کابل از ساحل دیده می‌شود.

در طرف شمال این جزایر، که خارج از حوضه خلیج واقع شده، تا فاصله یک مایلی جزیره بزرگ آشور و $1/5$ مایل از جزیره میانی عمق ۱۲ پا دیده می‌شود.

در بخش شمالی آشور کوچک، کناره‌ای شنی در جهت شمال شرق کشیده شده که تا فاصله $3/5$ مایلی آن به عمق ۱۲ فوتی نمی‌توان دسترسی داشت.

در نزدیکی انتهای این ساحل شنی در عمقی بین ۱۶ تا ۱۷ فوت در فاصله $4/5$ مایلی با زاویه ۱۵ درجه شمال شرق آشور کوچک و در

فاصله $\frac{3}{4}$ مایلی با زاویه 51° از آشور بزرگ، یک فروند کشتی فانوس دار شناور است.

ارتفاع دماغه آن از سطح دریا $5/38$ فوت و شعاع افقی نورافشانی آن $1/7$ مایل است، اما در ارتفاع 10 فوتی نور آن از فاصله $10/5$ مایلی قابل مشاهده است.

کشتی فانوسی سیاه رنگ و دارای یک مکل می باشد در طول روز، پرچمی زرد رنگ با صلیبی آبی رنگ بر روی آن در هتایز است و در شب هم فانوس دریایی انعکاسی با 8 نورافکن نورافشانی می کند. به هنگام هوای توفانی و یا ابری غلیظ هر 10 دقیقه یک بار ناقوسی به صدا در می آید.

این فانوس در 287 مایلی جنوب شرقی از جزیره نرگین، 255 مایل جنوب شرقی انتهای زبانه شنی شاکوا که خلیج باکورا دور می زند و 116 مایلی جنوب شرقی انتهای جزیره اقورچین استقرار یافته است.

این فانوس دریایی وظیفه راهنمایی عبور کشتی هارا از گذرگاه دریایی باریکی با عمق 15 تا 20 فوت در حد فاصل کناره شنی که ذکر آن رفت، و ساحل ترکمن به عهده دارد.

طول گذرگاه از فانوس راهنمای آشور کوچک درست برابر با 4 مایل و پهنانی آن حدود یک مایل است. در انتهای غربی و تقریباً در وسط کanal یک آتل در طرف شرق شناور سیاه (فانوس دریایی) وجود دارد.

شناور سفید رنگ دیگری در انتهای دیگر شناور سیاه و در مجاورت ساحل شنی که به طرف شرق آشور کوچک کشیده شده قرار گرفته است. برای ورود به خلیج استرآباد از راه این کanal، مسیری با جهت جنوبی $\frac{1}{4}$ شرقی از فانوس دریایی از شناور باید انتخاب شود که در سمت چپ غربی قرار دارد و از آنجا همان جهت باید انتخاب گردد، با پیچ

میمی که به طرف غرب می‌خورد و مسیر به طرف شناور سفید استداد داده شود.

با عبور از این مسیر به طرف غرب، جهتی مستقیم به طرف لنگرگاه آشور پیدا می‌شود که کشتی‌ها در فاصله‌ای در حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ یارדי ساحل در عمقی در حدود ۱۷ پایی و کف گل آلود می‌توانند لنگر بیندازند.

فاصله بین فانوس دریایی و شناور سیاه چیزی در حدود $\frac{3}{4}$ ۱ مایل و فاصله بین شناور سیاه و سفید، ۳ مایل و از شناور سفید تا لنگرگاه آشور ۴ مایل است.

بنابراین، کل فاصله از فانوس دریایی تا لنگرگاه در حدود $\frac{3}{4}$ ۸ مایل می‌باشد و کف تمام مسیر، انباسته از گل است.^۱

سرپرسی سایکس انگلیسی، در دی ماه ۱۲۳۱، درباره آن می‌نگارد: «بعد از ناهار، از ایستگاه دریایی آشوراده گذشته و خاک ایران در مقابل ما با مه غلیظ و تیره‌ای نمودار گردید. چزایر آشوراده در حقیقت جزو سواحل شن‌زاری است که به وسیله بادهای شمالی که به این سمت متوجه است، تشکیل و در ماورای آنها مردابی که پر از مواد رسوی است احداث گردیده.

در حوالی دریا مرداب‌های متعددی است که از همه معروف‌تر «مرداب انزلی» و از همه عمیق‌تر «خلیج استرآباد» است که در دومی کشتی درست به خشکی نزدیک شده و بار می‌اندازد.

آشوراده را که یکی از نقاط هولانگیز و ناسالم است، روس‌ها در ۱۸۳۸م. به حیطه تصرف درآمده، به عنوان حمایت از نوع بشر مخصوص

شدند که بدوآ از ترکمن‌ها و دزدان دریایی این حدود جلوگیری به عمل آوردند و بعداً به کلی این عده دون آدم دزد خونخوار را قلع و قمع نمایند.

در این حوالی ۳ فروند کشتی برای تفتيش جهازات، نزديکی ساحل لنگر انداخته بود و مأمورین بحری که به وصول پست هر ۲ هفته یک مرتبه هم به غایت مشعوف و مسرور می‌باشند، سوار کشتنی ما شده، پس از اين که برای پیدا کردن نظاميان فراری کشتی را تفتيش نمودند، کشتی به ملايمت به طرف مرداب حرکت کرد.^۱

آرمینيوس وامبری روز ۲۱ فروردین ماه ۱۲۴۲، از آن ديدن نموده و می‌نويسد:

«آشوراده، جنوبی‌ترین نقطه آسیا است که متعلق به روس‌ها می‌باشد و تقریباً ۲۵ سال است که به طور قطع به چنگ تزار افتاده است. شاید صحیح‌تر باشد اگر بگوییم از موقعی که روس‌ها «کشتی بخار» به دریای خزر وارد کرده و عمل چپاول و دزدی ترکمن‌ها را محدود کرده‌اند، این نقطه متعلق به آنها شده است.

در آن زمان، ترکمن‌ها متناوباً در نقاط مختلف سواحل دستجات مسلحی پیاده کرده، باعث دهشت ولایات مجاور می‌شدند. خود اسم آشوراده مشتق از لهجه ترکمنی است. در زمان سابق، اين نقطه بی آب و علف، میعادگاه کشتی هایی بود که باید از هر طرف در بحر خزر به حرکت در آیند، ولی امروز مسافری که از ایران می‌آید، در نظر اول این شهر کوچک دریایی را به دیده عنایت می‌نگرد. راست است که خانه‌های واقع در انتهای این زبانه طولانی خاک...

۱. سفرنامه سرپرسی سایكس، ۱۰-۹

خیلی متعدد نیستند، ولی سبک معماری اروپایی که در آن راه یافته و مخصوصاً آن کلیسا با برج ساعتش خیلی جلب نظر می‌کند.^۱

میرزا ابراهیم، در سال ۲۷۵ق. گزارش جامعی از آن ارائه داده است: «و از بندر و گمرکخانه جز به جزیره آشوراده ۲ فرسخ روی آب است که گماشتگان دولت بهیه روسیه به جهت حراست اموال تجار و ولایت از طایفه ضالة ترکمانیه، در آن جا ساخته
 تبرستان

و خانه و سربازخانه و حکیم خانه و قراولخانه و کلیسا و انبار و دکان و توپخانه و قورخانه کلاً را از چوب و نی به ترتیب و قاعدة خودشان ساخته‌اند.

و ۴۰۰ نفر سرباز دارند که همگی از عمل دریا و آهنگری و نجاری و نانوائی و کشتی سازی و خانه سازی و توپچیگری و سپاهی و غیره، کاملند.

بزرگشان ایوان لی خرف دریابیگی می‌باشد که رو به روی خانه‌اش^۴ عراده توپ با قورخانه می‌باشد که اسمش لیکورن است. و این دریابیگی یک سگ سیاه بزرگ دارد که پشم او مثل پوست بخارائی است و ۵ خوک بزرگ سیاه و سفید و ابلق در آن جا می‌باشد. یکی از آنها دوازده بچه زانیده بود.

و پشت خانه کامپانی تازه، قدری صحراء و آب بود که به حکم دریابیگی، او را خشک کردند.

و قبرستان ایشان در میان کاله می‌باشد که مسافت آن یک فرسخ است.

۶ باب انبار و مکازین دارد که اسباب پرپاس گمیها و آرد سیاه و لباس

سالدات و قورخانه و عرق و شراب و سایر چیزها می‌باشد که مقابله‌ش بیمارخانه و دواخانه می‌باشد که ۱۰ تخت جای بیمار جداگانه با رختخواب و لباس کتان سفید و ظرف موجود است. و ۴ نفر مستمر خدمت مریض‌ها را می‌نمایند و متوجه می‌شوند.

و ۴ باب سربازخانه دارد که بسیار خوب، به قاعدة روسیه ساخته‌اند، که تفنگها مثل آینه، پهلوی هم چیده است. و شیوه دور آشوراده را کشیک می‌نمایند.

و در آشوراده درخت هیچ ندارد مگر چند درخت بید و انجیر حنگلی و توت که کاشته‌اند.

یک باب دکان آهنگری، یک باب دکان نجاری و استول‌سازی، یک باب دکان چکمه‌دوزی و ۲ باب دکان نانوائی که از آرد سیاه در میان تنور به جهت سربازان، نان می‌پزند.

و رختشورخانه و حمام و ۶ در دکان باز مسلمانان جزو قراتپه، که هر چیز بخواهی دارند، از قبیل: جنس مال فرنگ و قندو چائی و آرد و برنج و روغن و مرغ و جوجه و خشکبار و سایر مایحتاج به ماتروسه‌ها می‌فروشند و داد و ستد می‌نمایند.

و اهل ترکمان هم زیاد می‌آیند و نفت و نمک و پیه و قیر و ماهی حرام یلم و غیره می‌آورند و می‌فروشند و داد و ستد می‌نمایند. سالی سه چهار کشتی ماهی حرام و یلم می‌فروشند. و منزل «خدیرخان ترکمان» هم در آشوراده می‌باشد و دو آلاچیق دارد.

و دوگمی رنگ سیاه در آشوراده روی خشکی است: یکی را ناردان می‌گویند که دستاقخانه و منزل سالدات است. که نیم این گمی در خشکه و نیم دیگر در آب است. و گمی دیگر بر یک است که از تخته تا با به کنار پل بسته‌اند. هر چند در خشکی است، لیکن دورش آب می‌باشد، که آن

هم منزل سرباز و آشپزخانه و توپخانه است؛ که ۴ عراده توپ با گلوله و ساقمه پهلویش گذاشته بودند که توپها ۳ پوندی است. و این گمیها روی دریا حرکت ندارند. غیر از اینها گمی‌گاما می‌باشد که قبل از این آتشی بود و چون زیاد کهنه شده بود، آن را واچیدند. او را هم قورخانه و توپخانه ساخته‌اند.



عمارت آشوراده

سوا این گمیها، ۴ فروند گمی دولتی در آشوراده می‌باشد. ۲ فروند آتشی، یک فروند اشکون و یک فروند بارج که همه توپ و قورخانه در میان خود دارند. و ده دوازده گمی کوچک دارند که هر یکی در میانش دو میل توپ یک پوند دارد، که ترکمان از ترس اینها هرزگی زیاد نمی‌نماید، لیکن از کنار گوشه به وقت فرصت، دستبری می‌زنند. و درازای آشوراده یک ویرس و نیم و پهنانی نیم ویرس می‌باشد، و به جزیره سمت شرقی آشوراده دو ویرس می‌شود.

و هوای آشوراده در تابستان اگر باد نباشد، جهنم است و زیاد پشه دارد و از گرما آدم بسیار ناخوش می‌شود. اگر باد بباید بهتر است و پشه کمتر می‌شود و آب چاهها طعم شوری دارند. و یک چاه که سرش پوشیده است سردتر و بهتر می‌باشد.^۱

در سال ۱۲۶۹، مسیو بهلر، جهانگرد دیگری که در دوره ناصری به عنوان معلم دارالفنون به ایران آمده بود، می‌نویسد: www.tibarstan.info

جزیره آشوراده در ۲ فرسخ و ربعی در طرف شمال «گز» واقع است و به قدر نیم فرسخ از لسان المارض که میان کاله است، فاصله دارد. طول آن ۱۶۰۰ ذرع و عرض آن ۱۱۰۰ ذرع است و آب و هوای آن جزیره به طوری است که در سیاحت گیلان ذکر شد.

عرض آن از شرق کم شده و به طرف مغرب زیاد می‌شود و در وقت توفان، یک طرف آن را آب می‌گیرد، زیرا که یک طرف آن یکپارچه شن است و در بعضی جاهای آن آب خوب به هم می‌رسد، لیکن اکثر جاهای آن، آبش شور و به جز نی‌های خشک و تر چیزی در آن جا نمی‌روید. و صاحب منصبان روسي چند درخت توت در آن جاهای به عمل آورده‌اند.^۲ نایب الصدر شیرازی، دولتمرد و عارف و جهانگرد نامی عصر ناصری، روز جمعه ۵ اسفندماه ۱۲۷۵ از آن دیدن کرده، به اختصار می‌گوید:

«بعد از یک ساعت [در] عاشوراده لنگر انداخت. جزیره مستطیل است که از بحر خزر دولت ایران به روس واگذار نموده، در آن جا از باستیان و اسلحه و سرباز زیادی است. ^۵ به غروب روانه شد. اوایل شب در مقابل چکشلر ایستاد.^۳

۱. سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، ۴۶-۵۴.

۲. سفرنامه بهلر، ۷۰.

۳. طرایق الحقایق، ۳/۶۴۲.

رضا شاه پهلوی، در اوایل آبان ماه ۱۳۰۵، در یکی از سفرهای متعددش به این منطقه از تنها جزیره ایرانی دریای خزر دیدن کرده و می‌نویسد:

« از دور خطی تیره رنگ به نظر می‌رسد که سرتاسر افق شمالی را تشکیل می‌دهد. این شبه جزیره میان کاله^۱ است که در یک فرسنگ فاصله نمایان است، و آسمان و دریا^۲ مجزی می‌سازد.

شبه جزیره میان کاله زبانه باریکی از خاک^۳ به طول ۹ فرسنگ و عرض ربع فرسنگ است. گاهی عرضش از ربع فرسنگ تجاوز می‌کند، گاهی هم در بعضی نقاط، مثلًا در میان کاله کوچک، به ۴۰۰ ذرع متنه می‌گردد.

اراضی میان کاله باتلاقی و نیزار است، و اغلب بایستی به وسیله بلد از مرداب‌ها و نیزارها عبور کرد، اما مراتع بسیار دارد. از جمله مراتع جمعه و مراتع جنقور و قزل شیوار که قلعه سرتک در آن واقع است.

در این محل قلم‌های خوب می‌روید که بر قلم شوشتاری ترجیح دارد. اگرچه قلم نی خوش خوش دارد از بین می‌رود، و جای خود را به سرقلم‌های فلزی، که اکنون در همه جا متداول است واگذار کرده، و انصافاً سرقلم فلزی برای سرعت کار و پیشرفت امر طرف مقایسه با قلم‌های نی و چوب نیست، ولی یک مراجعه دقیق به زیبائی خط نستعلیق و کلیه خطوط ایران، اعم از نستعلیق، تعلیق، نسخ، رقاع، خط شکسته و غیره، که محققًا یک فصل مهمی از هنر ایران را تشکیل می‌دهد، ما را وادار خواهد کرد که به قلم‌های نی با چشم احترام نگاه کنیم. زیرا با

^۱. میان کاله، شبه جزیره‌ای است در شمال خلیج گرگان با طول ۶۰ و عرض متغیر ۱/۵ تا ۶ کیلومتر. اراضی شبه جزیره بوته‌زار و مراتع گاوداران است.

سرقلم‌های آهنی نمی‌شود آن نقاشی‌های ظریف را به اسم خط، در صحیفه‌های کاغذ رسم کرد.

خاصه که خط ایران، مخصوصاً نستعلیق، یک نوع نقاشی بسیار
ظریفی است که هیچ کس از لذت تماشای آن بی نیاز نیست.

اخيراً می‌بینم که این صنعت ظریف، دارد از ایران رخت بر می‌بندد، و شخاص بدخلت، در تحت این عنوان که مقصود از خطاب نویسنده فهم بیان فکر نویسنده است به خواننده، مجاهده بروضد خوش‌نویسی می‌کند، ولی وزارت معارف باید مواظب موضوع بوده، نگذارد یک هنر نقیص، بر اثر این سفسطه‌ها^۱ و اباطیل،^۲ از بین برود، و یک یادگار هنری ایران قدیم مهمل^۳ بماند.

البته امور اداری را در این قرن با قلم نمی انجام دادن، عقلانی نیست، ولی دلیلی هم در دست نیست که یک نوع نقاشی ظریفی که مخصوص ایران است، در تلو لاقدی و بی اعتمایی از بین برود.

من مخصوصاً در طی همین سفرنامه، سه صفحه از خطوط میرعماد و درویش و میرزارضای کلهر را ضمیمه می‌کنم که به دلیل قدرشناسی من، از زحمات این سه نفر نابغه هنر باشد، و در دوران روزگار به یادگار بماند. کراراً گفته، و باز تکرار می‌کنم که من به مدنیت جدید، کاملاً و بدون هیچ شباهای معطوفم، ولی هرگز مایل نیستم که از ایران قدیم، و یادگارهای خوب آن، سلب ماهیت نمایم.

۱. سفسطه (Safsate)، برگرفته از واژه یونانی *Sefseta*، قیاسی است که مرکب باشد از وهیات و بعضی گفته‌اند: قیاسی است که مرکب از مشبهات باشد و غرض از آن به غلط انداختن خصم و اسراکت کرد: آن است.

^{۲۰} اباطلیا، جمع باطل . جنیهای، باطل ، تهات، سهودهها.

۳. مهم (mohmal)، کلام سهوده، به معنی، شخص، بکار گذاشته.

ایران من و وطن مقدس من، از آن نقاطی است که روزی سرمشق تمدن بوده، و بر زیر هر یک از خرابه‌های آن، علائمی در اهتزاز است، که افتخارات آن برای نسل ایرانی و نژاد ایرانی، قابل فراموشی و زوال نیست. محققًا آن علائم و آثار، باید با اصولی حقیقی تمدن جدید امتزاج یافته، تمدن مخصوصی را به پیشگاه جامعه بشریت معرفی نماید، نه آن‌که در زشت و زیبای ظواهر جدیله، طوری مستغرق شود که ماهیت شخصی خود را نیز مستهلک و فراموش سازد.

کاش در این سفرنامه مجالی بود که در اطراف این موضوع مهم، زیاده بر این بحث می‌شد، مخصوصاً در قسمت عادات ملل، تأثیرات عناصر طبیعی، وجود افسانه‌های تاریخ و سیر تطورات^۱ و تبدلات^۲ ملل، که فصلی است بسیار جذاب. افسوس که ورود در این بحث مهم مقصود از این سفرنامه را که مربوط به مازندران است، از بین خواهد برد.

دکتر گوستاولوبن،^۳ طبیب و فیلسوف معروف فرانسوی، راجع به تطورات و تبدلات ملل شرح زیبائی دارد، که دشته مدیر جریده شفق سرخ، آن را از عربی ترجمه کرده بود، و بهرامی رئیس دفتر مخصوص من، آن را چندی قبل به نظر من رسانید.

۱. تطورات، جمع تطور. گونه گونه شدن، حال به حال شدن، گوناگونی.

۲. تبدلات، جمع تبدل، دیگرگون شدن، بدل کردن، دگرگونی، تبدیل کردن.

۳. دکتر گوستاولوبن (Gustave Lebon)، دانشمند متکر و نویسنده فرانسوی متخصص در تاریخ تمدن اسلامی و روان‌شناسی اجتماعی (۱۸۴۱-۱۹۳۱م)، که تحصیلات خود را در رشته پزشکی به پایان رساندو دهها کتاب ازوی به یادگار مانده است: ۱. تمدن عرب‌ها ۲. تمدن اعراب در آندلس ۳. تمدن مصری ۴. نخستین تمدن‌ها ۵. انسان و اجتماعات، مبادی و تاریخ آن عرقانین روان‌شناسی و تکامل تدریجی توده‌های مردم ۷. روان‌شناسی آموزش و پرورش ۸. انقلاب فرانسه و روان‌شناسی انقلاب‌ها ۹. آثار هند. او به سیاری از کشورهای جهان سفر کرده و تحقیقات تاریخی و اجتماعی اش وی را در جهان معروف ساخت.

من دستور دادم که خود مشارالیه از طرف من، مأموریت طبع آن را بر عهده بگیرد و در مطبعة قشون، با مخارج من، آن را طبع نماید.
مشارالیه نیز این مأموریت را انجام، و کتاب مزبور را با کتاب دیگری، موسوم به اعتماد به نفس که باز ترجمه آن مدیون به خدمات دشتنی است، طبع و منتشر ساخت.

دکتر گوستاولوبون در تألیف کتاب خود ^{بیکار} دقیق فکر کرده، ولی در ایران قرینه‌های تاریخی بسیار است که سر ارتقاء و اتحاطات‌های ایران را، می‌توانند واضح‌تر سازند، و در صورت فرصت و مجال، امید که پژوهش در این موضوع مهم متروک نماند.

قلعه پلنگان، به شکل مثلثن،^۱ در ابتدای شبه جزیره است و محل محکمی بوده، ولی امروز خراب است. فقط حمام آن قابل تعمیر است. سابقاً عده‌ای ساخلو از سربازان هزار جریبی و دو عراده توپ در اینجا بوده که یکی را می‌گویند روس‌ها برده‌اند، و دیگری را برای شلیک در ماه رمضان، برای تعیین موقع افطار و سحر، به ساری نقل نموده‌اند.

قلعه سرتک نیز خراب است. این قلعه به شکل مربع مستطیل بوده و تا جزیره آشوراده^۲ دو فرسنگ، و تا پلنگان، شش فرسخ، مسافت داشته است. اطراف قلعه سرتک را قزل شیوار می‌گویند.

۱. هشت گوشه، هشت ضلعی.

۲. آشوراده، جزیره کوچکی در مدخل خلیج گرگان، در امتداد شبه جزیره میان‌کاله، که عاشوراده هم نوشته می‌شود و از دو جزء «آسور» (نام شخص و رایج در میان ترکمانان) و «آده» (کلمه‌ای ترکی به معنی جزیره) تشکیل می‌شود. این جزیره در ۳ کیلومتری غرب بندر ترکمن واقع شده و از مناطق گردشگری ایران محسوب می‌گردد، که سال‌ها توسط روس‌ها اشغال شده بود. قلعه آشوراده (اوایل قاجار) به شماره ۱۱۳۰۸ در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ ه.ش. در فهرست آثار تاریخی کشور ثبت شده است.

در سنه ۱۸۵۶ق. روس‌ها بدون هیچ بهانه، به نام سرکوبی اشرار ترکمان، جزایر آشوراده را گرفته، چند مرتبه طمع در تصرف بندر جز و بندر قره‌سو بستند، ولی بعدها، نگاهداری آن مشکل شد و مجبور از انصراف شدند.

اراضی جزیره و شبه‌جزیره از هر قسم قابل کشت وزرع است. پنبه و کنجد و غلات و سیب زمینی و بادام زمینی، که باقلای مصری می‌گویند، به خوبی در این‌جا به عمل می‌آید.

باید مقدار زیادی درخت کاج و غیره در این‌جا غرس شود که هوا را تلطیف نموده، برای ساخلوی آن‌جا آماده سازد.^۱

در اسناد تاریخی:

۱. روز ۲۵ مهر ماه ۱۸۸۷:

«خبر رسید دریابیگی روس در عشوراده فوت شده. مدیر به کارگزاری پیغام داده به سرحددار بندر جز^۲ تلگراف نمایند که برای تدفین دریابیگی در بندر، احترامات لازمه را به عمل آورند.»^۳

۲. روز ۱۹ خرداد ماه ۱۸۸۷:

«به عرض رسانیده لakan خبر صریح این است که معروض می‌دارد. این چند لتکا به اسم صید ماهی به سمت مازندران می‌رفتند که در آن محالات مال چپاول نمایند.

دریابیگی روس ایشان را تعاقب نموده، ترکمان‌ها از ترس تماماً تفنج‌های وراندل خود را با قطارهای فشنگ به دریا انداخته، بعد دریابیگی می‌رسد می‌گویند که ماهی صید می‌نمائیم.

۱. سفرهای رضاشاه پهلوی به خوزستان و مازندران، ۳۹۸-۴۰۴.

۲. بندر گز کنونی.

۳. تلگراف نمره ۳۹ مورخ سپتامبر ۱۹۰۸م. (مخابرات استرآباد، ۱/۸۷).

معزی‌الیه حرف آنها را نپذیرفته، تماماً را حمل به عشوراده [نموده]،
بیست و دو سه نفر ترکمان بودند.

هر یک را ۹۰ تومان جریمه گرفته، رها می‌نمایند. ۸ لتكا جدید را با ۲
لتكا سابق برای خون یک نفر تبعه خود نگاه داشته‌اند.^۱

۳. روز ۲۵ آبان ماه ۱۲۸۷:

«آمدن خوانین جعفربائی، به عرض [رقه] بود «افغان قاضی» ساکن
خوجه نفس که از قضات جعفربائی می‌باشد، میهمان «سعدالله خان
سالار مقتدر» بوده، روز شانزدهم [نوامبر]، همراه «سالار معزن» به دیوان
خانه می‌رود.

روس‌ها به واسطه مطالبه کردن ۶۰۰۰ منات^۲ خونی یک فرسخی که
در ملاکیله کشته بودند، مدتی است با کارگذاری مذاکره می‌نمایند.
سپهدار هم در حکومت خود به قونسول سند داده، هر قدر از تراکمه
جهعفربائی طلب دارید، خودتان از آنها بگیرید.

به این سبب، مدیر قونسول ۵ نفر قزاق و ۲ غلام فرستاده «افغان
قاضی» را زمان مراجعت از دیوان خانه کشیده، به قونسولگری برده،
حبس می‌نمایند.

این خبر به ایالت رسیده، فوراً کارگذار را احضار نموده، به
قونسولگری می‌فرستد. گرفتن «افغان قاضی» باعث بر شرارت طایفه
جهعفربائی می‌شود.

مدیر [در] جواب کارگذار می‌گوید: اولاً به موجب سند سپهدار افغان
قاضی از بستگان حسن خان و حسین خان از طایفه...^۳ می‌باشد. ثانیاً به

۱. تلگراف نمره ۱۷ مورخ ۹ زوئن ۱۹۰۸ م. «مخابرات استرآباد، ۴۰/۱».

۲. در اصل: مناط

۳. یک کلمه ناخوانا.

اجازه سفارت من این کار را نموده‌ام. در صورتی که در عشوراده ۳۳ دانه لتكای آنها را دریابیگی به شلیک توپ خورد نموده.
حکومت و کارگذار در این باب به تهران تلگراف نموده‌اند، تاکنون جواب نیامده. تا چه اقتضا کند». ^۱

: ۱۲۸۸ تیر ماه

«یک نفر صاحب منصب روس از طرف دولت در عشوراده مأمور است در ایاب و ذهاب «پراخوت» تفتیش کرده، تفنگ‌نو فشنگ و باروت ^۲ حمل نکنند». ^۳

: ۱۲۸۸ ۲۴ اسفند ماه

«در باب سالار مکرم: سابقًا به عرض رفته بود مشارالیه به روسيه رفته است، لakan در عشوراده توقف نموده، حسين خان سرهنگ برادرش در عشوراده پناه برده، تاکنون ۱۰۰۰۰ تومان برای تبعیت خود مصارف نموده، به جائی نرسید؛ فقط «سالار مکرم» در حمایت دولت روس می‌باشد و عنوان تبعیت ندارد». ^۴

: ۱۲۸۹ ۳۰ تیر ماه

«مدیر روس به شهر آمده، به ایالت پیغام دادند برای ورود صاحب منصب روس استقبال لازم است. ^۳ ساعت به غروب، یک نفر نماینده از طرف کارگزاری و یک نفر میرپنجه توپخانه با چند سوار از طرف ایالت یک فرسخی شمالی در «یکه مازو» استقبال، مقارن غروب دریابیگی و رئیس شیلات وارد به قونسل خانه شدند.

لکن از بابت قتل قراق، مدیر روس ۱۱ نفر ترکمان که در عشوراده

۱. تلگراف نمره ۳۶ مورخ ماه نوامبر ۱۹۰۸م. (مخابرات استرآباد، ۷۹/۱). (۸۰-۷۹).

۲. در اصل: باروط

۳. تلگراف نمره ۶۲ مورخ جولای ۱۹۰۹م. (مخابرات استرآباد، ۱۴۰/۱).

۴. تلگراف نمره ۹۱ مارس ۱۹۱۰م. (مخابرات استرآباد، ۱۹۳/۱).

حس بودند اجازه داده، رها نمود. قاتل را هم دستگیر نموده، مجازات می‌دهند و ۱۰۰۰ منات هم خون بهای قزاق را به توسط کارگزاری مطالبه دارند.^۱

۷. روز ۱۹ اسفند ماه ۱۲۹۰:

«به عرض رفته بود محمدعلی میرزا از استرآباد حرکت نموده، به اقتضای پولتیک در عشوراده توقف کرده، ترکمان‌های جعفریانی برای ملاقات رفته، ممانعت نمودند؛ لکن طایفه یموت از یورود قشون روس به استرآباد بی‌اندازه واهمه کرده‌اند. تماماً می‌گویند استرآباد را دولت روس به تصرف کرده، از مراجعت محمدعلی میرزا خیلی کدورت دارند. تا چه اقتضا کند.

دهم ماه مرچ^۲ قونسول به اتفاق «حاجب‌الدوله» از «قراسو» به عشوراده رفته، محمدعلی میرزا را ملاقات کرده، شب دوازدهم مرچ با پراخوت پست حرکت به سمت روسيه نمودند.^۳

۸. روز ۲۷ امرداد ماه ۱۲۹۱:

«چندی است در یمومت انتشار دارد محمدعلی میرزا فراراً به عشوراده آمده است. تا چه اقتضا کند.^۴

۹. روز ۲۵ سپتامبر ۱۲۹۱:

«یک نفر ترکمان اتابائی از قول حاجی آخوند ترکمان اظهار داشت که همین دو سه روزه محمدعلی میرزا به عشوراده وارد می‌شود. تا چه اقتضا کند.^۵

۱. تلگراف نمره ۱۰۵ مورخ ۲۵ جولای ۱۹۱۰م. (مخابرات استرآباد، ۲۱۷/۱).

۲. مارس.

۳. تلگراف نمره ۳ مورخ ۱۰ مارس ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۰۲/۱).

۴. تلگراف نمره ۱۵ مورخ ۱۸ آگوست ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۲۰/۱).

۵. تلگراف نمره ۱۷ مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۲۳/۱).

۱۰. روز ۲۶ بهمن ماه ۱۲۹۳ :

«خبر رسید ۲ فروند پراخوت جنگی که هر یک دارای ۲ عراده توب با عده‌ای سالداد می‌باشند، وارد گردیده، یک پراخوت جنگی هم که از سابق اقامت داشت، حالیه ۳ فروند می‌باشد. گاهی در قراسو اقامت داشته، گاهی در عشوراده می‌روند.»^۱

۱۱. روز ۲۳ اسفند ماه ۱۲۹۳ :

«به عرض رفته بود قونسول برای تیر خطا به سمت پست دولت ۱۲ نفر تراکمه جعفربائی را به عشوراده برده، حبس نمودند. مقصود عمدۀ برای امضای استناد کوچلان رعیت روس است که اراضی سوچوال را به عنوان غضب تصرف نمایند، رحمت قاضی با یک نفر دیگر مجبوراً به شهر آمده، نوشته کوچلان را امضاء کرده، پانزدهم ماه مرچ مخصوص شدند. سایرین در عشوراده محبوسند. تا چه اقتضا کند.»^۲

۱۲. روز ۱۷ امرداد ماه ۱۲۹۸ :

«خبر رسید به قرب ۴۰۰ نفر بالشویک، با ۲ پراخوت و ۶ عراده توب در عشوراده توقف داشتند. خوراک آنها گشت خوک بوده، اکثر مریض و بی‌آذوقه بودند. می‌خواستند از قراسو بیرون آمده، از راه رود گرگان به سمت عشق‌آباد رفته، ملحق به آن بالشویک‌ها بشوند.

از قرار مذکور، ۲ پراخوت جنگی انگلیسی‌ها با ۲ عدد بالان از خط گیلان آمده، به فاصله ۶ ساعت ۴۰۰ نفر بالشویک را متفرق ساخته، یک عده را با پراخوت دستگیر نموده، بعضی فرار [کرده] و برخی مقتول

۱. تلگراف نمره ۷ مورخ ماه مارس ۱۹۱۵ م. (مخابرات استرآباد، ۴۳۸/۱).

۲. تلگراف نمره ۹ مورخ ۲۲ مارس ۱۹۱۵ م. (مخابرات استرآباد، ۴۴۲/۱).

شده، رفتند. یک پراخوت را چند نفر بالشویک با جواهرات زیادی به سمت شهسوار^۱ فرار می‌نمایند.^۲

۱۳. روز ۱۲ شهریور ماه ۱۲۹۸:

«مقدمه بالشویک‌های عشوراده که بعد از آمدن بالان و پراخوت جنگی ۱۸ نفر فرار کرده بودند، پراخوت جنگی به یک توب آن ۱۸ نفر فراری را از پای درآورده، قزاق‌ها نزدیکی بندر رفته، آنها را دستگیر نموده، از قراری که قزاق‌ها را پرت می‌دهند، ۲۰۰ تومن وجه نقد و طلا و سفید بود و یک جعبه جواهر، ۲۰۰ قبضه تفنگ با چندین جعبه فشنگ، تماماً را ضبط نمودند.»^۳

۱۴. روز ۱۱ امرداد ماه ۱۲۹۹:

«به عرض رفته بود ۴ پراخوت نزدیکی عشوراده وارد شده، او لا عقیده آنها برای خریدن آذوقه بوده، لakin حکومت اظهاراتی از طرف بالشویک‌ها می‌نمایند.

این ۴ پراخوت میل داشتند از راه قراسو بیرون آمده، به گنبد قابوس رفته، از آن جا به خراسان بروند و کلیه انتشاراتی از طرف حکومت شنیده [شده] که ضدیت بالشویک‌ها با دولت انگلیس است. تا چه اقتضا کند.»^۴

۱۵. روز ۹ آبان ماه ۱۳۰۰:

«کثرت حمل آذوقه به روسيه به همین زودی ترقی فوق العاده نموده، حکمران به دولت اخبار نموده، تلگرافاً امر شد قدغن نمایند آذوقه را به توسط تراکمه نفرستند؛ ليكن ۲ روز است ۲ پراخوت برنج از بندر

۱. تنکابن امروزی، شهر کوچک و بدآب و هوایی در استان مازندران.

۲. تلگراف نمره ۱۹ مورخ ۱۹ آگوست ۱۹۱۹م. (مخابرات استرآباد، ۶۶۳/۲).

۳. تلگراف نمره ۲۰ مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۱۹م. (مخابرات استرآباد، ۶۶۴/۲).

۴. تلگراف نمره ۲۵ مورخ ۲ اوت ۱۹۲۰م. (مخابرات استرآباد، ۷۲۰/۲).

شهسوار حمل نموده، یک شب در عشوراده توقف کرده، عزیمت به سمت بادکوبه نمودند. تا چه شود.^۱

آق سین تپه

موقعیت سیاسی: روستای آق سین تپه (Aqsin Tappeh) از توابع دهستان فراغی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد. به اشکال مختلف «یاقسین تپه»، «آحسین تپه»، «یاحسین تپه» یا «آقشین تپه» هم نوشته می‌شود.

این روستا، در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۷۰، از شهرستان «آق قلا» متزع و به شهرستان «بندر ترکمن» الحاق یافته است.

جمعیت	سال
۱۳۳۵ ۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۱۳۷۵ ۳۵۲ نفر (۱۷۲ مرد، ۱۸۰ زن)	۱۳۷۵
۱۳۸۵ ۲۱۶ نفر (۱۰۷ مرد، ۱۰۹ زن)	۱۳۸۵
سواد: نرخ باسواندی در آن ۴۳/۶۴٪ می‌باشد، که در مردان ۸۲/۶۸٪ و زنان ۳۹/۶۰٪ است.	

آثار باستانی و تاریخی:

۱. آقسین تپه: این تپه باستانی متعلق به دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی، که به شماره ۸۸۷۶ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده، در روستای یاخ سین تپه (آق سین تپه) قرار گرفته است.

روستای یاخ سین تپه ۳ پاره است، که ۲ پاره جنوبی و میانی آن بر

۱. تلگراف نمره ۲۹ مورخ ۱۳۱ اکتبر ۱۹۲۱ م. (مخابرات استرآباد، ۷۸۴/۲).

روی تپه‌های باستانی واقع شده‌اند. یاخ سین تپه میانی، گستردترین مساحت را دارد که به ۶ هکتار می‌رسد.

۲. تپه آل هاشم: این تپه باستانی متعلق به دوره‌های تاریخی و اسلامی، به شماره ۸۸۶۸ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده، دز یک کیلومتری غرب روستا قرار گرفته است.

تبرستان

در استناد خطی:

روز ۲۱ شهریور ماه ۱۲۹۰، خبر رسید که:

«حسب الامر محمدعلی میرزا اردوی تراکمہ در آقشین تپه منعقد شد. خبرهای وحشت‌انگیز قونسول ایشان را امر کرده در «یکه مازو» اردو بیندازند.

شب دویم نوامبر: مشروطه‌ها با ۳ نفر علما «شیخ حمزه» و «شیخ علی اکبر» و «شیخ غلامحسین» با الواط و غیره به قرب ۳۰۰ نفر به سمت شاهزاد فرار کردند.

پنجم نوامبر، مشارالیه آمده، کاغذی محمدعلی میرزا نوشته بود ۴ نفر سرکردها اطمینان از اهالی شهر گرفته، در آقشین تپه آمده، حکومت برای استرآباد معین می‌کنیم.

صبح ششم: محمدعلی میرزا در آقشین [تپه] به خانه نفس سردار آمده، سرکردها با ۲ قزاق روس خدمت شاه رسیده، تغییر زیادی به آنها [و] یک ساعت امر به حبس کرده.

قونسول عصری وارد، نیم ساعت محرومانه با هم صحبت کرده. محمدعلی میرزا با سرکردها به خوجه نفس رفتند.

هفتم ماه مذکور: سالار اشرف مراجعت کرده، یک عراده توب کوهستانی را حمل به اردو [کرده].

روز هشتم: سالاراکرم ملقب به امیراکرم و به حکومت استرآباد وارد

[شد]. انتظام دوله را به حکومت مازندران فرستادند. قرار شد سرکردها به عنوان جریمه ۳۰۰۰۰ تومان از دهات مشروطه ها و ساعد لشکر دریافت نمایند. تا چه شود. ۳ دستگاه تلگراف را از تلگراف خانه برداشتند. رئیس پست و ناظر فراراً به طهران رفتند.

بین محمدعلی میرزا و شعاع‌السلطنه برای همین حرکات ترکمان‌ها دلتنگی می‌باشد. رسیدگی امورات تماماً به عهده محمدعلی میرزا و حاجب‌الدوله قهرمان خان است.^۱

آنا حاجی

موقعیت سیاسی: روستای آنا حاجی (Anahaji) از توابع دهستان قره‌سو شرقی بخش سیجوال شهرستان ترکمن می‌باشد. به آن آنه حاجی هم می‌گویند.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی واقع شده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۲ متر می‌باشد. دهکده در ۱۲ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد. اهالی ترکمن آن سنی مذهب هستند.^۲

جمعیت	سال
۱۳۷۵ ۴ خانوار و ۲۳۸ نفر (۱۱۱ مرد، ۱۲۷ زن)	
۱۳۸۵ ۳۶ خانوار و ۱۸۳ نفر (۹۲ مرد، ۹۱ زن)	
سود: نرخ باسوساد در آن ۰۲/۷۷٪ می‌باشد، که در مردان ۴۹/۷۹٪ و زنان ۶۹/۷۴٪ است.	

۱. تلگراف نمره ۱۵۰ مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ م. (مخابرات استرآباد، ۱/۲۸۷).

۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۳/۲۹.

اسکله

موقعیت سیاسی: روستای اسکله (Eskeleh) از توابع دهستان جعفریای جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد. نام دیگر آن کوی فرج بخش است.

موقعیت جغرافیایی: آین آبادی کرانه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۲۴ متر است. دهکده در کنار دریای خزر و ۳ کیلومتری غرب بندر ترکمن قرار دارد.

جمعیت	سال
۴۹ خانوار و ۲۴۷ نفر	۱۳۵۵
۴۲ خانوار و ۲۱۹ نفر (۱۲۵ مرد، ۹۴ زن)	۱۳۶۵
۷ خانوار و ۴۷ نفر (۳۶ مرد، ۱۱ زن)	۱۳۷۵
۶ خانوار و ۲۰ نفر (۱۰ مرد، ۱۰ زن)	۱۳۸۵
سوا: نرخ باسوسا در آن ۱۰۰٪ می‌باشد، که در مردان ۱۰۰٪ و زنان ۱۰۰٪ است.	

اسلام تپه

موقعیت سیاسی: روستای اسلام تپه (Eslam Tappeh) از توابع دهستان فراغی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد. نام قدیم آن شاه تپه بوده است.^۱

این روستا، در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۷۰، از شهرستان «آق‌قلاء» متنزع و به شهرستان «بندر ترکمن» الحاق یافته است.

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۸/۲۹

۲. جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت، ۱۶۱

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۶ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۷ متر است.

دهکده در ۱۳ کیلومتری شمال غربی شهر گرگان قرار دارد.

رودخانه قره سو که از کوه «قلعه ماران» و ارتفاعات «لنگ» سرچشمه گرفته، از جنوب آبادی می‌گذرد و به دریای خزر می‌رسد.

گویش و مذهب: اهالی آن ترکمن و اهل هفت می باشند.^۱

جمعیت	سال
۲۱۰۰ نفر	۱۳۲۹
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۸۶ خانوار و ۵۲۹ نفر	۱۳۴۵
۱۴۰۹ نفر (۶۸۹ مرد، ۷۲۰ زن)	۱۳۶۵
۱۰۵۴ نفر (۴۹۴ مرد، ۵۶۰ زن)	۱۳۷۵
۱۰۲۴ نفر (۴۷۸ مرد، ۵۴۶ زن)	۱۳۸۵
سواد: نرخ باسواندی در آن ۶۳/۷۵٪ می‌باشد، که در مردان ۴۵/۸۴٪ و زنان ۷۶/۶۷٪ است.	

آثار باستانی و تاریخی:

۱. معصوم زاده شاه تپه.^۲

۲. شاه تپه: این تپه باستانی در روستای اسلام تپه واقع شده و به شماره ۳۷۶۷ در تاریخ ۱۸ اردی بهشت ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده و به هر ۳ دوره فرهنگی پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تعلق دارد.

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۹/۲۲.

۲. از آستانه تا استارباد، ۴۶۹/۵.

۳. شاه تپه کوچک: این تپه دوره تاریخی، که به شماره ۸۸۷۷ در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده، در یک کیلومتری شمال روستا و در شمال شاه تپه معروف دوره پیش از تاریخ قرار گرفته است.

اورکت حاجی

موقعیت سیاسی: روستای اورکت حاجی (Oweket Haji) از توابع دهستان جعفری جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.
وجه تسمیه: روستای اورکت‌لی یا اورکت حاجی یا اورکت حاجی در حدود ۱۲۰ سال پیش، توسط شخصی به نام اورکت حاجی از طایفه «یلقی» بنا شده و در حال حاضر ۸ هکتار وسعت دارد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۶ دقیقه و ۴۷ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۴ متر است. دهکده در ۵ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد. اهالی ترکمن آن، حنفی مذهب می‌باشند.^۱

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۳۴ خانوار و ۲۰۶ نفر	۱۳۴۵
۳۸ خانوار و ۲۱۹ نفر	۱۳۵۵
۴۳ خانوار و ۲۹۲ نفر (۱۵۰ مرد، ۱۴۲ زن)	۱۳۶۵
۴۶ خانوار و ۳۰۲ نفر (۱۶۰ مرد، ۱۴۲ زن)	۱۳۷۵

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۷/۲۹

۱۳۸۵ ۶۰ خانوار و ۲۶۹ نفر (۱۳۵ مرد، ۱۳۴ زن)
 سواد: نرخ باسواند در آن ۷۹/۹۲٪ می‌باشد، که در مردان ۹۸/۸۸٪ و
 زنان ۴۹/۷۰٪ است.

بافت اجتماعی: اهالی آن از طوایف ترکمن یومت، به نام‌های یلقی،
 قره سوینلی، پورقاز (بورکز) و اشکلی هستند.

تبرستان

ایوان آباد

موقعیت سیاسی: روستای ایوان آباد (Eyvanabad) از توابع دهستان
 قره‌سو شرقی بخش سیچوال شهرستان ترکمن می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴
 درجه و ۹ دقیقه و ۶ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴۱ ثانیه
 عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۴ متر است.
 دهکده در ۹ کیلومتری شرق بندر ترکمن قرار دارد.^۱

جمعیت	سال
۱۳۳۵ ۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	
۱۳۵۵ ۲۰۳ خانوار و ۴۱ نفر	
۱۳۶۵ ۳۶۳ خانوار و ۶۱ نفر (۱۸۶ مرد، ۱۷۷ زن)	
۱۳۷۵ ۳۶۸ خانوار و ۶۵ نفر (۱۸۰ مرد، ۱۸۸ زن)	
۱۳۸۵ ۳۱۵ خانوار و ۷۲ نفر (۱۴۸ مرد، ۱۶۷ زن)	
سواد: نرخ باسواند در آن ۰۹/۸۲٪ می‌باشد، که در مردان ۸۳/۸۲٪ و زنان ۷۸/۷۰٪ است.	

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۲۹/۱۹-۲۰.

پنج پیکر

موقعیت سیاسی: روستای پنج پیکر (Panj Peykar) مرکز دهستان جعفربای جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.
وجه تسمیه: به برآمدگی خاکی روی قبرها یوسقا (یوسکا) گفته می‌شود. در زمان‌های گذشته، ترکمنان بنا به باورهای خود آرامگاه بزرگان و کشته شدگان در جنگ‌ها را مرتفع‌تر از بقیه می‌ساختند. بزرگی تپه‌های خاکی گورها، نشان از احترام و اعتبار شخص مددفون در بین مردم داشت. باستان‌شناسی حکایت از این دارد که آرامگاه بزرگان این طوایف، قبل از اسلام، گاه‌ها به شکل اتاق بوده است.

نام روستای پنج پیکر یا بش یوزقا در واقع یک نام واژه ترکیبی است، مشکل از بش: پنج در ترکمنی + یوسقا: تپه خاکی بر روی قبور بزرگان یا مقتویین. برخی نیز قدمت روستا را ۳۵۰ سال یا بیشتر دانسته‌اند.

کلتل چارلز ادوارد بیت انگلیسی درباره‌اش می‌گوید:
«بش یوزقا. سکونت گاه حدود ۶۰۰ خانوار از ترکمن‌های جعفربای منطقه استرآباد، که در دهانه بستر قدیمی رودخانه گرگان و در فاصله ۵ تا ۶ مایلی جنوب خواجه نفس واقع شده است.»^۱

نام روستا در روز ۲۰ تیر ماه ۱۳۱۷، از «بش یوسقا» به «پنج پیکر» تغییر نام یافت.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۲ دقیقه و ۲۴ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۶ دقیقه و ۵۷ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۵ متر است. دهکده در ۱۱ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد.^۲

۱. فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)، ۱۵۸.

۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۳۴/۲۹.

جمعیت	سال
۱۶۰۰ نفر	۱۳۲۹
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۱۴۶۰ نفر	۱۳۴۵
۲۷۱ خانوار و ۱۸۵۶ نفر	۱۳۵۵
۲۵۲۸ نفر (۱۲۵۶ مرد، ۱۲۷۲ زن)	۱۳۶۵
۳۴۹ خانوار و ۲۴۵۹ نفر (۱۱۸۳ مرد، ۱۲۷۶ زن)	۱۳۷۵
۴۳۳ خانوار و ۲۲۲۶ نفر (۱۰۸۰ مرد، ۱۱۴۶ زن)	۱۳۸۵
سودا: نرخ باسوداد در آن ۴۱٪/۷۷٪ می‌باشد، که در مردان ۰۱٪/۸۷٪ و زنان ۰۲٪/۶۸٪ است.	

مشاهیر و نام آوران:

۱. آدینه جان آخوند، عالم دینی

۲. حاجی محمد قزل، شاعر

۳. دکتر مجید اونق، استاد دانشگاه

در اسناد خطی:

۱. فروردین ماه ۱۲۸۷:

«ترکمان طائفه بش او سقه به قریه «چفاکند»^۱، افسخی مغربی رفته، به عنوان دزدی پسرعموی حاجی آقای مذکور از بیرون ده به سمت خانه می‌آمد، او را کشتند.»^۲

۲. روز ۲ خرداد ماه ۱۲۹۰:

«خبر رسید تراکمه جعفر بائی پنجاه و دو راس مادیان‌های ایلخی متعلق به قرای «استرآباد رستاق» را که سپرده به «قربان نیاز اتابائی» بوده،

۱. روستای چفاکنده، از توابع شهرستان بندرگز.

۲. تلگراف نمره ۱۴ مورخ ماه آوریل ۱۹۰۸م. (مخابرات استرآباد، ۳۲/۱).

از صحرا به سرقت برد، فوراً در ۳۰۰ تومان وجه به یک نفر تراکمه بشی اوسته فروختند. تا چه اقتضا کند.»^۱

۳. روز ۲۵ بهمن ماه ۱۲۹۳:

«به عرض رسانیده بود برای پست دولتی ۲۰۰ قزاق به اتفاق میرزا جعفرخان به جعفریائی رفته است. تفصیل از این قرار است قزاق روس که حامل پست بوده است، بین راه نزدیک بشی اوسته تیر خطایی از بالای سر آن می‌گذرد، پست را انداخته، فرارا به شهر آمده، به قونسول خبر می‌دهد.

منشی قونسولگری یک هفته با قزاق‌ها در جعفریائی تفحص نموده، اثری به ظهور نرسید. آخرالامر قونسول امر نموده ۱۲ نفر از سران جعفریائی را گرفته، بالاتکا به آشوراده فرستاده، حبس نمودند. تا چه اقتضا کند.»^۲

۴. روز ۵ دی ماه ۱۲۹۶:

«۳ نفر قزاق اسب‌های خود را فروخته، از راه قراسو عازم به روسيه بودند. ۵ فرستخی شهر، محاذی او به بش اوسته، ۲ فرسخ مسافت تا قراسو می‌باشد، یک نفر را توی ارابه تفنگ زده، مقتول شد.

یک نفر پیاده به قراسو فرار کرده، یک نفر دیگر فراراً به گند قابوس می‌رود. معاون کارگزار به اتفاق مترجم و نایب قونسل خانه به او به بش اوسته رفته، ۲ شب توقف کرده، اثری از قاتل و مرتكب نیافتنند. نعش قزاق را به قراسو برده، دفن کردند. تا چه شود.»^۳

۵. روز ۲۶ امرداد ماه ۱۳۰۲:

۱. تلگراف نمره ۱۳۶ مورخ ۱ ژوئن ۱۹۱۱م. (مخابرات استرآباد، ۲۶۴/۱).

۲. تلگراف نمره ۶ مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۳۷/۱).

۳. تلگراف نمره ۱ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۱۷م. (مخابرات استرآباد، ۵۶۹/۲).

«به توسط آقامیرزا هادی، قریب ۳۰ نفر از ترکمان طایفه نورعلی جعفریانی آدینه آخوند ساکن بش اوسته در شهر برای ورود حکومت وارد [شده]، اداره قشوئی همه نوع از آنها پذیرائی می نمایند.»^۱

پیختی حاجی

موقعیت سیاسی: روستای پیختی حاجی (Pikhi Haji) از توابع دهستان قره سو شرقی بخش سیچوال شهرستان ترکمن می باشد. در گذشته پیختی شیخ نام داشته است.

وجه تسمیه: در حدود ۱۵۰ سال پیش، فردی به نام پیختی شیخ، به همراه طایفه شیخ و قره قول در این مکان ساکن شدند و روستای خود را پیختی شیخ نامیدند.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۹ متر است. دهکده در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد. اهالی آن ترکمن و اهل تسنن می باشند.^۲

این روستای کوچک، فوق العاده محروم بوده و از آبادی‌های مهاجر فرست و توسعه نیافته محسوب می گردد.

سال	جمعیت
۱۳۳۵	۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)
۱۳۴۵	۳۲ خانوار و ۲۱۵ نفر
۱۳۵۵	۷۰ خانوار و ۴۵۵ نفر

۱. تلگراف نمره ۲۳ مورخ ۱۸ اوت ۱۹۲۳ م. (مخابرات استرآباد، ۸۷۵/۲).

۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۳۵/۲۹.

۱۳۶۵ ۵۸ خانوار و ۴۳۲ نفر (۲۲۹ مرد، ۲۰۳ زن)
 ۱۳۷۵ ۶۴ خانوار و ۴۰۵ نفر (۲۰۰ مرد، ۲۰۵ زن)
 ۱۳۸۵ ۸۴ خانوار و ۴۳۰ نفر (۲۱۰ مرد، ۲۲۰ زن)
 سواد: نرخ باسوان در آن ۷۲/۷۸٪ می‌باشد، که در مردان ۱۹/۸۵٪ و زنان ۱۹/۷۲٪ است.

تبرستان

www.tabarestan.info

چپاقلی و صیدآباد

موقعیت سیاسی: روستای چپاقلی و صیدآباد (Seydabad) از توابع دهستان جعفریان جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.
 وجه تسمیه: نام چپاقلی در زبان ترکمنی اهالی آن به شکل چاپاقلى بیان شده و چاپاق (چافاق) نام نوعی ماهی دریای خزر است و از صیدهای اصلی مردم این روستا به شمار می‌رود. مؤسس این روستا، شخصی به نام «ملاعراز حاجی» بوده است.

موقعیت جغرافیایی: این روستای جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۴ دقیقه و ۵۶ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه و ۶ ثانیه عرض شمالی واقع شده و در ۶ کیلومتری بندر ترکمن قرار دارد. این آبادی از ادغام دو روستای چپاقلی و صیدآباد (سیدآباد) و پس از آن که این دهکده‌ها در طول سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ ۱۳۷۲ دچار آب گرفتگی شده و در سال ۱۳۷۳ به مکان جدید منتقل شدند، تشکیل شده است.

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۳۱۶ نفر	۱۳۴۵
۱۶۶ نفر	۱۳۵۵

۱۳۶۵ ۳۱۷ خانوار و ۲۱۲۲ نفر (۱۱۳۴ مرد، ۹۸۸ زن)
 ۱۳۷۵ ۴۱۸ خانوار و ۲۶۷۶ نفر (۱۳۱۸ مرد، ۱۳۵۸ زن)
 ۱۳۸۵ ۵۷۲ خانوار و ۳۰۱۹ نفر (۱۴۸۶ مرد، ۱۵۳۳ زن)
 سواد: نرخ باسوساد در آن ۵۲/۸۰٪ می‌باشد، که در مردان ۰۶/۸۸٪ و زنان ۱۹/۷۳٪ است.



چپاقلی

خمبرآباد

موقعیت سیاسی: روستای خمبرآباد (Khambarabad) از توابع دهستان جعفریابی جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.
موقعیت جغرافیایی: این آبادی پایکوهی در موقعیت جغرافیایی ۵۵ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۸ دقیقه عرض شمالی واقع

بندر ترکمن / ۲۴۵

گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۹۴ متر است. «نیل کوه» در شرق روستا قرار دارد.^۱

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۳۵۷ نفر (۱۷۶ مرد، ۱۸۱ زن)	۱۳۸۵
سودا: نرخ باسوساد در آن ۲۴/۷۸٪ می‌باشد، که ۰/۸۴٪ و زنان ۰/۷۲٪ است.	سودا: نرخ باسوساد در آن ۲۴/۷۸٪ می‌باشد، که ۰/۸۴٪ و زنان ۰/۷۲٪ است.

خواجه‌لو

موقعیت سیاسی: روستای خواجه‌لو (Khvajehlar) مرکز دهستان فراغی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۲ متر است. دهکده در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد.

گویش و مذهب: اهالی آن ترکمن و اهل سنت هستند.^۲

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۱۲۴ خانوار و ۷۱۸ نفر	۱۳۴۵
۱۷۲ خانوار و ۱۱۸۰ نفر	۱۳۵۵
۲۲۵ خانوار و ۱۶۵۳ نفر (۹۱۷ مرد، ۷۳۶ زن)	۱۳۶۵
۲۸۸ خانوار و ۱۶۹۳ نفر (۸۴۹ مرد، ۸۴۴ زن)	۱۳۷۵

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۴۷/۲۹

۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۶۱/۲۹

۱۳۸۵ ۳۶۶ خانوار و ۱۸۴۸ نفر (۸۷۲ مرد، ۹۷۶ زن)
 سواد: نرخ باسوسادی در آن ۴۵٪/۸۰٪ می‌باشد، که در مردان ۷۳/۸۸٪ و زنان ۰۲/۷۳٪ است.

آثار باستانی و تاریخی:

۱. قدمگاه بهاءالدین.

زابلی محله

موقعیت سیاسی: روستای زابلی محله (Zaboli Mahalleh) از توابع دهستان قره‌سو شرقی بخش سیجوال شهرستان ترکمن می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای که در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۸ دقیقه و ۲۶ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه و ۴۳ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۵ متر است. رودخانه قره‌سو که از کوه «قلعه‌ماران» و ارتفاعات «النگ» در جنوب شرقی گرگان سرچشمه گرفته، از شمال آن می‌گذرد و به دریای خزر می‌ریزد.^۱

این روستا از دو بخش «علیا» و «سفلی» تشکیل شده است. در سال ۱۳۴۵، بر اثر سیلاب رودخانه قره‌سو، بخش سفلی روستا تخریب شده و اهالی به ناچار مکان روستا را تغییر دادند. محل فعلی روستا، با محله قدیمی یک کیلومتر فاصله دارد.

جمعیت	سال
..... ۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
..... ۱۲۰ خانوار و ۵۷۳ نفر	۱۳۴۵
..... ۱۹۴ خانوار و ۹۴۸ نفر	۱۳۵۵

۱۳۶۵	۱۶۷	خانوار و ۹۶۵ نفر (۴۹۵ مرد، ۴۷۰ زن)
۱۳۷۵	۱۳۲	خانوار و ۷۹۵ نفر (۳۹۰ مرد، ۴۰۵ زن)
۱۳۸۵	۱۷۰	خانوار و ۷۳۰ نفر (۳۵۰ مرد، ۳۸۰ زن)
سوانح: نرخ باسوسادی در آن ۴۵/۷۵٪ می‌باشد، که در مردان ۲۵/۸۰٪ و زنان ۹۷/۷۰٪ است.		

تبرستان

www.tabarestan.info

سیجوال

موقعیت سیاسی: روستای سیجوال (Sijoval) از توابع دهستان قره‌سو غربی و مرکز بخش سیجوال شهرستان ترکمن می‌باشد.
وجه تسمیه: گفته می‌شود نام قدیم آن سویجی وال بوده، که مرکب از سویجی: شیرین + وال: رودخانه می‌باشد. امروزه نیز شاخه‌ای از رود «قره‌سو» از شرق و جنوب این روستا می‌گذرد، که احتمالاً نام آبادی با آب شیرین رودخانه در ارتباط بوده و قدمت آن به حدود ۱۵۰ سال پیش می‌رسد.

موقعیت جغرافیایی: این روستای جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۶ دقیقه و ۵۴ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۲ دقیقه و ۵۵ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۵ متر است. دهکده در ۳ کیلومتری شرق بندر ترکمن و در مسیر جاده ارتباطی بندر ترکمن به گرگان قرار دارد. روستا در کنار یکی از شاخه‌های قدیمی و خشک شده رودخانه قره‌سو واقع شده است.^۱

جمعیت	سال
۲۰۰۰ نفر	۱۳۲۹

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۹۲-۹۳/۲۹

۱۳۳۵	۱۰۶۶ نفر (۵۴۷ مرد، ۵۱۹ زن)
۱۳۴۵	۲۶۵ خانوار و ۱۷۴۸ نفر
۱۳۵۵	۳۱۹ خانوار و ۲۳۴۸ نفر
۱۳۶۵	۴۱۶ خانوار و ۲۹۶۸ نفر (۱۴۹۹ مرد، ۱۴۶۹ زن)
۱۳۷۵	۴۷۸ خانوار و ۲۸۹۴ نفر (۱۴۳۲ مرد، ۱۴۶۲ زن)
۱۳۸۵	۶۳۱ خانوار و ۳۰۲۶ نفر (۱۴۷۹ مرد، ۱۵۴۷ زن)
	سودا: نرخ باسوداد در آن $\frac{۷۹}{۳۰}$ % می‌باشد، که در مردان ۶۵/۸۸٪ و زنان ۳۶/۷۰٪ است.

بافت اجتماعی: طوایف «ایری»، «توماج»، «اونق» و «پورقاز» در این روستای ۱۰۰ هکتاری سکونت دارند و علاوه بر صیادی، به دامداری نیز اشتغال دارند.

در استناد خطی:

۱. روز ۲۳ اسفند ماه ۱۲۹۳:

«به عرض رفته بود قونسول برای تیر خطا به سمت پست دولت ۱۲ نفر تراکمه جعفربائی را به عشوراده برد، حبس نمودند. مقصود عمدۀ برای امضای استناد کوچلان رعیت روس است که اراضی سوچوال را به عنوان غصب تصرف نمایند، رحمت قاضی با یک نفر دیگر مجبوراً به شهر آمده، نوشته کوچلان را امضاء کرده، پانزدهم ماه مرج مخصوص شدند. سایرین در عشوراده محبوسند. تا چه اقتضا کند». ^۱

۲. روز ۲۳ آبان ماه ۱۲۹۵، خبر رسید که:

«به عرض رسانیده بود به توسط شوخ ترکمان ۸۰ نفر قزاق با توب به خوجه نفس فرستاده شده است. تراکمه یاغی جلوگیری از قشون روس نموده، نگذاشتند به خوجه نفس بروند.

۱. تلگراف نمره ۹ مورخ ۲۲ مارس ۱۹۱۵ م. (مخابرات استرآباد، ۱/۴۴۲).

به ضدیت شوخ یک بلوک گوسفند خوجه نفسی را چاپیده، کچیلان روس که چندی برای اراضی سوچوال موروثی تراکمه لجاجت داشته و تصرف کرده بود، در خوجه نفس منزل داشت.

روز چهاردهم ماه نوامبر طایفه جعفربائی از دولت روس چشم پوشانیده، سوای طایفه گموش تپه، تماماً سوار شده، اول کچیلان را به قتل رسانیده، سرش را بربادید، به سنگ سواد فرستادند.
بعد یک عده قشون که با توب رفته بودند، همان قراسو توقف داشته، از ترس فرار کردند.

۳۰۰ سوار ترکمان چاروا به جعفربائی ملحق شده، زیرحد کردمحله^۱ تا ملاکیله که قراسو مشهور است، ۳ فرسخ عرض و یک فرسخ و نیم طول دارد، تماماً در تصرف رعایای روس و زراعت پنه بوده است، تراکمه تماماً را چاپیده و خانه‌های آنها را آتش داده، آنچه اسباب و لوازمات زندگانی داشتند، به یغما رفت.

روس‌ها برای کارخانجات لیاناژوف که محفوظ باشد، ۲ عراده توب با پراخوت جنگی قراول داشتند.

از شب شانزدهم نوامبر، ترکمان‌ها مشغول به خرابی منازل اتباع روس شده، روس‌ها از دریا اتصالاً توب شلیک کرده، ابداً ترکمان‌ها اعتنای نکرده، مشغول بردن اسباب شدند.

در ضمن هم رعیت کردمحله و باغوئی و گلوگایی وقت را غنیمت دانسته، هر یک سهمی از اموال روس‌ها را چپاول می‌نمایند.

اگر چه شهرت دارد کارخانجات لیاناژوف و پل قراسورا که برای صید ماهی بنا شده، تراکمه آتش داده‌اند، افواه است و صدای توب از دریا به شهر می‌رسد. تا چه اقتضا کند.

۱. کردکوی کنونی.

تاکنون برای روس‌ها کمک نرسیده. لاتن برای ترکمان به قرب ۲۰۰۰ نفر چاروای طایفه اتابائی که در بلخان منزل داشته، همین دو روزه کمک خواهد رسید.»^۱

صفر حاجی

موقعیت سیاسی: روستای صفر حاجی (Safarhaji) از توابع دهستان قره‌سو شرقی بخش سیجوال شهرستان ترکمن می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۲ متر است. دهکده در ۱۳ کیلومتری شرق بندر ترکمن قرار دارد. اهالی آن ترکمن و سنی مذهب هستند.^۲

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۲۸۶ نفر (۱۴۸ مرد، ۱۳۸ زن)	۱۳۷۵
۲۶۱ نفر (۱۳۰ مرد، ۱۳۱ زن)	۱۳۸۵
سواد: نرخ باسوان در آن ۵۷/۷۹٪ می‌باشد، که در مردان ۸۲/۸۷٪ و زنان ۳۰/۷۱٪ است.	

قره تپه

موقعیت سیاسی: روستای قره‌تپه (Qareh Tappeh) از توابع دهستان قره‌سو شرقی بخش سیجوال شهرستان ترکمن می‌باشد.

۱. تلگراف نمره ۲۸ مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۶ (مخابرات استرآباد، ۵۱۳-۵۱۴).
۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۰۶/۲۹.

روستا در کنار راه آهن «بندر ترکمن» به «گرگان» قرار دارد و در سال ۱۳۴۱ به سبزدشت تغییر نام داد^۱، اما ۱۶ سال بعد، به نام اولیه خود بازگشت.

وجه تسمیه: نام روستا از تپه باستانی قره تپه (قره: سیاه + تپه) که در شرق آبادی واقع گردیده، اخذ شده و حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد. آرمینیوس و امیری گفته است: «قره تپه به تپه‌ای سیامبرنگ گفته می‌شود که در وسط دهی واقع است».^۲

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۳ دقیقه و ۴ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴۲ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۳ متر است. دهکده در ۱۴ کیلومتری شرق بندر ترکمن قرار دارد.^۳

جمعیت	سال
۱۳۳۵ ۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۱۳۴۵ ۱۲۸ خانوار و ۷۸۴ نفر	۱۳۴۵
۱۳۵۵ ۱۷۴ خانوار و ۱۰۱۲ نفر	۱۳۵۵
۱۳۶۵ ۱۸۶ خانوار و ۱۳۳۰ نفر (۶۴۲ مرد، ۶۸۸ زن)	۱۳۶۵
۱۳۷۵ ۱۷۶ خانوار و ۱۱۲۴ نفر (۵۵۴ مرد، ۵۷۰ زن)	۱۳۷۵
۱۳۸۵ ۱۷۴ خانوار و ۸۲۹ نفر (۳۸۶ مرد، ۴۴۳ زن)	۱۳۸۵
سواد: نرخ باسوان در آن ۶۵/۷۳٪ می‌باشد، که در مردان ۶۵/۸۲٪ و زنان ۷۴/۶۵٪ است.	

بافت اجتماعی: ساکنان آن از دو طایفه «قره قول» و «قزل» هستند، که در مساحتی کمتر از ۲۰ هکتار اقامت دارند.

۱. جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت، ۱۵۷.

۲. زندگی و سفرهای وابری، ۱۴۶.

۳. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۲۸/۲۹.

آثار باستانی و تاریخی:

۱. قره تپه: این تپه در شرق روستا واقع شده و قدمت تپه به دوران پیش از تاریخ تا تاریخی می‌رسد و به شماره ۹۳۴۳ در تاریخ ۷ مرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده است.

قره سو

موقعیت سیاسی: روستای قره سو (Qarehsu) از توابع دهستان قره سو غربی بخش سیچوال شهرستان ترکمن می‌باشد. در گذشته به آن سیاه آب و ملاکیله هم می‌گفته شد.

ناپیر درباره آن می‌گوید:

«ملالقلعه: بندر کوچکی است در خلیج استرآباد در دهانه رود «قره سو» و نزدیکترین شهر به «استرآباد». قایق‌های محلی فراوانی در این جا تردد می‌کنند و محموله‌های نمک و نفت را از چلیکان برای بازار استرآباد می‌برند. از این بند، پنبه دانه و زغال چوب به روسیه صادر می‌شود.»^۱

وجه تسمیه: این نام به فارسی سیاه آب معنا می‌دهد. روستا در حاشیه رود «قره سو» در مدخل دریای خزر شکل گرفته است.

موقعیت جغرافیایی: این روستای کرانه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۳ دقیقه و ۶ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه و ۴۱ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۲۲ متر است. دهکده در ۶ کیلومتری جنوب غربی بندر ترکمن قرار دارد.

رودخانه قره سو که از کوه «قلعه ماران» و ارتفاعات «النگ» در جنوب

۱. گزارش بازرگانی استرآباد (۱۹۰۹م)، فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)، ۹۹۹.

شرقی گرگان سرچشمه گرفته، از میان آن می‌گذرد و به دریای خزر می‌ریزد. اغلب اهالی آن ترکمن و سنی مذهب هستند.^۱

در سال ۱۳۷۰، به علت پیشروی آب دریای خزر در روستای قره سو، خانه‌های اهالی آن دچار آب گرفتگی شده و روستاییان به ناچار در محل دیگری که امروز «شهرک» نامیده می‌شود، سکونت ورزیده‌اند.

در فصل ماهیگیری و صید، عده زیادی از اطراف روستا اکناف به این روستا می‌روند و پس از پایان فصل صید، به شهر پا روستای خویش بازمی‌گردند.

جمعیت	سال
۱۰۰ نفر	۱۳۲۹
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۱۵۷ خانوار و ۷۹۷ نفر	۱۳۴۵
۱۹۸ خانوار و ۱۱۳ نفر	۱۳۵۵
۲۰۹ خانوار و ۱۲۷۸ نفر (۶۶۴ مرد، ۶۱۴ زن)	۱۳۶۵
۲۶۵ خانوار و ۱۴۸۷ نفر (۷۶۶ مرد، ۷۲۱ زن)	۱۳۷۵
۳۰۵ خانوار و ۱۵۶۲ نفر (۷۶۷ مرد، ۷۹۵ زن)	۱۳۸۵
سواد: نرخ باسواند در آن ۷۹/۲۷٪ می‌باشد، که در مردان ۸۶/۶۲٪ و زنان ۷۲/۲۵٪ است.	

دارای دو محله می‌باشد:

۱. محله قدیم، که مهاجرین ترک (با نام‌های خانوادگی زرین کمر، محمدنژاد، همتی، اسماعیلی، میرزا، فرزین، خدایاری و درویش زاده) و فارس (تبیری‌ها با نام خانوادگی امامی، صباغان، رضاخواه و زابلی‌ها با نام خانوادگی خمر، شهرکی، حیدری و نخعی) در آن اقامت دارند.

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۲۸/۲۹.

۲. محله شهرک، که ترکمن نشین است.

مسیو بهلر فرانسوی، در روزگار ناصری، درباره اش می گوید: «و در ۲ فریاد و نیمی آق قلعه، بندری ساخته بودند که خندق های آن نمایان است و گویا به جهت این بوده است که آب گرگان به سیاه آب برود و آن رودی است که از نزدیکی استرآباد می گذرد و سرچشمہ آن از کوه های شاهروд بسطام است و از ملاکله که ۳ فریاد و ربعی کرد محله است، به دریا می ریزد.»^۱

رضا شاه پهلوی، روز ۵ آبان ماه ۱۳۰۵، از این بندر کوچک دیدن کرده و می نویسد:

«بندرقره سو: صبح از بندر جز بیرون رفتیم. راه در جانب شرق بندر و کنار دریا واقع است. از پلی که بر روی گز بسته اند، عبور نمودیم. این راه کاملاً رو به شمال می رود، ولی در اطراف، باز اراضی شبیه به مازندران موجود است. همه جا دریا در طرف دست چپ است.

آفتاب صبحگاهی رونق و شکوه عجیبی به این صفحه براق داده است. دیروز عصر که آن را در زیر اشعه غروب آفتاب دیدیم منظره دیگر داشت، و اکنون از اثر نور دائم التزايد^۲ صبح جلوه دیگر دارد.

امواج مثل آن است که شراره های آتش در دهان دارند و بر صفحه ای از مینا و طلا می غلطند. شبے جزیره میانه کاله، خاصه جزیره آشوراده به خوبی پیدا بود و دریایی بزرگ را از نظر ناپدید می ساخت.

به بندر قره سو که در مصب رود قره سو یا قراسو یا قراصو ساخته

۱. سفرنامه بهلر، ۵۵؛ در پانوشت آن آمده است: «ملاکله، پیش بندر کردکوی می باشد و در نزدیکی بندرگز واقع است. در بندرگز و اطراف آن را Mellakle می گویند و Kele به معنی چشمہ است.

۲. دائم التزايد، روزگزون.

شده، رسیدیم. در بندر، آب دریا عقب رفته و دهانه رود را پر کرده و آن را شبیه کرده است به یک رودخانه بزرگ راکدی که عبور از آن ممکن نیست، مگر به واسطه پلی بلند و چوبی و مندرس و خطروناک که ابدآ شایسته حرکت اتومبیل نیست.

بعضی از اتومبیل‌ها گذشتند، اما چون نوبت به اتومبیل‌های بارکش رسید، پل فرو رفت، و نزدیک بود به کلی رودخانه بیافتند. اتفاقاً به فرورفتن یک چرخ اکتفا کرد، ولی راه هسدود و پل شکسته شد، و جمعی از همراهان که عقب مانده بودند، دیگر نتوانستند بگذرند و همان‌جا مانندند. امر دادم از همان خط یسار رود قره‌سو به استرآباد بروند و پل را نیز قدغن کردم تعمیر کنند.

قره‌سو بندر قشنگ و تازه‌ای است.

تمام عمارت‌های دو طبقه و چوبی است و نسبتاً از روی سلیقه ساخته شده‌اند. قلعه‌ای با ۴ برج و یک قراول خانه در سمت یسار و بقیه عمارت‌های در جانب یمین رودخانه واقع است.

پل عریض و طویلی دارد که بیش از ۵۰۰ قدم در دریا پیش می‌رود، و منتهی به باراندازهای می‌شود. اما این بندر به کلی خالی است، و جز یکی دو اتاق از تمام عمارتش، مسکون نیست.

سابقاً در تصرف لیانازوف‌ها بوده که تجارت می‌کرده‌اند، ولی پس از به هم خوردن دستگاه آنها، متروک مانده، و شبیه به شهرهای شده که در افسانه‌ها ذکر می‌کنند.

شخص وارد، بدون مانع به عمارت‌های مختلف می‌رود و گردش می‌کند. پل هم در شرف خرابی است. با آن‌که از پل بندرگز عرض و طولش بیشتر است، ولی چون مواظبت نکرده‌اند، پوسیده و از هم متلاشی شده است. دور این بندر حصاری از چوب ساخته‌اند که آن را از صحرا مجزی

می سازد. پس از تماشای این بندر، از دری که در دیوار چوبی نصب بود گذشته، وارد صحرای ترکمان شدیم.

این جا منظره به کلی تغییر کرد. زمین صاف و نرم و مسطوحی پیش آمد که در سرتاسر آن به سنگی تصادف نمی شود، و به یک پستی و بلندی برنمی خوریم. شوفرها در کمال اطمینان، اتومبیل‌ها را با نهایت سرعت می‌رانند، و پرواز می‌دادند.

گوئی این مرکب‌های بی‌جان، بعد از تأمل و تردید و کندی‌هائی که در راه مازندران و بندر جز، اجباراً برای آنها پیش آمده بود، در اینجا جبران گذشته می‌کردند و داد دل می‌گرفتند.^۱

در اسناد تاریخی:

۱. روز ۱۸ فروردین ماه ۱۲۸۷

«تلگراف سپهدار به «لواءالملک»، هفتم ماه اپریل که به «انجمان» ارائه نمایند:

در «بنه ایمر» آنچه خواستم با تراکمه «قرچی» به طریق اصلاحی برآیم، نزدیک نیامدند. تا ورود به «آق امام» شنیده شد اشخاصی که از سرحدات خراسان اسیر و اموال او را در «سنگر سواد» پنج فرسخی مسافت با «آق امام» ساکن بودند، دیروز صبحی را با سوار و سرباز و دو عراده توپ حرکت کردیم.

نزدیک رود گرگان ۸۰۰۰ گوسفند و ۳۰۰ نفر. شتر و ۵۰ رأس مادیان آنها را با ۲ نفر بچه گرفتم. به واسطه طغیان آب گرگان، چند نفر از آب گذشته، ۷ آلاچیق تراکمه دویجی را غارت و چوب و آلات را آتش زده، چند نفر شتر هم در زیر گرگان سوارها چپاول کرده، برگشتند.

۱. سفرهای رضاشاه پهلوی به خوزستان و مازندران، ۴۱۲-۴۱۱.

زمان مراجعت، ۲ دسته سوار استرآبادی را برای بلد جلو روانه داشته، توی نیزار سختی که ترکمان‌ها سنگر برای خود داشتند، افتادیم. یک مرتبه برای شلیک تفنگ شد.

دسته اول حاجی رحیم خان فرار کرد. بعد ۲ ساعت تمام با تراکمه نزاع سختی نموده، تماماً فرار کردند. دو نفر سوار اکراد به قتل رسید. دو نفر سرباز هم مفقود است؛ لakin تحقیق وکالت بعد آژکشیتہ شدن سوار استرآباد و مازندرانی تماماً فرار نموده، تراکمه هم تعاقب می‌نمایند. ۲ نفر سرباز را در حین فرار زنده گرفته، رفتند. تراکمه قچق ابوی‌جمعی ایلخانی ۲ نفر قتل، ۲ نفر هم تیردار شده».

ورود سپهدار به اردو، از کثرت بی‌نظمی و اغتشاش بین سوارهای فندرسک و سربازها برای تقسیم گوسفتند و غیره، نزاع سختی شده، چوب مفصلی به هم می‌زنند.

یک اسب خیلی ممتاز علی اکبر خان سرتیپ ۳۵۰ تومان خریده بود در این جنگ تیر افتاد. تا چه بشود.

عمله جات شیلات ۹ ماه در وتقه و ملاکیله مشغول به خدمت می‌باشند، تماماً عدد تقویمی آنها ۵۰۰ نفر زیاده می‌شود. لakin به قرب ۸۰ نفر زن برای کار می‌آیند. فصل تابستان به روییه می‌روند.^۱

۲. روز ۳ اسفند ماه ۱۲۸۸:

«کربلائی محمد خان داروغه به امر ایالت به صحراء رفته، خوانین آتابائی و ایلغی را خدمت امیراعظم آورد، در باب قتل ۲ ترکمان که اصلاً از طایفه آتابائی بوده، به طوری آنها [را] ریشخند نماید که باعث شرارت نشوند. تراکمه آتابائی که بعضی مالدار بوده، در جنب قره‌سو آماده بودند،

۱. تلگراف نمره ۱۳ مورخ ماه آوریل ۱۹۰۸م. (مخابرات استرآباد، ۳۱/۱-۳۲).

تماماً کوچیده، زیر گرگان ساکن و خوانین یمومت جواب کرده، نیامدند. تا
۱. چه شود.»^۱

: ۳. روز ۲۵ دی ماه ۱۲۸۹

«اجزاء لیانازوف در ملاکیله منازل و دکاکین زیادی ساخته، یک نفر
دکتر آورده، مشغول ساختن مریض خانه می باشند. از قرار مذکور سالی
۴۵۰۰۰ میانات مخارج مریض را بازدید نموده اند.»^۲
برستان

۴. روز ۱۴ اسفند ماه ۱۲۸۹

«خبر رسید کmosr از عشق آباد مراجعت نموده، سوار چکت و قزاق
ساحل‌ئی که در مراوه‌تپه و چاتلی و قراتیکان داشتند، ۱۰۰۰ نفر همراه
خود به گنبد قابوس آورده، ۵۰۰ نفر هم بعد خواهند آمد. از قرار خبر
صریح، ثلث را به قراسو که ملاکیله باشد می فرستند. ثلث یا زیاده را در
آق قلعه زیر حد گرگان خواهند فرستاد.»^۳

۵. روز ۲۳ خرداد ماه ۱۲۹۰

«خبر رسید کmosr با چند نفر سوار چکت به سمت ملاکیله آمد، در
باطن تراکمه را محرك است که شرارت نمایند.»^۴

۶. روز ۹ اسفند ماه ۱۲۹۰

«ایوانف، قونسول روس، ختم عمل [را] به محمد علی میرزا اطلاع
داده فوراً دیوانخانه را خلوت کرده سوار لزگی و غیره و متفرقه را خارج
[ساخته] دروازه شهر را بستند. در صورتی که ۴۰۰۰ تومن وجهه از
مازندران رسیده بود.

۱. تلگراف نمره ۸۸ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۱۰ م. (مخابرات استرآباد، ۱۹۰/۱).

۲. تلگراف نمره ۱۲۲ مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۱۱ م. (مخابرات استرآباد، ۲۴۴/۱).

۳. تلگراف نمره ۱۲۸ مورخ ۹ مارس ۱۹۱۱ م. (مخابرات استرآباد، ۲۵۲-۲۵۳/۱).

۴. تلگراف نمره ۱۳۸ مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۱۱ م. (مخابرات استرآباد، ۲۶۷/۱).

تمام کارها [را] به قونسول و اگذار نموده، غرہ^۱ ماه مارچ^۲ صبح زود، ۲ نفر ملازم با خود گرفته، با ۵۰ قزاق روس حرکت به سمت قره‌سو که ملاکیله موسوم رفته؛ از آن جا به خاک روسیه عودت نمودند. شعاع‌السلطنه با حاجب‌الدوله و سایر اجزا در قونسولگری رفت، به توسط قونسول امورات شخصی را اصلاح نمایند. تا چه شود.»^۳

۷. روز ۱۱ اسفند ماه ۱۲۹۰:

«در باب امیر مکرم؛ معظم‌الیه از بارفروش به سبب اغتشاش لزگیها و اهالی لاریجان به قره‌سو آمده، توسط قونسول پولی از بانک قرض نماید. با قزاق به قونسولگری آمده، قرار شد ۱۵۰۰۰۰ تومان از بانک روس قرض نماید، املاک خود را گرو بدهد. ۱۰۰۰۰۰ تومان از بانک روس قرض کرده، ۱۰۰۰۰۰ تومان هم به محمدعلی میرزا تقدیم نماید. بعد از ختم عمل، دو ساعت در کلاه فرنگی خدمت محمدعلی میرزا رفته، مراجعت به قره سو نمودند.»^۴

۸. روز ۲۶ اسفند ماه ۱۲۹۰:

«شعاع‌السلطنه به اتفاق ۲۰ نفر قزاق به قراسو رفت، از آن جا عودت به روسیه نمودند.»^۵

۹. روز ۱۱ اردی بهشت ماه ۱۲۹۱:

«۲ نفر غرہ^۶ ماه می وکالت استرآباد وارد «گند قابوس» شده، کم‌سر

۱. اول، نخست.

۲. مارس.

۳. تلگراف نمره ۲ مورخ ۲ مارس ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۰۱/۱).

۴. شهر بابل کنونی، در استان مازندران.

۵. تلگراف نمره ۱ مورخ ۲ مارس ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۰۰/۱).

۶. تلگراف نمره ۴ مورخ ۲۸ مارس ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۰۴/۱).

۷. اول.

با خانم خود سوار در شکه به قراسو آمدند. از آن جا به «شاه قدم» رفته، مراجعت از راه «چاتلی» به «گوکلان»، بعد از انجام امورات به سمت «بجنورد» خواهند رفت.

شهرت داده بودند قشون زیادی در «گنبد قابوس» دارند. تماماً دروغ بوده. فقط عده قشون روس در گنبد ۵۰ نفر قزاق و ۱۰۰ نفر چکت می‌باشد؛ لakin چند باب عمارت جدید عالی دارند که من جمله عمارت بزرگی در «چاتلی» داشتند. عین آن بنای ساخته را در «گنبد قابوس» آورده، «چاتلی» را هم به هم زده‌اند.

۱۳۰ درب دکان ساخته موجودی دارند. یوم به یوم در ترقی، و تراکمه گموش‌تپه به اجازه کم‌وسر زمین خریداری کرده، دکاکین و خانه برای خود می‌سازند.^۱

۱۰. روز ۲۷ خرداد ماه ۱۲۹۱:

«چند نفر از تجار روس به قراسو آمده. مقصود ایشان خریدن املاک و اراضی استرآباد است. عجالتاً در صحراء از جعفریائی و غیره گماشته ایشان گردش می‌کند اراضی یموت را خریداری نمایند. تا چه شود.»^۲

۱۱. روز ۳ امرداد ماه ۱۲۹۱:

«شهرت دادند به واسطه گرمی استرآباد و سختی برای مشق و تیراندازی چون گنجایش نداشت، ۲ ماه قرار است در قراسو موسوم به ملاکیله اردو منعقد نمایند. سالداد و قزاق تماماً از شهر حرکت کرده، بیست و سیم جولای رفتند. فقط ۱۰۰ نفر سوار چکت در شهر باقی مانده. تا چه اقتضا کند.»^۳

۱. تلگراف نمره ۷ مورخ ۱۳ ماه مه ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۰۸/۱).

۲. تلگراف نمره ۱۰ مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۱۳/۱).

۳. تلگراف نمره ۱۳ مورخ ۲۵ جولای ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۰۱/۱).

۱۲. روز ۲۷ امرداد ماه ۱۲۹۱:

«عده قشون روسی که در دیوانخانه ساکن بودند، به کلی عزیمت به قراسو کرده، اسباب و لوازمات اردو را هم همراه برداشتند؛ لیکن خرابی فوق العاده در عمارت دیوانی نموده‌اند، حتی درهای اتاق‌های دیوان خانه را سوزانیده و برداشتند. تخمیناً ۲۰۰۰ تومان خسارت تعمیر بناها را فراهم کرده‌اند.»^۱

تبرستان

۱۳. روز ۱۱ شهریور ماه ۱۲۹۱:

«هفته پیش، چادر برای اردوی روسها به قراسو،^۲ فرسخی مغربی آورده، اردو منعقد شد که سالداد منزل نمایند؛ لیکن برای قزاقها مشغول ساختن بنا می‌باشند. تا چه اقتضا کند.»^۳

۱۴. روز ۴ مهر ماه ۱۲۹۱:

«خبر رسید قورخانه زیادی روسها حمل به قراسو نموده‌اند، لیکن دریابیگی و غیره املاک نزاعی ۱۰۰ ساله را یا به خریداری یا به شرکتی باشد از اهالی استرآباد می‌گیرند که دهات مخروبه را آباد نمایند. تا چه اقتضا کند.»^۴

۱۵. روز ۳ آذر ماه ۱۲۹۱:

«یک عده قشون که ۴ ماه قبل برای تغییر هوا به قراسو رفته بودند، بیست و چهارم ماه نوامبر، شب و روز متدرجًا ۲۰۰ نفر سالداد، ۵۰ نفر توپچی با ۴ عراده توپ وارد به عمارت دیوانی گردیدند.»^۵

۱۶. شب ۲۲ فروردین ماه ۱۲۹۲:

۷) ارابه تفنگ و فشنگ از راه قراسو وارد به قونسل خانه نمودند.

۱. تلگراف نمره ۱۵ مورخ ۱۸ آگوست ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۲۰/۱).

۲. تلگراف نمره ۱۶ مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۲۱/۱).

۳. تلگراف نمره ۱۸ مورخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۲۴/۱).

۴. تلگراف نمره ۲۳ مورخ ۲ دسامبر ۱۹۱۲م. (مخابرات استرآباد، ۳۳۲/۱).

به امر قونسول عده قزاق روس با ۲ عراده توب حرکت به قراسو نمودند.^۱

۱۷. روز ۲۵ فروردین ۱۲۹۲:

«یک عده قشون روس که در استرآباد بوده، ۱۴ اپریل حرکت کرده، به قراسو ملحق شدند. ۳ ماه دیگر مراجعت خواهند کرد.»^۲

۱۸. روز ۳۱ اردی بهشت ماه ۱۲۹۲:

«از قرار معلوم حکم شده است قشون روس را از سرحد استرآباد و خراسان تخلیه بنمایند. یک عده قشون که در شهر بود، تماماً را به قراسو فرستاده، سه چهار نفر صاحب منصب، ۲۰ سوار چکت در شهر دارند. به این سبب قونسول تعرض نموده، امنیت را برداشته‌اند.

به حسب ظاهر می‌نمایاند قونسول با سالارالدوله در باطن قراردادی داده، موقع رفتن سوار از طرف نواب والا دربار فرش روسها ممانعت کرده، بعد را قونسول قدغن کرده، متعرض سوارها نشوند.

بیست و یکم ماه می‌نواب والا از «ساری» به سمت «بارفروش» رفته‌اند. ۳۰۰۰۰۰ تومان وجه از بابت مالیات و جریمه از اهالی مازندران گرفته و مطالبه دارند. تا چه اقتضا کند.»^۳

۱۹. روز ۳۰ امرداد ماه ۱۲۹۲:

«آجرهای کاشی که اطراف عمارت آقامحمدخانی نصب بوده، عکس‌های مختلف سلاطین صفویه و عکس شیخ صنعت و شاگردانش داشت، امیر تپیخانه امر کرد آجرها را برداشتند، بعضی را به روس‌ها فروخته و اکثر از آن آجرها را جزو «صندوق خانه» قرار داده، حمل به تهران نمایند.

۱. تلگراف نمره ۸ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۵۲-۳۵۱/۱).

۲. تلگراف نمره ۱۱ مورخ ۱۹ ماه می ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۵۷/۱).

۳. تلگراف نمره ۱۲ مورخ ۲۹ ماه می ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۵۸/۱).

مسيو شوستر، خزانه دار کل، به رئيس گمرک خانه بندر جز نوشته عمارت ديواني را باز ديد نمايند و اطلاع بدنهند که باید تعمير بشود. واضح است از كثرت عايدات دولتی، سالی ۲ مرتبه عمارت تعمير می شود، بلا فاصله قشون روس از قراسو مراجعت کرده، خراب می نمايند.^۱

۲۰. روز ۲۵ شهریور ماه ۱۲۹۲:

«يک نفر صاحب منصب روس به عنوان سياحتي از دريا بپرون آمد، از راه قراسو به استرآباد وارد [شده]، يك شب [در] قونسل خانه توقف داشته، به سمت گنبد قابوس عزيمت نمودند. بين راه مشغول گرفتن عکس و ملاحظه پست و بلندی زمين بودند.»^۲

۲۱. روز ۲۰ مهر ماه ۱۲۹۲:

«محمود آقا برای استقبال کمیسر به قراسو رفته، مراجعت به شهر نمودند. يك شب در قونسل خانه توقف کرده، بعد از ملاقات سردار افخم از راه کتول و سنگلدوين، گنبد قابوس رفتند.»^۳

۲۲. روز ۱ آذر ماه ۱۲۹۲:

«توضیچی های روسی با ۴ عراده توب و ۱۰۰ نفر سالداد از قراسو وارد به شهر گردیده [در] ديوان خانه منزل نمودند، لakan چون قانون نظامی از قشون روس دیده نمی شود، به عرض می رساند ۲ ساعت از شب رفته، آیا سالداد اجازه دارد بپرون شهر برای شکار خوک برود؟ در صورتی که اعلان نکرده و اهالی مخبر نمی باشند. شاید از طرف سالداد يك نفر رعيت را زخمي وارد نمايند، يا اين که استرآباد يك نفر از سالداد را هدف

۱. تلگراف نمره ۱۷ مورخ ماه جولای ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۶۵/۱).

۲. تلگراف نمره ۲۲ مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۷۱/۱).

۳. تلگراف نمره ۲۴ مورخ ۱۶ اكتوبر ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۷۴/۱).

گلوله بسازند. تمام این حرکات غیر قانونی است. مقصود روسها کلیه بهانه جوئی می‌باشد که مستمسک نموده، آنچه را که میل دارند، تصرف نمایند. تا چه اقتضا کند.»^۱

۲۳. روز ۵ اردی بهشت ماه ۱۲۹۳:

«۶۰ نفر سالداد با ۲ عراده توب به قراسو که ۸ فرسخی شهر موسوم به ملاکیله است، رفتند.

روز بعد، عوض آنها سالداد یک عدد بیگر به استرآباد آمده، لکن رعایائی که از روسیه آورده‌اند، تماماً مشغول به کسب معیشت، و هر یک از آنها عربه بارکشی دارند. با گاو یا گاویش بار حمل به کبد قابوس یا گموش تپه نموده، بعضی از در شمالی استرآباد علف بیابان را چیده، برای فروش حمل به شهر می‌نمایند.

در ایاب و ذهاب، انواع و اقسام به رعایای استرآبادی اذیت و صدمه می‌رسانند. گواهای خود را در غله جات رعایای فقیر انداخته، مردم بدیخت در تعب و عسرت می‌باشند و قدرت تکلم ندارند. زراعت پامال سم گاوها [می‌شود] و کسی نیست احراق حق مظلومان و رعایای فقیر را بنماید.»^۲

۲۴. روز ۱۷ فروردین ماه ۱۲۹۳:

«از قرار تحقیق دربار فروش ۲۰۰ نفر قزاق روس با ۴ عراده توب توقف دارند...»^۳ استرآباد به اهالی آنجا اذیت و صدمه ندارند. ۲۰۰ نفر قشون روس با ۲۵ نفر سوار چکت در استرآباد توقف داشتند، به انضمام ۸ عراده توب، در مدت یک هفته به قرب ۱۰۰ نفر سالداد با ۶ عراده توب

۱. تلگراف نمره ۲۸ مورخ ۲ دسامبر ۱۹۱۳م. (مخابرات استرآباد، ۳۷۸/۱).

۲. تلگراف نمره ۹ مورخ ۳۰ اوریل ۱۹۱۴م. (مخابرات استرآباد، ۳۹۴-۳۹۳/۱).

۳. یک کلمه ناخوانا.

از دیوانخانه عزیمت به سمت قراسو [کرده]، وارد در پراخوت جنگی گردیدند. ۱۰۰ نفر سالداد، ۱۰ نفر توپچی، ۲ عراده توب در ارگ دولتی توقف داشته، همه روزه برای مشق بیرون دروازه حاضر می‌شوند. تا چه شود».^۱

۲۵. روز ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۲۹۳:

«یک نفر صاحب منصب بحری دولت روس لاسن «پطرزبورغ» به مأموریت استرآباد از راه قراسو به احترام و استقبال وارد به قونسول خانه شدند؛ لکن از قرائن مفهوم شد که این صاحب منصب برای چه کار آمده است:

چون قونسول استرآباد مخارج زیادی از بابت تعمیر قونسل خانه پای دولت وارد کرده است و ضمناً برای تحقیقات استرآبادی که بعضی شاکی شده‌اند و املاک آنها را قونسول و کمیسر به عنوان خریداری و اجاره به دستیاری شیخ محمد باقر و محمود آقا سرهنگ تصرف دارند، رسیدگی و تحقیقات نمایند.»^۲

۲۶. روز ۲۶ امرداد ماه ۱۲۹۳:

۲۵ نفر سوار چکت مستخدم استرآباد بودند. ۱۲ نفر را به جای دیگر فرستاده، ۱۳ نفر سوار، یک صاحب منصب توقف دارند؛ لکن هیجدهم ماه اگست خبر رسید یک عده قزاق در «مشهدسر» توقف داشته و یک عده قزاق هم در قراسو وارد شدند.

گماشتگان روس از ترکمان هائی که در خاک اترک و حسینقلی و چکشلر و چلکن و سایر نقاط سرحدی ساکن بوده، از هر خانه‌ای یک

۱. تلگراف نمره ۱۰ مورخ ۷ آوریل ۱۹۱۴م. (مخابرات استرآباد، ۱/۳۹۴).

۲. تلگراف نمره ۱۱ مورخ ۱۴ ماه می ۱۹۱۴م. (مخابرات استرآباد، ۱/۳۹۵).

مال برای حرکت سالداد گرفته، اسامی مال و صاحبانش نوشته، در موقع لزوم قشون تهیه نمایند. تا چه شود.^۱

روز ۲۸ امرداد ماه ۱۲۹۳: ۲۷

«هفته قبل به عرض رفته بود دولت بهیه روسيه قشون نظامي که در استرآباد و گنبدقاپوس و قراسو و چاتلی و مراوه‌تپه و مشهدسر و غیره را، به انضمام رعایای روسي که برای کشت و زرع به استرآباد آورده بودند، حرکت به سمت روسيه داده شده است.

چند نفر ارامنه تبعه روس که در بندر جز و استرآباد تجارت داشتند، به قوه مجریه آنها را هم برای جنگ بردند؛ لakan ۲۵ نفر سوار چکت که در بیرون شهر منزل دارند، باعث اذیت اهالی می‌باشند. افواه است در عوض سالدادها، ۵۰۰ قزاق به جای آنها به استرآباد و گنبدقاپوس بفرستند. تا چه اقتضا کند.^۲

دی ماه ۱۲۹۳: ۲۸

«یک عده سالداد روسي که سواره هستند در استرآباد و سایر نقاط گردش می‌نمایند و خیلی به آرامی راه می‌روند، به کسی هم اذیت ندارند. ۱۵ نفر از آنها غره ماه جنواری^۳ به سمت قراسو رفته‌اند. لیانا زوفی [که] همه ساله اوایل پائیز برای صید ماهی می‌آمدند، به سبب دوام جنگ اروپ^۴ تاکنون نیامده‌اند.^۵

شب ۱۳ بهمن ماه ۱۲۹۳: ۲۹

«به قونسول خبر دادند پست دولتی از قراسو می‌آمد، مفقود شده. روز

۱. تلگراف نمره ۲۳ مورخ ماه اگوست ۱۹۱۴م. (مخابرات استرآباد، ۴۱۱/۱).

۲. تلگراف نمره ۲۲ مورخ ۲۰ اوت ۱۹۱۴م. (مخابرات استرآباد، ۴۰۹/۱).

۳. ژانویه.

۴. جنگ جهانی اول.

۵. تلگراف نمره ۲ مورخ ماه دسامبر ۱۹۱۴م. (مخابرات استرآباد، ۴۲۹/۱).

مذکور میرزا جعفرخان منشی را با ۳ نفر غلام و ۲۰۰ نفر قشون روس با ۲ عراده توب، ۳ ساعت به غروب به جعفربائی فرستاده، تحقیق [کنند] و سارقین پست را بیاورند. تا به حال خبری نرسیده است.»^۱

۳۰. روز ۱۷ فروردین ماه ۱۲۹۴:

«به عرض رفته بود که تفنگهای تصرفی و خریداری محمد علی میرزا در قومنسل خانه توقيف است. نصف تفنگهای مزبور ~~سباقاً~~ حمل به آشوراده شده بود، مابقی در قومنسل خانه بوده، ~~تماماً~~ را با عرباه از راه قراسو به روسيه فرستادند.»^۲

۳۱. روز ۱۷ فروردین ماه ۱۲۹۴:

«امسال نسبت به سالهای قبل اجزاء مشارالیه به قراسو دیر آمدند. لکن به سبب کثرت کولاک دریا و زیادتی ماهی، احتمال کلی دارد ۲ مقابله از سال قبل ماهی صید کرده باشند. سال گذشته عده عمله جات زنانه ۷۰۰ نفر بودند، امسال عده آنها ۱۲۰۰ نفر می شدند.»^۳

۳۲. روز ۳۱ فروردین ماه ۱۲۹۴:

«عباسقلی خان سرتیپ پسر سردار افخم برای استقبال مدیر قومنسولگری با یک رأس اسب یدک و ۷ نفر قراق به قراسو رفته، روز بیست و دویم ماه مذکور، بعد از ظهر وارد به قومنسلخانه شد. برای ترتیب و انجام کارهای شخصی و غیره سه دو ماهه اجاره گرفته، توقف نمایند.»^۴

۳۳. روز ۳۰ فروردین ماه ۱۲۹۴:

«به عرض رفته بود روز ۲۰ اپریل مشارالیه وارد می شود، [به سبب]

۱. تلگراف نمره ۵ مورخ ۴ فوریه ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۳۷/۱).

۲. تلگراف نمره ۱۰ مورخ ۷ آوریل ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۴۴/۱).

۳. تلگراف نمره ۱۰ مورخ ۷ آوریل ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۴۴/۱).

۴. تلگراف نمره ۱۱ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۴۶/۱).

کثرت باران و آب در راه قراسو نتوانسته بیایند. یوم بیست و سیم از طرفی ایالت خوانین یک فرسخ استقبال کرده، دو ساعت به غروب وارد شد. اسم مدیر گریگراف [است] که ۱۸ ماه قبل در سفارت تهران [بوده] و خیلی آدم تنومند و ضخیم است. ظاهراً خوش اخلاق و مهربان و به انتظار ایالت و سرکرده‌های استرآباد خوب آمده است.

معززالسلطان کارگزار، از مشارالیه وقت خواست رسمًا دیدن نماید. ایوانف قونسول معزول جواب داده شماست tarrestan.info تصور نکنید زمان تغییر مأمورین خارجه مثل حکام ایران مأمور جدید ما ناسخ حکم سابق را بدهد. چون من او را رسمًا به کارگزاری استرآباد نپذیرفتم، مدیر هم نجواهд پذیرفت.
تا چه اقتضا کند.»^۱

۳۴. روز ۱۴ امرداد ماه ۱۲۹۴:

«مدیر قونسل خانه با یک نفر غلام و ۲ قزاق، ششم ماه اگست به سمت بارفروش می‌روند، تعاقب قونسول. میرزا جعفرخان با ۱۰ نفر قزاق از راه قراسو رفتهند.»^۲

۳۵. روز ۹ آذر ماه ۱۲۹۵:

«دو شب و دو روز قشون روس از دریا برای سوارهای ترکمان شلیک توپ داشتند. بعد تراکمه تزویری کرده، نصف شب ۲۰۰ چوب نزدیکی قراسو به زمین نصب کرده، هر یک را یک کلاه ترکمانی روی چوب گذارده، روسها به عادت همه شب مهتاب انداخته، سوارهای زیادی به نظر می‌آورند؛ بنای شلیک توپ را گذارده، تا صبح ۴۰۰ تیر توپ خالی کرده. بعد صبحی را با دوربین ملاحظه می‌نمایند، معلوم می‌شود که شلیک توپ ثمری نبخشیده، ترکمانها خدعاً کرده بودند.»^۳

۱. تلگراف نمره ۱۲ مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۴۶/۱).

۲. تلگراف نمره ۲۱ مورخ ۱۶ اوت ۱۹۱۵م. (مخابرات استرآباد، ۴۵۹/۱).

۳. تلگراف نمره ۲۹ مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۱۶م. (مخابرات استرآباد، ۵۱۵/۱).



ملاکیله در زمان ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۷۷)

۳۶. روز ۲۳ آبان ماه ۱۲۹۵، خبر رسید که:

«به عرض رسانیده بود به توسط شوخ ترکمان ۸۰ نفر قزاق با توب به خوجه نفس فرستاده شده است. تراکمه یاغی جلوگیری از قشون روس نموده، نگذاشتند به خوجه نفس بروند.

به ضدیت شوخ یک بلوک گوسفند خوجه نفسی را چاپیده، کچیلان روس که چندی برای اراضی سوچوال موروشی ^{ترکستان} تراکمه لجاجت داشته و تصرف کرده بود، در خوجه نفس منزل داشتند.

روز چهاردهم ماه نوامبر طایفه جعفریانی از دولت روس چشم پوشانیده، سوای طایفه گموش تپه، تماماً سوار شده، اول کچیلان را به قتل رسانیده، سرش را بربردیده، به سنگ سواد فرستادند.

بعد یک عده قشون که با توب رفته بودند، در قراسو توقف داشته، از ترس فرار کردند.

۳۰۰ سوار ترکمان چاروا به جعفریانی ملحق شده، زیرحد کردمحله^۱ تا ملاکیله که قراسو مشهور است، ۳ فرسخ عرض و یک فرسخ و نیم طول دارد، تماماً در تصرف رعایای روس و زراعت پنبه بوده است، تراکمه تماماً را چاپیده و خانه‌های آنها را آتش داده، آنچه اسباب و لوازمات زندگانی داشتند، به یغما رفت.

روس‌ها برای کارخانجات لیانازووف که محفوظ باشد، ۲ عراده توب با پراخوت جنگی قراول داشتند.

از شب شانزدهم نوامبر، ترکمان‌ها مشغول به خرابی منازل اتباع روس شده، روس‌ها از دریا اتصالاً توب شلیک کرده، ابداً ترکمان‌ها اعتنانی نکرده، مشغول بردن اسباب شدند.

^۱. کردکوی کنونی.

در ضمن هم رعیت کردمحله و باگوئی و گلوگایی وقت را غنیمت دانسته، هر یک سهمی از اموال روس‌ها را چپاول می‌نمایند. اگر چه شهرت دارد کارخانجات لیانازوف و پل قراسو را که برای صید ماهی بنا شده، تراکمه آتش داده‌اند، افواه است و صدای توپ از دریا به شهر می‌رسد. تا چه اقتضا کند.

تاکنون برای روس‌ها کمک نرسیده. لامبهرای ترکمان ^{به} قرب ۲۰۰۰ نفر چاروای طایفه اتابائی که در بلخان منزل داشته، همین دو روزه کمک خواهد رسید.^۱

۳۷. روز ۲۳ بهمن ماه ۱۲۹۵:

«۴۰۰۰ گوسفند و ۷۰۰ رأس گاو از تراکمه روس‌ها چپاول کرده، به قراسو می‌برند. آنچه گوسفند برده دار است، نگاه داشته، گوسفند بی‌بره را و نر را حمل به بادکوبه^۲ نمودند به انضمام گاو را. ایضاً روز مذکور جنرال ماگرید ۳۰۰ رأس مال‌های تراکمه را از اسب و مادیان جمع کرده، به آق قلعه برده، ۲۰ رأس اسب خوب را انتخاب نموده، باقی را اسم صاحبانش را روی پارچه تخته نوشته، گردن مال آویزان نموده، به صاحبیش سپردنند. تا چه شود.^۳

قره قاشلی

موقعیت سیاسی: روستای قره قاشلی (Qareh Qashli) مرکز دهستان قره‌سو شرقی بخش سیجوال شهرستان ترکمن می‌باشد.

۱. تلگراف نمره ۲۸ مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۶. (مخابرات استرآباد، ۱/۵۱۳-۵۱۴).

۲. شهر باکو، پایتخت کنونی جمهوری آذربایجان.

۳. تلگراف نمره ۵ مورخ ۱۲ فوریه ۱۹۱۷ م.

وجه تسمیه: نام این روستا در زبان ترکمنی به معنای سیاه ابروان می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۰ متر است. دهکده در ۱۱ کیلومتری شرق بندر ترکمن قرار دارد. اهالی آن ترکمن و سنی مذهب هستند.^۱

جمعیت	سال
۱۷۰۰ نفر	۱۳۲۹
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۲۷۱ خانوار و ۱۶۲۳ نفر	۱۳۴۵
۲۹۳ خانوار و ۱۹۳۴ نفر	۱۳۵۵
۳۷۱ خانوار و ۲۵۳۶ نفر (۱۲۶۸ مرد، ۱۲۶۸ زن)	۱۳۶۵
۳۵۶ خانوار و ۲۲۶۰ نفر (۱۱۴۱ مرد، ۱۱۱۹ زن)	۱۳۷۵
۴۱۷ خانوار و ۲۱۷۷ نفر (۱۰۸۰ مرد، ۱۰۹۷ زن)	۱۳۸۵
سودا: نرخ باسوساد در آن ۹۷/۷۸٪ می‌باشد، که در مردان ۱۶/۸۷٪ و زنان ۷۶/۷۰٪ است.	

آثار باستانی و تاریخی:

۱. زیارتگاه آق امام.

مشاهیر و نام آوران:

۱. عطا کوسلی، نویسنده

۲. مشهدقلی قزل، شاعر

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۲۹/۲۹

۳. عبدالصالح پاک، نویسنده نامدار

۴. عبدالغفور خوجه، پژوهشگر

۵. یوسف سقالی، پژوهشگر

۶. کریم بردى صادقی، نویسنده و محقق

آثار باستانی و تاریخی:

۱. محوطه پایین کیله: این محوطه باستانی در ۲ کیلومتری جنوب روستا قرار داشته و به دوران تاریخی و اسلامی تعلق داشته و به شماره ۱۱۳۰۶ در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

گامیشلی نزار

موقعیت سیاسی: روستای گامیشلی نزار (Gomishli Nazar) از توابع

دهستان فراغی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.

این روستا، قدمت چندانی ندارد و در دوره پهلوی احداث شده است. طایفه «آرخی» که به پرورش گاو میش در کنار رود قره سو اشتغال داشتند، بانی این دهکده می‌باشند.

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۱۱۳ خانوار و ۵۵۹ نفر	۱۳۴۵
۸۹ خانوار و ۴۹۴ نفر	۱۳۵۵
۱۳۶ خانوار و ۸۵۱ نفر (۴۳۳ مرد، ۴۱۸ زن)	۱۳۶۵
۲۰۹ خانوار و ۱۳۱۷ نفر (۶۸۱ مرد، ۶۳۶ زن)	۱۳۷۵
۲۱۵ خانوار و ۱۰۰۲ نفر (۵۲۸ مرد، ۴۷۴ زن)	۱۳۸۵

سواواد: نرخ باسواند در آن ۳۹/۷۶٪ می‌باشد، که در مردان ۵۰/۸۵٪ و زنان ۴۳/۶۶٪ است.

این روستا، که ۲۵ هکتار وسعت دارد، دارای دو محله می‌باشد:

۱. اشق باخا (محله غربی)، که ساکنان آن از طایفه «آرخی» هستند.
۲. یوخر باخا (محله شرقی)) که دو طایفه «گلی» و «بهلهکه» در آن اقامت دارند. طوابیف «کل» و «فانقرمه» نیز در داشته‌اند.

آثار باستانی و تاریخی:

۱. زال تپه
۲. معصوم زاده آرق.^۱
۳. پامق تپه: این تپه تاریخی دوره اسلامی که به شماره ۸۸۶۶ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده، در ۲ کیلومتری شمال غرب روستا واقع گردیده و از ۲ تپه مجاور هم و در امتداد محور شمال جنوب و با فاصله‌ای اندک تشکیل می‌گردد.
۴. تپه آل هاشم: این تپه باستانی متعلق به دوره‌های تاریخی و اسلامی، به شماره ۸۸۶۸ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردیده، در شرق روستای گامیشلی و بر ساحل شمالی شاخه‌ای از رود قره سو قرار گرفته است.
۵. خرگوش تپه: این تپه باستانی در ۱/۵ کیلومتری جنوب غرب روستا واقع شده و قدمت آن به دوران پیش از تاریخ و هزاره اول قبل از میلاد می‌رسد و به شماره ۸۸۶۷ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردیده است.
۶. قومولجه تپه: این تپه باستانی در جنوب روستا و ساحل شمالی

شعبه‌ای از رود قره سو واقع گردیده و قدمت آن به دوران پیش از تاریخ و دوره تاریخی می‌رسد و به شماره ۸۸۷۸ در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

نیازآباد

موقعیت سیاسی: روستای نیازآباد (Niyazabad) مرکز دهستان قره سو غربی بخش سیچوال شهرستان ترکمن می‌باشد.
وجه تسمیه: قدمت آن به اواخر دوره قاجار می‌رسد و جانی یا ساکن اولیه آن نیاز نام داشته است. اکثر اهالی آن کشاورز، دامدار یا صیاد هستند.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۴ دقیقه و ۵۵ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۴ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۲۲ متر است. دهکده در ۳ کیلومتری جنوب شرقی بندر ترکمن قرار دارد. رودخانه قره سو از جنوب آن می‌گذرد.^۱

جمعیت	سال
۳۰۰ نفر	۱۳۲۹
۳۵۳ نفر (۱۷۱ مرد، ۱۸۲ زن)	۱۳۳۵
۱۲۷ خانوار و ۷۱۲ نفر	۱۳۴۵
۱۵۰ خانوار و ۹۶۲ نفر	۱۳۵۵
۱۹۸ خانوار و ۱۳۹۳ نفر (۷۲۲ مرد، ۶۷۱ زن)	۱۳۶۵
۲۵۲ خانوار و ۱۵۹۹ نفر (۸۰۵ مرد، ۷۹۴ زن)	۱۳۷۵

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۸۰/۲۹

۱۳۸۵ ۳۴۴ خانوار و ۷۹۴ نفر (۸۶۶ مرد، ۹۲۸ زن)
 سواد: نرخ باسواند در آن ۰٪۸۱/۰۴ می‌باشد، که در مردان ۵۵/۹۲٪ و
 زنان ۵۶/۷۳٪ است.

هاشمن‌لی

موقعیت سیاسی: روستای هاشمن‌لی (Hashemani) از توابع دهستان جعفری‌بای جنوبی بخش مرکزی شهرستان ترکمن می‌باشد.
وجه تسمیه: نام روستا از طایفه «هاشمن»، که آن را بنا نهادند، اخذ شده است. هاشمن‌ها، در ابتدا ساکن روستای «خواجه نفس» بوده‌اند و سپس به سرپرستی «عبدالله کر» به این مکان کوچ کرده و به چوپانی اشتغال داشته‌اند. وسعت آن در حدود ۵ هکتار می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۸ دقیقه و ۲۱ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه و ۶ ثانیه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۶ متر است. دهکده در ۱۳ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن قرار دارد. اهالی آن ترکمن و حنفی مذهب هستند.^۱

جمعیت	سال
۱۳۳۵ ۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	
۱۳۷۵ ۲۵ خانوار و ۱۶۰ نفر (۸۲ مرد، ۷۸ زن)	
۱۳۸۵ ۲۷ خانوار و ۱۳۵ نفر (۶۷ مرد، ۶۸ زن)	
سواد: نرخ باسواند در آن ۰٪۷۵/۰۹ می‌باشد، که در مردان ۱۵/۸۶٪ و زنان ۵۲/۶۴٪ است.	

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۸۳/۲۹

بافت اجتماعی: ساکنان روستا از ۳ طایفه تشکیل می‌شوند:

۱. هاشمن ۲. شیخ ۳. گُر. مردم آن فوق العاده محروم و مستضعف بوده و بیشتر آنان به مهاجرت‌های ناخواسته روی آورده‌اند.

یموت

موقعیت سیاسی: روستای یموت (Yamut) از توابع دهستان قره‌سو غربی بخش سیچوال شهرستان ترکمن می‌باشد. به آن یموت لر یا یموت هم می‌گویند.

وجه تسمیه: نام روستا از طایفه «یموت» ایل ترکمن اخذ شده است.

موقعیت جغرافیایی: این آبادی جلگه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۴ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۲ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۲۵ متر است. دهکده در یک کیلومتری جنوب بندر ترکمن قرار دارد. اهالی آن ترکمن و سنی مذهب هستند.^۱

جمعیت	سال
۱۴۷ نفر (۶۹ مرد، ۷۸ زن)	۱۳۳۵
۴۹ نفر	۱۳۴۵
۸۳ نفر (۴۴ مرد، ۳۹ زن)	۱۳۶۵
۷۷ نفر (۳۷ مرد، ۴۰ زن)	۱۳۷۵
۸۸ نفر (۴۲ مرد، ۴۶ زن)	۱۳۸۵
سواد: نرخ باسواند در آن ۸۴/۶۱٪ می‌باشد، که در مردان ۹۱/۸۹٪ و زنان ۵۰/۷۸٪ است.	

۱. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۸۴-۱۸۵/۲۹

روستاهای خالی از سکنه

روستای محمد آباد شمالی از توابع دهستان فراغی بخش مرکزی بوده و در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، خالی از سکنه بوده است.

بخش سوم: فرهنگ

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل اول

فرهنگ عمومی

تبرستان

www.tabarestan.info

شهرستان ترکمن نشین

شهرستان بندر ترکمن، یکی از ۶ شهرستان «ترکمن نشین» استان گلستان محسوب می‌گردد. ساکنان آن از طایفه جعفری‌بای بوده و جامعه‌ای یکدست و همگون را در خاور استان پدید آورده است.

فرهنگ غالب ترکمن، به دلیل برخورداری از ویژگی و امتیاز یک «فرهنگ جامع تأثیرگذار»، توانسته است خرد فرهنگ‌های مهاجر را به تابعیت (همزیستی یا ادغام) وادارد.

ظاهر تجلی فرهنگ در رفتارشناسی عمومی مردم شهر و روستا پدیدار است و در باورها، کنش‌ها و منش‌های زندگی فردی و اجتماعی مردم، حرف اول را می‌زند.

در آداب و رسوم سنتی (جشن و سوگ، تولد و وفات، عید و شادی و طب سنتی و باورهای بد و خوب و مانند آن) فرهنگ ترکمنی است که در ذره ذره فرهنگ عمومی مردم جریان می‌یابد.

موسیقی (نوازندگی و خوانندگی) و شعرو داستان و افسانه سرایی این شهرستان، با سرپنجه هنرمندان ترکمن به اعجاز‌آفرینی و خلق آثاری جاودان دست یازیده است.

همه نشانه‌های هنری و فرهنگی این شهرستان، از فرهنگ غنی ترکمن، امکان ظهور یافته‌اند.

۰۴٪ جمعیت دو شهرستان گمیشان بندر ترکمن را ترکمن‌ها به خود اختصاص می‌دهند.

فارس‌ها

تنها ۱۹٪ اهالی دو شهرستان، یعنی ۴۰۹۲ نفر «فارس» هستند.

ترک‌ها

اقلیت قومی «ترک»‌ها اندک هستند و رقم آنها به ۲۳۱۵ نفر (۱/۸۱٪ کل جمعیت شهرستان) می‌رسد.

سیستانی و بلوچستانی‌ها

چهارمین قومیت ساکن در این شهرستان را مهاجران استان «سیستان و بلوچستان» به خود اختصاص داده‌اند و رقم آنها به ۲۰۹۰ نفر (۱/۶۲٪ کل جمعیت شهرستان) از اهالی را تشکیل می‌دهند.

از این تعداد، ۱۹۵۷ نفر زابلی (۱/۵۳٪ کل جمعیت شهرستان) و ۱۳۳ نفر (۱/۰٪ کل جمعیت شهرستان) بلوچی هستند.

کردها

تنها ۰/۰٪ جمعیت را مهاجران «کرد» تشکیل می‌دهند و به عبارت دقیق‌تر ۲۴ کرد، اقلیت کوچک قومیتی را در این منطقه در اختیار دارند.

سایر اقوام ایرانی

۱۶۸۲ نفر یعنی ۱/۳۱٪ کل جمعیت دو شهرستان را سایر اقوام ایرانی تشکیل می‌دهند.

افغانه

۷۰۵۴ افغانی مهاجر، ظاهراً به دلیل اشتغال و امنیت، شهر و روستای محروم را برای اقامت و زندگی خود برگزیده‌اند. این جمعیت قابل اعتماد، سبب اختلال در روند اقتصاد بومی منطقه شده است.

زبان و گویش

اکثریت قریب به اتفاق مردم این شهرستان به فیان ترکمنی سخن می‌گویند. زبان فارسی نیز در این شهرستان رواج دارد.

ترکیب دینی

مسلمانان

۱. حنفی‌ها

شهرستان‌های گمیشان و بندر ترکمن، سنی نشین هستند؛ به گونه‌ای که ۴۸٪/۹۳ مردم آن را پیروان اهل سنت (حنفی) به خود اختصاص داده‌اند.

وجود حوزه‌های علمیه پویا و فعال در روستاهای ترکمن نشین و حضور منسجم و هدفمند علمای حنفی مذهب و اعتقاد راسخ عموم اهالی به کنش و منش و گفتار حکیمانه بزرگان دینی، به ایجاد دو شهرستان کاملاً مذهبی سنتی در این بخش مهم از ایران عزیز کمک کرده است.

۲. شیعیان

تنها ۵۲٪/۶ مردم این دو شهرستان شیعه اثنی عشری هستند. بیشتر

پیروان تشیع عجفری را ترکان مهاجر و شاهروdi ها و خراسانی ها و مازنی ها تشکیل می دهند و در انجام فرایض مذهبی خویش (عید غدیر، محرم، صفر، فاطمیه، جشن تولد یا عزای ائمه اطهار) بسیار کوشانی باشند.

اقلیت های مذهبی

شمار پیروان ادیان قانونی غیر اسلامی دلا شهرستان های بندر ترکمن و گمیشان، قابل ملاحظه می باشد:

۱. مسیحیان:

جمعیت	سال
۲۳ نفر	۱۳۶۵
۱۴ نفر	۱۳۷۵
۶۰ نفر	۱۳۸۵

مسیحیان ترکمنی و گمیشانی، ۹۸/۶٪ مسیحیان استان گلستان را به خود اختصاص می دهند و در رتبه پنجم استان قرار دارند.

مسیحیان این شهرستان به دو گروه تقسیم می گردند:

۱. آشوریان و کلدانیان: ۳۶ نفر

۲. ارامنه: ۲۴ نفر

۲. یهودیان:

۱ نفر	۱۳۶۵
۰ نفر	۱۳۷۵

۳. زرتشیان:

۲۴۹ نفر	۱۳۶۵
۱۶ نفر	۱۳۷۵
۶ نفر (۴ مرد، ۴ زن)	۱۳۸۵

ترکیب سنی اقلیت‌های مذهبی شهرستان‌های گمیشان و ترکمن

گروه سنی	کل اقلیتها	کل مسیحیان	کل کلدانی	آشوری یا کلدانی	ارمنی	مسیحیان	یهودی	زرتشتی	سایر	اظهار نشده
۴۰	۳۹	۸	۷	۱	۰	۰	۰	۰	۳	۲۸
۴۵	۳۳	۶	۴	۲	۰	۰	۰	۱	۳	۲۳
۱۴-۱۰	۳۸	۳	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۳۳
۱۵-۱۹	۶۹	۵	۳	۲	۰	۰	۰	۰	۴	۶۰
۲۰-۲۴	۵۶	۶	۴	۲	۰	۰	۰	۱	۵	۴۴
۲۵-۲۹	۵۵	۸	۶	۲	۰	۰	۰	۰	۳	۴۴
۳۰-۳۴	۳۶	۳	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۲۶
۳۵-۳۹	۱۹	۴	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱
۴۰-۴۴	۱۷	۴	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰
۴۵-۴۹	۲۳	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۱۸
۵۰-۵۴	۲۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷
۵۵-۵۹	۱۵	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۲
۶۰-۶۴	۱۶	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۸
۶۵-۶۹	۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۷۰-۷۴	۸	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶
۷۵-۸۵	۱۱	۴	۱	۳	۰	۰	۰	۰	۱	۴
جمع کل	۴۶۳	۶۰	۳۶	۲۴	۰	۰	۰	۰	۶	۳۴۹

اماکن دینی

شهرستان‌های گمیشان و بندر ترکمن، دارای ۲ زیارتگاه، ۳۳ مسجد، ۵۷ تکیه و حسینیه و ۴ مصلای نماز جمعه می‌باشد.

فعالان علوم قرآنی

شهرستان بندر ترکمن از مراکز مهم ترویج علوم و معارف قرآنی استان گلستان است و مردم آن با علاقه و اشتیاق عجیبی به حفظ، قرائت و تفسیر قرآن و نهج البلاغه می‌پردازند. این شهرستان دارای یک باب مدرسه تخصصی قرآن می‌باشد.

نخبگان علمی

شهرستان‌های ترکمن و گمیشان، تاکنون افتخار تربیت و معرفی ۳ نخبه دارای رتبه علمی و بین المللی را داشته است.

اماکن فرهنگی

در دوره‌ای که شهرستان‌های بندر ترکمن و گمیشان، به نام آبسکون شناخته می‌شد و از اهمیت فوق العاده سیاسی و اقتصادی برخوردار بود، دارای مساجد و مکتب خانه‌ها و نیز مدارس معروفی بوده و ساکنان آن به دانش آموزی پرداخته‌اند.

یاقوت حموی در معجم البلدان و ابن اثیر در لباب فی تهذیب الانساب، از دانشمند محدثی به نام ابوالعلاء آبسکونی نام برده‌اند. ابن اسفندیار نیز از مرگ یک اندیشمند ایرانی در ساحل گمیشان سخن گفته است:

«ابوسعد مظفر بن ابراهیم. امامی مقدم بود در فقه ابوحنیفه و صدر

ادبای عالم و بحر علوم، مدتی در خدمت «صاحب بن عباد» بود و بعد وفات او پیش سید ابوطالب هروني الثائر شد، آن سید در حق او کرامات فرمود، با بسیار مال او راگسیل کرد. در کشتی نشبست تا به آبسکون بیرون آید و به موطن رسد، به دریا غرق شد.^۱

داشته‌های شهرستان‌های بندر ترکمن و گمیشان، در عرصه اماكن

طبرستان

فرهنگی فعال، بسیار محدود است:

۱. مجتمع فرهنگی: ۱ مجتمع فرهنگی هنری به وسعت ۱۴۰۰ متر

مربع

۲. کتابخانه عمومی دولتی: ۳ کتابخانه عمومی (یک باب در شهر بندر ترکمن، به مساحت ۴۵۰ متر مربع، ۲ باب در گمیش تپه و سیمین شهر)

۳. آموزشگاه فرهنگی: ۱ آموزشگاه هنری دولتی، ۲۰ فروشگاه عرصه محصولات فرهنگی، ۱ مرکز آموزش فنی حرفه‌ای و ۱۸ مرکز زیرمجموعه‌ای

۴. کانون و انجمن: ۲ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۵ انجمن هنری دولتی، ۳ انجمن فرهنگی، ۱ مؤسسه فرهنگی، ۱ کانون تبلیغاتی، ۴ کانون فرهنگی هنری مساجد، ۲ کانون فرهنگی تربیتی مدارس، ۱ اردوگاه تربیتی

۵. مراکز فرهنگی هنری خصوصی: ۱۸ مرکز بازی‌های رایانه‌ای، ۳ آژانس ایرانگردی و جهانگردی، ۵ چاپخانه، ۲ کیوسک فروش مطبوعات، ۱ سازمان مردم نهاد (NGO)

۶. پژوهشکده: ۱ پژوهش سرای دانش آموزی

۱. تاریخ طبرستان، ۱۲۸؛ آبسکون یا جزیره آشوراده، ۲۲.

۷. مرکز خبری: ندارد.
۸. مرکز اقامتی: ندارد.
۹. سینما: ندارد. پیش از انقلاب ۲ سینمای فعال داشته، که امروزه هر دو به مخروبه تبدیل شده یا تغییر کاربری یافته‌اند.

تربیت بدنی

اماكن ورزشی شهرستان ترکمن عبارتنداز

الف - تأسیسات سرپوشیده:

۱. سالن وزنه برداری بندر ترکمن، در ابعاد 7×15 متر و وسعت ۱۰۵ متر مربع، که ۴۰ سال پیش، در سال ۱۳۵۰ مورد بهره برداری قرار گرفته است.

۲. سالن ورزشی امام رضا (ع) بندر ترکمن، در ابعاد 28×36 متر و مساحت ۱۰۰۸ متر مربع، که در سال ۱۳۷۰ ساخته شده است.

۳. سالن ورزشی روستای پنج پیکر، به وسعت ۱۲۹۶ متر مربع، که روز ۱۳ بهمن ماه ۱۳۸۷ افتتاح گردیده است.

۴. سالن ورزشی دختران بندر ترکمن، به مساحت ۱۱۵۲ متر مربع، که در بهمن ماه ۱۳۸۸ ساخته شده است.

۵. سالن ورزشی مرکزی بندر ترکمن، به وسعت ۱۱۳۲ متر مربع، که در بهمن ماه ۱۳۸۹ تأسیس گردیده است.

ب - تأسیسات روباز:

۶. استادیوم قاندویم بندر ترکمن، به وسعت ۹۹۰۰ متر مربع، که ۴۴ سال پیش، در سال ۱۳۴۶ مورد بهره برداری قرار گرفته است.

۷. مجموعه سوارکاری بندر ترکمن، به وسعت ۱۳۰۰۰ متر مربع، که در سال ۱۳۴۳ ساخته شده است.

۸. زمین چمن مصنوعی بندر ترکمن، به مساحت ۳۰۰۰ متر مربع، که در بهمن ماه ۱۳۸۵ افتتاح گردیده است.
۹. مجموعه ورزشی روستای چپاقلی، به مساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع، که در سال ۱۳۸۶ ساخته شده است.

قهرمانان ورزشی:

۱. کامبیز کلته، والیبالیست دارنده ملاک برنز جهانی ستان
۲. پرویز فرخی، دارنده مدال طلای آسیایی در شته والیبال ساحلی
پیشکسوتان ورزشی:
- آقایان: ۱. رضا درخشان ۲. محمد نصرت پور ۳. تاج محمد فاضلی
۴. مهدی هخامنشی ۵. عبدالجبار خداوردیان ۶. سیروس گل محمدی
۷. رضا دباغ ۸. کریم پورمیرعلم ۹. تاج محمد آرخی ۱۰. حاجی محمد یلقی ۱۱. اصغر محمودی
- بانوان: ۱. سلیمه کابلی

فصل دوم

فرهنگ و آموزش

تبرستان

www.tabarestan.info

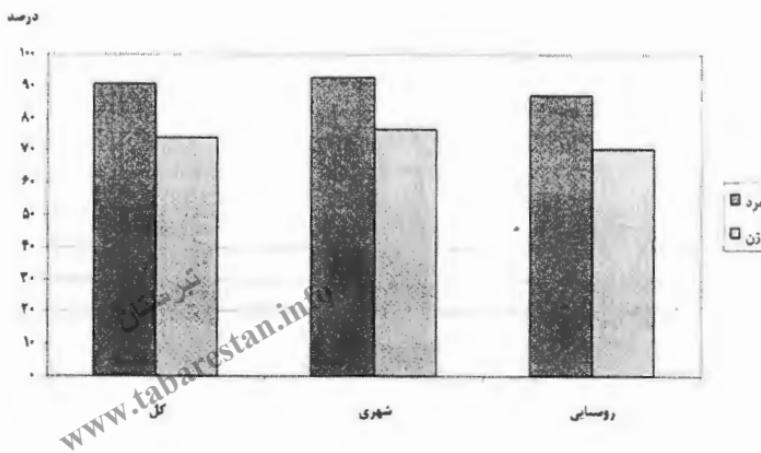
سواواد

در آبان ماه ۱۳۸۵، از کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر شهرستان، ۸۲/۳۴ درصد باسواد بوده‌اند. نسبت باسوادی در گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله ۹۵/۷۴ درصد، در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۸۳/۷۷ درصد و در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر ۱۷/۸۸ درصد بوده است.

ح - درصد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بیشتر بر حسب سن به تفکیک جنس و وضع سکونت

غیر ساکن		ساکن				جمع				سن
		نقاط روستایی		نقاط شهری		مرد	زن	مرد	زن	
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
.	.	۷۰,۴۱	۴۷,۳۶	۷۰,۰۰	۴۷,۰۰	۹۳,۱۲	۷۳,۱۶	۹۰,۷۰	۷۰,۳۴	جمعیت ۶ ساله و بیشتر
.	.	۹۰,۰۰	۶۹,۸۲	۹۰,۰۰	۶۹,۸۲	۹۰,۰۰	۹۰,۰۰	۹۰,۰۰	۹۰,۰۰	۱۰-۱۶ ساله (کودکان)
.	.	۹۰,۱۴	۶۹,۷۷	۹۰,۰۵	۶۹,۰۷	۹۰,۰۷	۹۰,۰۳	۹۰,۰۰	۹۰,۰۰	۱۱-۱۴ ساله (نوجوانان)
.	.	۹۰,۷۷	۶۷,۹۶	۷۰,۰۹	۶۷,۰۷	۷۰,۰۵	۶۷,۰۵	۹۱,۰۵	۸۳,۷۷	جمیعت ۱۵ ساله و بیشتر
.	.	۹۰,۰۷	۶۸,۲۰	۹۰,۰۸	۶۹,۱۱	۹۰,۰۵	۹۰,۰۰	۹۰,۰۰	۹۰,۰۰	۱۵-۲۴ ساله (جوانان)
.	.	۵۰,۰۰	۴۰,۰۰	۵۰,۰۱	۴۰,۰۱	۵۰,۰۰	۴۰,۰۰	۴۰,۰۰	۴۰,۰۰	۲۵-۴۴ ساله (بیان سالان)
.	.	۲,۱۶	۲۲,۰۲	۴,۰۰	۲۷,۰۰	۲,۰۰	۲۱,۰۰	۱۷,۰۰	۱۷,۰۰	۴۵ ساله و بیشتر (برگ‌گسانان)

در کل شهرستان، نسبت باسوادی در بین مردان ۹۰/۷۰ در بین زنان ۷۴/۱۶ درصد بوده است. این نسبت در نقاط شهری برای مردان و زنان به ترتیب ۹۲/۸۲ و ۷۶/۶۰ درصد و در نقاط روستایی ۸۷/۳۶ و ۷۰/۴۱ درصد بوده است.



آموزش عمومی

در آبان ماه ۱۳۸۵، از جمعیت ۶ تا ۲۴ ساله شهرستان ۵۵/۳۱ درصد در حال تحصیل بوده‌اند. این نسبت برای مردان ۵۸/۶۷ درصد و برای زنان ۵۱/۹۷ درصد بوده است.

در کل شهرستان، ۹۴/۷۳ درصد کودکان، ۸۸/۱۱ درصد از نوجوانان و ۲۹/۸۵ درصد از جوانان به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

خ - درصد جمعیت ۶ تا ۲۴ ساله در حال تحصیل سن به تفکیک جنس و وضع سکونت

سن	سکونت										جمع
	نقطه روستایی		نقطه شهری		مرد		زن		مرد و زن		
غير ساكن	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد و زن	
۰-۶ ساله (کودکان)	۵۳/۲۷	۵۶/۱۲	۵۴/۳۷	۵۱/۵۹	۵۱/۹۷	۵۴/۶۷	۵۵/۳۱	۵۴/۸۷	۵۵/۳۱	۵۴/۸۷	جمعیت ۶-۲۴ ساله
۷-۱۱ ساله (نوجوانان)	۶۹/۲۰	۶۳/۸۸	۶۵/۲۶	۶۲/۸۲	۶۴/۹۲	۶۲/۶۲	۶۴/۹۲	۶۲/۶۲	۶۴/۹۲	۶۴/۹۲	
۱۲-۲۴ ساله (جوانان)	۷۲/۱۲	۸۹/۸۰	۹۰/۳۷	۹۲/۸۶	۸۲/۷۷	۹۲/۸۷	۸۲/۷۷	۹۲/۸۷	۸۸/۱۱	۸۸/۱۱	

آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز (بدون بزرگسالان)
به تفکیک منطقه و جنس و محل

دانش آموز			دانش آموز		تعداد				
ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	شهری	روستا	جمع	
۱	آبادشهر	۷۸۳	۱۹۹	۹۶۲	۸۴۷	۱۱۶۰۱	۶۲۷۹	۱۷۸۸۵	
۲	آق قلا	۲۵۰	۹۰۲	۱۹۳۸	۱۰۱۹۸	۶۲۱۱۶	۶۲۱۳۶	۲۱۱۳۶	
۳	پندزیلکمن	۱۰۷	۴۸۹	۹۵۰۱	۵۰۷۸	۱۷۲۷	۲۶۴۹	۱۷۲۷۶	
۴	بندیریز	۱۰۵	۳۹۷	۴۱۰	۴۰۶۲	۲۶۶۶۰	۲۶۶۶	۸۱۳۶	
۵	زنبیان	۱۷۳	۶۶۱	۸۱۷۶	۵۹۰۷	۷۲۲۹	۷۹۰۷	۱۰۱۳۴	
۶	علی آباد	۱۸۴	۹۰۲	۱۱۲۱۲	۱۰۳۵۷	۱۲۹۸۸	۸۰۸۱	۲۱۰۵۹	
۷	گردکوی	۱۰۶	۴۷۹	۲۵۷	۲۵۸	۲۲۸	۷۸۰	۵۱۳	
۸	کلاین	۲۱۶	۹۷۳	۵۲۲	۵۲۲	۹۰۴	۹۰۴	۲۱۰۸	
۹	تالیکش	۱۲۶	۵۳۸	۵۵۲۳	۵۵۶۱	۵۱۷۵	۵۲۱۸	۱۱۶۹۳	
۱۰	گرگان	۵۷۸	۲۰۵۶	۳۸۸۰۷	۳۸۸۰۷	۵۰۰۰	۱۷۷۸۷	۷۴۰۵۲	
۱۱	گمیشان	۱۴۰	۴۹۰	۵۸۹۲	۵۸۱۰	۶۵۱۲	۶۷۹۰	۱۱۳۰۲	
۱۲	گنبدکاووس	۵۶۳	۲۲۳۷	۲۸۷۸۵	۲۸۷۳۴	۲۸۴۳۵	۲۸۴۳۵	۰۰۱۱۸	
۱۳	مراودتپه	۱۴۰	۴۳۷	۵۳۶۲	۴۵۹۳	۲۶۴۰	۲۳۱۷	۹۹۵۷	
۱۴	مینودشت	۱۳۴	۹۰۲	۵۹۵۲	۵۸۸۵	۶۴۶۱	۶۴۶۱	۱۱۰۵۷	
	جمع	۲۰۲	۱۳۰۷۶	۱۳۰۷۶	۱۰۹۹۷۵	۱۰۹۹۷۵	۱۲۹۵۴۹	۲۰۳۷۷	

آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز (بدون بزرگسالان)
به تفکیک منطقه و جنس و محل

ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	شهری	روستایی	دانش آموز		دانش آموز		
								جمع	دانش آموز	دانش آموز	تعداد	
۱	آزادشهر	۱۹۹	۷۸۳	۹۴۰۳	۸۴۷۷	۱۱۶۵۱	۶۲۲۹	۱۷۸۸۰	۶۲۲۹	۱۱۶۵۱	۱۷۸۸۰	
۲	آق قلا	۲۵۰	۹۰۲	۱۹۳۸	۱۷۹۸	۹۰۱۷	۱۲۲۱۹	۲۱۱۳۶	۱۲۲۱۹	۹۰۱۷	۲۱۱۳۶	
۳	بندر ترکمن	۱۰۲	۴۸۹	۶۵۰۱	۵۸۷۵	۹۷۲۷	۲۶۴۹	۱۲۲۷۶	۲۶۴۹	۹۷۲۷	۱۲۲۷۶	
۴	بندرگز	۱۰۵	۳۹۷	۴۱۰۴	۴۰۲۲	۵۴۶۰	۲۶۶۶	۸۱۲۶	۲۶۶۶	۵۴۶۰	۸۱۲۶	
۵	رامیان	۱۷۳	۶۶۱	۸۱۷۶	۶۹۵۷	۷۲۲۹	۷۹۰۴	۱۵۱۳۳	۷۹۰۴	۷۲۲۹	۱۵۱۳۳	
۶	علی آباد	۱۸۴	۹۵۲	۱۱۳۱۲	۱۰۲۵۷	۱۲۹۸۸	۸۵۸۱	۲۱۵۶۹	۸۵۸۱	۱۲۹۸۸	۲۱۵۶۹	
۷	کردکوی	۱۰۱	۴۷۹	۵۲۵۷	۵۲۵۶	۶۲۲۸	۴۲۸۵	۱۰۵۱۳	۴۲۸۵	۶۲۲۸	۱۰۵۱۳	
۸	کلاله	۲۱۶	۹۷۳	۱۱۵۴۳	۹۵۴۲	۸۹۵۲	۱۲۴۹۳	۲۱۰۸۵	۱۲۴۹۳	۸۹۵۲	۲۱۰۸۵	
۹	گالیکش	۱۴۴	۵۲۸	۵۹۳۲	۵۵۶۱	۵۱۷۵	۶۳۱۸	۱۱۴۹۳	۶۳۱۸	۵۱۷۵	۱۱۴۹۳	
۱۰	گرگان	۵۷۸	۳۰۵۶	۳۸۴۴۵	۳۵۶۰۷	۵۶۶۶۵	۱۷۳۸۷	۷۴۰۵۲	۱۷۳۸۷	۵۶۶۶۵	۷۴۰۵۲	
۱۱	گمیشان	۱۴۰	۴۹۰	۵۸۹۲	۵۴۱۰	۶۵۱۲	۴۷۹۰	۱۱۳۰۲	۴۷۹۰	۶۵۱۲	۱۱۳۰۲	
۱۲	گنبدکاووس	۵۶۳	۲۲۲۷	۲۸۷۸۵	۲۶۲۲۳	۲۸۴۸۳	۲۶۶۳۵	۵۵۱۱۸	۲۶۶۳۵	۲۸۴۸۳	۵۵۱۱۸	
۱۳	مراوه تپه	۱۴۰	۴۳۷	۵۲۶۲	۴۵۹۵	۲۶۶۰	۷۳۱۷	۹۹۵۷	۷۳۱۷	۲۶۶۰	۹۹۵۷	
۱۴	مینودشت	۱۳۴	۶۰۲	۶۹۵۲	۶۸۸۵	۶۹۶۱	۶۸۷۶	۱۲۸۳۷	۶۸۷۶	۶۹۶۱	۱۲۸۳۷	
	جمع	۳۰۲۹	۱۳۰۷۶	۱۵۸۶۰۲	۱۴۴۹۷۵	۱۷۷۳۲۸	۱۲۶۲۴۹	۳۰۳۵۷۷	۱۲۶۲۴۹	۱۷۷۳۲۸	۳۰۳۵۷۷	

آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز (بدون بزرگسالان)
به تفکیک منطقه و جنس و محل

دانش آموز			تعداد		منطقه	
جمع	دختر	پسر	کلاس	آموزشگاه	منطقه	ردیف
۱۰۸۸	۳۸۹	۶۹۹	۵۳	۱۷	آزادشهر	۱
۳۱۶	۲۷	۴۸۹		۶	آق قلا	۲
۳۳۷	۶۶	۲۷۱	۱۷	۴	بندر ترکمن	۳
۷۱۱	۲۲۳	۴۸۹	۴۲	۱۲	بندرگز	۴
۵۹	۰	۵۹	۳	۱	رامیان	۵
۱۴۶۱	۶۰۷	۵۸۴	۷۱	۱۶	علی آباد	۶
۶۰۳	۳۲۹	۲۷۴	۳۴	۷	گردگوی	۷
۴۰۳	۰	۴۰۳	۱۷	۵	کلله	۸
۰	۰	۰	۰	۰	گالیکش	۹
۱۱۰۵۱	۴۳۰۶	۶۷۴۵	۵۷۳	۱۰۹	گرگان	۱۰
۰	۰	۰	۰	۰	گمیشان	۱۱
۳۷۱۵	۱۳۹۲	۲۳۲۳	۱۹۹	۴۶	گنبد کاووس	۱۲
۰	۰	۰	۰	۰	مراوه تپه	۱۳
۳۱۳	۲۱۱	۱۰۲	۱۵	۴	مینودشت	۱۴
۱۹۷۵۹	۷۵۴۹	۲۲۵۰۸	۱۰۴۳	۲۲۷	جمع	

**آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز ابتدایی
به تفکیک منطقه و جنس و محل**

ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	شهری	دانش آموز			
							دانش آموز	دانش آموز	جمع	روستایی
۱	آزادشهر	۶۷	۳۴۱	۳۶۶۵	۸۴۷۷۳۴۴۹	۳۷۷۱	۶۲۲۹۳۳۴۳	۷۱۱۴	جمع	
۲	آق قلا	۸۹	۴۱۴	۴۷۵۵	۴۶۵۱	۳۰۲۸	۶۳۷۸	۹۴۰۶		
۳	بندرتورکمن	۴۲	۲۲۶	۴۷۱۵	۲۵۷۵	۳۹۰۸	۱۲۸۲	۵۲۹۰		
۴	بندرگز	۳۶	۱۶۱	۱۵۳۲	۱۵۵۷	۱۷۸۲	۱۳۰۷	۳۰۸۹		
۵	رامیان	۶۸	۳۲۶	۳۷۱۹	۳۳۲۴	۲۳۷۰	۴۶۷۳	۷۰۴۳		
۶	علی آباد	۹۲	۴۶۴	۴۹۷۶	۴۷۷۴	۴۷۶۶	۴۹۸۴	۹۷۵۰		
۷	کردکوی	۴۲	۲۱۳	۲۲۴۳	۲۰۶۸	۲۲۵۳	۲۰۵۸	۴۳۱۱		
۸	کلاله	۱۱۱	۴۸۹	۴۸۰۱	۴۴۸۷	۲۲۸۷	۲۰۰۱	۹۲۸۸		
۹	گالیکش	۶۳	۲۵۰	۲۳۹۸	۲۴۰۴	۱۶۷۹	۳۱۲۳	۴۸۰۲		
۱۰	گرگان	۱۹۶	۱۲۴۹	۱۶۴۱۲	۱۴۸۹۱	۲۱۸۸۶	۹۴۱۷	۳۱۳۰۳		
۱۱	گمیشان	۵۲	۲۱۹	۲۵۹۰	۲۵۰۲	۲۶۴۰	۲۲۵۲	۵۰۹۲		
۱۲	گنبدکاووس	۲۲۸	۱۰۸۴	۱۲۴۶۰	۱۱۵۵۴	۱۰۱۹۰	۱۳۸۲۴	۲۴۰۱۴		
۱۳	مراوه تپه	۸۴	۲۳۲	۲۷۷۵	۲۳۵۵	۵۷۶	۴۲۲۴	۴۸۰۰		
۱۴	مینودشت	۷۹	۳۰۵	۳۰۲۴	۲۸۶۱	۲۲۵۰	۳۶۳۵	۵۸۵		
	جمع	۱۲۴۹	۵۹۷۳	۵۷۷۳۵	۵۳۴۵۲	۵۳۳۸۶	۵۷۸۰۱	۱۳۱۱۸۷		

آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز دوره راهنمایی
به تفکیک منطقه و جنس و محل (به جز بزرگسالان)

ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	دانش آموز		دانش آموز		دانش آموز	دانش آموز	جمع
						شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی		
۱	آزادشهر	۴۱	۷۸۳۱۹۱	۲۴۰۶	۲۲۲۳	۲۹۸۳	۱۶۵۶	۴۶۳۹	۲۷۹۳	۲۳۶۶	۳۰۹۱	۵۱۵۹
۲	آق قلا	۴۸	۲۰۳	۲۷۹۳	۲۳۶۶	۳۰۶۸	۳۰۹۱	۵۱۵۹	۱۲۸۳	۲۲۲۳	۱۶۵۶	۴۶۳۹
۳	بندر ترکمن	۲۷	۱۲۳	۱۸۶۷	۱۲۸۳	۲۳۵۵	۷۹۵	۳۱۵۰	۲۷۹۳	۲۳۶۶	۳۰۶۸	۳۰۹۱
۴	بندرگز	۲۲	۹۳	۱۰۶۲	۹۸۲	۱۳۴۶	۶۹۸	۲۰۴۴	۹۳	۲۲	۹۳	۴۶۳۹
۵	رامیان	۳۹	۱۵۷	۲۱۶۵	۱۷۰۶	۲۰۲۳	۱۸۶۸	۲۸۷۱	۳۹	۳۹	۱۵۷	۲۸۷۱
۶	علی آباد	۵۲	۲۳۳	۳۰۵۸	۲۶۷۸	۳۳۰۰	۲۴۳۶	۵۷۳۶	۵۲	۵۲	۲۳۳	۲۴۳۶
۷	گردکوی	۲۸	۱۱۳	۱۳۹۵	۱۴۱۰	۱۶۸۱	۱۱۲۴	۲۸۰۵	۲۸	۲۸	۱۱۳	۱۱۲۴
۸	کلله	۶۰	۲۵۷	۳۲۲۰	۲۵۴۶	۲۱۴۳	۳۶۳۳	۵۷۷۶	۶۰	۶۰	۲۵۷	۳۶۳۳
۹	گالیکش	۳۴	۱۲۹	۱۶۸۷	۱۳۲۸	۱۲۴۱	۱۷۷۴	۳۰۱۵	۳۴	۳۴	۱۲۹	۱۲۴۱
۱۰	گرگان	۱۴۷	۷۵۸	۹۴۴۶	۸۷۰۲	۱۲۳۹۵	۴۷۵۳۳	۱۸۱۴۸	۱۴۷	۱۴۷	۷۵۸	۱۲۳۹۵
۱۱	گمیشان	۲۹	۱۲۰	۱۵۱۷	۱۲۹۳	۱۶۳۲	۱۱۷۸	۲۸۱۰	۲۹	۲۹	۱۲۰	۱۶۳۲
۱۲	گنبد کاووس	۱۲۹	۵۶۷	۷۷۱۷	۶۶۵۰	۷۱۶۴	۷۲۰۳	۱۴۲۶۷	۱۲۹	۱۲۹	۵۶۷	۷۱۶۴
۱۳	مراوه تپه	۲۳	۱۱۲	۱۶۵۴	۱۱۲۱	۸۹۴	۱۸۸۱	۲۷۷۵	۲۳	۲۳	۱۱۲	۸۹۴
۱۴	مینودشت	۲۸	۱۴۱	۱۷۷۹	۱۸۶۷	۱۵۹۳	۲۰۵۳	۳۴۶	۲۸	۲۸	۱۴۱	۱۵۹۳
	جمع		۷۰۷	۳۱۹۶	۴۱۷۷۶	۴۳۸۱۸	۴۳۱۲۳	۷۷۹۴۱			۷۰۷	۷۷۹۴۱

آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز و دوره متوسطه و پیش
دانشگاهی به تفکیک منطقه و جنس و محل (به جز بزرگسالان)

ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	شهری	دانش آموز		تعداد
							روستایی	جمع	
۱	آزادشهر	۱۸۲	۲۶۲۹	۲۱۴۲	۴۱۶۹	۶۰۲	۴۷۷۱	جمع	
۲	آق قلا	۱۸۶	۲۲۸۸	۲۴۵۹	۳۱۵۵	۱۲۹۷	۴۴۴۷		
۳	بندرتورگمن	۱۱۴	۱۶۰۴	۱۶۰۵	۴۰۷۵	۱۲۴	۳۲۰۹		
۴	بندرگز	۱۱۶	۱۲۶۸	۱۱۸۲	۲۰۳۱	۴۱۹	۲۴۵۰		
۵	رامیان	۱۳۱	۱۷۸۰	۱۴۲۴	۲۳۹۵	۸۰۹	۳۲۰۴		
۶	علی آباد	۴۰	۲۵۵	۲۸۰۵	۴۹۲۲	۱۱۶۱	۶۰۸۳		
۷	کردکوی	۳۱	۱۵۳	۱۶۱۹	۲۲۹۴	۱۱۰۳	۳۳۹۷		
۸	کلاله	۳۴	۲۱۶	۳۳۸۱	۲۴۱۷	۴۰۹۱	۵۷۹۸		
۹	گالیکش	۱۹	۱۱۱	۱۳۸۷	۱۲۸۲	۱۹۰۰	۲۷۶۹		
۱۰	گرگان	۱۳۰	۸۸۴	۱۰۹۰۱	۱۹۱۴۹	۲۰۵۸	۲۱۲۰۷		
۱۱	گمیشان	۲۲۰	۱۰۱	۱۲۷۵	۱۱۴۳	۱۸۰۳	۶۱۵	۲۴۱۸	
۱۲	گنبدکاووس	۹۴	۵۴۲	۷۳۵۳	۶۷۹۷	۱۰۰۵۰	۴۱۰۰	۱۴۱۵۰	
۱۳	مراوهه تپه	۱۱	۶۹	۱۰۱۸	۸۵۲	۱۱۷۰	۷۰۰	۱۸۷۰	
۱۴	مینودشت	۲۷	۱۵۶	۲۱۴۹	۲۱۵۷	۳۱۱۸	۱۱۸۸	۴۳۰۶	
	جمع	۵۳۱	۳۲۱۶	۴۱۹۳۰	۳۸۱۴۹	۶۳۳۲۲	۱۶۷۵۷	۱۰۰۷۹	

**آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز دوره متوسطه
 نظری و فنی و حرفه‌ای و کاردانش) به تفکیک
 منطقه و جنس و محل (به جز بزرگ‌سالان)**

ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	دانش آموز		دانش آموز		تعداد	
						جمع	روستایی	شهری			
۱	آزادشهر	۲۶	۱۶۱	۹۴۰۳	۱۸۹۴	۳۷۱۷	۵۸۰	۴۲۹۷			
۲	آق قلا	۲۶	۱۷۱	۲۱۸۳	۹۹۱۵	۲۸۰۶	۱۲۹۲	۴۰۹۸			
۳	بندر ترکمن	۱۴	۹۰۵	۱۵۲۱	۱۴۳۲	۲۸۱۹	۱۳۴	۲۹۵۳			
۴	بندرگز	۱۷	۱۰۱	۱۱۶۲	۹۸۸	۱۷۳۱	۴۱۹	۲۱۵۰			
۵	رامیان	۲۲	۱۱۷	۱۶۷۴	۱۲۴۵	۲۱۱۰	۸۰۹	۲۹۱۹			
۶	علی آباد	۳۵	۲۲۳	۳۱۰۴	۲۴۲۷	۴۳۷۰	۱۱۶۱	۵۵۳۱			
۷	کردکوی	۲۷	۱۳۸	۱۵۱۰	۱۵۱۴	۱۹۲۱	۱۱۰۳	۳۰۲۴			
۸	کلاله	۲۹	۱۹۱	۳۰۶۲	۲۰۴۸	۳۴۵۶	۱۶۵۴	۵۱۱۰			
۹	گالیکش	۱۷	۱۰۲	۱۳۲۲	۱۲۰۶	۱۶۵۹	۸۶۹	۲۵۲۸			
۱۰	گرگان	۹۸	۷۵۷	۹۶۱۶	۸۷۳۷	۱۶۲۹۵	۲۰۵۸	۱۸۲۵۳			
۱۱	گمیشان	۱۷	۸۸	۱۱۷۶	۹۷۲	۱۵۴۳	۶۱۵	۲۱۴۸			
۱۲	گندکلاوس	۷۵	۴۷۵	۶۷۲۵	۵۹۳۴	۸۵۹۰	۴۰۶۹	۱۲۶۵۹			
۱۳	مراوه تپه	۸	۶۰	۹۴۷	۷۳۸	۱۰۸۱	۶۰۴	۱۶۸۵			
۱۴	مینودشت	۲۲	۱۳۷	۲۰۰۶	۱۸۲۹	۲۶۴۷	۱۱۸۸	۳۳۵			
	جمع	۴۳۳	۲۸۳۶	۳۸۴۱۱	۳۲۸۷۹	۵۴۷۳۵	۱۶۵۵۵	۷۱۲۹۰			

آمار آموزشگاه، کلاس و دانش آموز پیش دانشگاهی
به تفکیک منطقه جنس و محل (به جز بزرگسالان)

ردیف	منطقه	آموزشگاه	کلاس	پسر	دختر	شهری	روستایی	جمع	دانش آموز		دانش آموز		تعداد	
									دانش آموز	دانش آموز	تعداد			
۱	آزادشهر	۵	۲۱	۲۲۶	۲۴۸	۴۵۲	۲۲	۴۷۴	۲۲	۴۵۲	۲۴۸	۴۷۴	۲۲	۲۲
۲	آق قلا	۳	۱۵	۱۰۵	۲۴۴	۲۴۹	۰	۲۴۹	۰	۲۴۹	۲۴۴	۲۴۹	۰	۰
۳	بندر ترکمن	۲	۹	۸۳	۱۷۳	۲۵۶	۰	۲۵۶	۰	۲۵۶	۱۷۳	۲۵۶	۰	۰
۴	بندرگز	۴	۱۵	۱۰۶	۱۹۴	۳۰۰	۰	۳۰۰	۰	۳۰۰	۱۹۴	۳۰۰	۰	۰
۵	رامیان	۶	۱۴	۱۰۶	۱۷۹	۲۸۵	۰	۲۸۵	۰	۲۸۵	۱۷۹	۲۸۵	۰	۰
۶	علی آباد	۵	۲۲	۱۷۴	۳۷۸	۵۵۲	۰	۵۵۲	۰	۵۵۲	۳۷۸	۵۵۲	۰	۰
۷	کردکوی	۴	۱۵	۱۰۹	۲۶۴	۳۷۳	۰	۳۷۳	۰	۳۷۳	۲۶۴	۳۷۳	۰	۰
۸	کلاله	۵	۲۵	۲۱۹	۳۶۹	۶۳۵	۵۳	۶۸۸	۵۳	۶۳۵	۳۶۹	۶۳۵	۵۳	۵۳
۹	گالیکش	۲	۹	۶۵	۱۷۶	۲۴۱	۰	۲۴۱	۰	۲۴۱	۱۷۶	۲۴۱	۰	۰
۱۰	گرگان	۳۲	۱۲۷	۱۲۸۵	۱۵۶۹	۲۸۵۴	۰	۲۸۵۴	۰	۲۸۵۴	۱۵۶۹	۲۸۵۴	۰	۰
۱۱	گمیشان	۳	۱۳	۹۹	۱۷۱	۲۷۰	۰	۲۷۰	۰	۲۷۰	۱۷۱	۲۷۰	۰	۰
۱۲	گنبد کاووس	۱۹	۶۷	۶۲۸	۸۶۳	۱۴۶۰	۳۱	۱۴۹۱	۳۱	۱۴۶۰	۸۶۳	۱۴۶۰	۳۱	۳۱
۱۳	مراوه تپه	۳	۹	۷۱	۱۱۴	۸۹	۹۶	۱۸۵	۹۶	۸۹	۱۱۴	۸۹	۹۶	۹۶
۱۴	مینودشت	۵	۱۹	۱۴۳	۳۲۸	۴۷۱	۰	۴۷۱	۰	۴۷۱	۳۲۸	۴۷۱	۰	۰
	جمع		۹۸	۲۸۰	۲۵۱۹	۵۲۷۰	۸۵۸۷	۲۰۲	۲۰۲	۸۵۸۷	۵۲۷۰	۸۵۸۷	۲۰۲	۲۰۲

آمار پرسنل رسمی و پیمانی استان گلستان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹

منطقه	مرد	زن	کل	درصد مرد	درصد زن
آزادشهر	۶۶۷	۵۳۸	۱۲۰۵	۵۵/۳۵	۴۴/۶۵
آق قلا	۷۴۸	۵۰۷	۱۵۵	۵۹/۶۰	۴۰/۴۰
بندر ترکمن	۴۷۵	۳۴۴	۸۱۹	۵۸/۰۰	۴۲/۰۰
بندرگز	۳۵۹	۲۹۰	۶۴۹	۵۵/۲۲	۴۴/۶۸
رامیان	۵۹۰	۴۶۵	۱۰۵۵	۵۵/۹۲	۴۴/۸
علی آباد	۸۱۷	۶۹۵	۱۵۱۲	۵۸/۰۳	۴۵/۹۷
کردکوی	۴۳۸	۴۰۸	۸۴۶	۵۱/۷۷	۴۸/۲۳
کلاله	۹۵۶	۳۹۰	۱۳۴۶	۷۱/۰۳	۲۸/۹۷
گالیکش	۵۳۵	۳۴۴	۸۷۹	۶۰/۸۶	۳۹/۱۴
گرگان	۱۹۴۵	۲۳۳۶	۴۲۸۱	۴۵/۴۳	۵۴/۵۷
گمیشان	۴۸۵	۱۹۳	۶۷۸	۷۱/۵۳	۲۸/۴۷
گنبد کاووس	۱۸۰۲	۱۳۶۳	۳۱۶۵	۵۶/۹۴	۴۳/۰۶
مراوه تپه	۴۰۳	۱۰۰	۵۰۳	۸۰/۱۲	۱۹/۸۸
مینودشت	۵۵۴	۴۹۵	۱۰۴۹	۵۲/۸۱	۴۷/۱۹
سازمان	۱۶۹	۷	۱۷۶	۹۶/۰۲	۳/۹۸
جمع	۱۰۹۴۳	۸۴۷۵	۱۹۴۱۸	۵۶/۳۵	۴۳/۶۵

دانشگاه‌ها

برآورد دانش آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسه‌ات آموزش عالی
بر حسب سن و آخرین مدرک تحصیلی بندرترکمن

جمع	اطهارنشده	دکترا	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	جنس و سن
۰	۰	۰	۰	۰	۰	ساله و کمتر ۱۶
۱	۰	۰	۰	۰	۱	ساله ۱۷-۱۹
۵۱۰	۰	۰	۰	۱۶۵	۳۴۵	ساله ۲۰-۲۴
۱۰۳۲	۰	۰	۲۸	۵۸۸	۴۱۵	ساله ۲۵-۲۹
۸۷۳	۸	۷	۶۱	۵۳۸	۲۵۸	ساله ۳۰-۳۴
۵۷۷	۰	۰	۲۸	۲۳۱	۲۱۹	ساله ۳۵-۳۹
۵۶۰	۰	۰	۴۴	۲۰۴	۲۱۳	ساله ۴۰-۴۴
۴۸۹	۰	۰	۲۴	۱۶۸	۲۹۷	ساله ۴۵-۴۹
۳۰۷	۰	۰	۰	۷۵	۲۳۲	ساله ۵۰-۵۴
۱۲۷	۰	۰	۸	۵۷	۶۱	ساله ۵۵-۵۹
۴۰	۰	۰	۱۶	۸	۱۶	ساله ۶۰-۶۴
۳۶	۰	۰	۰	۰	۳۶	ساله ۶۵-۶۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	ساله ۷۰-۷۴
۰	۰	۰	۰	۰	۰	ساله و بیشتر ۷۵
۴۵۵۲	۸	۷	۲۱۰	۲۲۳۴	۲۰۹۳	کل

**برآورد دانش آموختگان دانشگاهها و مؤسسات
آموزش عالی بر حسب گروه‌های عمدۀ رشته تحصیلی و آخرين
مدرک تحصیلی بندر ترکمن**

جمع	اظهارنشده	دکترا	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	فوقهای تحصیلی
۸۲۲	۰	۰	۱۷	۳۷۰	۴۳۵	علوم تربیتی
۸۴۳	۸	۰	۴۹	۴۲۱	۳۷۲	علوم انسانی و هنر
۹۲۹	۰	۰	۳۱	۵۷۳	۳۲۴	علوم اجتماعی
۳۳۷	۰	۰	۰	۲۵۸	۷۹	علوم ریاضیات
۳۰۷	۰	۰	۱۵	۹۳	۱۹۹	مهندسی
۳۹۲	۰	۰	۲۰	۲۲۴	۱۴۸	کشاورزی
۴۰۰	۰	۷	۵۶	۱۱۴	۲۲۳	بهداشت و رفاه
۲۳۵	۰	۰	۱۰	۱۳۸	۸۷	خدمات
۲۸۷	۰	۰	۱۸	۴۲	۲۲۶	نامشخص
۴۵۵۲	۸	۷	۲۱۰	۲۲۳۴	۲۰۹۳	کل

مراکز آموزش عالی

این شهرستان بسیار کوچک، از نعمت یک مرکز آموزش عالی جامع و معتبر محروم است. دانشگاه پیام نور واحد بندر ترکمن با ۲۵۰۰ دانشجو در ۱۸ رشته، تنها دارایی آن محسوب شده و دارایی دیگرش، وعده مدیران شهرستان، در جهت راه اندازی یک مرکز دانشگاه آزاد اسلامی (وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی گرگان) است.^۱ همین و بندر ترکمن

استادان دانشگاه

بهروز اخلاقی

استاد فرهیخته و حقوقدان فرزانه، دکتر بهروز اخلاقی، در سال ۱۳۱۶ در بندر ترکمن به دنیا آمد.

پدرش، محمد علی با توجه به این که در سازمان تازه تأسیس «راه آهن» استخدام شده بود، به ایستگاه راه آهن «بندرشاه» (بندر ترکمن کنونی) انتقال یافته و بهروز، نخستین فرزند خانواده بود.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان دانش ساری آغاز کرد و سپس آن را در دیگر شهرهای ساحل دریای خزر (شاهی، بندرگز و ترکمن) ادامه داد. به علت ابتلا به بیماری «تب مالت»، پدرش مجبور شد به تهران مهاجرت کند و بهروز نیز دیپلم متوسطه را در سال ۱۳۴۰ از دبیرستان بوعلی سینای تهران اخذ نمود.

همزمان با تحصیلات مقطع متوسطه، موفق شد ۲ زبان عربی (در دارالعلوم العربیه) و فرانسوی (در انجمن ایران و فرانسه) را فراغت دارد.^۱

۱. چهره‌ها در تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدله نوین، ۲۷۸.

سپس وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گردید^۱ و مدرک کارشناسی «علوم قضایی» (۱۳۴۳) اخذ نمود و در بانک اعتبارات ایران^۲ به عنوان «مشاور حقوقی» به فعالیت پرداخت.

در ۲۷ سالگی دوره دکتری تخصصی رشته «حقوق خصوصی» را در دانشگاه تهران آغاز نمود، اما در سال ۱۳۴۴ با استفاده از بورس تحصیلی اعطایی دولت فرانسه، رهسپار پاریس^۳ شد. این بورسیه توسط «انجمن فرهنگی ایران و فرانسه» ترتیب داده شده بود و یکی از شروط اصلی آن تسلط به زبان فرانسوی بود.

یک سال بعد، در دانشکده «حقوق و علوم اقتصادی» دانشگاه «اکس»^۴ بندر تاریخی «مارسی»^۵ دوره دکترای تخصصی (ph.D) حقوق خصوصی را آغاز کرد و در ۱۳۵۰ با دفاع از تز خویش به نام «سازمان هوایپمایی کشور در ایران و سرزمین آریایی» (به راهنمایی پروفسور دول پرادل)^۶ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی گردید.

وی علاوه بر تحصیل دوره دکتری در فرانسه، به دوره کارشناسی «زبان و ادبیات عربی» آن دانشگاه نیز راه یافت و یک بار از طرف آن دانشکده برای طی دوره کوتاه مدت آموزشی پژوهشی به چند کشور آسیایی و آفریقایی عرب زبان (الجزایر، تونس، عراق، لبنان) سفر کرد.

۱. وی همزمان تحصیل در رشته «زبان و ادبیات فرانسه» را در دانشکده ادبیات آغاز کرد، ولی در سال سوم به ناچار مجبور گردید به دلیل منع شدن تحصیل همزمان در ۲ رشته، رشته زبان فرانسه را ناتمام بگذارد.
۲. بانک تجارت کنونی.

3. Aix.

4. Marseills.

5. Prof.De la Pradelle.

۶. استاد دیگرش پروفسور آدینه (Prof.Audinet) نام داشت.

بنا به پیشنهاد مدیران دانشگاه مارسی، مدتی نیز به تدریس «زبان و ادبیات فارسی» در دانشکده ادبیات همت گماشت.

در بازگشت به ایران، در سال ۱۳۵۰ با رتبه «استادیاری» عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۳۵۵ با استفاده از فرصت مطالعاتی یک ساله در زمینه حقوق تجارت و حقوق تجارت بین الملل به دانشگاه «آکسفورد» انگلستان رفت. در بازگشت به رتبه «دانشیاری» ارتقا یافت و از سال ۱۳۶۹ با عنوان «وکیل پایه یک دادگستری» در زمینه‌های «حقوق تجارت بین الملل»، «قراردادهای تجاری بین المللی» و «سرمایه گذاری‌های خارجی» به وکالت پرداخت.

مهتمترین سمت‌ها، عناوین و مناصب ایشان عبارت است از:

۱. معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده حقوق (۱۳۵۱).
۲. سرپرست امور دانشجویی دانشکده حقوق (۱۳۵۳-۱۳۵۴).
۳. مدیر کتابخانه دانشکده حقوق (۱۳۵۵).
۴. مدیر گروه حقوق عمومی (۱۳۵۵-۱۳۵۷).

در ضمن عضو انجمن‌ها و مراکز مطالعات بین المللی گوناگونی است از جمله:

۱. انجمن بین المللی وکلای دادگستری (IBA) از ۱۳۷۳ تاکنون.
۲. کانون وکلای دادگستری ایران (از ۱۳۶۰ تاکنون).
۳. انجمن حقوقی آسیا و اقیانوسیه (Asia law) از ۱۳۷۳ تاکنون.
۴. کانون وکلای دادگستری ایالات متحده آمریکا (ABA) از ۱۳۷۴ تاکنون.

۵. مرکز مطالعات حقوق بین المللی (CILS) از ۱۳۷۶ تاکنون.
۶. کنسرسیوم حقوق تجارت بین الملل (IBLC) از ۱۳۷۶ تاکنون.
۷. انجمن حقوق خصوصی ایران (تأسیس و مدیریت) از ۱۳۷۵ تاکنون.

ایشان مقالات علمی و پژوهشی متعددی در کنگره‌ها همایش‌ها و کنفرانس‌های بین المللی داخلی و خارجی (مانند سوئد، هندوستان، آلمان، چین) ارائه کرده، که مورد اقبال و استقبال جوامع علمی جهانی قرار گرفته است.^۱

آثار منتشره این شخصیت علمی بر جسته کشور عبارت است از:

۱. اصول قراردادهای تجاري بین المللی. تهران: شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۲. حقوق اتحادیه اروپا (مایک کاتبرت). تهران: شهر دانش، ۱۳۸۰.
۳. حقوق تجارت بین الملل (کلاتومک میلان اشمیتوف). تهران: سمت، ۱۳۷۸، دو جلد.
۴. حقوق تجارت. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بی تا.

مجید اونق

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر مجید اونق، روز اول فروردین ماه ۱۳۳۵ در روستای پنج پیکر دیده به دنیا گشود. وی پس از اخذ مدرک دکترای تخصصی (Ph.D) ژئومورفولوژی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی (۱۳۷۱)، اینک با رتبه علمی

۱. بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور، ۳۳/۳؛ فرهنگ ناموران معاصر ایران، ۲۴۹/۲ - ۲۵۰ -

«دانشیاری» در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به تدریس اشتغال دارد.

سردبیری فصلنامه پژوهشی علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، عضویت در شوراهای پژوهشی و هیئت مدیره دانشگاه و نیز مدیریت گروه مدیریت مناطق بیابانی و آبخیزداری دانشگاه، بخشی از کارنامه مدیریتی این فرهیخته دانشگاهی ۵۵ ساله ترکمن صورت داشت.

رحمان پاتیمار

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر رحمان پاتیمار، در سال ۱۳۴۹ در شهرستان ترکمن چشم به جهان گشود.

وی پس از اخذ مدرک دکترای تخصصی شیلات از دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (۱۳۸۲)، به تدریس در دانشگاه‌های گندکاووس و علوم کشاورزی و منابع طبیعی گلستان، با رتبه علمی «استادیاری» اشتغال دارد.

این پژوهشگر ۴۱ ساله، در حال حاضر، معاون پژوهشی دانشگاه گندکاووس و عضو شورای صنفی اساتید دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان بوده و به زبان‌های فارسی، ترکمنی، روسی و انگلیسی تسلط دارد.

عبدالوهاب پورقاز

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر عبدالوهاب پورقاز، در سال ۱۳۳۵ در بندر ترکمن چشم به جهان گشود.

پس از اخذ دیپلم، به هندوستان سفر کرد و تحصیلات عالیه خود را در دانشگاه چندیگر پنجاب به انجام رساند و موفق به دریافت مدرک

کارشناسی اقتصاد (۱۳۶۲)، کارشناسی ارشد علوم تربیتی (۱۳۶۴) و دکتری تخصصی (Ph.D) علوم تربیتی (۱۳۷۳) گردید.

از سال ۱۳۷۱، به عضویت هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان، با رتبه علمی «استادیاری» درآمد و در حال حاضر با رتبه (دانشیاری) به تدریس و تحقیق اشتغال دارد.

مدیریت گروه آموزشی علوم تربیتی (۱۳۸۲-۱۳۷۶)، مدیر کلی پژوهش دانشگاه و انتشار دهها مقاله بین المللی ISI، ذر کارنامه علمی و اجرایی ایشان به چشم می خورد.

تنها اثر منتشره این دانشمند فرزانه ۵۵ ساله عبارت است از:

۱. کاربرdroosh های آماری توصیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی.

زاده‌ان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۴.

عراز دوردی توMag

چهره نامدار و پژوهشگر بین المللی، پروفسور عراز دوردی توMag، روز ۳ فروردین ماه ۱۳۳۰ در روستای سیجوال چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را تا سال چهارم در دبستان «بهرام» سیجوال و پنجم و ششم ابتدایی را در دبستان «انصاری» بندرترکمن و مقطع متوسطه را در دبیرستان «هدایت» ترکمن گذرانده و پس از اخذ دیپلم، موفق به دریافت مدرک کارشناسی مهندسی کشاورزی از دانشگاه پهلوی شیراز و کارشناسی ارشد پاتولوژی از دانشگاه شیراز گردیده و با استفاده از بورسیه دانشگاه برای دانشجویان ممتاز، در سپتامبر ۱۹۷۶م. به ایالات متحده امریکا رفت.

پس از اخذ کارشناسی ارشد از دانشگاه دیویس کالیفرنیا در رشته فیزیولوژی گیاهی، موفق به دریافت مدرک دکترای تخصصی

(Ph.d) بیوشیمی میوه از دانشگاه اورگان استیت یونیورسیتی (۱۹۸۴م.) گردید.

در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۸م. عضو هیئت علمی گروه بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه ایالتی اورگان بوده و همزمان در مورد فعالیت آنزیم تلومراز در گونه‌های پستاندار و غیر پستاندار به تحقیق پرداخت. این نخبه علمی پژوهش‌های سلول بنیادی، در حال حاضر، در یک کمپانی خصوصی در ایالات متحده امریکا به نام...به عنوان «محقق علمی ارشد» بر روی فیزیولوژی و بیولوژی سلولی فعالیت می‌کند. دو پژوهه مهم ایشان، تحقیق بر روی «تکنولوژی رشد سلول‌های بنیادی، به ویژه سلول‌های بنیادی، به ویژه سلول‌های بنیادی جنینی» و «کانسراستم سل» می‌باشد.

عبدالمجید حاجی مرادلو

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر عبدالمجید حاجی مرادلو، روز اول خرداد ماه ۱۳۴۰ در شهرستان بندر ترکمن زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «سیروس»، مقطع راهنمایی را در مدرسه «کورش» و دوره متوسطه را در دبیرستان «ایرانشهر» گرگان گذراند. پس از اخذ دکترای تخصصی (Ph.d) بهداشت و بیماری‌های آبزیان از دانشگاه تهران (۱۳۷۹)، به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، با رتبه علمی «دانشیاری» به تدریس اشتغال دارد.

تدریس در دانشگاه تربیت مدرس تهران، مدیریت گروه شیلات و معاونت آموزشی دانشکده شیلات و مرتع دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گلستان، در کارنامه آموزشی ایشان به چشم می‌خورد.

در ضمن، عضو هیئت تحریریه فصلنامه پژوهشی «شیلات» (وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر) بوده و تاکنون ۲ مقاله بین المللی ISI منتشر نموده است.

تنهای اثر منتشره این محقق ۵۰ ساله عبارت است از:

۱. زیست‌شناسی جانوری (رشته زیست‌شناسی). تهران: دانشگاه

پیام نور، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸.

تبرستان

مسعود خوش نیا

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر مسعود خوش نیا، در شهر بندر ترکمن چشم به جهان گشود.

وب با داشتن مدرک دکترای فوق تخصصی گوارش، در دانشگاه علوم پزشکی گلستان، با رتبه علمی «استادیاری» به تدریس اشتغال دارد.

رضا شاهسونی

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر رضا شاهسونی، روز ۱۰ شهریور ۱۳۴۷ در شهر بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

پس از اخذ دیپلم، موفق به دریافت مدرک پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی ایران (۱۳۷۳)، تخصص داخلی از دانشگاه علوم پزشکی ایران (۱۳۷۶) و فوق تخصص خون و سرطان بالغین (هماتولوژی) از دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۸۷) با کسب رتبه دوم گردید.

وی در حال حاضر، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان با رتبه علمی «استادیاری» بوده و در کارنامه اجرایی ایشان، ریاست بیمارستان ۷ تیر بیجار کردستان (۱۳۷۹-۱۳۸۱) به چشم می‌خورد.

داوود فتحی

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر داوود فتحی، روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۱ در بندر ترکمن زاده شد.

پس از اخذ دیپلم، موفق به دریافت مدرک دکترای حرفه‌ای از دانشگاه علوم پزشکی مازندران (۱۳۷۷) و تخصص داخلی (اورولوژی) از دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۸۳) گردید. این استاد ۳۹ ساله، در حال حاضر عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، با رتبه علمی «استادیاری» می‌باشد.

حاج قلی کمی

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر حاج قلی کمی، در ۱۳ اردی بهشت ۱۳۴۴ در شهرستان بندر ترکمن زاده شد.

پس از اخذ دیپلم، تحصیلات عالیه را در رشته علوم جانوری پس گرفت و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد علوم جانوری از دانشگاه تهران (۱۳۷۰) و دکترای تخصصی (Ph.D) شیلات، از دانشگاه مشترک ایران - روسیه آستراخان (۱۳۸۶)، در حال حاضر در دانشگاه‌های گلستان و علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و دانشگاه دامغان به تدریس اشتغال دارد.

وی از نخبگان علوم جانوری در منطقه و پژوهشگر صاحب‌نظر در امور مربوط به دوزیستان، سوسنوارها، لاکپشت‌ها و کروکودیل ایرانی می‌باشد، که تاکنون ۱۱ مقاله بین‌المللی ISI و بیش از ۵۰ مقاله پژوهشی در مجلات معتبر خارجی و داخلی از وی انتشار یافته و در ساقمه کاری و اجرایی ایشان، کارشناسی ارشد بخش خزنده‌گان «موزه تاریخ طبیعی ایران» مدیریت گروه زیست‌شناسی دانشگاه علوم طبیعی گرگان و تدریس

در دانشگاه کرج (آموزشگاه محیط‌زیست) و همکاری فعال و مرجع‌گونه با سازمان حفاظت زیست کشور، به چشم می‌خورد.

مهم‌ترین آثار منتشره این محقق ۴۶ ساله عبارت است از:

۱. تمساح، پرورش و حفاظت. تهران: روز نو، ۱۳۸۶.
۲. جانورشناسی بی‌مهرگان. گرگان: مختومقلی، ۱۳۸۵.
۳. دوزیستان ایران. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۴. کتاب درسی حشره‌شناسی عمومی ایمز (الف. دبليو، ریچارد رزوآر. جی. دیویس). گرگان: مختومقلی، ۱۳۸۰، جلد اول.

محمد مقامی نیا

پژوهشگر و استاد دانشگاه، دکتر محمد مقامی نیا، در سال ۱۳۴۵ در شهرستان ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی با داشتن مدرک دکترای تخصصی (ph.D) حقوق، به عنوان عضو هیئت علمی، در دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر، با رتبه علمی «استادیاری» به تدریس اشتغال دارد.

حوزه‌های علمیه

مدارس اهل سنت (حنفی)

تقریباً در اکثر روستاهای تاریخی و پرجمعیت این شهرستان و خود شهر بندر ترکمن، مدارس علمیه اهل سنت دایر است و طلاب و فضلای حنفی مذهب در آن به تحصیل رایگان و شبانه‌روزی اشتغال دارند.

مهم‌ترین این حوزه‌های علمیه عبارتند از:

۱. جامعه اعظمیه:

این حوزه علمیه در سال ۱۳۷۵ به همت «استاد قربان آخوند اونق» تأسیس گردیده و بیش از ۱۴ سال است که این استاد فرهیخته، تدریس و مدیریت این مرکز دینی را بر عهده دارد.

این مدرسه معتبر اهل سنت حنفی، در حال حاضر، ۵۰ طلبه تمام وقت دارد. «الله بردى آخوند کر»، به عنوان مدیر داخلی و استادان «شاه محمد آخوند قراقول»، «خدر آخوند احمدی کلن» و «مراد آخوند طریک» به عنوان «مدرس» در آن به فعالیت مشغول می باشند.

۲. حوزه علمیه قره تپه:

این مدرسه علمیه در سال ۱۳۲۱، توسط «استاد خان قلیچ آخوند» ساخته شده و پس از وی، فرزندش «استاد عبدالجبار آخوند میرابی»، تدریس و مدیریت آن را بر عهده گرفت.

در حال حاضر، ۱۸ طلبه شبانه روزی دارد و استادانی چون «عبدالخالق آخوند میرابی»، «عبدالوهاب آخوند امینی» و «حال قلیچ آخوند پردان» در آن به تدریس اشتغال دارند.

۳. حوزه علمیه قبا در شهر بندر ترکمن.

۴. حوزه علمیه تحفیظ القرآن الکریم:

این حوزه علمیه در سال ۱۳۷۴، که بزرگترین مرکز تربیت قاریان و حافظان معتقد و متدين قرآن کریم در شمال کشور است، به کوشش «استاد کریم آخون قاری کر» تأسیس شده و در ابتداء با ۳ حجره و ۳۰ طلبه جوان آغاز به کار نمود، در حالی که امروزه بیش از ۱۰۰ طلبه مستعد، در ۱۰ حجره مجهز، به صورت شبانه روزی و رایگان و با بهره‌گیری از تمام امکانات رفاهی و بهداشتی، به تحصیل علوم و معارف اسلامی و فراغیری علوم قرآنی مشغول هستند.

ساختمان جدید آن در ۲ طبقه باشکوه بنا شده و شامل دو بخش می‌باشد:

۱. سالن بزرگ تکرارخانه، در ۲۰۰ متر مربع و ۸ حجره.
۲. مسجد حوزه، با زیربنای ۲۵۰ متر مربع، در ۲ طبقه.

مفاخر حوزوی حنفی

آدینه جان آخوند

فقیه عالی مقام و دانشمند، استاد آدینه جان آخوند، در سال ۱۲۶۰ در روستای باش یوسقه (پنج پیکر امروزی) دیده به دنیا گشود. معارف اسلامی را در مدارس دینی شهر «بخارای شریف» فراگرفته و بعد از فیض بردن از محضر استادان مشهور آن دیار، به تدریس در حوزه‌های علمیه و ارشاد و هدایت مؤمنان پرداخت. سرانجام در سن ۵۳ سالگی، در روز ۱۹ بهمن ماه ۱۳۱۳، جان به جان آفرین تسلیم نمود.

مسلم آخوند ایری

استاد نام آور و روحانی معاصر ترکمن، استاد مسلم آخوند ایری، معروف به « حاجی بردى قاری »، روز اول فروردین ماه ۱۳۰۸ در روستای پنج پیکر دیده به جهان گشود. وی یکی از حافظان کل قران و مدرسان معروف ترکمن صحراء محسوب می‌شود.

تحصیلات دینی خود را از سن ۱۲ سالگی، در حوزه علمیه پنج پیکر، نزد پدرش « استاد خوجه گلدی قاری » آغاز کرد. سپس به حوزه علمیه

«قارقی» رفت و از محضر استاد «قربان آخوند اراده‌ای» کسب فیض نمود و در سال ۱۳۳۴ فارغ التحصیل گردید.

از آن پس، مدیریت و استادی حوزه علمیه روستای پنج پیکر را بر عهده گرفته است. در ضمن، امام جمعه این روستا نیز می‌باشد.

کریم آخوند کر

فقیه عالیقدر و عالم فرزانه، استاد کریم آخوند قاری کر، در روز ۳ دی ماه ۱۳۳۹، در شهر بندر ترکمن پای به دایره هستی نهاد.

وی تحصیلات قرآن کریم را در شهرها و روستاهای مختلف استان گلستان با علاقه و استعداد فوق العاده گذراند. در ابتدا در دار القرآن روستای آق قمیش شهرستان گالیکش، زیر نظر «استاد نورجان آخوند قاری» (۲ سال) و سپس در روستای پنج پیکر، نزد «استاد مسلم قاری ایری» (۶ سال) قرآن را فراگرفت و حافظ کل قرآن شده و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل گردید.

آن گاه برای آموختن معارف اسلامی، به «حوزه علمیه قارقی» رفته و ۱۲ سال از محضر «استاد قربان آخوند اراده‌ای» و سپس ۴ سال نزد «استاد حاجی محمد آخوند عابدی کر» در «حوزه علمیه قبای بندر ترکمن» کسب فیض نموده و به درجه «آخوندی» نائل گشت.

وی در سال ۱۳۷۴، بزرگترین مرکز علوم قرآنی استان گلستان را به نام «حوزه علمیه تحفیظ القرآن الحکیم» در شهر بندر ترکمن تأسیس کرده و در حال حاضر، مدیریت آن را نیز بر عهده دارد.

جبار آخوند میرابی

فقیه عالیقدر و عالم فرزانه، استاد عبدالجبار آخوند میرابی، در روز ۳ فروردین ماه ۱۳۳۷، در روستای قره تپه چشم به دنیا گشود.

تحصیلات دینی خود را در «حوزه علمیه عرفانی قره‌بلاغ» نزد «استاد حاج یار محمد آخوند نظری» گذرانده و در سال ۱۳۶۶ به درجه «آخوندی» نائل گردید.

در بازگشت به زادگاهش، مدیریت «حوزه علمیه قره‌تپه» را بر عهده گرفت و به تدریس در آن پرداخت. مدتی نیز کارشناس مذهبی رادیو گرگان بوده است.

تبرستان

حوزه‌های علمیه اهل تشیع (جعفری)

با آن که کل شیعیان اثنی عشری شهرستان بندر ترکمن، از ۷٪ تجاوز نمی‌کند، اما دو مدرسه علمیه در آن فعال هستند:

الف. برادران

۱. مدرسه علمیه امام صادق (ع)، واقع در شهر بندر ترکمن، خیابان آزادی، مسجد جامع شیعیان بندر ترکمن، که مدیریت آن بر عهده حجت‌الاسلام علی رجبی است.

ب. خواهران

۲. مدرسه علمیه فاطمه زهرا (س)، واقع در شهر بندر ترکمن.

فصل سوم

مشاهیر فرهنگ و هنر

تبرستان
www.tabarestan.info

فیلم و تئاتر

منصور تهرانی

ترانه سرا، بازیگر، نویسنده و کارگردان نامدار تاریخ ایران، سید منصور قبله تهرانی، معروف به منصور تهرانی، در سال ۱۳۲۲ در بندر ترکمن پای به دایره هستی نهاد.

پس از اخذ دیپلم ۷ در سال ۱۳۵۰ به «آهنگسازی برای سودها»، از سال ۱۳۵۲، فعالیت در سینما و از سال ۱۳۶۶ به فعالیت هنری در تلویزیون پرداخت.

وی سراینده و خواننده ترانه‌های جاودان یار دبستانی من و گل گندم می‌باشد. در کارنامه درخشان وی، فعالیت در دهها فیلم و نمایش به چشم می‌خورد:

نوع فعالیت	نام فیلم
۱. کلاع پر (۱۳۵۲)	کارگردان (فیلم کوتاه)
۲. مظفر (۱۳۵۳)	نویسنده فیلم‌نامه
۳. بوف کور (۱۳۵۴)	تهیه کننده
۴. شب زخمی (۱۳۵۶)	تنظيم موسیقی، شاعر

۵. باع بلور (۱۳۵۸) نویسنده فیلم‌نامه، آهنگساز، شاعر
۶. خون آباد (۱۳۵۸) کارگردان (فیلم کوتاه)
۷. از فریاد تا ترور (۱۳۵۹) . نویسنده و کارگردان، آهنگساز، شاعر
۸. مسافر شب (۱۳۵۹) نویسنده، کارگردان، آهنگساز
۹. کرس‌ها می‌میرند (۱۳۶۰) .. نویسنده، کارگردان، بازیگر، شاعر
۱۰. مرز (۱۳۶۰) آهنگساز، شاعر
۱۱. فرمان (۱۳۶۱) آهنگساز، شاعر
۱۲. بازرس ویژه (۱۳۶۲) نویسنده، کارگردان، آهنگساز
۱۳. زخمه (۱۳۶۲) آهنگساز
۱۴. شیلات (۱۳۶۲) آهنگساز
۱۵. بالاش (۱۳۶۳) آهنگساز
۱۶. سیاه راه (۱۳۶۳) آهنگساز
۱۷. ملخ زدگان (۱۳۶۳) آهنگساز
۱۸. برگ و باد (۱۳۶۴) کارگردان
۱۹. حادثه (۱۳۶۴) کارگردان، تهیه کننده، آهنگساز
۲۰. گرفتار (۱۳۶۴) کارگردان، آهنگساز
۲۱. شیر سنگی (۱۳۶۵) بازیگر، جلوه‌های ویژه
۲۲. خبرنامه (۱۳۶۶) .. کارگردان، نویسنده، آهنگساز (تلوزیون)^۱
- سرانجام، این چهره ماندگار هنر و ادب استان گلستان، در روز ۱۳ آبان
ماه ۱۳۸۳، در حالی که سرود «یار دبستانی من» را زمزمه می‌کرد، در سن
۶۱ سالگی، در شهر «لندن» دار فانی را وداع گفت.

۱. فرهنگ سینمای ایران، ۱۲۴

هوشنگ درویش پور

نویسنده و کارگردان نام آشنا، هوشنگ درویش پور، در روز ۹ آذر ماه ۱۳۳۸، در بندر ترکمن پایی به دایرہ هستی نهاد.

فعالیت هنری خود را پس از اخذ مدرک کاردانی هنر، با تئاتر و ساخت فیلم کوتاه آغاز کرد و در حال حاضر، یکی از کارگردانان برجسته کشور در عرصه سینما می‌باشد. در ضمن، کار تدوین، مدیریت فیلمبرداری، طراحی صحنه و لباس برخی از کارهای خویش را نیز انجام می‌دهد.

فیلم شناخت این هنرمند نامور ۵۲ ساله عبارت است از:

فیلم سینمایی:

۱. بی تو هرگز (۱۳۷۲)، نویسنده، کارگردان، بازیگر

۲. دنیای پر امید (۱۳۸۷)، کارگردان، تهیه کننده؛ نام جدید: تپلی

۳. سالهای اضطراب (۱۳۶۸)، نویسنده، کارگردان

۴. سالهای جوانی (۱۳۷۰)، کارگردان

۵. قصه دلها (۱۳۸۵)، نویسنده، کارگردان، بازیگر

۶. هدف سخت (۱۳۷)، کارگردان

فیلم و سریال تلویزیونی:

۱. بام‌های مه گرفته (۱۳۸۵)، صدا و سیمای گلستان

۲. امپراتور (فیلم داستانی)

در حال ساخت:

۱. دوباره پرواز خواهی کرد، صدور پروانه ساخت: ۲۰ دی ماه

۱۳۸۹

۲. عاشق پیشه

خسرو شجاع زاده

هنرمند نام آشنای سینما و تئاتر، خسرو شجاع زاده، در سال ۱۳۲۴

در شهر بندر ترکمن دیده به جهان گشود.

پس از فارغ التحصیل شدن از هنرکده هنرهای دراماتیک تهران^۱، در سال ۱۳۴۴ به صحنه نمایش پا نهاد.

کار در تئاتر را از سال ۱۳۴۴ آغاز نمود:

الف - بازیگری:

۱. آقای آریانفر و خانواده‌اش
۲. آنتیگون
۳. آی بی کلاه، آی با کلاه
۴. ارثیه ایرانی
۵. امیر ارسلان نامدار
۶. چوب به دست‌های ورزیل
۷. خر با بار نمک
۸. خطر مرگ
۹. استعمال دخانیات ممنوع
۱۰. دیکته و زاویه
۱۱. رؤیا
۱۲. ریچارد سوم
۱۳. سیاه زنگی، دایره زنگی و مرد فرنگی
۱۴. فرفرهها
۱۵. مرد متوسط
۱۶. مستأجر
۱۷. مصب.

ب - کارگردانی:

۱. آدم خوابش می‌گیرد (۱۳۸۶)

از سال ۱۳۴۷ به بازی در سینما روی آورد:

۱. خیابان (۱۳۴۶)، فیلم کوتاه

۲. گاو (۱۳۴۸)، به کارگردانی داریوش مهرجویی

۳. تجاوز (۱۳۴۹)

۴. قیامت عشق (۱۳۵۲)

۵. غریبه و مه (۱۳۵۴)

۶. سوزنban (۱۳۵۴)، فیلم کوتاه

۷. محافظ (۱۳۵۶)، فیلم کوتاه، نویسنده و کارگردان

۸. شب حقیقی (۱۳۵۶)، فیلم کوتاه، نویسنده و کارگردان

۹. برزخی‌ها (۱۳۶۱)

۱۰. آن سوی آتش (۱۳۶۷)

۱۱. گودال (۱۳۶۷)

۱۲. آری چنین بود (۱۳۶۷)

۱۳. آخرین لحظه (۱۳۶۷)

۱۴. دل نمک (۱۳۶۸)

۱۵. راز خنجر (۱۳۷۱)

از سال ۱۳۴۷ نیز در تلویزیون فعالیت نمود:

۱. سریال سرکار استوار (۱۳۴۷)

۲. سریال کلیله و دمنه (۱۳۴۹)

۳. سریال مرد اول (۱۳۵۴)

۴. فیلم داستانی پیروزی (۱۳۶۷)

۵. سریال هشت بهشت (۱۳۶۷)

۶. سریال پدر سالار (۱۳۷۴)

۷. یک کلاع، چهل کلاع (تله تئاتر)

مدتی نیز ریاست اداره تئاتر کشور را بر عهده داشته است.^۱

دیگر فعالان حوزه سینمای بندر ترکمن عبارتند از:

۱. مراد ایری (متولد ۱ فروردین ماه ۱۳۳۳)

۲. فرشید کلته (متولد ۱ فروردین ماه ۱۳۵۸)

تئاتر

گروه‌های فعال نمایش بندر ترکمن، عبارتند از:

۱. آلادا (اندیشه)، که در سال ۱۳۷۹ تأسیس یافته است.

۲. وحدت، به مدیریت شهرام کرمی، که در سال ۱۳۷۸ تأسیس گردیده است.

۳. نغمه، که در سال ۱۳۸۳ آغاز به کار نموده است.

هنرمندان صحنه تئاتر بندر ترکمن عبارتند از:

۱. محمود کر (متولد ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۹)

۲. علی رضا یلمه (متولد ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)

۳. عراز ایری (متولد ۱ آذر ماه ۱۳۵۸)

۴. سانا زیلقی (متولد ۵ فروردین ماه ۱۳۶۹)

اهل قلم

عبدالحمید آخوندی

پژوهشگر و نویسنده معاصر، عبدالحمید آخوندی، روز ۶ فروردین ۱۳۳۸ در بندر ترکمن چشم به جهان گشود.

۱. فرهنگ سینمای ایران، ۲۵۲-۲۵۱

پس از اخذ دیپلم، موفق به اخذ مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور بهشهر (۱۳۷۴) و کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۵) گردید.

این دبیر رسمی آموزش و پژوهش منطقه ترکمن، در حال حاضر به تدریس در دانشگاه‌های آزاد اسلامی گمیشان، مرکز تربیت معلم گرگان، پیام نور کردکوی، غیرانتفاعی گلستان و پیام نور ترکمن با رتبه علمی «مربي» اشتغال دارد.

آثار منتشر شده این محقق ۵۲ ساله عبارت است از:

۱. پروانه ناپروا (با محمد آريان فر). گرگان: مختوم قلى، ۱۳۸۲.
۲. ويس و رامين، کارنامه فخرالدین اسعد گرگاني. گرگان: مختوم قلى، ۱۳۸۲.

رحمت الله اونق

نویسنده نوعلم معاصر، رحمت الله اونق، در سال ۱۳۴۸، در شهرستان ترکمن پای به دایره هستی نهاد.

تنهای اثر منتشره این مؤلف ۴۲ ساله عبارت است از:

۱. زیست‌شناسی پیش دانشگاهی. گرگان: مختوم قلى، ۱۳۸۴.

مايسا ايرى

پژوهشگر و نویسنده معاصر ترکمن، مايسا ايرى، در سال ۱۳۶۲ در شهرستان ترکمن به دنيا آمد.

تحصیلات خود را تا اخذ مدرک کارشناسی، در زادگاهش گذراند و در حال حاضر نيز ساكن شهر گرگان مي باشد.

آثار منتشره اين محقق ۳۸ ساله عبارت است از:

۱. تاریخ و فرهنگ ترکمن. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۰.
۲. سیری در تاریخ ترکمن. گرگان: مختوم قلی، ۱۲۸۳.

ولی ایری

پژوهشگر و نویسنده معاصر، ولی ایری، در شهرستان بندر ترکمن چشم به جهان گشود.

تبرستان

بندرستان

تنها اثر منتشره این معلم مؤلف عبارت است از:
۱. آزمون‌های روانی (با همکاری فریده بیک زاده). گرگان: مختوم
قلی، ۱۳۸۵.

نوربیکه با غبانی

نویسنده نوقلم معاصر، نوربیکه با غبانی، در شهرستان بندر ترکمن زاده شد و در حال حاضر ساکن گنبدکاووس می‌باشد.

تنها اثر منتشره این معلم ترکمن عبارت است از
۱. علائم بلوغ در دختران. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۳.

عبدالحليم بستان پیرا

پژوهشگر معاصر، عبدالحليم بستان پیرا، روز اول مرداد ۱۳۴۸ در روستای پنج پیکر چشم به جهان گشود.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان «ششم بهمن» مقطع راهنمایی را در مدرسه «چمران» و دوره متوسطه را در دبیرستان «وحید» تهران گذراند. پس از اخذ دیپلم تحصیلات عالیه را در رشته «آموزش ابتدایی» پس گرفت و موفق به اخذ مدرک کارشناسی از مرکز تربیت معلم شهید دستغیب تهران (۱۳۶۷) و کارشناسی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب (۱۳۸۲) گردید.

این دبیر رسمی آموزش و پرورش، در حال حاضر در دبیرستان‌های شهر ترکمن به تدریس اشتغال داشته و به امر تحقیق و پژوهش نیز می‌پردازد.

آثار منتشره این محقق ۴۲ ساله عبارت است از:

۱. راهنمای آموزش فارسی اول ابتدایی (بخوانیم و بنویسیم).

مشهد: کردگاری، ۱۳۸۵.

۲. آموزش نماز اهل تسنن. گرگان: ۱۳۸۹.

عبدالصالح پاک

نویسنده و مردم شناس نامدار ترکمن، عبدالصالح پاک، روز اول

آذرماه ۱۳۴۱ در روستای قره قاشلی پای به عرصه وجود نهاد.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان مسعود سعد روستا، مقطع راهنمایی

را در مدرسه ناصر خسرو و دوره دبیرستان را در دبیرستان «محمدولی

کمینه» شهر ترکمن طی کرد و موفق به اخذ مدرک دیپلم اقتصادی

اجتماعی گردید.

این نویسنده سرشناس و داستان نویس پرتلاش ۴۹ ساله ساکن بندر

ترکمن و عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان کشور، دارای آثار

متعددی است از جمله:

۱. افسانه‌های اقوام گلستان. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۶، دو جلد.

۲. افسانه‌های ترکمن صحرا. تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۸۳.

۳. ای خواهرم. تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۸۶.

۴. باع (مجموعه داستان). تهران: نشر چشم (زیر چاپ).

۵. پادشاه و مار خوابگزار. تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۸۵.

۶. ۵۵ افسانه ترکمنی برای نوجوانان. تهران: قدیانی، ۱۳۸۸.

۷. جاده بی‌انتها (رمان). تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۸.
۸. چهل دروغ (۱۵ افسانه از ترکمن صحرا). تهران: قدیانی، ۱۳۷۷.
۹. دختر چوبی (۱۲ افسانه از ترکمن صحرا). تهران: قدیانی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۱۰. روباه دم بریده. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۶.
۱۱. سفید پنبه (آق یامیق). تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۸۵.
۱۲. شاهدان شهادت. گرگان: کنگره سرداران، ۱۳۷۹.
۱۳. کلاه پوستی (قصه‌هایی از کشور ترکمنستان). تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۷.
۱۴. گرگ آواز خوان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، ۱۳۸۶.
۱۵. گهواره خالی (رمان). تهران: کتابسرای تندیس (زیر چاپ).
۱۶. لطفاً ورق بزنید. تهران: ماه ریز (زیر چاپ).
۱۷. موی سفید. تهران: عصر (انجمان نویسنده‌گان کودک و نوجوان)، ۱۳۷۸.
۱۸. نان کی عسل می‌شود؟ تهران: سوره مهر، ۱۳۷۸.
۱۹. ۹۰ افسانه برای نوجوانان. تهران: قدیانی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۲۰. هدیه کلاغ‌ها. تهران: قدیانی، ۱۳۷۷.

قربان محمد پورقاز

پژوهشگر و نویسنده جوان، قربان محمد پورقاز، در سال ۱۳۵۵، در شهرستان بندر ترکمن چشم به جهان گشود. آثار منتشره این نویسنده ۳۵ ساله عبارت است از:

۱. اصول مدیریت. تبریز: مؤلف، ۱۳۸۱.
۲. مدیریت مشارکتی یا مشاوره در مدیریت. تبریز: مؤلف، ۱۳۸۰.
۳. SPC و رگرسیون کاربردی (با همکاری فرزانه کهن زاده). تهران: مرکز آموزش تحقیقات صنعتی، ۱۳۸۹.

الله قلی توماج

پژوهشگر و نویسنده معاصر ترکمن، الله قلی توماج، در سال ۱۳۴۳ در شهرستان بندر ترکمن به دنیا آمد.

آثار منتشره این مؤلف نویلم ۴۷ ساله عبارت است از :

۱. آداب و ادعیه حج. گرگان: ریحانی گرگان، ۱۳۸۷.

آنا توافق توماج نژاد

پژوهشگر و نویسنده معاصر ترکمن، آنا توافق توماج نژاد، در سال ۱۳۳۹ در شهرستان ترکمن دیده به جهان گشود.

وی با داشتن مدرک کاردانی آموزش ابتدایی، سالها به عنوان دبیر رسمی آموزش و پرورش ترکمن به کار اشتغال داشته و اخیراً به افتخار بازنشستگی نائل گردیده است.

تنها اثر منتشره این محقق ۵۱ ساله عبارت است از :

۱. راهنمای آموزش فارسی اول ابتدایی (بخوانیم و بنویسیم). مشهد: کردگاری، ۱۳۸۵.

عبدالرحمن خزین

نویسنده و پژوهشگر معاصر ترکمن، عبدالرحمن خزین، روز ۱۲ بهمن ۱۳۲۷ در بندر ترکمن زاده شد.

تحصیلات ابتدایی تا پایان متوسطه را در دبستان و دبیرستان هدایت این شهر ساحلی دریای خزر گذراند.

در سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی «مترجمی روسی» از دانشگاه آزاد اسلامی تهران گردیده و در حال حاضر ساکن شهر «گنبد کاووس» می‌باشد.

آثار منتشره این محقق و نویسنده ۶۳ ساله ترکمن عبارت است از:

۱. بولک او به (شعر ترکمن). گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۷.

۲. پاقدم شوم (مجموعه داستان)، زیر چاپ.

۳. خاطرات ناوداران گمیشانی (براساس خاطرات پدرم: خدر خزین، متن این کتاب در ۱۶ شماره از هفته نامه صحراء منتشر گردیده است).

۴. قیزیلینگ قیرینداسی قوشغی و رو باغی لار (شعر ترکمن). گرگان: مختوم قلی فراغی، ۱۳۸۸.

۵. گزیده‌ای از خاطرات سی سال خدمت در هوایپمایی هما. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۸.

خدر خوجه

پژوهشگر و نویسنده معاصر ترکمن، خدر خوجه، در سال ۱۳۴۸ در بندر ترکمن زاده شد.

با داشتن مدرک کاردانی دینی و عربی به تدریس در آموزش و پرورش اشتغال دارد.

تنها اثر منتشره این معلم ۴۲ ساله عبارت است از:

۱. مجموعه داستان از ترکمن صحراء. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۲.

عبدالغفور خوجه

پژوهشگر جوان ترکمن، عبدالغفور خوجه، مشهور به «غفور خوجه»، روز ۲۰ اسفند ماه ۱۳۴۴ در روستای قره قاشلی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «نیما یوشیج» و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی «آیت‌الله طالقانی» و دوره متوسطه را در دبیرستان «مختوم قلی» بندر ترکمن طی کرد.

وی علاوه بر همکاری با نشریه ادبی صحرای فصلنامه‌های محلی استان گلستان (نظری پاراق، فراغی) نیز ارتباط فرهنگی داشته و در حال حاضر در شهر «ترکمن» اقامت دارد.

تنها اثر این محقق ۴۶ ساله عبارت است از:

۱. مختوم قلی‌شناسی (کار گروهی). جلد اول، تهران: عصر ۱۳۷۹؛ جلد دوم، گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۸. این اثر در ۱۰ جلد انتشار می‌یابد.

یوسف سقالی

محقق نام آشنا و نویسنده پرتلاش فرهنگ و ادبیات ترکمن، یوسف سقالی، در ۵ فروردین ماه ۱۳۴۵ در روستای قره قاشلی دیده به دنیا گشود.

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستا طی کرد و مقطع متوسطه را در دبیرستان «سیجوال» گذراند. مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه آزاد اسلامی گرگان (۱۳۸۹) اخذ نموده و در حال حاضر ساکن گرگان و کارمند صدا و سیمای مرکز استان گلستان می‌باشد.

مهتمرین آثار این پژوهشگر ۴۵ ساله ترکمن عبارت است از:

۱. افسانه‌های ترکمن (زیر چاپ).
۲. بعد از باران (مجموعه داستان). تهران: دانشکده هنرهای زیبا،

۳. جاذبه‌های قلمرو مسکین قلیچ. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۰.
۴. دو تار (داستان کوتاه). تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
۵. رمان مختوم قلی (زیر چاپ).
۶. عروسی مايا (مجموعه داستان). تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۱.
۷. کره اسب من (داستان). گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۰.
۸. مختوم قلی‌شناسی. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۷۸-۱۳۷۹، جلد ۱ و ۲. (این مجموعه بالغ بر ۱۰ جلد می‌گردد).

ناصر شهری

پژوهشگر و نویسنده معاصر، ناصر شهری، در شهرستان بندر ترکمن زاده شد.

تنها اثر منتشره این معلم مؤلف عبارت است از:

۱. آمادگی جسمانی و روش‌های تقویت. قم: انتشارات گرگان، ۱۳۸۴.

کریم بردی صادقی

نویسنده و پژوهشگر معاصر، کریم بردی صادقی، روز دوم فروردین ماه ۱۳۵۴ در روستای قره قاشلی دیده به دنیا گشود. پس از اخذ دیپلم، وی موفق به اخذ مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه آزاد ساری (۱۳۷۵) و کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (۱۳۸۱) گردیده و در حال حاضر دانشجوی دکترای تخصصی (ph.D) تاریخ در دانشگاه شهر دوشنبه تاجیکستان می‌باشد.

این دبیر رسمی آموزش و پژوهش ساکن ترکمن، در مرکز تربیت معلم

گرگان نیز تدریس می‌نماید و از فعالان حوزه تاریخ معاصر ایران در استان گلستان و منطقه ترکمن صحرا به شمار می‌آید.

تنها اثر منتشر شده این محقق ۳۶ ساله عبارت است از:

۱. روابط ترکمنان با دولت مرکزی ایران در عصر قاجار. گرگان:

مختوم قلی، ۱۳۸۹.

محمد عنایت ثانی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه، محمد عنایت ثانی، روز اول شهریور ماه ۱۳۴۶ در بندر ترکمن چشم به جهان گشود.

پس از اخذ دیپلم، وی موفق به دریافت مدرک کاردانی آموزش ابتدایی از مرکز تربیت معلم زاهدان (۱۳۶۶)، کارشناسی روان‌شناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران (۱۳۷۳) و کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران (۱۳۷۸) گردید.

تنها اثر منتشره این مدرس ۴۴ ساله و جوان دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر عبارت است از:

۱. نقش کارکنان مدرسه در تعلیم و احیاء رسالت تربیتی خویش.

گرگان: بی‌نا، ۱۳۸۸، جلد اول.

عطاكوسلی

نویسنده جوان و معاصر ترکمن، عطاکوسلی، روز ۸ تیر ماه ۱۳۴۹ در روستای قره قاشلی زاده شد.

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستا و مقطع متوسطه را در دبیرستان سیجووال و «محمد ولی کمینه» ترکمن (۳ سال) طی کرد.

مدرک کاردانی آموزش ابتدایی را از مرکز تربیت معلم انبار آلوم

(۱۳۷۰) و کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور ترکمن (۱۳۷۸) اخذ نمود.

وی در حال حاضر دبیر رسمی آموزش و پرورش منطقه ترکمن بوده و داستان‌های کوتاه خود را در مجلات اطلاعات هفتگی رشد، زن روز و باران انتشار می‌دهد.

تنها اثر منتشر شده این نویسنده ۴۱ ساله ترکمن عبارت است از:

۱. فن انشاء نویسی. ترکمن: مؤلف، ۱۳۷۴

شعر و ادب

عراز محمد ایری

شاعر و ادیب معاصر ترکمن، عراز محمد ایری، روز ۲۹ اسفند ماه ۱۳۳۶ در بندر ترکمن به دنیا آمد.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان فارابی و مقطع راهنمایی را به صورت متفرقه در شهر ترکمن طی کرد.

وی در حال حاضر دبیر انجمن شعر و ادب ترکمن (دریا) و دبیر رسمی آموزش و پرورش گمیشان می‌باشد.

تنها اثر منتشره این سراینده ۵۴ ساله عبارت است از:

۱. یوگ تولقنى (شعر ترکمن). ترکمن: چاپخانه آق یول، ۱۳۸۴.

آق بى بى بسىم

شاعر معاصر ترکمن، آق بى بى بسىم، در سال ۱۲۶۲، در شهرستان ترکمن دیده به دنیاگشود.

بیش از ۱۲ سال است که به سروden اشعار ترکمنی پرداخته و سروده‌ها

و قطعات ادبی اش را در فصلنامه گران سنگ «یاپراق» و روزنامه‌ها و هفته نامه‌های محلی استان گلستان منتشر کرده است.

حاجی محمد قزل

شاعر و ادیب نام آشنای ترکمن، حاجی محمد قزل، نویش شاعر معروف ترکمن «بال قزل»، در خردادماه ۱۳۰۵ در روستای پنج پیکر چشم به جهان گشود.

تحصیلات خود را در حد ابتدایی قدیم در همان روستا گذراند. سرودن را از ۱۸ سالگی با تخلص «محمد غزالی» آغاز نموده و به زبان ترکمنی، اشعاری نغزو دلنشیز دارد.^۱

تنهای اثر منتشره این شاعر ۸۵ ساله ساکن روستای پنج پیکر عبارت است از:

۱. حاجی محمد قزل نگ یادگار دیوانی. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۲.

مشهد قلی قزل

شاعر نامدار و سختکوش ترکمن، مشهد قلی قزل، روز اول خرداد ماه ۱۳۳۰ در روستای قره قاشلی چشم به جهان گشود.

تحصیلات ابتدایی را در روستا و مقطع راهنمایی و متوسطه را در دبیرستان «هدایت» ترکمن طی کرد.

مدرک کارشناسی اقتصاد کشاورزی را از دانشگاه علامه طباطبائی تهران (۱۳۶۷) اخذ نموده و در حال حاضر ساکن «ترکمن» می‌باشد.

سرودن را از ۱۵ سالگی آغاز نموده و از جمله شاعران ترکمنی است که شهرت وی به آسیانه میانه و اروپا نیز رسیده است.

آثار این ادیب نام آشنای ۶۰ ساله ترکمنی عبارت است از:

۱. آنالارناقیلی. تهران: اندیشه نو، ۱۳۸۲.
۲. بایرام شاهیر (شعر ترکمنی). گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۶.
۳. دیوان قربان علی معروفی و قصه سیف الملک مدخل جمال. گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۳.
۴. مجموعه اشعار مختوم قلی فراغی. جلد بیان، تهران: عصر ۱۳۷۹، جلد دوم، گرگان: مختوم قلی، ۱۳۸۸.
۵. دیوان عبدالرحیم زنهاری. تهران: رویداد، ۱۳۸۹.
۶. دیوان دولت محمد بال قزل. تهران: انقلاب یولمدها، ۱۳۶۰.
۷. آدانمه (نام نامه ترکمن)، زیر چاپ.
۸. فرهنگ ترکمن (زیر چاپ).

نور محمد قزل

شاعر معاصر ترکمن، نور محمد قزل، مشهور به «نورجان حاجی قزل»، روز ۱۵ دی ماه ۱۳۲۵ در بندر ترکمن چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را تا ششم ابتدایی با موفقیت طی کرد و وارد بازار کار گردید.

تنها اثر منتشره این شاعر ۶۵ ساله عبارت است از:

۱. دویغلاريم (شعر ترکمن). گنبد کاووس: ایل آرمان، ۱۳۸۶.

موسیقی

ستار آرخی

نوازنده معاصر ترکمن، ستار آرخی، در سال ۱۳۳۸ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۳۰ سال سابقه «نوازندگی ارگ» را در کارنامه هنری خویش دارد. این هنرمند محبوب ۵۲ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

منصور آسایش

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، منصور آسایش، در سال ۱۳۴۳ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۷ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازنگی دوتار» و ساختن دوتار و کمانچه را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «بایرام محمد کر»، «رحمان قلیچ یمودی»، «رحیم خیوه لی» و «دردی طریک» می‌باشد. این هنرمند ۴۷ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

غفور امانیان

نوازنده معاصر ترکمن، غفور امانیان، در سال ۱۳۴۴ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۷ سال سابقه «نوازندگی دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «تاج وردی پیکر» می‌باشد. این هنرمند ۴۶ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

اراز محمد اونق

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، اراز محمد اونق، در سال ۱۳۳۸ در روستای پنج پیکر دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۲ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازندگی دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. این هنرمند ۵۲ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

جمعه طواق اونق

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، جمعه طواق اونق، معروف به قره اونق، در سال ۱۳۳۲ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۸ سال سابقه «خواننده» و «نوازنده» دوتار را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «خوجه شرقی» می‌باشد. این هنرمند ۵۸ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند. www.tabarestan.info

محمدحسین اونق

هنرمند نام آشنای ترکمن صحراء، محمدحسین اونق، در سال ۱۳۱۸ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

استاد وی «محمدجان گوکلانی» نام داشته و بیش از ۴۲ سال است که به نوازنده و ساختن دوتار و کمانچه اشتغال دارد. این نوازنده ۷۲ ساله محبوب و مردمی در گنبد کاووس زندگی می‌کند.

حاجی محمدایری

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، حاجی محمدایری، در سال ۱۳۴۰ در روستای پنج پیکر دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۳۰ سال سابقه «نوازنده» دوتار را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «قدیر بردى» و «خوجه ایری» می‌باشد. این هنرمند ۵۰ ساله، در بندر ترکمن زندگی می‌کند.

حاجی محمدایری

بازیگر و نوازنده معاصر ترکمن، حاجب محمدایری، در روز ۲۰ شهریور ماه ۱۳۴۴ در روستای قره قاشلی دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۶ سال سابقه «نوازندگی کمانچه، سازهای بادی، آکاردثون، و تنبک» را در کارنامه هنری خویش دارد. در ضمن، در حوزه تئاتر و سینما و تلویزیون نیز فعالیت می‌نماید. این هنرمند ۴۶ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

دوردی خوجه ایری

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، دوردی (خوجه) ایری، در سال ۱۳۱۴ در روستای پنج پیکر دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۴۰ سال سابقه «نوازندگی دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «خوجه شرقی»، «قراقو پانگ»، «خوجه بخشی» و «اراز مراد آرخی» می‌باشد. این هنرمند پیشکسوت ۷۶ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

قدیر بدی ایری

نوازنده معاصر ترکمن، قدیر بدی ایری، در سال ۱۳۴۲ در روستای پنج پیکر دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۱۲ سال سابقه «نوازندگی دوتار و کمانچه» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «خوجه ایری» می‌باشد. این هنرمند ۴۸ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

خوجه بخشی

نوازنده معاصر ترکمن، خوجه سقلی، معروف به خوجه بخشی (خوجه باغشی)، در روز ۱۰ دی ماه ۱۳۱۰ در روستای خواجه لر و در خانواده‌ای بسیار فقیر، دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۵۰ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازندگی دوتار» را

در کارنامه هنری خویش داشته و سرانجام در روز ۲ شهریور ۱۳۷۲ در سن ۶۲ سالگی درگذشت و در گورستان زادگاهش به خاک سپرده شد.

درباره زندگی و آثار او، کتاب مستقلی منتشر شده است:

۱. استاد خوجه بخشی، خواننده و نوازنده نامدار ترکمن، تألیف

موسی جرجانی. گرگان: انجمن موسیقی ایران، ۱۳۸۳.

سلیمان پورقاز

نوازنده معاصر ترکمن، سلیمان پورقاز، در سال ۱۳۴۳ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۲ سال سابقه «نوازنده دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «تاج وردی پیکر» می‌باشد. این هنرمند ۴۷ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

تاج وردی پیکر

نوازنده معاصر ترکمن، تاج وردی پیکر، در سال ۱۳۴۲ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۰ سال سابقه «نوازنده دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «امام گلدی کر» و «بایرام قلیچ یمودی» می‌باشد.

این هنرمند ۴۸ ساله، ساکن گرگان بوده و در بخش موسیقی ترکمن رادیو استان گلستان فعالیت می‌کند و مدیریت گروه موسیقی سنتی «مقام چیلر» را بر عهده دارد.

حاجی توماج

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، حاجی توماج، در سال ۱۳۱۱ در روستای سیجووال دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۵۰ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازنگی نی» را در کارنامه هنری خویش دارد. این هنرمند پیشکسوت و نامی ۷۹ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

تبرستان

مجید توماج

خواننده معاصر ترکمن، مجید توماج، در روز ۲ امرداد ماه ۱۳۵۲ در روستای سیجووال دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۱۲ سال سابقه «خوانندگی در کنار نی نوازان» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «حاجی توماج» می‌باشد. این هنرمند ۳۷ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.^۱

حاجی امان چوگان

نوازنده معاصر ترکمن، حاجی امان چوگان، در سال ۱۳۴۳ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۲۲ سال سابقه «نوازنگی دوتار» و ساختن «دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «تاج وردی پیکر» می‌باشد. این هنرمند ۴۷ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

ارازدردی خواجه

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، ارازدردی خواجه، در سال ۱۳۳۷ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

۱. نی نوازان ترکمن، ۱۸۶

وی بیش از ۲۷ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازندگی دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «اورون خوجه» می‌باشد. این هنرمند ۵۳ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

عبدالرحمن فراخی

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، عبدالرحمن فراخی، در سال ۱۳۴۲ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۲۰ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازندگی دوتار» و بازیگری را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «بایلی تکه» و «دردی طریک» می‌باشد. این هنرمند ۴۸ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

عاشور محمد قانیقمعزی

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، عاشور محمد قانیقمعزی، در سال ۱۳۱۳ در روستای سیچوال دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۵۰ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازندگی نی هفتبند» را در کارنامه هنری خویش دارد. این هنرمند پیشکسوت ۷۷ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

قادیر کر

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، قادیر کر، معروف به قادیر یمودی، در سال ۱۳۴۹ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۲۲ سال سابقه «خوانندگی با دوتار و جاز»، «نوازندگی

دوتار» و بازیگری نمایش را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد « حاجی محمد ایری» و «رحمان قلیچ یمودی» می‌باشد. این هنرمند ۴۱ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

محمد یوسف کر

نوازنده معاصر ترکمن، محمد یوسف کر، در سال ۱۳۴۰ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۱۲ سال سابقه «نوازنگی کمانچه» را در کارنامه هنری خویش دارد. وی شاگرد «یکشم قلی کر» و «رحمان قلیچ یمودی» می‌باشد. این هنرمند ۵۰ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

اترک کلتہ

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، اترک کلتہ، در سال ۱۳۳۲ در روستای نیاز آباد دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۳۰ سال سابقه «خوانندگی» و «نوازنگی دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. سالها شاگرد استادانی چون «فzacق پانگ» و «خوجه بخشی» بوده است. این هنرمند پیشکسوت ۵۸ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

اراز کلتہ

نوازنده معاصر ترکمن، اراز کلتہ، در سال ۱۳۱۷ در روستای پنج پیکر دیده به دنیا گشود. وی بیش از ۴۰ سال سابقه «نوازنگی کمانچه» را در کارنامه هنری

خویش دارد. سالها شاگرد استادانی چون «توشان مراد سیدی»، «نظرلی محجوبی» و «قلیچ انوری» بوده است. مدتی نیز در حوزه‌های علمیه به طلبگی اشتغال داشته است.

این هنرمند پیشکسوت ۷۳ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

حمید کم

نوازنده معاصر ترکمن، حمید کم، در سال ۱۳۴۲ در بندر ترکمن دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۱۰ سال سابقه «نوازنده‌گی کمانچه» را در کارنامه هنری خویش دارد. این هنرمند ۴۸ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

رحمان قلیچ یمودی

خواننده و نوازنده معاصر ترکمن، رحمان قلیچ یمودی، در سال ۱۳۲۸ در روستای یموت لر دیده به دنیا گشود.

وی بیش از ۴۰ سال سابقه «نوازنده‌گی کمانچه و دوتار» را در کارنامه هنری خویش دارد. سالها نزد «توشان مراد سیدی»، «قزاق پنچ»، «نظرلی محجوبی»، «عاشورگلدی گرگزی»، «خوجه بخشی»، «بایلی تکه» و «دردی طریک» شاگردی نموده است.

این هنرمند نامی ۶۲ ساله، در زادگاهش زندگی می‌کند.

هنرهای تجسمی

مارال صیادچی، متولد ۱ فروردین ماه ۱۳۵۶، در رشته گرافیک فعالیت می‌کند.

سرچشمه‌ها

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. آتنایوس ناوکراتیس (۱۳۸۶). ایرانیات در برم فرزانگان، ترجمه جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲. آدمیت، فریدون (۱۳۴۷). امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
۳. ——— (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی.
۴. آذر بیگدلی، لطفعلی (۱۳۷۸). آتشکده آذر. تهران: روزنه.
۵. آذرلی، غلامرضا (۱۳۸۷). فرهنگ واژگان گویش‌های ایران. تهران: هزارکرمان.
۶. آذربوش، آذرتاش (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۷. آربری، آرتور جان (۱۳۴۶). میراث ایران، ترجمه چند تن از مترجمان ایرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۸. آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). از صبا تا نیما. تهران: زوار، چاپ پنجم، دو جلد.
۹. آژند، یعقوب (۱۳۶۹). حروفیه در تاریخ. تهران: نشر نی.
۱۰. آصف فکرت، محمد (۱۳۶۹). فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۱۱. آقی‌پور، مجید (۱۳۹۰). آق مايا: پژوهشی در زمینه نگهداری و پرورش شتر در تركمن صحرا. گرگان: نوروزی.

۱۲. آلتایم، فرانس (۱۳۸۲). *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. آملی، اولیاء الله (۱۳۴۸). *تاریخ رویان*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۴. آیرونز، ویلیام (۱۳۸۵). *ترکمن‌های یموت: مطالعه سازمان اجتماعی یک جمعیت ترک زبان در آسیای مرکزی*، ترجمه محمدامین کنعانی. تهران: نشر افکار.
۱۵. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۴). *الکامل*، ترجمه عباس خلیلی. تهران: علمی.
۱۶. ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن بن کاتب (۱۳۶۶). *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. ابن بطوطه (۱۳۷۶). *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد. تهران: آگه، چاپ ششم، ۲ جلد.
۱۸. ابن بلخی (۱۳۴۳). *فارستنامه ابن بلخی*، به کوشش علی نقی بهروزی. شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس.
۱۹. ابن حمزه، ابو جعفر محمد بن علی طوسی (۱۴۱۱ق.). *الثاقب فی المناقب*، تحقیق نبیل رضا علوان. قم: انصاریان.
۲۰. ابن حوقل بغدادی (۱۳۶۵). *صورۃالارض*، ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۱. ابن خرداذبه (۱۳۷۰). *المسالک و الممالک*، ترجمه حسین قره چانلو. تهران: مترجم.
۲۲. ابن داود، تقی الدین حسن بن علی (۱۳۸۳). *رجال ابن داود*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. ابن رسته اصفهانی، احمد بن عمر (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو. تهران: امیرکبیر.

٢٤. ابن سمكه (١٩٧١م). *أخبار الدولة العباسية*، تصحیح عبدالعزیز الدوری. بیروت: دارالطبیعه.
٢٥. ابن شدقم حسینی، سید ضامن (٤١٨ق). *تحفة الباب فی ذکر نسب السادة الانجاب*، تحقیق مهدی رجایی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
٢٦. ابن شهر آشوب (١٣٨٠ق). *معالم العلماء*. نجف: المطبعه الحیدریه.
٢٧. ابن طباطبا، ابو اسماعیل ابراهیم (١٣٧٢م). *میهاجران آل ابوطالب*، ترجمه محمد رضا عطایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
٢٨. ابن طقطقی، محمد بن علی (١٣٧٦). *الاصلیل فی انساب الطالبین*. قم: کتابخانه مرعشی.
٢٩. ——— (١٣٥٠). *تاریخ فخری*، ترجمه وحید گلپایگانی. تهران: ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
٣٠. ابن عتبه حسینی، جمال الدین (١٣٦٢). *عمدة الطالب فی انساب آل ایطالب*. نجف عراق: رضی.
٣١. ابن عدی (بی تا). *الکامل فی ضعفاء الرجال*. بیروت: دارالفکر.
٣٢. ابن فضلان (١٣٤٥). *سفرنامه ابن فضلان*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی. تهران: شرق.
٣٣. ابن فقیه، احمد بن محمد (١٣٧٥). *البلدان*، تحقیق یوسف الهادی. بیروت: عالم الکتب.
٣٤. ابن قسطنی، جمال الدین حسن (١٣٤٧). *تاریخ الحكماء*، به کوشش بهین دارایی. تهران: دانشگاه تهران.
٣٥. ابن ندیم، ابوالفرج (١٣٩١ق). *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد. تهران: دانشگاه تهران.
٣٦. ابن واضح یعقوبی (١٣٤٣). *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: ترجمه و نشر کتاب.

۳۷. ابوالفدا، اسماعیل بن علی (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۸. ابوجمال، نادیا (۱۳۸۲). *اسماعیلیان پس از مغول*، ترجمه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
۳۹. ابوریحان بیرونی، محمد (۱۳۸۶). *آثار الباقيه عن القرون الخالية*، ترجمه اکبر داناشرشت. تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
۴۰. اتحاد، هوشنگ (۱۳۷۸). *پژوهشگران معاصر ایران*. تهران: فرهنگ معاصر.
۴۱. احسانی، علی اصغر (۱۳۷۸). *خاطرات ما از قیام افسران خراسان*. تهران: علم.
۴۲. احمدی، آنه محمد (بی‌تا). *تاریخچه خلق ترکمن*. گنبد: نشریات قابوس.
۴۳. احمدی، احمد (۱۳۴۵). *سیر سخن*. مشهد: باستان.
۴۴. احمدی، حبیب (۱۳۸۶). *قومیت و قوم گرایی در ایران*. تهران: نشر نی، چاپ ششم.
۴۵. احیائی، زینب (۱۳۸۲). *تاریخ گرگان از دوران باستان تا اعصر حاضر*. تهران: برگ زیتون.
۴۶. اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ساوه (۱۳۶۹). *ساوه نامه*. همدان: مسلم.
۴۷. ادریسی (۱۳۸۸). *ایران در نزهه المشتاق ادریسی قرن ششم هجری*، ترجمه لفته سواری. تهران: شادگان.
۴۸. ادموندز، سیسیل جان (۱۳۸۲). *کردها، ترکها عربها*، ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: روزبهان.
۴۹. ادیب، محمدحسین (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی ایران*. اصفهان: نشر هشت بهشت.

۵۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمہ فی معرفة الائمه*. تحقیق سیده‌هاشم رسولی. تبریز.
۵۱. ارمون، سوین (۱۳۷۳). *فرهنگ شاعران ترکمن*. گنبد کاووس: حاجی طلایی.
۵۲. استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۶۸). *جهانگشای نادری*. به اهتمام عبدالله انوار. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. *تبرستان*.
۵۳. استрабو (۱۳۸۲). *جغرافیای استرابو*. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
۵۴. اسحاق تیموری، جعفر (۱۳۸۳). *راهنمای گردشگری مازندران*. تهران: دیدار نو.
۵۵. اسدگی، حافظ (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا پایان قیام افسران خراسان*. همدان: سروش الوند.
۵۶. اسدی، تیسایه (۱۳۷۸). *تاریخ البرز* (مجموعه مقالات پیرامون تاریخ مازندران، گیلان، گلستان، سمنان). تهران: نشر روجا.
۵۷. اسکندر بیک ترکمان (منشی) (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، دو جلد.
۵۸. اسکندری، مجید (۱۳۸۷). *آبشارهای ایران*. تهران: ایران‌شناسی.
۵۹. اشپولر، بارتولد (۱۳۷۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۲ جلد.
۶۰. اشنوئی محمدزاده، رحیم (۱۳۸۳). *معانی بعضی از اسمی کهن و ایرانی در زبان کردی*. تهران: پیام امروز.
۶۱. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالک و ممالک*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.

۶۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۰). *المأثر والآثار*، به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۲ جلد.
۶۳. ————— (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۳ جلد.
۶۴. ————— (۱۳۷۶). *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران*، تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
۶۵. ————— (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۶۶. ————— (۱۳۸۴). *سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار به مازندران*، تصحیح هارون و هومن. تهران: نشر پانیذ، چاپ دوم.
۶۷. ————— (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*، با تصحیحات و حواشی و فهارس عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران، ۴ جلد.
۶۸. ————— (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*، به اهتمام تیمور برهان لیموده‌ی. تهران: فرهنگ سرا، ۳ جلد.
۶۹. اعظمی راد، گنبد دردی (۱۳۸۸). *سیمای شهرستان گنبد کاووس*. مشهد: مؤلف.
۷۰. ————— (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر پیشینه تاریخی ترکمن‌ها*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۷۱. افشار یزدی، ایرج (۱۳۸۴). *سفرنامچه (گلگشت در وطن)*. تهران: نشر اختیان.
۷۲. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶). *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشايري ایران*. تهران: مؤلف، ۲ جلد.
۷۳. افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۷۳). *سفر مازندران و وقایع مشروطه*

- (رکن الاسفار)، به کوشش حسین صمدی. قائم شهر: دانشگاه آزاد اسلامی.
۷۴. افندی، ملا عبدالله (۱۴۰۱ق.). *رياض العلماء و حياض الفضلاء*. قم: کتابخانه مرعشی.
۷۵. افوشهای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۵۰). *نقاؤة الاثار فی ذكر الاخبار، تصحیح احسان اشراقی*. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷۶. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶). *تاریخ مغول و اوایل دوره تیموری*. تهران: نشر نامک.
۷۷. امان اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰). *کوچ نشینی در ایران*. تهران: ترجمه و نشر کتاب.
۷۸. امیرسز و ملویل (۱۳۷۰). *تاریخ زمین لرزه‌های ایران*. ترجمه ابوالحسن رده. تهران: آگاه.
۷۹. امید، جمال (۱۳۷۷). *فرهنگ سینمای ایران*. تهران: نگاه، چاپ دوم.
۸۰. امین، محسن (۱۴۰۶ق.). *اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین*. بیروت: دارالتعارف، ۱۰ جلد.
۸۱. امینی، امین (۱۳۸۵). *سکه‌های ساسانی*. یزد: مؤلف.
۸۲. انتصاری، رضا (۱۳۹۰). *امامزاده‌های استان گلستان*. گرگان: نوروزی.
۸۳. انصاف پور، غلام رضا (۱۳۵۱). *ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغول*. تهران: امیرکبیر.
۸۴. انوار، سید عبدالله (۱۳۵۶). *فهرست نسخ کتابخانه ملی*. تهران.
۸۵. اورسل، ارنست (۱۳۸۲). *سفرنامه قفقاز و ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸۶. اوستا، یسنا (۱۳۸۹). *پیمان دین*. ترجمه مليحه کرباسیان. تهران: کتاب آمه.

۸۷. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۳). دانشنامه مزدیستا. تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
۸۸. اوستاد، آبرت تن ایک (۱۳۸۴). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم. تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
۸۹. ایزد، محمدرضا (۱۳۸۵). پرچمداران سرخ ظفر. قم: رازبان.
۹۰. ایمانیان، غلامرضا (۱۳۷۰). اسب و ترکمن. تهران: نشر کوبه.
۹۱. بارتولد، واسیلی و لادیمیروویچ (۱۳۵۰). آپیاری در ترکستان، ترجمه کریم کشاورز. تهران: دانشگاه تهران.
۹۲. ————— (۱۳۵۲). ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۹۳. بارنز، الکس (۱۳۶۶). سفرنامه بارنز، ترجمه حسن سلطانی فر. مشهد: آستان قدس رضوی.
۹۴. باروجی، جهان بخش (۱۳۸۰). سیری به دیار فرهنگی اجتماعی مازندران، رویان و کلار. تهران: شاعع.
۹۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۰). خاتون هفت قلعه. تهران: روزبهان، چاپ ششم.
۹۶. ————— (۱۳۴۸). سیاست و اقتصاد عصر صفوی. تهران: صفی علیشاه.
۹۷. باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۶۵). تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
۹۸. بامداد، مهدی (۱۳۴۷-۱۳۵۱). تاریخ رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴. تهران: زوار، ۶ جلد.
۹۹. بایرون، رابرت (۱۳۸۱). سفر به کرانه‌های جیحون، ترجمه لی لا سازگار. تهران: سخن.

۱۰۰. بايزيدى، على (۱۳۸۹). *قصصهای عاميانى گرگانی*. تهران: نظرى.
۱۰۱. بداعى، ذبيح الله (۱۳۷۱). *نيازجان و فرش ترکمن*. تهران: فرهنگان.
۱۰۲. بدخشان، قربان صحت (۱۳۷۹). *سيرى در ادبیات شفاهى ترکمن*.
بى جا: بى نا.
۱۰۳. بديعى، ربيع (۱۳۶۲). *جغرافیای مفصل ایران*. تهران: اقبال.
۱۰۴. بذرافشان، مرتضى (۱۳۷۴). *سيماى گرگان*. تهران: سازمان تبلیغات
اسلامى.
۱۰۵. براون، ادوارد (۱۳۵۵). *تاریخ ادبی ایران از صفویه تا عصر حاضر*،
ترجمه بهرام مددادی، تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و
عبدالحسین نوایی. تهران: مروارید.
۱۰۶. براون، ادوارد گرانویل (۱۳۳۸). *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه.
تهران: معرفت.
۱۰۷. بزرگر، اردشیر (۱۳۸۸). *تاریخ تبرستان*، تصحیح محمد شکری
فومنشی. تهران: رسانش، چاپ دوم، ۳ جلد.
۱۰۸. برقی (۱۴۱۹ق.). *رجال البرقی*، به کوشش الاصفهانی. تهران: بى نا.
۱۰۹. برهان، محمد حسین (۱۳۵۷). *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین.
تهران: امیرکبیر، ۵ جلد.
۱۱۰. بريان، پيير (۱۳۷۷). *تاریخ امپراتوری هخامنشی (از کوروش تا
اسکندر)*، ترجمه دکتر مهدی سمسار. تهران: زریاب.
۱۱۱. ——— (۱۳۸۶). *وحدت سیاسی و تعامل فرهنگی در شاهنشاهی
هخامنشی*، ترجمه ناهید فروغان. تهران: نشر اختران.
۱۱۲. بريمانی، احمد (۱۳۸۴). *دریای مازندران*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱۳. بزرگى نوشهرى، بهمن (۱۳۸۴). *شاعران معاصر مازندران*. تهران:
شلاک.

۱۱۴. بکران، محمدبن نجیب (۱۳۴۲). *جهان نامه*، به کوشش محمد امین ریاحی. تهران: ابن سینا.
۱۱۵. بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۴۶). *فتح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۱۶. بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۵۳). *تاریخ بلعمی* (تکلمه و ترجمه تاریخ طبری)، تصحیح محمدقلی بهار، به کوشش محمدپروین گنابادی. تهران: زوار، چاپ دوم.
۱۱۷. بلنیتسکی، آ. (۱۳۷۱). *خراسان و ماوراء النهر* (آسیای میانه)، ترجمه پرویز ورجاوند. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا
۱۱۸. بویل، جی. آ. (۱۳۶۸). *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، جلد سوم.
۱۱۹. ——— (۱۳۸۰). *تاریخ ایران کمبریج*، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
۱۲۰. بهروزی راد، بهروز (۱۳۸۷). *تالاب‌های ایران*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۲۱. بهشتی، محمد (۱۳۸۴). *منتخبی از بازی‌های بومی محلی استان گلستان*. قم: انتشارات گرگان.
۱۲۲. بهلر (۱۳۵۶). *سفرنامه بهلر: جغرافیای رشت و مازندران*، تصحیح علی اکبر خداپرست. تهران: توس.
۱۲۳. بهنود، مسعود (۱۳۷۰). *از سیدضیاء تا بختیار*. تهران: جاویدان.
۱۲۴. بیات، نادر (۱۳۷۰). *مهاجران توران زمین*. تهران: نشر ایرانشهر.
۱۲۵. بیانی، شیرین (۱۳۷۵). *دین و دولت در ایران عهد مغول*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۳ جلد.

۱۲۶. بیانی، ملکزاده (۱۳۵۵). *تاریخ سکه از قدیمی ترین ازمنه تا دوره ساسانیان*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۱۲۷. بیانی، مهدی (۱۳۶۳). *احوال و آثار خوشنویسان*. تهران: علمی، ۴ جلد.
۱۲۸. بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹). *ترکمان‌های ایران*. تهران: پیک ایران.
۱۲۹. بینایی، اباصلت (۱۳۸۲). *مازندران، نور، ایزده (ایزدشهر) گذشته و حال*. ساری: سلفین.
۱۳۰. بینایی، قوام الدین (۱۳۸۵). *افسانه‌های مردم نور و رویان مازندران*. تهران: رسانش.
۱۳۱. بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۷). *تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض*. تهران: هرمس.
۱۳۲. پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۸). *فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور*. مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۱۳۳. پازوکی، ناصر و عبدالکریم شادمهر (۱۳۸۴). *آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۳۴. پاکزادیان، حسن (۱۳۸۷). *تاریخ نگاری در سکه‌های اسپهبدان و حکام عرب در تبرستان*. تهران: بی‌نا.
۱۳۵. پاینده، محمود (۱۳۷۰). *خوئینه‌های تاریخ دارالمرز: گیلان و مازندران*. رشت: نشر گیلکان.
۱۳۶. پرادا، ایدت (۱۳۸۳). *هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)*, ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۳۷. پتروشفسکی، ای. پ. (۱۳۵۹). *تاریخ ایران در سده‌های میانه*, ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحولی. تهران: دنیا.
۱۳۸. ——— (۱۳۵۴). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ام*., ترجمه کریم کشاورزی. تهران: پیام.

۱۳۹. پهلوان، کیوان (۱۳۸۸). موسیقی مازندران. تهران: آرون.
۱۴۰. پیت من، هالی (۱۳۸۳). هنر عصر مفرغ، ترجمه کوروش روستایی. تهران: پیشین پژوه، مهر برديا.
۱۴۱. پیرنیا، حسن (۱۳۷۰). تاریخ ایران باستان، به کوشش باستانی پاریزی. تهران: دنیای کتاب، ۳ جلد.
۱۴۲. پیگولو سکایا، نینا (۱۳۴۶). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۴۳. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری. تهران: سنایی.
۱۴۴. تایماز، س. (۱۳۸۵). سه مقاله درباره ترکمن صحرا، دشت مغان و روستاهای دیگر. تهران: علم.
۱۴۵. ترکمنی آذر، پروین (۱۳۷۸). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان. تهران: سمت.
۱۴۶. تستری، شیخ محمد تقی (بی‌تا). قاموس الرجال. قم: مؤسسه النشر اسلامی.
۱۴۷. تفرشیان، ابوالحسن (۱۳۵۹). قیام افسران خراسان. تهران: علم.
۱۴۸. تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹). آبسکون یا جزیره آشوراده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۴۹. توکلی مقدم، غلامحسین (۱۳۷۵). وجه تسمیه شهرهای ایران. تهران: نشر میعاد، جلد اول.
۱۵۰. توکلی، یعقوب (۱۳۸۱). زندگی نامه فرماندهان شهید استان گلستان. تهران: نشر شاهد.
۱۵۱. تهرانی، آقا برگ (۱۳۷۳). احیاء الداثر من القرن العاشر. قم: اسماعیلیان.

١٥٢. ————— (بی تا). الثقات العيون فی سادس القرون. قم: اسماعیلیان.
١٥٣. ————— (١٣٤٣). الذریعه الی تصانیف الشیعه، تصحیح علی نقی منزوی. تهران: دانشگاه تهران.
١٥٤. ————— (بی تا). الضیاء اللامع القرن التاسع. قم: اسماعیلیان.
١٥٥. ————— (بی تا). روضة النصرة، تحقیق و اضافات علی نقی منزوی. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
١٥٦. ————— (١٣٦٢). میرزای شیرازی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
١٥٧. تیموری، ابراهیم (١٣٦٧). عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران. تهران: اقبال.
١٥٨. ثابتی، حبیب الله (١٣٥٧). جنگل های ایران. تهران: جیبی.
١٥٩. ثعالبی، ابو منصور عبدالملک (١٤٠٢ق.). یتیمة الدهر فی محاسن اهل العصر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
١٦٠. ————— (١٣٦٨). تاریخ ثعالبی، ترجمه محمد فضائلی. تهران: نشر نقره.
١٦١. جرجانی، موسی (١٣٨٦). با مردان خدا. گرگان: مختوم قلی.
١٦٢. جعفریان، رسول (١٣٨٣). تاریخ تشیع در جرجان و استرآباد. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
١٦٣. جعفریان، عبدالحمید (بی تا). علویان در گذرگاه تاریخ. گرگان: مختوم قلی.
١٦٤. جعفری، عباس (١٣٨٤). رودها و رودنامه ایران. تهران: گیتاشناسی، چاپ سوم.

۱۶۵. —— (۱۳۷۹). کوه‌ها و کوه نامه ایران. تهران: گیتاشناسی، چاپ دوم.
۱۶۶. جعفری، عیسی و شهربانو جعفری کلوکن (۱۳۸۴). فرهنگ نامه فندرسک. گرگان: مختوم قلی.
۱۶۷. جمال زاده، محمد علی (۱۳۵۷). جنگ ترکمن. تهران: جاویدان.
۱۶۸. جنابذی، میرزا حسن بیک (۱۳۷۸). روضة الصیفونیة. تهران: موقوفات افشار.
۱۶۹. جونز، سر هارفورد (۱۳۸۶). روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران، ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نشر ثالث.
۱۷۰. جوینی، عطاملک (۱۳۸۹). تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی. تهران: زوار، ۳ جلد.
۱۷۱. جهانشاهی، محسن (۱۳۸۴). بهشت گمشده. قم: انتشارات گرگان.
۱۷۲. جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدالوس (۱۳۴۸). کتاب الوزراء و الكتاب، ترجمه ابوالفضل طباطبائی. تهران: تابان.
۱۷۳. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تصحیح فیروز منصوری. تهران: به نشر.
۱۷۴. حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۷۵). جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح صادق سجادی. تهران: میراث مکتب، ۳ جلد.
۱۷۵. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
۱۷۶. حجازی کناری، حسن (۱۳۷۲). پژوهشی در زمینه نام‌های استانی مازندران. تهران: روشنگران.
۱۷۷. —— (۱۳۷۴). واژه‌های مازندرانی وریشه‌های استانی آنها. تهران: مؤلف.

۱۷۸. ——— (۱۳۷۲). یادگارهای دینی و تاریخی باستانی مازندران.
- بی‌جا: انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور.
۱۷۹. حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). تصحیح منوچهر ستوده. تهران: طهوری.
۱۸۰. حرز الدین، محمد. (۱۳۸۰). مرآدق المعرف. فم: سعید بن جبیر، ۲ جلد.
۱۸۱. حسکانی، الحاکم (بی‌تا). شواهد التنزیل، تصحیح محمد باقر محمودی. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۸۲. حسون، محمد (۱۴۰۹ق.). الخرائج و الجرائح. قم.
۱۸۳. ——— (۱۴۲۳ق.). حیة المحقق الكرکی و رسائله. قم.
۱۸۴. حسینی، رحمان (۱۳۸۲). کتاب راهنمای صنعت و معدن استان گلستان. تهران: نیل برگ.
۱۸۵. حسینی برساوش، محسن (۱۳۷۰). فرهنگ و جغرافیای علی‌آباد کتول. تهران: خردمند.
۱۸۶. حسینی خواه، میرتقی (۱۳۸۸). انوار گلستان. گرگان: پیک ریحان.
۱۸۷. ——— (۱۳۸۴). فرهنگ نامه مفاخر استرآباد و جرجان. گرگان: پیک ریحان، ۳ جلد.
۱۸۸. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۵۹). جنبش زیدیه در ایران. تهران: آزاداندیشان.
۱۸۹. ——— (۱۳۷۶). فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران. تهران: کومش.
۱۹۰. حکمت، علی اصغر (۱۳۷۹). ره آورد حکمت، به اهتمام محمد دبیر سیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۳ جلد.
۱۹۱. حکیم‌الممالک، علی نقی (۱۳۵۶). روزنامه سفر خراسان. تهران: فرهنگ ایران زمین.

۱۹۲. حکیم، محمدتقی خان (۱۳۶۶). گنج دانش: جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، به کوشش مسعود گلزاری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۹۳. حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۶۸). علویان طبرستان. تهران: الهام، چاپ دوم.
۱۹۴. حمزه اصفهانی (۱۳۸۵). تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار. تهران: سازماند، چاپ سوم.
۱۹۵. خارکوهی، غلامرضا (۱۳۸۹). استان گلستان در نهضت امام خمینی. قم: رازبان.
۱۹۶. خان ملک ساسانی، احمد (۱۳۷۹). سیاستگران دوره قاجار، به کوشش مرتضی آل داود. تهران: مگستان.
۱۹۷. خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵). سفرنامه خانیکوف: گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹۸. خسرو تهرانی، خسرو (۱۳۷۵). زمین‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۹۹. خسروی، خسرو (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰۰. خسروی فرد، سام (۱۳۸۴). میراث طبیعی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۰۱. خلخالی، عبدالحمید (۱۳۳۷-۱۳۳۳). تذکره شعرای معاصر ایران. تهران: طهوری.
۲۰۲. خلعت بری، مصطفی (۱۳۸۲). سیری در تاریخ علویان غرب مازندران. تهران: رسانش.
۲۰۳. خنجری، فضل الله بن روزبهان (۲۵۳۵). مهمان نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.

۲۰۴. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب السیر*. تهران: خیام، ۳ جلد.
۲۰۵. داماد، میرمحمد باقر (۱۳۷۵). *نبراس الضیاء*، تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: میراث مکتوب، ۳۷۵.
۲۰۶. داندمایف، محمد (۱۳۸۶). *ایرانیان در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی*، ترجمه روحی ارباب. تهران: علمی و فرهنگی، جاپ جهارم.
۲۰۷. ——— (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان*، ترجمه میرکمال بنی‌پور. تهران: گستره.
۲۰۸. ——— (۱۳۸۹). *تاریخ سیاسی هخامنشیان*، ترجمه فرید جواهرکلام. تهران: فرزان روز.
۲۰۹. دانشگاه کمبریج (۱۳۸۲). *تاریخ تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی، چاپ دوم.
۲۱۰. داون، جیمز (۱۳۸۸). *عارف دیهیم وار: بنیانگذار سلسله صفویه*، ترجمه ذبیح الله منصوری. تهران: نگارستان کتاب، چاپ شانزدهم.
۲۱۱. درگاهی، زین‌العابدین (۱۳۸۹). *هزبر سلطان: منظومه هزبر همراه با گزارش و اسناد نبرد سوادکوه ۱۲۹۸ و ۱۳۰۰ش*. تهران: رسانش.
۲۱۲. درویش زاده، علی (۱۳۸۳). *زمین‌شناسی ایران (چینه‌شناسی، تکتونیک، دگرگونی و ماگماتیسم)*. تهران: امیرکبیر.
۲۱۳. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (۱۳۸۴). *فرهنگ ناموران معاصر ایران*. تهران: سوره مهر، ۳ جلد.
۲۱۴. دمشقی، شمس الدین محمد (۱۳۸۲). *نخبة الدهر في عجائب البر و البحر*، ترجمه حمید طبیبیان. تهران: اساطیر.
۲۱۵. دوبواز، نیلسون (۱۳۴۲). *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا.

۲۱۶. دوپلانول، گزاویه (بی‌تا). پژوهشی پیرامون جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه سیروس سهامی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۱۷. دوردی‌یف، مراد (۱۳۷۹). ترکمن‌های جهان، ترجمه امان گلدی ضمیر. تهران: درخت بلورین.
۲۱۸. دولت آبادی، عزیز (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی. تبریز: دانشگاه تبریز.
۲۱۹. دولتی بخشن، عبدالعزیز (۱۳۸۸). نام و نیم نام: فرهنگ نام‌های بلوچی. تهران: پازینه.
۲۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰). لغت نامه، زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲۱. دیاکونوف، ایگور میخائیلوفیچ (۱۳۵۱). اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز. تهران: بهار.
۲۲۲. ————— (۱۳۸۳). تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.
۲۲۳. دینوری، احمد بن داود (۱۳۸۴). اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی، چاپ ششم.
۲۲۴. دیودوروس، سیسیلی (۱۳۸۴). کتابخانه تاریخی (ترجمه کتاب دوم)، ترجمه حمید بیکس و اسماعیل سنگاری. تهران: جامی.
۲۲۵. ذبیحی، مسیح (۱۳۸۶). استرآباد نامه (سه سفرنامه، وقف نامه و سرگذشت). تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
۲۲۶. ————— (۱۳۶۳). گرگان نامه. تهران: بابک.
۲۲۷. ذهبی، شمس الدین (بی‌تا). تاریخ الاسلام ذهبی (سال‌های ۴۹۰-۴۸۱ و سال‌های ۵۴۰-۵۲۱). بیروت: دارالكتاب العربي.
۲۲۸. ————— (بی‌تا). المشتبه فی الرجال اسمائهم و انسابهم. تحقيق البعاوی. بی‌تا.

۲۲۹. رئیسی، گل بار (۱۳۷۷). فرزانگان مازندران. ساری: ارشاد اسلامی.
۲۳۰. رئیسی، محمد (۱۳۸۶). خاطرات. گرگان: پیک ریحان.
۲۳۱. رابینو، هیاستن لویی (۱۳۸۳). مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۲۳۲. راقم سمرقندی، فیرسید شریف (۱۳۸۰). تاریخ راقم، به کوشش منوچهر ستوده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۲۳۳. راهجیری، علی (۱۳۸۵). خوشنویسان ایران. تهران: فرهنگ مکتوب.
۲۳۴. رجائی علوی، سهیلا (۱۳۸۹). کتبه‌های اسلامی گرگان و دشت. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲۳۵. رجائی، رحمت الله (۱۳۸۸). گلستانه. گرگان: پیک ریحان.
۲۳۶. رزم آرا، علی (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران (گرگان و دریای خزر). تهران: سازمان جغرافیایی کشور.
۲۳۷. ——— (۱۳۲۹). فرهنگ جغرافیایی ایران (استان دوم). تهران: سازمان جغرافیایی کشور، جلد سوم.
۲۳۸. رستم الحکما، محمد هاشم (۱۳۸۸). رستم التواریخ، تصحیح میرزا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
۲۳۹. رشیدالدین فضل الله همدانی (۱۳۸۸). تاریخ مبارک غازانی، تصحیح کارل یان. آبادان: نشر پرسش.
۲۴۰. رضاشاه پهلوی (۱۳۹۰). سفرهای رضاشاه پهلوی به خوزستان و مازندران، به کوشش هارون و هومن. تهران: کوله پشتی، چاپ سوم.
۲۴۱. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۳). فرهنگ ۳۰۰۰ تن از بزرگان و ناموران ایران. تهران: اقبال.
۲۴۲. رضی، هاشم (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان. تهران: سخن، ۵ جلد.

۲۴۳. رواسانی، شاپور (۱۳۶۴). دولت و حکومت در ایران. تهران: شمع.
۲۴۴. روستایی، محسن (۱۳۸۲). تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت اسناد. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲ جلد.
۲۴۵. روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
۲۴۶. ریاحی، وحید (۱۳۸۴). سیمای تازه گلستان (ویژگی‌های جغرافیایی - تاریخی). گرگان: مختوم قلی.
۲۴۷. زامباور، ادوارد ریتر (۱۳۵۶). نسب نامه خلفا و شهرباران، تصحیح محمد جواد مشکور. تهران: خیام.
۲۴۸. زاهدی، پروین (۱۳۸۱). وجه تسمیه واژه‌های جغرافیایی. کرمانشاه: طاق بستان.
۲۴۹. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۷). تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه. تهران: امیرکبیر.
۲۵۰. زمانی، علی (۱۳۷۱). شعرای مازندران و گرگان. تهران: بی‌نا.
۲۵۱. زنده دل، حسن (۱۳۷۹). استان گلستان. تهران: ایرانگردان.
۲۵۲. زندی، مریم (۱۳۸۵). ایران، گل محبوب من. تهران: نشر نظر.
۲۵۳. زنگنه، ابراهیم و غلامرضا جلالی (۱۳۸۷). مشاهیر مدفون در حرم رضوی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۴ جلد.
۲۵۴. سارای، محمد (۱۳۷۸). ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ترجمه قدیروردی رجائی. تهران: مترجم.
۲۵۵. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۷۰). فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۵۶. ————— (۱۳۸۲). فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد دوم.

۲۵۷. (۱۳۸۲). **فرهنگ جغرافیایی کوههای کشور.** تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد چهارم.
۲۵۸. سایکس، سرپرسی (۱۳۳۰). **سفرنامه سرپرسی سایکس،** ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: رنگین.
۲۵۹. سپهر، محمد تقی. (۱۳۷۷). **تاریخ قاجاریه (ناسخ التواریخ)،** به کوشش جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
۲۶۰. ستایشگر، مهدی (۱۳۷۶). **نام نامه موسیقی ایران زمین.** تهران: اطلاعات، ۳ جلد.
۲۶۱. ستوده، منوچهر (۱۳۷۴). **از آستانه تا استارباد.** تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۸ جلد.
۲۶۲. سدیدالسلطنه، محمد علی (۱۳۶۲). **سفرنامه سدیدالسلطنه، تصحیح احمد اقتداری.** تهران: به نشر.
۲۶۳. سرتیپ پور، جهانگیر (۱۳۷۲). **ریشه یابی واژه‌های گیلکی و وجه تسمیه شهرها و روستاهای گیلان.** تهران: نشر گیلکان.
۲۶۴. سردار اسعد بختیاری، جعفرقلی (۱۳۷۸). **حاطرات سردار اسعد بختیاری،** به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، چاپ دوم.
۲۶۵. سرشار، هومن (۱۳۸۴). **فرزندان استر،** ترجمه مهرناز نصریه. تهران: کارنگ.
۲۶۶. سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۸). **دائرة المعارف سرزمین و مردم استان گلستان.** تهران: علم و زندگی.
۲۶۷. سعیدی، محمد علی (۱۳۶۴). **تاریخ رامیان و فندرسک.** بی جا: مؤلف.
۲۶۸. سلوم، محمد داود (۱۳۸۴). **فرهنگ واژگان اکدی،** ترجمه نادر کریمیان. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲۶۹. سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). **القاب رجال دوره قاجاریه.** تهران: نشر نی.

۲۷۰. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم (۱۴۰۸ق.). الانساب، تحقیق عبدالله عمر البارودی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷۱. سندجی، شکرالله (۱۳۶۶). تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، تصحیح حشمت الله طبیبی. تهران: امیرکبیر.
۲۷۲. سورتیجی، سامان (۱۳۸۱). قلاع باستانی مازندران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۲۷۳. سهام الدوله، یارمحمدخان (۱۳۷۴). سفرنامه‌های سهام الدوله بجنوردی، به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۷۴. سهراب (۱۳۷۶). عجایب الاقالیم السبعه الى نهاية العماره، ترجمه حسین قره‌چانلو. تهران: حوزه هنری.
۲۷۵. سهمی، ابوالقاسم حمزه (۱۳۸۷ق.). تاریخ جرجان. حیدرآباد هند: دائرۃ المعارف عثمانی، چاپ دوم.
۲۷۶. سید سجادی، منصور (۱۳۷۸). نخستین شهرهای فلات ایران. تهران: سمت، ۲ جلد.
۲۷۷. سید عبدالله (۱۳۶۳). گزارش ایران از یک سیاح روسیه، به اهتمام محمد رضا نصیری. تهران، طهوری.
۲۷۸. سیف الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۴). سفرنامه سیف الدوله، تصحیح علی اکبر خدایپرست. تهران: نشر نی.
۲۷۹. سیوری، راجر مروین (۱۳۸۲). تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، ترجمه عباس قلی غفاری فرد و محمد باقر آرام. تهران: امیرکبیر.
۲۸۰. شاکری، رمضان علی (۱۳۸۱). اترک نامه: تاریخ جامع قوچان. تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

۲۸۱. شامی، فضیلت (۱۳۶۷). *تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری*، ترجمه علی اکبر مهدی پور و محمد ثقیقی. شیراز: دانشگاه شیراز.
۲۸۲. شامی، نظام الدین (۱۳۶۳). *ظفرنامه شامی*، به کوشش پناهی سمنانی. تهران: بامداد.
۲۸۳. شایان، عباس (۱۳۳۶). *جغرافیای تاریخی، اقتصادی*. تهران: بی‌نا.
۲۸۴. شجاع شفیعی، محمد مهدی (۱۳۸۶). *تاریخ هزار ساله اسلام در نواحی شمالی ایران*. تهران: نشر اشاره.
۲۸۵. شریف رازی، محمد (۱۳۵۲-۱۳۵۴). *گنجینه دانشمندان*. تهران: اسلامیه، ۸ جلد.
۲۸۶. شریف مرتضی (۱۴۰۵ق.). *رسائل الشریف المرتضی*، به اهتمام مهدی رجایی. قم: منشورات دارالقرآن الکریم.
۲۸۷. شفائی، احمد (۱۳۶۵). *قیام افسران خراسان*. تهران: کتاب سرا.
۲۸۸. شوستری، قاضی نورالله (۱۳۶۳ق.). *مصطفیٰ النواصیب*، ترجمه مرتضی مدرسی چهاردهی. تهران: بی‌نا.
۲۸۹. شوقی، عباس (۱۳۴۱). *دشت گرگان*. تهران: مؤسسه خاور.
۲۹۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم بن احمد (۱۳۷۳). *توضیح الملل* (ترجمه الملل و النحل)، تصحیح محمدرضا جلالی نائینی. تهران: اقبال، چاپ چهارم.
۲۹۱. شهزادی، رستم (۱۳۸۳). *واژه‌نامه پازند*. تهران: فروهر.
۲۹۲. شبیبی، مصطفی کامل (۱۳۵۹). *تشیع و تصوف*، ترجمه علی رضا ذکاوی. تهران: امیرکبیر.
۲۹۳. شبیمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: فرزان روز.

٢٩٤. شیخ صدوق (۱۳۹۸ق). *التوحید*. تهران: مکتبة الصدوق.
- _____. ٢٩٥. *الخصال*. قم: انتشارات اسلامی.
٢٩٦. شیخ طوسی (۱۳۸۰ق). *رجال الطوسي*. نجف: المطبعة الحیدریه.
- _____. ٢٩٧. *(بی تا) الغيبة*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
٢٩٨. _____. ٢٩٨. *(بی تا) الفهرست، تصحیح محمد صادق آل بحرالعلوم*. نجف: المکتبة المرتضویه.
٢٩٩. _____. ٢٩٩. *(بی تا) اختیار معرفة الرجال*، معروف به *رجال الكشی*، با همکاری محمد بن عمر کشی، تصحیح مصطفوی. مشهد: دانشگاه مشهد.
٣٠٠. شیخ علی گیلانی (۱۳۵۲ق). *تاریخ مازندران، تصحیح منوچهر ستوده*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
٣٠١. شیرازی، عبدالبیک (۱۳۶۹ق). *تکملة الاخبار*، به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران.
٣٠٢. شیروانی، زین العابدین (۱۳۸۸ق). *بستان السیاحه*، تصحیح منیزه محمودی. تهران: حقیقت، ۳ جلد.
٣٠٣. شیل، لیدی مری لشونورا (۱۳۶۲ق). *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
٣٠٤. صادقی اصفهانی، محمد صادق (۱۳۷۷ق). *خاتمه شاهد صادق: در ضبط اسماء جغرافیایی، تصحیح میرهاشم بحدث*. تهران: کتابخانه مجلس.
٣٠٥. صادقی، محمد (۱۳۸۵ق). *مشاهیر ادبی مازندران*. مشهد: آهنگ قلم.
٣٠٦. صالحی جزی، مختار (۱۳۸۴ق). *شهر، راز ماندگاری*. گرگان: مؤلف.
٣٠٧. صحابی فرد، فرهاد (۱۳۷۲ق). *جغرافیای تاریخی شهر بندرگز و روستاهای تابعه آن*. بندرگز: مؤلف.

۳۰۸. صدر، سید حسن (۱۴۰۶ق.). *تکملة امل الامل*، تصحیح سید احمد حسینی. قم: مرعشی.
۳۰۹. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۴). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: خاور.
۳۱۰. صفار قمی، ابو جعفر (۱۴۰۴ق.). *بصائر الدرجات*، به کوشش محسن کوچه باگی. قم: مکتبة المرعشی.
۳۱۱. ضیاءپور، جلیل (۱۳۵۲). *مادها و بنیانگذاری نحسین شاهنشاهی در غرب فلات ایران*. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۱۲. طاهری شهاب، محمد (۱۳۳۳). *تاریخ کبودجامگان*. سالنامه کشور ایران. ش. ۳.
۳۱۳. ————— (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات مازندران*. تهران: رسانش، دو جلد.
۳۱۴. طباطبائی، عبدالعزیز (۱۳۷۴). *مکتبة العلامة الحلى*. قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث.
۳۱۵. طبرسی، حسن بن فضل (بی تا). *مکارم الاخلاق*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۳۱۶. طبری، عمادالدین (۱۴۲۲ق.). *بشرة المرتضی لشیعة المرتضی*، تصحیح جواد القیومی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۱۷. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). *تاریخ طبری* (*تاریخ الرسل و الملوك*)، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۶ جلد.
۳۱۸. طلائی، حسن (۱۳۷۴). *باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت).
۳۱۹. ————— (۱۳۸۷). *عصر آهن ایران*. تهران: سمت.

٣٢٠. طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲). *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
٣٢١. ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۲). *تاریخ سرگذشت مسعودی*. تهران: دنیای کتاب.
٣٢٢. عادل، محمد رضا (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع نام‌های شاهنامه*. تهران: نشر صدوق.
٣٢٣. عاقلی، باقر (۱۳۸۰). *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*. تهران: نشر گفتار، ۳ جلد.
٣٢٤. عاملی، زین العابدین علی بن یونس (۱۳۸۴ق.). *صراط المستقیم الى مستحبثى التقديم*، تحقیق محمد باقر بهبودی. تهران: مرتضویه.
٣٢٥. عاملی، شیخ حر (۱۳۸۵ق.). *أمل الامل*، تصحیح سید احمد حسینی. نجف: مطبوعة الاداب.
٣٢٦. عاملی، شیخ حسن (۱۳۹۸ق.). *در المنشور من المؤثر و غير المؤثر*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
٣٢٧. عباسی، قربان علی (۱۳۸۹). *نرگس تپه*. تهران: گنجینه نقش جهان.
٣٢٨. عبدالجبار، قاضی (۱۳۹۳ق.). *فضل الاعزال و طبقات المعتزلة*، تحقیق فؤاد سید. تونس.
٣٢٩. عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶). *مدينه اسلامي*، ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.
٣٣٠. عبدالله یف، فتح الله (۱۳۳۶). *گوشه‌ای از تاریخ ایران*، ترجمه غلامحسین متین. تهران: آفتاب.
٣٣١. عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۸۲). *ترجمه تاریخ یمینی*، تصحیح جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.

۳۳۲. عرب فیروز جایی، لیلا (۱۳۸۹). کا: فرهنگ بازی‌های مازندران. تهران: رسانش.
۳۳۳. عز الدوله، ملگونف (۱۳۶۳). سفرنامه ایران و روسیه، به کوشش محمد گلبن. تهران: دنیای کتاب.
۳۳۴. عسگری خانقاہ، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن. تهران: اساطیر.
۳۳۵. عطاردی، عزیز الله (بی‌تا). مسنـد الـامـام الـکاظـمـ. مشهد: کنگره جهانی امام رضا.
۳۳۶. عقابی، محمد مهدی (۱۳۷۸). بنـاهـی آـرامـگـاهـیـ. تـهرـان: حـوزـهـ هـنـرـیـ، چـاـپـ دـوـمـ.
۳۳۷. علـایـی طـالـقـانـیـ، مـحـمـودـ (۱۳۸۲). ژـئـوـمـوـرـفـوـلـوـزـیـ اـیـرانـ. تـهرـانـ: قـومـسـ، چـاـپـ دـوـمـ.
۳۳۸. عـلـوـیـ، نـجـمـ الدـینـ (۱۳۶۵). الـمـجـدـیـ، تـصـحـیـحـ اـحمدـ مـهـدوـیـ. قـمـ: کـتـابـخـانـهـ آـیـتـ اللـهـ مـرـعـشـیـ.
۳۳۹. عـلـیـیـفـ، اـقـرـارـ (۱۳۸۸). پـادـشاـهـیـ مـاـدـ، تـرـجـمـهـ کـامـبـیـزـ مـیـرـبـهـاءـ. تـهرـانـ: قـقـنـوـسـ.
۳۴۰. عـیـاشـیـ، مـحـمـدـ بـنـ مـسـعـودـ (بـیـ تـاـ). تـفـسـیـرـ الـعـیـاشـیـ. تـهرـانـ: اـنـشـارـاتـ عـلـمـیـهـ اـسـلـامـیـهـ.
۳۴۱. عـیـسـوـیـ، چـارـلـزـ (۱۳۶۲). تـارـیـخـ اـقـتـصـادـیـ اـیـرانـ، تـرـجـمـهـ یـعـقـوبـ آـذـنـدـ. تـهرـانـ: گـستـرهـ.
۳۴۲. غـفارـیـ، قـاضـیـ اـحـمـدـ (۱۳۴۴). تـارـیـخـ جـهـانـ آـرـاـ، بـهـ کـوـشـشـ قـزوـینـیـ. تـهرـانـ: حـافـظـ.
۳۴۳. غـفارـیـ کـاشـانـیـ، اـبـوـالـحـسـنـ (۱۳۶۹). گـلـشـنـ مـرـادـ، بـهـ اـهـتـمـامـ غـلامـرـضاـ طـبـاطـبـایـیـ مـجـدـ. تـهرـانـ: زـرـینـ.

۳۴۴. غیب پور، غلامحسین (۱۳۸۳). شکوفه‌های سرخ فقاہت. گرگان: عشق دانش.
۳۴۵. فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل (۱۳۶۲). تاریخ نیشابور المنتخب من السیاق، تصحیح محمد کاظم المحمودی. قم.
۳۴۶. فانی، کامران و محمد علی سادات (۱۳۸۹). دانشنامه دانش گستر. تهران: دانش گستر روز، ۱۸ جلد.
۳۴۷. فجوری، ستاربردی (۱۳۸۳). مراوه اپنه در آیینه زمان. گرگان: مختوم قلی.
۳۴۸. فخر مدبیر، محمدبن منصور (۱۳۴۶). آداب الحرب و الشجاعة، تصحیح احمد سهیلی. تهران: اقبال.
۳۴۹. فرامکین، گرگوار (۱۳۷۲). باستان‌شناسی در آسیا مرکزی، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۵۰. فرای، ریچارد نیلسون (۱۳۶۵). بخارا: دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی. تهران: علمی و فرهنگی.
۳۵۱. ——— (۱۳۶۳). تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
۳۵۲. فرجی، عبدالرضا (۱۳۶۶). جغرافیای کامل ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۲ جلد.
۳۵۳. فرخزاد، پوران (۱۳۷۸). دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان: زن از کتبیه تا تاریخ. تهران: زریاب.
۳۵۴. ——— (۱۳۸۱). کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز. تهران: قطره.
۳۵۵. فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۲). پیوند و سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.

۳۵۶. فره وشی، بهرام (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی به پهلوی*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۳۵۷. فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر (سفر زمستانی)*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
۳۵۸. فضائلی، حبیب الله (۱۳۵۰). *اطلس خط*. اصفهان: انجمن آثار اصفهان.
۳۵۹. فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.
۳۶۰. فلسفی، نصرالله (۱۳۴۴). *زندگی شاه عباس اول*. تهران: دانشگاه تهران، ۴ جلد.
۳۶۱. فهیمی، حمید (۱۳۸۱). *فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر*. تهران: سمیرا.
۳۶۲. فیشر، ویلیام بین (۱۳۸۳). *مرزهای ایران*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
۳۶۳. ——— (۱۳۸۴). *مردم ایران*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
۳۶۴. فیض، عباس (۱۳۳۰). *خلاصة المقال في احوال الائمة والآل*. قم: بی‌نا.
۳۶۵. فیلد، هنری (۱۳۴۳). *مردم شناسی*. ترجمه عبدالله فریار. تهران: ابن سینا.
۳۶۶. قائمی، رمضان علی (۱۳۷۹). *جادبه‌های جهانگردی استان گلستان*. تهران: سازمان ایرانگردی و جهانگردی.
۳۶۷. قائمی، کریم الله؛ قائمی، جمشید (۱۳۷۸). *سورم سرا (نگاهی به بالا جاده کردکوی)*. تهران: فکرت.

۳۶۸. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشوایان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۶۹. قدکساز، محمد رضا (۱۳۷۸). وجه تسمیه شهرهای ایران. تهران: گلگشت.
۳۷۰. قرشی، امان الله (۱۳۸۰). آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی. تهران: هرمس.
۳۷۱. قریب، عبدالکریم (۱۳۸۰). پیوست کتاب گرگان. تهران: سحاب.
۳۷۲. ——— (۱۳۶۳). گرگان. تهران: مؤلف.
۳۷۳. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). النقض، تصحیح محدث ارمومی. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۷۴. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاط و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر قائم مقامی، تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
۳۷۵. قفس اوغلی، ابراهیم (۱۳۶۷). تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داود اصفهانیان. تهران: گستره.
۳۷۶. قلقشنده، احمد بن علی (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی ایران در قرن نهم هجری، ترجمه محجوب الزویری. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۷۷. قمی، حسن (۱۳۶۱). تاریخ قم، ترجمه حسن عبدالملک قمی، به کوشش سید جلال الدین تهرانی. تهران: توس.
۳۷۸. قمی، عباس (۱۳۲۷). فوائد الرضویہ فی احوال علماء المذهب الجعفریہ. تهران: مرکزی.
۳۷۹. قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). خلاصۃ التواریخ، تصحیح احسان اشرافی. تهران: دانشگاه تهران.
۳۸۰. قورخانچی، محمد علی (۱۳۶۰). نخبه سیفیه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.

۳۸۱. قهچایی، عنایت الله (بی تا). *مجمع الرجال*. قم: اسماعیلیان.
۳۸۲. کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان (۱۳۸۰).
- فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)، ترجمه کاظم خادمیان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۸۳. کاشانی، حبیب الله (۱۳۷۲). *لباب الالقاب فی القاب الاطیاب*. قم: بی‌نا.
۳۸۴. کاظم زاده، فیروز (۱۳۵۴). *روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴م)*. ترجمه متوجه امیری. تهران: الخبیثی.
۳۸۵. کالج، مالکوم (۱۳۸۸). پارتیان، ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: هیرمند، چاپ چهارم.
۳۸۶. کتاب آبی (گزارش‌های محترمانه وزارت امور خارجه انگلیس) (۱۳۶۲). به کوشش احمد بشیری. تهران: نشر نو، ۸ جلد.
۳۸۷. کرباسچی، غلامرضا (۱۳۷۱). *هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
۳۸۸. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۸). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۲ جلد.
۳۸۹. کریستن سن، آرتور امانوئل (۱۳۸۳). *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تقضی. تهران: نشر چشم، چاپ دوم.
۳۹۰. ——— (۱۳۷۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.
۳۹۱. ——— (۱۳۸۵). *فراسوی دریای خزر*. ترجمه منیژه احذزادگان آهنی، علی آلفونه. تهران: طهوری.
۳۹۲. ——— (۱۳۵۰). *کیانیان*. ترجمه دکتر ذبیح الله صفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۹۳. کلته، ابراهیم (۱۳۷۵). شناخت ایلات و عشایر ترکمن. گنبد کاووس: حاج طلایی.
۳۹۴. کلیفورد، مری لوئیس (۱۳۷۱). سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۹۵. کمونه حسینی، سید عبدالرازاق (۱۳۷۱). آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر، ترجمه عبدالعلی صاحبی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۹۶. کمیسیون یونسکو در ایران (۱۳۴۲-۱۳۴۳). ایرانشهر. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۲ جلد.
۳۹۷. کنت، رولاند گراب (۱۳۸۴). فارسی باستان: دستور زبان، متون، واژه نامه، ترجمه سعید عربیان. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۳۹۸. کندی، مهدی (بی‌تا). نظری به روستاهای مازندران. [ساری]: بی‌نا.
۳۹۹. کوک، جان منیوئل (۱۳۸۳). شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
۴۰۰. کولسینکف، ای. (۱۳۵۵). ایران در آستانه یورش تازیان، ترجمه محمد رفیع یحیایی مازندرانی. تهران: آگاه.
۴۰۱. کیا، صادق (۱۳۳۰). واژه نامه گرگانی. تهران: دانشگاه تهران.
۴۰۲. کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴). پایتخت‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۴۰۳. ——— (۱۳۸۸). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۴۰۴. ——— (۱۳۷۹). معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت.
۴۰۵. ——— (۱۳۶۵). نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰۶. کیهان، مسعود (۱۳۱۱-۱۳۱۰). جغرافیای مفصل ایران. تهران: مطبوعه مجلس، دو جلد.

۴۰۷. گابریل، آلفونس (۱۳۸۷). *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه فتح علی خواجه نوری. تهران: اساطیر.
۴۰۸. ——— (۱۳۸۱). *مارکوپولو در ایران*، ترجمه پرویز رجبی. تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۴۰۹. گدار، آندره و ماکسیم سیرو (۱۳۸۴). *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ چهارم، ۲ جلد.
۴۱۰. گرانتوسکی و دیگران (۱۳۸۶). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: مروارید، چاپ دوم.
۴۱۱. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۸۴). *زین الاخبار*، تصحیح رحیم زاده ملک. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴۱۲. گرشوبیج، ایلیا (۱۳۸۵). *تاریخ ایران دوره هخامنشیان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
۴۱۳. گرگانی از دیروز تا امروز (۱۳۹۰). گرگان: پیک ریحان.
۴۱۴. گرگانی، منصور (۱۳۵۰). *اقتصاد گرگان و دشت*. تهران: صفی علی شاه.
۴۱۵. ——— (۱۳۵۸). *مسئله زمین در ترکمن صحرا*. تهران: بی‌نا.
۴۱۶. گروسه، رنه (۱۳۶۵). *امپراتوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکلده. تهران: علمی و فرهنگی.
۴۱۷. گل محمدی، نظر محمد (۱۳۸۴). *باورهای ژرف* (باورهای ملل و اقوام کناره‌های شرقی و غربی بحر خزر). گرگان: مختوم قلی.
۴۱۸. گلی، امین الله (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها*. تهران: نشر علم.
۴۱۹. گوتشمید، آلفرد فن (۱۳۸۸). *تاریخ ایران و ممالک هم‌جوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: ققنوس، چاپ پنجم.

۴۲۰. گولپینارلی، عبدالباقي (۱۳۷۴). *فهرست متون حروفیه*، ترجمه توفیق سبحانی. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۴۲۱. گیرشمن، رومن (۱۳۸۳). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم.
۴۲۲. لسترنج، گای (۱۳۶۴). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
۴۲۳. لمبتون، آن. ک. (۱۳۶۳). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.
۴۲۴. ——— (۱۳۴۵). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر احمدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۲۵. لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۸۴). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۴۲۶. لوگاشوا، بی‌بی رابعه (۱۳۵۹). *ترکمن‌های ایران*، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحولی. تهران: شباهنگ.
۴۲۷. لوی، حبیب (۱۳۷۶). *تاریخ جامع یهودیان*، بازنوشت هوشنگ ایرامی. لس آنجلس: شرکت کتاب، بنیاد فرهنگی حبیب لوی.
۴۲۸. ماتوی یف، ا.ام. (۱۳۸۶). *تاریخ مبارزات سیاسی اجتماعی در استرآباد (عصر مشروطه)*، ترجمه محمد نایب‌پور. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۴۲۹. مارتین، ونسا (۱۳۸۹). *دوران قاجار: چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران قرن نوزدهم*، ترجمه افسانه منفرد. تهران: کتاب آمه.
۴۳۰. مارکام، کلمنت (۱۳۶۴). *تاریخ ایران در دوره قاجاریه*، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار. تهران: آسمان.
۴۳۱. مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳). *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی. تهران: اطلاعات.

۴۳۲. ——— (۱۳۸۳). ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه میریم میراحمدی. تهران: طهوری.
۴۳۳. ——— (۱۳۶۸). وهرودوارنگ: جستارهایی در جغرافیای اساطیری و تاریخی ایران شرقی، ترجمه داود منشی زاده. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
۴۳۴. مایسا، ایری (۱۳۸۴). سیری در تاریخ ترکمن برگان. مختوم قلی.
۴۳۵. متز، آدام (۱۳۷۷). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علی رضا ذکاوی قراگزلو. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
۴۳۶. مجده، مصطفی (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اجتماعی علویان طبرستان. تهران، رسانش.
۴۳۷. ——— (۱۳۸۶). ظهور و سقوط علویان طبرستان. تهران: رسانش.
۴۳۸. ——— (۱۳۸۷). ظهور و سقوط مرعشیان. تهران: رسانش.
۴۳۹. مجده، ناصر (۱۳۸۹). گاهنامه سدگان. تهران: نشر نی.
۴۴۰. مجمل التواریخ و القصص (۱۳۸۸). تصحیح ملک الشعرای بهار. تهران: دنیای کتاب.
۴۴۱. مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۹). آغاز شهرنشینی در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
۴۴۲. محمد جعفر خان (۱۳۸۹). سفرنامه مازندران، به اهتمام محمد گلبن، احمد شکیب آذر. تهران: کتابخانه مجلس.
۴۴۳. محمدی لیتکوهی، رشید (۱۳۸۶). تاریخ و جغرافیای سرزمین‌های غرب آمل. آمل: وارشوا.
۴۴۴. محمودی، شیخ محمد باقر (۱۴۱۴ق). زفات الثقلین فی ماتم الحسین. قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامية.
۴۴۵. مختارپور، حسن (۱۳۸۳). کشاورزی در استان گلستان. تهران: فکرنو.

۴۴۶. مخلصی، محمد علی (۱۳۷۹). پلهای قدیمی ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۴۴۷. مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴). ریحانة الادب. تهران: خیام، چاپ چهارم، ۸ جلد.
۴۴۸. مددسکایا، یانا (۱۳۸۳). ایران در عصر آهن ۱، ترجمه علی اکبر وحدتی. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
۴۴۹. مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۶۲). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام برنهاد دارن. تهران: نشر گستره.
۴۵۰. ——— (۱۳۶۴). تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح دکتر منوچهر ستوده. تهران: اطلاعات.
۴۵۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۹۰). انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک. تهران: وزارت اطلاعات.
۴۵۲. مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۸۱). تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
۴۵۳. ——— (۱۳۶۲). نزهت القلوب، تصحیح گای لسترنچ. تهران: دنیای کتاب.
۴۵۴. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار، چاپ دوم.
۴۵۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۵۲). مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۲ جلد.
۴۵۶. مشکوتی، نصرت الله (۱۳۴۳). از سلاجقه تا صفویه. تهران: ابن سینا.
۴۵۷. مشکور، محمد جواد (۱۳۶۳). تاریخ ایران زمین. تهران: شرق.

۴۵۸. ——— (۱۳۶۷). *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان*. تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
۴۵۹. ——— (۱۳۷۱). *جغرافیای تاریخی ایران باستان*. تهران: دنیای کتاب.
۴۶۰. مصاحب، غلامحسین (۱۳۵۶). *دائرۃالمعارف فارسی*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و فرانکلین، ۲ جلد.
۴۶۱. معصوم علی شاه، محمد (۱۳۸۲). *طرایق الحقایق، تصحیح محمد جعفر محجوب*. تهران: سنایی، چاپ دوم، ۳ جلد.
۴۶۲. معطوفی، اسدالله (۱۳۷۴). *استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران*. مشهد: درخشش.
۴۶۳. ——— (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه در گرگان*. تهران: حروفیه، ۲ جلد.
۴۶۴. ——— (۱۳۷۶). *اوسانه زندگی*. گرگان: مؤلف.
۴۶۵. ——— (۱۳۸۶). *پیشینه شهر تاریخی جرجان*. گرگان: مختوم قلی.
۴۶۶. ——— (۱۳۸۴). *تاریخچه چهار شهر ترکمن نشین*. گرگان: مختوم قلی.
۴۶۷. ——— (۱۳۷۶). *تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد*. گرگان: پدیده گرگان، چاپ دوم.
۴۶۸. ——— (۱۳۸۷). *دیوار دفاعی و تاریخی گرگان و قلاع آن*. گرگان: مختوم قلی.
۴۶۹. ——— (۱۳۸۸). *سرخن کلاته، زیارت و شاهکوه*. گرگان: مختوم قلی.
۴۷۰. ——— (۱۳۸۵). *سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد*. تهران: حروفیه.

۴۷۱. ————— (۱۳۷۶). ضرب المثل‌ها، کنایات و باورهای مردم گرگان (استرآباد). تهران: ایمان.
۴۷۲. ————— (۱۳۸۸). نوروز در ایران و گرگان. تهران: فروهر.
۴۷۳. معلم حبیب آبادی، محمدعلی (۱۳۴۲). مکارم الآثار. اصفهان: نشر نفایس مخطوطات، ۸ جلد.
۴۷۴. معین‌الممالک، میرزا جواد (۱۳۸۷). از رضاشاه تا محمدرضا پهلوی، تصحیح هوشنگ عامری. تهران: کتاب پارسه.
۴۷۵. معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین. تهران: سی‌کل، ۶ جلد.
۴۷۶. معینی، اسدالله (۱۳۴۴). جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت. تهران: بی‌نا.
۴۷۷. مفرد، محمدعلی (۱۳۸۶). ظهور و سقوط آل زیار. تهران: رسانش.
۴۷۸. مفخم پایان (۱۳۶۲). فرهنگ رودهای ایران. تهران: بی‌نا.
۴۷۹. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی. تهران: چاپ کاویان.
۴۸۰. مقصودلو، حسین قلی (۱۳۶۲). مخابرات استرآباد، تصحیح ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت. تهران: نشر تاریخ ایران، ۲ جلد.
۴۸۱. مقیم، علی (۱۳۸۵). کوهنوردی در ایران. تهران، روزنه، چاپ سوم.
۴۸۲. مکنیزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹). سفرنامه شمال، ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: نشر گستره.
۴۸۳. ملازاده، کاظم (۱۳۷۹). بناهای عام المتفقه. تهران: حوزه هنری.
۴۸۴. ملک شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۷). اطلس باستان‌شناسی ایران. تهران: سمت.
۴۸۵. ————— (۱۳۷۹). آق تپه. گرگان: میراث فرهنگی گلستان.
۴۸۶. ————— (۱۳۸۸). ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

۴۸۷. ملگونف، گریگوری والریانویچ (۱۳۶۴). سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، به کوشش مسعود گلزاری. تهران: دادجو.
۴۸۸. منتجب الدین (۱۳۶۶). الفهرست، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی. تهران: مکتبة الرضویہ.
۴۸۹. منجم، اسحاق بن حسین (۱۳۷۰). آكام المرجان في ذكر المدائن المشهورة في المكان، ترجمه محمد آصف فکرخت. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۹۰. منصوری، فیروز (۱۳۶۶). فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن ۱۰ قمری. تهران: گستره.
۴۹۱. مورگان، ژاک ژان ماری دو (۱۳۳۸-۱۳۳۹). هیئت علمی فرانسه در ایران: مطالعات جغرافیایی، ترجمه کاظم و دیعی. تبریز: چهر، ۲ جلد.
۴۹۲. موریه، جیمز جاستی (۱۳۸۵). سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توسع، ۲ جلد.
۴۹۳. موزر، هنری (۱۳۵۶). سفرنامه ترکستان و ایران، به کوشش محمد گلبن. تهران: سحر.
۴۹۴. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۷۴). دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: جلد اول.
۴۹۵. موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق (۱۳۱۷). تاریخ گیتی گشا، تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.
۴۹۶. موسوی نژاد، مهدی (۱۳۸۸). راهنمای سفر به شمال ایران. تهران: مؤلف.
۴۹۷. مولایی، چنگیز (۱۳۸۴). راهنمای زبان باستان. تهران: مهرنامگ.

۴۹۸. مهاجر، اسماعیل (۱۳۸۴). پرندگان در خطر انقراض و حمایت شده استان گلستان. گرگان: عشق دانش.
۴۹۹. مهجوری، اسماعیل (۱۳۸۱). تاریخ مازندران. تهران: توس، دو جلد.
۵۰۰. _____. (۱۳۵۳). دانشمندان و رجال مازندران، به کوشش هدایت الله مهجوری. تهران: بی‌نا.
۵۰۱. مهرآبادی، میترا (۱۳۷۴). تاریخ سلسله زیارتی. تهران: دنیای کتاب.
۵۰۲. _____. (۱۳۸۴). تاریخ سلسله‌های محلی ایران. تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
۵۰۳. مهریار، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان. اصفهان: فرهنگ مردم، ۲ جلد.
۵۰۴. میراحمدی، مریم (۱۳۶۲). دین و مذهب در عصر صفوی. تهران: امیرکبیر.
۵۰۵. میرجعفری، حسین (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. تهران: سمت، چاپ سوم.
۵۰۶. میرداماد، محمدباقر (۱۳۸۰). جذوات و مواقیت، تصحیح علی اوجبی. تهران: میراث مکتب.
۵۰۷. میردیلمی، سیدضیاء (۱۳۷۳). تاریخ کتول. فاضل آباد: مؤلف.
۵۰۸. میرزا ابراهیم (۲۵۳۵). سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، تصحیح مسعود گلزاری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۵۰۹. میرزاسمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸). تذکرة الملوك، تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
۵۱۰. میرزا عبدالرئوف، میرزا سراج الدین (۱۳۶۹). تحف بخارا، دکتر محمد اسدیان. تهران: بوعلی.
۵۱۱. میرنیا، علی (۱۳۶۲). ایلات و طوایف درگز. مشهد: مؤلف، دو جلد.

۵۱۲. مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۲). *تعليقات بر حدود العالم من المشرق الى المغرب*، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح مریم میراحمدی، غلامرضا ورهرام. تهران: دانشگاه الزهرا.
۵۱۳. ناصری، محمد یوسف (۱۳۶۷). *مطالعات اجمالی خاکشناسی و طبقه‌بندی اراضی مراوه تپه*. تهران: مؤسسه تحقیقات خاک و آب.
۵۱۴. ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲). *تاریخ تبدیلی ایرانیان*، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه، ۴ جلد.
۵۱۵. نجاشی، ابوالعباس (۱۴۰۵ق). *رجال النجاشی*، تصحیح زنجانی. قم: منشورات دارالقرآن الکریم.
۵۱۶. ندیمی، کمال الدین (۱۳۷۸). *پژوهش‌هایی بر فرهنگ و تمدن مردم گلستان*. گرگان: مختوم قلی، جلد اول.
۵۱۷. نسوی، شهاب الدین محمد (۱۳۶۷). *سیرت جلال الدین مینکبرنی*، تصحیح مجتبی مینوی. تهران: علمی و فرهنگی.
۵۱۸. نصرآبادی، میرزا طاهر (۱۳۶۱). *تذکره نصرآبادی*، به اهتمام وحید دستگردی. تهران: فروغی.
۵۱۹. نصر، سید حسین (۱۳۸۲). *صدرالمتألهین شیرازی و حکمت متعالیه*. ترجمه حسین سوزنچی. تهران: سهروزدی.
۵۲۰. نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۱). *فرهنگ واژگان تبری*. تهران: احیاء کتاب، ۵ جلد.
۵۲۱. نصیری فر، حبیب الله (۱۳۸۶). *باکاروان هنرمندان*، تصحیح مریم جواهرمنش. تهران: شباهنگ، ۲ جلد.
۵۲۲. ————— (۱۳۸۶). *سیماهی هنرمندان ایران* (موسیقی، تئاتر و سینما). تهران: دنیای نو، ۹ جلد.
۵۲۳. نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴). *اثر آفرینان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ دوم، ۶ جلد.

۵۲۴. نظری، محمد ابراهیم (۱۳۷۴). سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی کتول. قائم شهر: فدک.
۵۲۵. نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری. تهران: فروغی.
۵۲۶. _____. (۱۳۸۳). مسیحیت در ایران تا صدر اسلام. تهران: اساطیر.
۵۲۷. نگهبان، عزت الله (۲۵۳۶). مارلیک. تهران: اداره کل باستان‌شناسی، مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
۵۲۸. نوابی، میرنظام الدین علیشیر (۱۳۶۳). *مجالین النفائس*. تهران: منوچهری.
۵۲۹. نوبان، مهرالزمان (۱۳۶۵). وجه تسمیه شهرها و روستاهای ایران. تهران: مؤلف.
۵۳۰. نوروززاده چگینی، ناصر (۱۳۷۰). «شهرهای مازندران»، شهرهای ایران، جلد ۴، به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۵۳۱. نوری کرتناکی، نظام الدین (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات مازندران، شامل مورخان، علمای دینی، نویسنده‌گان و شاعران. ساری: بارفه، چاپ دوم.
۵۳۲. نهچیری، عبدالحسین (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی شهرها*. تهران: مدرسه.
۵۳۳. نیولی، گرارد (۱۳۸۵). *جستاری در خاستگاه نام ایران*, ترجمه سید منصور سید سجادی. تهران: اسطوره.
۵۳۴. وامبری، آرمینیوس (۱۳۸۱). *زنگی و سفرهای رامبری*: دنباله سیاحت درویشی دروغین، ترجمه محمد حسین آریا. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۵۳۵. _____. (۱۳۸۷). *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای*

- میانه، ترجمه فتح علی خواجه نوریان. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
۵۳۶. واندنبرگ، لویی (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بنهام. تهران: دانشگاه تهران.
۵۳۷. وخشوری، ابراهیم (۱۳۴۵). گرگان و دشت در ۴۰ سال اخیر و آینده آن. تهران: تهران اکونومیست.
۵۳۸. ودیعی، کاظم (۱۳۴۹). جغرافیای انسانی ایران. تهران، دانشگاه تهران.
۵۳۹. وفایی، شهربانو (۱۳۸۱). سیمای میراث فرهنگی مازندران. تهران: میراث فرهنگی و گردشگری.
۵۴۰. ولادیمیرتسوف، باریس یاکوولیویچ (۱۳۸۳). نظام اجتماعی مغول، ترجمه شیرین بیانی. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۵۴۱. ووستنفلد، هاینریش فردیناند (۱۳۶۰). تقویم تطبیقی ۱۵۰۰ ساله هجری قمری و میلادی. تهران: فرهنگسرای نیاوران.
۵۴۲. وهمون، هارون (۱۳۹۰). ارامنه ایران، بر اساس سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰. بوخوم: آیدا.
۵۴۳. ——— (۱۳۹۰). زرتشتیان ایران، بر اساس سرشماری ۱۳۲۵ تا ۱۳۹۰. بوخوم: آیدا.
۵۴۴. ویسهوفر، ژوزف (۱۳۸۸). تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی، ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: فرزان روز.
۵۴۵. ——— (۱۳۸۷). قیام گثوماته و آغاز پادشاهی داریوش اول، ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: اختران.
۵۴۶. هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵). سفارت نامه خوارزم، تصحیح جمشید کیانفر. تهران: میراث مکتب.
۵۴۷. ——— (۱۳۷۳). فهرست التواریخ، تصحیح دکتر عبدالحسین

نوائی، میرهاشم محدث. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵۴۸. هدایت، شهرام (۱۳۷۹). پادشاهی ماد. تهران: داریته.
 ۵۴۹. ——— (۱۳۷۷). واژه‌های ایرانی در نوشه‌های باستانی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۵۵۰. هدایت، محمود (۱۳۵۳). گلزار جاویدان. تهران: چاپخانه زیبا.
 ۵۵۱. هرتسفلد، ارنست (۱۳۵۴). تاریخ بهاستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: انجمن آثار ملی.
 ۵۵۲. هرودوت (۱۳۸۰). تواریخ، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: افراسیاب.

۵۵۳. هنرمندان گرگان (بی‌تا). گرگان: اداره فرهنگ و هنر.
 ۵۵۴. هوار، کلمان (۱۳۶۸). ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

۵۵۵. هورن، پل (۱۳۵۶). اساس اشتاقاق فارسی، ترجمه جلال خالقی مطلق. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
 ۵۵۶. هوشمند رجبی، فرناز (۱۳۸۶). نام نامه: نام‌های خاص اوستایی. تهران: فروهر.

۵۵۷. هوشنگی، لیلا (۱۳۸۹). تاریخ و عقاید نسطوریان. تهران: بصیرت.
 ۵۵۸. هویان، آندرانیک (۱۳۸۱). ایرانیان ارمنی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۵۵۹. ——— (۱۳۸۳). کلیساهاي مسيحيان در ايران زمين. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

۵۶۰. یاقوت حموی، شهاب الدین (۱۳۸۱). معجم الاباء، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش، دو جلد.

٥٦١. ————— (۱۳۸۳). **معجم البلدان**، ترجمه على نقى منزوى.
تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۳ جلد.
٥٦٢. يزدان پناه، طیار (۱۳۸۵). **تاریخ مازندران باستان**. تهران: نشر
چشمہ، چاپ دوم.
٥٦٣. یزدی، شرف الدین علی (۱۳۳۶). **ظفرنامه**، تصحیح محمد عباسی.
تهران: امیرکبیر.
٥٦٤. یوسف جمالی، محمدکریم (۱۳۷۲). **تشکیل دولت صفوی**. تهران:
امیرکبیر.
٥٦٥. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). **سفرنامه خراسان و سیستان**، ترجمه
قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. تهران: یزدان.

تبرستان

www.tabarestan.info

نمايه‌ها

تبرستان

www.tabarestan.info

- آشور کوچک، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۱، ۲۱۰،
آشور میانه، ۲۱۰،
اق آباد، ۱۳۴
اق امام (امامزاده)، ۱۱۱
آقا میرزا هادی، ۲۴۲
اق بی بی بسیم، ۳۳۲
اق تپه (تپه)، ۳۹
اق چه آغازلی، ۱۳۴
اق قلا، ۱۳۱
۲۳۵
اق قلعه، ۲۷۱، ۲۵۴
آگچاگیل، ۱۳۷
آمان، ۳۰۶
آمل، ۵۳
آمودریا، ۳۷
آمو (رودخانه)، ۴۹
آنا توافق توماج نژاد، ۳۲۷
آنای مراد نژاد، ۱۳۷
آندرس، ۲۲۴
آنے حاجی، ۱۹۲
ابراهیم قفس اوغلو، ۳۸
ابن اثیر، ۲۸۶

۱

- آبسکون، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵
۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۵۱۳، ۲۸۶، ۲۸۷
آبسکون (دریا)، ۴۹، ۵۱، ۵۲
آبشوران، ۱۳۷
آدینه (پرسپولیس)، ۳۰۴
آدینه جان آخوند، ۲۴۰، ۲۱۴
آدینه جان ترکمان، ۱۹۶
آرال، ۳۷
آرخ (روستا)، ۱۹۲، ۱۹۳
آرمینیوس و امبری، ۲۱۷، ۲۵۱
آرنه، ۴۲، ۷۱
آزادشهر، ۱۷۵، ۱۹۴، ۳۱۰، ۳۱۲
آستاراخان، ۳۶
آسیا، ۳۰۵
آسیای میانه، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۱۰۸
آشتیان، ۱۴۸
آشوراده (جزیره)، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۵۸
۹۸، ۲۰۶، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۱، ۱۶۶، ۱۳۳
۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴
۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵
۲۲۶، ۲۲۴، ۲۵۴، ۲۶۷، ۲۸۷
آشوراده (قلعه)، ۹۸، ۹۰۳، ۵۹
آشور بزرگ، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۵

- پهrama، ۲۲۴
 پهروز اخلاقی، ۳۰۳
 پهشهر / اشرف البلاط، ۱۶۷، ۵۶، ۱۶۱، ۱۶۰
 پهلهک، ۲۷۴، ۱۳۴
 پهمن آباد، ۱۶۷
 بی بی رابعه لاگاشووا، ۳۶
 بی بی شیروان، ۱۳۴
 بی بی مریم شرعی، ۳۸
 بیلی کوه (کوه)، ۱۳۴
- ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۰۳، ۱۹۱، ۱۶۶، ۱۴۸، ۱۴۶
 ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳
 ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۲۸۳، ۲۷۴، ۲۶۸، ۲۳۶
 ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۱۷، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۶
 ۳۳۸
- ایرانشهر، ۳۰۹، ۱۸۵
 ایوان آباد، ۱۶۸
 ایوانف، ۲۶۸، ۲۵۸
 ایوان لی خرف دریابیگی، ۲۱۸

ب

- پ**
- پاریس، ۳۰۴، ۵۲
 پاکستان، ۱۰۸
 پامق تپه (تپه)، ۵۶، ۵۸
 پتروویچ، ۲۰۷
 پرویز فرخی، ۲۸۹
 پطرزبورغ، ۲۶۵
 پل داش کفری، ۱۱۹، ۹۵، ۵۹
 پل شاه عباسی نیم مردان، ۱۲۵
 پل قراسو، ۲۴۹
 پلیس راه رامیان، ۱۷۶
 پنج بیکر / بش یوزقا (روسنا)، ۱۹۶، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۰۶، ۲۸۸، ۲۳۹
 پوتامکویی، ۲۱۳، ۲۱۰، ۲۰۹
 پوشچین، ۲۰۹
 پیخی حاجی، ۲۴۲، ۱۹۲
 پیخی شیخ (روسنا)، ۲۴۲
- باب الابواب گیلان، ۵۳
 بابل، ۲۵۹
 بارتولد، ۵۵، ۵۳، ۴۹
 بارفروش، ۲۶۸، ۲۶۲، ۲۵۹
 باکون، ۳۹
 بال قزل، ۱۰۹، ۳۳۴، ۳۳۳
 باوه دین (شهر)، ۱۰۸، ۳۲۸
 بایرام قلیچ یمودی، ۳۲۵
 بایرام محمد کر، ۳۴۲، ۳۴۰
 بایلی تکه، ۲۶۰
 بجنورد، ۱۰۹، ۲۱۸، ۱۰۸، ۳۱۴
 بخاراء، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۰۸
 بر تولد اشپولر، ۵۳
 بصیر آباد، ۱۶۷، ۱۹۳
 بطلمیوس، ۵۳، ۴۹
 بلخان، ۳۶، ۲۵۰، ۲۷۱
 بندر اشکانی، ۵۶
 بندر انزلی، ۱۳۲
 بندر ترکمن (در بیشتر صفحات)
- بندرگز، ۱۷۵، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۷
 ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۴۰
 بنه ایمر، ۲۵۶
- ت**
- تاج محمد آرخی، ۲۸۹
 تاج محمد فاضلی، ۲۸۹

چشمه علی (تپه)، ۷۰، ۵۳، ۴۲، ۴۱، ۳۹
۸۸، ۷۱
چمامیش (تپه)، ۳۹
چفاکند / جفاکنده (روستا)، ۲۴۰
چکشلر، ۲۶۵، ۲۲۱
چلکن، ۲۶۵
چلیکان، ۲۵۲، ۲۰۷
چین، ۳۰۶، ۱۰۸، ۳۶

تاج وردی پیکر، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۵
تاجیکستان، ۳۳۰، ۱۰۸، ۳۶
تپه آل هاشم (تپه)، ۴۸، ۵۸، ۵۷، ۵۳
ترک محله، ۱۷۵
ترکمنستان، ۳۲۶، ۱۰۸، ۳۶
ترکیه، ۳۶
تسن‌هان (چین)، ۳۶
تفرش، ۱۴۸
تمر، ۱۳۵

حاجب‌الدوله، ۲۵۹، ۲۲۹
حاج قلی کمی، ۳۱۱
حاجی آخوند ترکمان، ۲۲۹
حاج یارمحمد آخوند نظری، ۳۱۶
حاجی امان چوگان، ۳۳۹
حاجی توماج، ۳۳۹
حاجی رحیم خان، ۲۵۷
حاجی طرخان، ۳۶
حاجی گلدی خان، ۱۹۲
حاجی لر قلعه، ۱۳۴
حاجی محمد آخوند عابدی کر، ۳۱۵
حاجی محمد ایری، ۳۴۱، ۳۳۶
حاجی محمد قزل، ۳۳۳، ۲۴۰
حاجی محمد میرزا، ۲۰۵
حاجی محمد یلقی، ۲۸۹
حال قلیچ آخوند پردان، ۳۱۳
حبیب ایشان، ۱۳۴
حسن خان، ۵۵، ۲۲۷
حسین خان، ۲۲۸، ۲۲۷
حسین روزبه‌ی، ۱۹۷
حسینقلی (شهر)، ۲۶۵
حصار (تپه)، ۴۱، ۴۰

جاجرم، ۱۴۸
جرجان، ۵۱، ۵۸، ۵۳، ۵۹
جزیره ساری، ۲۱۲، ۲۱۱
جهفرآباد (تپه)، ۳۹
جهفریابی، ۱۰۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴
جهانگیر قائم مقامی، ۴۹
جیحون، ۵۵

چاپاقلی (روستا)، ۱۳۸
چاتلی، ۲۵۸، ۲۶۶
چارلز ادوارد بیت (کلنل)، ۲۳۹

ح

ج

چ

خوجه شرقی، ۳۳۷، ۳۳۶	حمدالله مستوفی، ۵۵
خوجه گلدى قارى، ۳۱۴	حميد كم، ۳۴۲
خ	
خان ببین، ۱۷۶	داريوش مهرجويي، ۳۲۱
خانيكف، ۲۰۸	داشلى، ۱۳۴
خدرآخوند احمدى كلتە، ۳۱۳	دامغان، ۳۱۱
خدر خزین، ۳۲۸	دواووه فتحى، ۳۱۱
خدر خزین، ۳۲۸	دردى طريكت، ۳۴۰، ۳۴۰، ۳۳۵
خدر خوجه، ۳۲۸	درگاه گرگان، ۵۰، ۵۰
خديركان تركمان، ۲۱۹	دۇن، ۴۹
خراسان، ۳۶، ۳۷، ۲۰۹، ۲۰۷، ۱۳۷	دریای مازندران، ۶۲، ۴۹، ۳۷
خراسان، ۲۱۶، ۲۰۹، ۲۰۷، ۱۳۷	دشت ترکمن / ترکمن صحرا، ۳۶، ۳۶
خراسان، ۲۶۲، ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۳۹، ۲۳۱	۳۳۶، ۳۳۱، ۳۲۸، ۳۲۶، ۳۱۴
خراسان جنوبي، ۱۶۷	دشت گرگان، ۱۹۶
خرگوش تپه (تپه)، ۲۷۴، ۷۰	دشتى (مدیر جريدة شفق)، ۲۲۵، ۲۲۴
خسرو شجاع زاده، ۳۱۹	دلیجان، ۱۹۱
خشکه رو دبار / خاصه رو د، ۱۳۴	دلیجه، ۱۴۴، ۱۳۴
خلیج استرآباد، ۲۱۱، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷	دوردى خوجه ايرى، ۲۳۷
خلیج باکو، ۲۱۵	دورن، ۵۱
خلیج گرگان، ۵۶، ۲۲۵، ۲۲۲، ۱۳۴	دوغ (رودخانه)، ۱۳۴
خمبرآباد، ۲۴۴، ۱۹۳	دولا پرادرل، ۳۰۴
خواجه بهاء الدین، ۱۰۸	دولت محمد بال قزل، ۱۰۹
خواجملر (روستا)، ۲۴۵، ۱۹۳، ۱۰۹، ۱۰۸	۳۳۴، ۳۳۴
خواجه نفس (روستا)، ۲۷۶، ۲۳۹، ۵۳، ۵۲	رامينو، ۵۴
خوارزم، ۵۰، ۵۵	رامسر، ۱۹۱، ۱۴۸
خوارزم (کوه)، ۳۶	راميان، ۱۹۴، ۱۷۶، ۱۳۴
خوانسار، ۱۹۱	ربيع بديعى، ۱۹۱، ۳۵
خوجه ايرى، ۲۲۷، ۳۳۶	رحمان پاتيمار، ۳۰۷
خوجه بخشى / خوجه باغشى، ۳۳۸، ۳۳۷	رحمان قليچ يمودى، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۳۵
۳۴۲، ۳۴۱	رحمت الله اونق، ۳۲۲

- سالار معزز، ۲۲۷
 سالار مکرم، ۲۲۸
 ساناز یلقی، ۳۲۲
 سان مارینو، ۱۴۸
 سیزدشت، ۲۵۱
 ستار آرخی، ۳۳۴
 سرپرسی سایکس، ۲۱۷
 سه دار افخم، ۲۶۷، ۲۶۳
 سعدالله خان سالار مقندر، ۲۲۷
 سکاندا (رودخانه)، ۵۳
 سلطان محمد خوارزمشاه، ۵۵
 سلیمان پورقاز، ۳۳۸
 سلیمه کابلی، ۲۸۹
 سنتگدوین، ۲۶۳
 سنگر سواد، ۲۵۶
 سوئد، ۳۰۶، ۱۰۸
 سوچوال، ۲۷۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۳۰
 سوریه، ۱۰۸، ۳۶
 سوکانا / سوکاندا، ۴۹
 سه راهی کلاله، ۱۷۶
 سیچوال (روستا)، ۱۳۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۴
 ۱، ۲۵۰، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۲، ۲۳۸، ۲۳۴، ۲۰۱
 ۳۳۱، ۳۲۹، ۳۰۸، ۲۷۷، ۲۷۵، ۲۷۱، ۲۵۲
 ۳۴۰، ۳۳۹
 سید ابوطالب هرونی، ۲۸۷
 سیروس گل محمدی، ۲۸۹
 سیستان و بلوچستان، ۳۰۸، ۲۸۲
 سیسیل جان ادموندز، ۳۶
 سیف الدوله، ۳۶
 سیلک (تپه)، ۳۹
 سیمین شهر، ۲۸۷، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۳۴
- رحیم خیوه لی، ۳۳۵
 رشت، ۵۳
 رضا دباغ، ۲۸۹
 رضا درخشان، ۲۸۹
 رضا شاه پهلوی، ۲۵۶، ۲۲۶، ۱۶۶
 رضا شاهسونی، ۳۱۰
 رضاقلی خان هدایت، ۵۰
 روبدار محمد (رودخانه)، ۱۳۴
 روسیه، ۳۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱
 ۲۴۶، ۱۹۲، ۱۶۸
 زاس / زاو (رودخانه)، ۱۳۴
 زال تپه (تپه)، ۲۷۴
 زاهدان، ۳۳۱
 زبانه شنی شاکوآ، ۲۱۵
 زرین کمر، ۲۵۳
 زرین گل (رودخانه)، ۱۳۴
 زین العابدین شیروانی، ۳۷

ڙ

- زابل آباد، ۱۳۴
 زابلی محله (روستا)، ۱۶۸، ۱۹۲، ۲۴۶
 زاس / زاو (رودخانه)، ۱۳۴
 زال تپه (تپه)، ۲۷۴
 زاهدان، ۳۳۱
 زبانه شنی شاکوآ، ۲۱۵
 زرین کمر، ۲۵۳
 زرین گل (رودخانه)، ۱۳۴
 زین العابدین شیروانی، ۳۷

ڦ

- ڇان ڇاک دمورگان، ۶۵، ۷۰

س

- ساری، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۲۵، ۲۶۲، ۲۶۳، ۳۰۳
 سالار اشرف، ۲۲۳
 سالار اکرم / امیراکرم، ۲۲۳
 سالار الدوله، ۲۶۲

- | | |
|--|---|
| <p>ش</p> <p>صفا ایشان، ۱۹۲، ۱۹۳
صفر حاجی، ۱۳۴
صوفی شیخ، ۱۳۵
صومعه‌سر، ۱۳۲
صیدآباد (روستا)، ۱۳۸، ۲۴۳</p> <p>ط</p> <p>طبرستان، ۵۰، ۵۲، ۵۵</p> <p>ع</p> <p>عاشور گلدی گرگزی، ۳۴۲
عباس اقبال، ۵۵
عباس قلی خان اشرفی، ۲۰۷
عباس قلی خان سرتیپ، ۲۶۷
عباس محمدی، ۱۹۵
عبدالجبار آخوند میرابی، ۳۱۵، ۳۱۳
عبدالجبار خداوردیان، ۲۸۹
عبدالحليم بستان پیراء، ۳۲۴
عبدالحمید آخوندی، ۳۲۲
عبدالخالق آخوند میرابی، ۳۱۳
عبدالرحمن خزین، ۳۲۷
عبدالرحمن فراخی، ۳۴۰
عبدالصالح پاک، ۲۷۳، ۳۲۵
عبدالغفور خوجه / غفور خوجه، ۲۷۳، ۳۲۹
عبدالله کر، ۲۷۶
عبدالمجید حاجی مرادلو، ۳۰۹
عبدالوهاب آخوند امینی، ۳۱۳
عبدالوهاب پورقاز، ۳۰۷
عراز ایری، ۳۲۲
عراز وردی توماج، ۳۰۸
عراق، ۳۶، ۱۰۸، ۱۰۸
عربستان سعودی، ۱۰۸</p> | <p>شادگان، ۱۹۱
شارل هانری اوگوست شفر، ۵۱
شاه تپه، ۴۱، ۴۲، ۴۸، ۵۸، ۷۱، ۷۳۵</p> <p>شاه تپه شهرستان ترکمن، ۳۹
شاه تپه کوچک، ۴۸، ۵۸
شاه تپه بزرگ، ۳۹
شاہزاده بسطام (کوه)، ۲۵۴
شاه قدم، ۲۶۰
شاه محمد آخوند قراقول، ۳۱۳
شصت کلا، ۱۳۴
شعاع السلطنه، ۲۳۴، ۲۵۹
شمس الدین محمد انصاری دمشقی، ۵۳</p> <p>شورآباد، ۱۹۲، ۲۰۱
شوری، ۶۲
شهرام کرمی، ۳۲۲
شهرک، ۲۵۴، ۲۵۳
شهرکرد، ۱۳۲
شهرک شیلات، ۱۶۷، ۱۷۵
شهرک فرهنگیان، ۱۷۵
شهسوار، ۲۳۲، ۲۳۱
شيخ حمزه، ۲۳۳
شيخ صنعت، ۲۶۲
شيخ على اکبر، ۲۳۳
شيخ غلامحسین، ۲۳۳
شيخ محمد باقر، ۲۶۵
شیرین آکینر، ۳۶</p> <p>ص</p> <p>صاحب بن عباد، ۲۸۷</p> |
|--|---|

- قادیر کر، ۳۴۰
 قارقی، ۳۱۵
 قانجیک خواجه خان، ۱۹۲
 قانقرمه، ۲۷۴، ۱۳۴
 قباد، ۵۳، ۵۱
 قدماگاه خواجه بهاءالدین، ۱۰۸، ۱۰۹
 ۲۴۶
 قدیر بردی، ۳۳۷، ۳۳۶
 قراتپه، ۲۱۹
 قراتیکان، ۳۵۸
 قراسو، ۶۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۴۱
 ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۴
 ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۴
 قربان آخوند اراده‌ای، ۳۱۵
 قربان آخوند اونق، ۳۱۳
 قربان محمد پورقاز، ۳۲۶
 قربان نیاز اتابائی، ۲۴۰
 قرقیزستان، ۱۰۸
 قرناوه (رودخانه)، ۱۳۴
 قره‌بلاغ، ۳۱۶
 قره‌تپه (تپه)، ۴۱، ۸۸، ۱۹۲، ۲۵۱
 ۲۵۲
 قره‌تپه (روستا)، ۲۵۰، ۳۱۵، ۳۱۳، ۲۵۱
 ۳۹
 قره‌تپه شیخ، ۱۹۲
 قره‌جلر، ۱۳۴
 قره‌چای (رودخانه)، ۲۵۵، ۲۲۶
 قره‌سو (بندر)، ۲۵۵، ۲۲۶
 قره‌سو (روستا)، ۱۳۴، ۱۶۷، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۱
 ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۲، ۲۳۸، ۲۳۴، ۲۱۳
 ۲۷۱، ۲۵۹، ۲۵۷، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۰
 ۲۷۷، ۲۷۵
 قره سو / سیاه جوب (رودخانه)، ۵۹، ۳۹، ۶۷، ۶۳، ۹۲، ۹۵، ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸
 عزیزآباد، ۱۳۴
 عشق‌آباد، ۲۵۸، ۲۳۰
 عطاکوسنی، ۳۳۱، ۲۷۲
 عطالر، ۱۳۴
 عظیم‌گل، ۱۹۸، ۱۹۵، ۱۰۹
 علی‌آباد، ۱۳۶، ۱۷۶، ۱۹۴، ۱۹۱
 علی‌اکبرخان، ۲۵۷
 علی‌رجیبی (حجت‌الاسلام)، ۳۱۶
 علی‌رضایلمه، ۳۲۲
 علی‌معمار‌کاشی، ۲۰۵
 عمارت آقا محمد خانی، ۲۶۲
- ## خ
- غفار حاجی، ۱۹۳
 غفور امانیان، ۳۳۵
 غلامحسین مصاحب، ۵۲
 غلامعلی دریانورد، ۱۹۸
- ## ف
- فخرالدوله دیلمی، ۵۴
 فخرالدین اسعد گرانی، ۳۲۳
 فراغی، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۳۲، ۲۰۰، ۲۲۵
 ۳۲۹، ۲۷۸، ۲۷۳، ۲۴۵
 فرانسه، ۳۰۴، ۳۰۳، ۲۲۴
 فرح آباد، ۲۰۴
 فرزانه کهن‌زاده، ۳۲۷
 ۳۲۲
 فرشید کلتنه، ۱۳۴
 فرنگ (رودخانه)، ۳۲۴
 فریده بیک زاده، ۱۶۷
 فندخت، ۱۶۷
- ## ق
- قائی، ۱۶۷

- کامبیز کلته، ۲۸۹
 کانال (رودخانه)، ۱۳۴
 کتول، ۲۶۳
 کچیلان، ۲۷۰، ۲۴۹
 کربلائی محمد خان داروغه، ۲۵۷
 کرج، ۳۱۲
 کردستان، ۱۱۰، ۱۹۹
 کردکوی، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۷۶، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷
 کردمحله، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۵۴
 کریم آخون قاری کر، ۳۱۳
 کریم ایشان، ۱۹۲
 کریم بردی صادقی، ۲۷۳
 کریم پورمیرعلم، ۲۸۹
 کسر (روستا)، ۱۳۴
 کسلخه، ۱۲۴
 کلاتومک میلان اشمیتوف، ۳۰۶
 کلاله، ۱۳۴، ۱۷۶
 کله پست، ۱۹۲
 کملر، ۱۹۳
 کموسر، ۲۵۹، ۲۵۸
 کوت، ۲۰۷
 کوشک هندوان (روستا)، ۱۰۸
 کوی فرمانداری، ۱۷۵
- گ**
 گالیکش، ۱۷۶، ۱۹۴
 گامیشلی نزار، ۶۶۷، ۹۲، ۹۳، ۱۳۴، ۱۹۳
 گرگان، ۳۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶
 گلیچ انوری، ۳۲۲
 قورپلجه، ۱۳۶
 قومولجہ تپه (تپه)، ۲۷۴، ۹۲، ۴۸، ۴۱
- ۲۰۱، ۱۴۴
 ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۳۶
 ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۵۵
 قره سوینلی، ۲۳۸
 قره صحنه علیا، ۱۳۴
 قره قاشلی (روستا)، ۱۱۱، ۱۰۲، ۹۵، ۵۹
 ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۵، ۱۹۲، ۲۷۱، ۱۱۹
 ۳۳۶، ۳۳۳
 قره یسر (روستا)، ۱۳۴
 قراق پانگ، ۳۳۷
 قراق پنچ، ۳۴۲
 قراقتستان، ۱۰۸، ۳۶
 قراقلى، ۱۳۴
 قراق محله، ۱۶۷، ۱۷۵
 قزل آلان (روستا)، ۱۹۲
 قزل شیوار، ۲۲۵
 قلعه پلنگان، ۲۲۵، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳
 قلعه جیق، ۱۹۲، ۱۳۳
 قلعه سرتک، ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۰۵، ۲۰۴
 قلعه صفوى، ۲۰۷
 قلعه ماران (کوه)، ۲۵۲، ۲۴۶، ۲۳۶، ۲۰۱
 قلمس، ۱۹۲
 قلندر آیش، ۱۳۴
 قله دماوند، ۱۳۶
 قلی تپه (رودخانه)، ۱۳۴
 گ

- کاسپیا، ۴۹
 کاشغری، ۳۷
 کال آجی (رودخانه)، ۱۳۴
 کالیفربیا، ۳۰۸

- گیان (تپه)، ۳۹
گیلان، ۲۳۰، ۲۲۱، ۱۶۷، ۵۴، ۵۳
- ل**
لارستان، ۳۷
لاریجان، ۲۵۹
لاله‌بند (رودخانه)، ۱۳۳
لبنان، ۳۶^{استان}
لسترنج، ۴۹
لسترنج، ۴۹
لندن، ۳۱۸
لوات، ۲۰۷
لواء‌الملك، ۲۵۶
لویی واندنبیرگ، ۳۹
لیانا‌زاوف، ۲۴۹
لیختن اشتاین (کشور)، ۱۴۸
لیکورن، ۲۱۸
- م**
مارال صیادچی، ۳۴۲
مارس (رودخانه)، ۱۳۴
مارسی (فرانسه)، ۳۰۵، ۳۰۴
مارلیک (تپه)، ۳۹
ماوراء‌النهر، ۳۸
مايسا ايري، ۳۲۳
مايك كاتبرت، ۳۰۶
مجيد‌آونق، ۲۴۰، ۲۰۶
مجيد‌توماج، ۳۳۹
 محلات، ۱۴۸
 محله‌گمرک، ۱۷۵
محمدآباد شمالی (روستا)، ۲۷۸
محمد آريان فر، ۳۲۳
محمد آلق، ۱۳۴
- ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۷، ۳۰۳، ۲۵۸، ۲۵۳، ۲۵۱
۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۱۶، ۳۱۲، ۳۱۱
۳۳۴، ۳۳۳، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷
۳۳۸
- گرگان‌رود، ۱۳۳، ۱۳۴
گرگان (رودخانه)، ۳۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۴
۲۵۴، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۰۰، ۱۳۵، ۱۳۴
۲۵۶
- گرمابدشت، ۱۳۴
گریگرايف، ۲۶۸
گز (رودخانه)، ۲۵۴
گل دشت، ۱۹۲
گلستان (استان)، ۱۳۱، ۱۲۵، ۹۹، ۳۹، ۳۶
۱۹۴، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۶۶، ۱۴۸، ۱۳۲
۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۷، ۳۰۰، ۲۸۶، ۲۸۴، ۲۸۱
۳۲۹، ۳۲۵، ۳۲۳، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۵، ۳۱۱
۳۳۸، ۳۳۳، ۳۳۱
- گلواه، ۱۴۸
گمیشان، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۸۳، ۱۶۶
۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۸۹، ۱۴۸، ۱۳۳
۲۸۵، ۲۸۵، ۲۸۳، ۲۸۲، ۱۹۷، ۱۹۶
۳۲۲، ۳۲۳، ۲۸۷
- گمیش تپه، ۵۳، ۱۴۲، ۱۷۶، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱
۲۸۷، ۱۹۵
گنبد قابوس، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰
۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۶
- گنبد کاووس، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۱۳۴، ۱۶۶
۳۳۶، ۳۳۴، ۳۲۸، ۳۲۴، ۳۰۷، ۱۹۴، ۱۷۶
- گورستان سفید چاه، ۱۱۱
گوستاو لوبن، ۲۲۴، ۲۲۵
گوكلان، ۲۶۰
گوگچلي، ۱۹۲
گومش تپه (تپه)، ۵۱

- مستوفی قزوینی، ۴۹
 مسعود خوش نیا، ۳۱۰
 مسلم آخوند ایری، ۳۱۴
 مسلم قاری ایری، ۳۱۵
 مسیو بهلر، ۲۲۱
 مسیو شوستر، ۲۶۳
 مشهد، ۳۲۷، ۳۲۵، ۳۲۳
 مشهدسیر، ۲۶۵، ۲۶۶
 مشهد قلی قول، ۲۷۲، ۲۷۳
 معروفی بلخی، ۲۷
 معززالسلطان کارگزار، ۲۶۸
 معصومزاده آرق، ۲۷۴
 مقدسی، ۵۱
 ملا عراز حاجی، ۲۴۳
 ملا قلعه، ۲۵۲
 ملاکیله، ۲۲۷، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۵۷
 منصور تهرانی / سید منصور قبله تهرانی، ۳۱۷
 منقشlag / منقشلاق، ۳۶
 منوچهر ستوده، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۰۲، ۲۰۲
 منوچهر متکی، ۱۹۵
 موراوی یف، ۵۲
 موسی فخر روحانی، ۱۹۵
 مهدی هخامنشی، ۲۸۹
 میان کاله (شبہ جزیره)، ۴۹، ۵۶، ۹۸، ۹۳، ۱۳۳
 میان کاله (قلعه)، ۲۰۷
 میرزا ابراهیم، ۲۱۸
 میرزا جعفر خان، ۲۴۱
 میرزا جعفر خان، ۲۶۸
 میرزا جعفر خان منشی، ۲۶۷
 محمدبابا سلماسی، ۱۰۸
 محمدباقر داودی، ۱۹۵
 محمدجان گوکلانی، ۳۳۶
 محمدجواد نظری مهر، ۱۹۵
 محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، ۵۵
 ۲۰۴، ۲۰۳
 محمدحسین اونق، ۳۳۶
 محمدعلی میرزا، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۲۹، ۲۵۸
 ۲۶۷، ۲۵۹
 محمد عنایت ثانی، ۳۳۱
 محمدقاسم کیا، ۱۹۵
 محمدقلی حاجی ایری، ۱۹۵
 محمد مقامی نیا، ۳۱۲
 محمدنصرت پور، ۲۸۹
 محمدی، ۱۶۷، ۱۶۵
 محمد یوسف کر، ۳۴۱
 محمودآقا، ۲۶۵، ۲۶۳
 محمود کر، ۳۲۲
 محوطه پایین کیله، ۴۸، ۵۸، ۲۷۳
 مختوم (طايفه)، ۱۶۷
 مختوم قلی فراغی، ۱۲۵، ۱۹۳، ۳۱۲
 مختوم قلی فراغی، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱
 ۳۳۴، ۳۳۳
 مداح امیر عبدالملک بن نوح سامانی، ۳۷
 مراد آخوند طریک، ۳۱۳
 مراد ایری، ۳۲۲
 مراده، ۱۷۶، ۱۹۴
 مراوه، ۲۵۸، ۱۶۶
 مرتاجمعه، ۲۲۲
 مرتاجنقور، ۲۲۲
 مرتقزل شیوار، ۲۲۲
 مرداب انزلی، ۲۱۶
 مرداب میانه اشرف، ۲۰۴

میرزارضای کلهر، ۲۲۳
 میرعماد، ۲۲۳
 میر محله، ۱۳۳
 مینودشت، ۱۹۴، ۱۷۶، ۱۶۶

ه

هاشم‌نی (روستا)، ۲۷۶
 هرات، ۵۲
 هندوستان، ۱۶۸، ۳۰۶، ۳۰۷
 هوشنج درویش پون، ۳۱۹
 هیرکانیا، ۵۳، ۴۸

ن

ناییر، ۲۰۷
 نارچی (کوه)، ۱۳۴
 ناردالی، ۱۹۳، ۱۹۲
 نازم‌محمد ولی پور، ۱۹۵
 ناصرالدین شاه، ۲۰۷، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳
 ناصر شهری، ۳۳۰
 نایب‌الصدر شیرازی، ۲۲۱
 نایین، ۱۴۸
 نجاتی، ۵۱
 نرگین، ۲۱۵
 نطنز، ۱۴۸
 نظرلی محجوی، ۳۴۲
 نفتلیجه (روستا)، ۱۹۲
 نکا (رودخانه)، ۱۱۱
 نواب امیرزاده مهدی قلی میرزا، ۵۱
 نواب والا، ۲۶۲
 نوده حاجی شریف، ۱۳۳
 نوربیکه باغانی، ۳۲۴
 نورجان آخوند قاری، ۳۱۵
 نور محمد قزل، ۳۳۴
 نوکنده، ۱۹۵
 نیاز آباد، ۱۳۴، ۱۳۸، ۲۷۵
 نیل‌کوه، ۲۴۵

ی

یاخ سین تپه / آق‌سین تپه (روستا)، ۳۴۳
 ۲۲۳، ۲۲۲
 یاخ سین تپه (تپه)، ۲۲۲، ۵۸، ۴۸، ۴۱
 یاریم تپه (تپه)، ۴۲، ۳۹
 یاساقلق، ۱۳۴
 یاقوت حموی، ۲۸۶، ۵۰
 یحیی (تپه)، ۳۹
 یکشمش قلی کر، ۳۴۱
 یکه مازو، ۲۲۳، ۲۲۸
 یل چشم، ۱۳۴
 یموت، ۱۰۹، ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۰۹، ۲۲۹، ۲۵۸
 ۲۶۰، ۲۷۷
 یموت جعفری، ۲۰۰، ۱۰۸
 یموت لر (روستا)، ۳۴۲
 یوخر باخا، ۲۷۴
 یوسف بسنجدیه، ۱۹۵
 یوسف سقالی، ۳۲۹، ۲۷۳
 یوسقا (تپه)، ۱۰۹
 یولمه سالیان، ۱۳۴

و

وصی زکریا، ۳۶

شیرنامه‌های استان گلستان ۴ /



تبرستان

www.tabarestan...

شهرستان ترکمن به مرکزیت بندرترکمن حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت و در سال ۱۳۸۹ ۶۶۵۳۱ نفر جمعیت داشته است. در روز ۲ شهریور ماه ۱۳۵۸، نام آن از بندیر شاه به «بندر ترکمن» تغییر یافتند است. این شهرستان ۷۰۰ سال قدمت دارد و از آغاز مهم آن می‌توان به شاه تبه، قلعه تاریخی آشوراده (تپه‌قلمه مثلثی شکل ایران)، امامزاده آق امام، قدمگاه خواجه بهاءالدین و دهستان شاهپور اشاره کرد. شهر بندر ترکمن در روز ۳ آبان ۱۳۰۷ ساخته شده و شهرستان بندر ترکمن نیز در روز ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ تأسیس گردیده است.



میری سفیر

ISBN 9788223011432